

c

4126906

131

Hajmī'a (collection)

(Magic, cabalistic, interpretation of dreams, etc.).

131

orig

009
archiv
22/11/27
W. l.

۵
یا قاضی

بسم الله الرحمن الرحيم و بسم الله الرحمن الرحيم

هر کس که این اسماء عظام را با غرار و اعتبار با خود بدارد
و بمواظبت بخواند برکت آن تجارب و غایب ضایع و
درایع الهی مشاهده نماید و اگر از غیب بر وی کشف گردد
چنانکه بر مخلوقات پوشیده نمائند و شرح خاصیه و این نامها
اکثر من آن تعد و تحصى است و طالب این دعوات احباب

۲
آیات بسیار و فقیه فخرالدین ابوالکلام علیه الرحمه مدینه
در بغداد مجاور بود و طلب این اسماء میکرد و شرح و خاصیت این

اسماء است بعد از طلب بسیار و اعداد و انتظارات این شرح و اسماء از

حضرت شیخ شهاب الدین یافت و بجانب فارس آورد شرح

این بود و فقیه فخرالدین ابوالکلام بعد از آنکه کرد تا هر یک از اهل

عجم از آن بهره در نوشتند و جمله خلق این اسماء آوردند شرح این علوه

گفته است تا که هر اسم را مخصوص شرح نموده تا خواننده فایده بسیار یابند

و قایل و کاتب و موقوف بر این دعا و خیر یاد آورند که موجب اجابت

و تعظیم و تکریم بکاهن و تاجران و در جهان حاصل گردد **فایده** **اسماء اول**

آفت که چون نزدیک بادشاه رود همفده بار بخواند بکاهن

در دل آن بادشاه مهر و محبت انفس بی اختیار پیدا شود و هر

بچیده باشد و همین سبیل پیش هر زری بکند و اگر این اسم
 بسیار بخواند دل وی چنان روشن شود که رازهای غیب کشف
 کرد و کارهای مشکل بر وی آسان گردد و شرک از دل برود و اگر
 امیدی بیک دارد بجهت دنیاوی روزی بکشد که روز آفتاب است
 به نیت آنرا دست و چهار بار بخواند آن مراد بقدر فضل الهی بشکست
 اگر مطلوب کسش باشد غسل کند و جامه پاک در پوشد و صد
 و بیست یکبار بر ضربی خوردنی خواند و یا بنویسد و بخوردن او
 دهد و خیال روی آفتاب و مطیع وی شود و باید که درست و صدق
 بخواند تا مراد حاصل شود **اسم اول است** سُبْحَانَكَ يَا كَلَّاهُ
 اَلَا اَنْتَ يَا رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَارِثُهُ وَلاَ يُدْرِكُ لَحمُ سُبْحَانَكَ
خاصیت اسم دوم است اگر کسی بگوید و در نظر خلق حقیر

و یا بگوید

ولی اعتبار باشد تا بست روز هر روز پانزده بار بخواند

در نظر مردم عزیز شود و دست فراخ گردد و هر که او را ببندد دست

وی گردد و بفرمان خدای عزوجل **اسم دوم نیت** یا الله الالهة

الرفیع جلالة **حاجت اسم نیت** که روز جمعه وقت نماز طهارت

کند و جامه پاک بپوشد و مسجد جامع رود و بعد از نماز دولت

ببخواند با خلاص دل اگر خواهد آفتاب برآورد و باد و برق

برآید و زمین بشکافد تواند اعتقاد درست باید **اسم نیت**

یا الله المحمود فی کلّ فعّالیه **حاجت اسم چهارم نیت**

که اگر کسی قاهر و متغوی و متکبر مردم آزار باشد و خواهد که آن

قدر روی شکسته شود و رجم و مهربان گردد و او را از این حال

خبر نباشد باید که این اسم را بر هر بر سفید بنویسد و شک در عنوان

بنام مردی و بنام مادر وی و در مقام وی پنهان بکنند طای
 پاک که هیچ بیدری نباشد و اگر چه هم ملک باشد و آن قدر
 و تحت دیگر روی شکسته شود و همچنان باز آید چنانکه از
 شرم مردم در کس بگردد و سخن دشوار گوید و اگر کسی را دوست
 میدارد و مطلوب هیچ ملتفت طالب نشود و با وی نمی آمزد
 باید که هر روز روزه دارد و هر روز با نصد بار این اسم بخواند بعد
 از سه روز که هر روز با نصد بار خوانده باشد بر خیزد و بکام رود
 و روی بعباید و غسل بکند و چون بیرون آید بکف دست
 رست بنویسد بیک وز عفران زود باشد که مطلوب از هر
 طالب دنیوانه بشود و در همه عالم بر روی او بنشیند و جهان از برای
 او خواهد و اگر این اسم از کف دست خود بنویسد هم باشد که از

عشق وی رنجور گردد **اسم چهارم نیت** یا رَحْمَنُ كُلِّ شَيْءٍ

وَرَحْمَتُهُ **خاصیت** **اسم پنجم نیت** که اگر کسی رنجور و ناتوان باشد

در رخ وی ظاهر نباشد و اطباء از مسالجه او عاجز آیند و هیچ دردی

اشترکند این اسم را بر کانه چینه نوید مشک در غفران و

نجات و مصلحت و عرق کل بدان رنجور دهد تا بخورد البته شفا یابد

بفرمان عزوجل و دیگر بار رنجور نشود و بسیار خواند صدق دل

برکت و برپیداند **اسم پنجم نیت** یا حَيُّ حَسْبُكَ حَيِّ فِي

دَمُوعِهِ مُلْكُهُ وَ بَقَائِهِ **خاصیت** **اسم ششم نیت**

اگر شخصی را طبعت نباشد و لک باشد و هیچ یاد نتواند گرفت و

هر چه یاد گرفته باشد فراموش شود و هبل رو نیست و هفت بار

بعد از نماز صبح بخواند دل او سدا روشن شود و چیزی یاد کرد و از

و بنور عالم روحانی از جمع ارجح مترسد و به ایشان آشنا شود
و اینان با اوالش کزیر و ایشان دعوت اجابت کنند
و دیگر بار و عابر ایشان و تواضع بسیار نمایند و چون نشود خرد
و دست بر سینه دهند و بگویند چنانکه مرا غیرو کرامی کردید خداستعالی
شمارا غیرو کرامی دارد و اکنون نشان باید میان ما و شما دانست
حاجت شمارا طلب دارم و آن حاجت که مرا باشد روا کنید
اینان گویند حاجت به نشان ثبت ما خود سائیم او دیگر مسافت
کنند که عرض من نشان است تا دیگر بار مرا حاجت بدعوت باشد
ایشان چون نام دعوت بشنوند ز مهری بوی دهند که رنگ او
چون برف سفید باشد و خطی سبز و سیاه بر این نوشته باشد
باید که بوسه دهد و بر سر نهند و بر چشم مالند و گویند که این خاطر را
آورد

۹
آموزند این نامهای نوی آموزند شرح و خاصیت آن
باوی گویند حاجت نشان نیست با خود بیاوریم که چون گاه دارد
و باید که نظر حجب و حایل بر آن نیفتد پس بگوید که رحمت
کشیدید اکنون سلامت بروید تا وقت که شمار اطلب کنم
باید که بوی خوش در آتش نهاده باشد تا دوستی جاوید ماند
و وقت حاجت هفت بار این اسم بخواند که ایشان حاضر شوند
و مراد او بر می آید بیاورد که هفت دعوت وقت پاک و صفای
باشد تا در محلط نیفتد که این اسم نهایت عظیم و معتبر است
و اسد اعلم اسم سیزدهم **نیت** باز آری الطاهر من کل
بقدرسه باز آری **خاصیت** اسم چهاردهم **نیت** که اگر
امید یک دار و یا در کاوی و قضیه فرو ماند و تدبیر آن نتواند

کردن این اسم را بعد و چهل بخواند چون او در آن سخن
گوید مراد او را بدو بخان شود که خاک در دست او ز
شود و در روز قیامت اولیا و انبیا اصرام می کنند و
در خط خالق و خلایق غریب و مکرّم باشد و هر کار که صدق کش
که بر او از خدا تعالی بیاید اگر علم داند و رود و بگوید تا وقت
نیک اطلاع سعد و فقر در روح دلو باشد این اسم را بر کاغذ
خطی بر حروف نقش کند و در محوم که بود در کوزه آب
اندازد و آن آب را در خانه میریزد اما البته باید که اطلاع سعد
باشد که اگر مثل روشنائی پیدا شود بفروان خدا تعالی **اس**

و در میان سخن او بشنوند و کار او را آید و آنکه میگوید دارد و اما تمام میگوید که در این اسم را بر کاغذ خطی بر حروف نقش کند و در محوم که بود در کوزه آب اندازد و آن آب را در خانه میریزد اما البته باید که اطلاع سعد باشد که اگر مثل روشنائی پیدا شود بفروان خدا تعالی

بهار و هم نیت یا کافی الموسع یا خالق مر غطا یا
فضل یا کافی **فاصیت اسم این نیت** که اگر در

ظالمی

ظالمی یا جستی گرفتار و در بند شده باشد سخت و بهج تدبیر گات

جلد من ممکن نباشد باید که این اسم را بسیار بخواند چنانکه

از هزار و دویست و نود و پنج کند این اسم را سبح اعظم

خوانند و بگفت این اسم از آن بند و زندان ظالم خلاص

یابد و اگر روز سازد و بسیار خواند آن ظالم ملک و قمار کرد

و آن زندان خراب شود و لغویان خداستغالی و شاید که از حال

وی انگس که او را و زندان کرده باشد البته خبری در دست

وی افتد و هر کس که از این ادم و نبات و حیوان این اسم را بسیار

خواند حضرت سید المرسلین با منی از اینها البته در جواب میدهند

و در جهاد و لیا باید و باید که در خواندن اسم ظاهر و باطن

و نماز و روزه کمال و در دست و دل بسیار و این است

که گفته شد باز خواند از ماصدق خودش باشد و قصد خود

میکند و کور خود میکند و اگر بار خیمه داند نه از صدق خلق پس

گیرد و میرد و بدو روح رود و بخود ببالد منها **این اسم اعظم است**

بَانِقِيَّاتٍ مِنْ كُلِّ جَوْدٍ اِيْرَضُوْهُم بِخَالِطِ عَمَالٍ مَا تَقِيْ

خاصیت اسم اعظم است که اگر کسی را دست چشم

و دل در میان بسته چنانچه هیچ کار از روی نیاید و فریاد

و سر کردن باشد و در چشم مردم حقیر نماید ولی اعتبار و روی

هر چه کند بر نیاید و خواهد که سه انجام کار او نیک شود و مراد

رسد و بکس از کار روی بر خیزد و مستعد گردد باید که چهار روز و عو

این اسم نماید و گوشت حیوانی نخورد و اگر چیزی بخته خواهد

برنج بر دشمن کند نیز و ملک بسیار بداند کند تا لسان

در آن غالب نشود و بجز از ثبات هیچ نخورد و اندک

11 خورد و چندانکه پیش از زمان نخورد و اگر شیرینی خواهد

بود نیز طایفی با عرق کلی خورد و این چهل روز را حلاط با

مردم کنند و در جایی خالی نشیند و اگر میان مردم باشد سخن بگوید

گوید و ندانم این اسم خوانند و کل جهان و دل خود با این اسم

دارد و حاضر وقت باشد تا بیدار شود که هم در اول هفته

علامت عالم غیب ظاهر شود و این علامت بر هفت وجه است

و ما شرح بر هفت مکتوب نماید تا بدانند و ترسد و دعوت

عظمت شود علامت اول آنست که چون سه روز بگذرد

او در شب در روی شنش هزار بار بخواند چقدر روز بگذرد

تا اسم بسیار خوانده باشد همه عالم بخت او سیر نماید و

خود را و جامه خود را سنبه بند چنانکه برک درختان باید که

اندیشه نکند و دغدغه بخورد راه نبرد و همچنان اسم بخواند و

دل خود را راست دارد و قوی دل کند علامت دوم است

که روزی بمقام دوتن بوی رسند خواه در خلا و خواه در ملا و در

بگویند ای پسر آدم چه غرض داری و مقصود تو چیست و این

دعوت از هر چه میکنی رخصت و بکار دنیا مشغول باشی تا خلا

تو نرسد و از عهد کونه ترا الهوت کند باید که هیچ جواب نگوید و

این اسم بلند تر خواند که ایشان از چشم تو نهان شود باید که دل قوی

دارد و ترسد که صفت بوی رسد اما اگر برسد ملک باشد

علامت سوم است که روزی سیزدهم بخانه خالی رود و مشغول

دعوت گردد و ترسد باشد که چه حال واقع گردد تا گاه مرغی

سبز بلند که بیاید مانند های و بسراوشیند و پر بروی او

12

زند و بانک کند و نوره زنده هم از آن جنس مرغ بسیار شوند

اما کو حاکم تر از آن باشند و آن مرغان با آنها عظیم کنند و د

عظیم در دل وی پیدا شود باید که نه ترسد و این اسم را با آواز

بلند خواند آن مرغ بر او بر خیزد و در و نیز این مرغان کو حاکم

بروند و بانک عظیم کنند و دشت عظیم در دل وی پیدا شود باید که

دل قوی دارد و که هیچ قدرت بوی ترسد علت چهارم است

که چون روز بختهم این اسم را همان طریقی بخواند بعد از نماز

عصر و خلوت او شش در آید برقع پوشیده بر کمال در میان

و امر و باشد و بر روی راست او خالی باشد و ملای بزرگ

وسط در آن آویخته باشد چنانکه در آن صورت عجب ماند

چون در آید سلام کند باید که بر خیزد و جواب سلام نازیده
 و حشش دارد و هیچ سخن و کاری نکند تا دعوت کسی
 نشود و آن شخص زبانی بر روی نشیند و سخنها گوید باید آواز
 دعوت غافل نباشد و هیچ سخن با وی نکند و او نیز برود و اگر
 با وی سخن در آید دلش بهم ریاید و این اسم را میخواند
 او را در حال بکشد علامت پنجم آنست که از زمین برآید
 و بنفتم هر کسی که پیش آورد منی او دم بر تان و دیوان و ارواح
 ضعیف بدانند که از کجا آمده اند و یکی میروند و ارواح کجای باشند
 و از برای چه آمده اند و در خواست ایشان چیست اما شرط
 آنست که هیچ ازین اظهار نکنند تا دعوت تمام گردد و گفته
 محض الدعوت کرد و علامت ششم آنست که تا از روی زمین

تاریخ جلم در خانه خلوت بنشیند و خط بر لوح و خود در میان

۱۳

خط بنشیند و این اسم بخواند و چون شب در آید حرا بندگان

میدانند و با قتل روغن زیت و روغن یاسمن در آن کتلتا

میوز و باید که هفتده نوبت محل اوجی بر آن قتل خوانند تا

بنج یا هفت شب چنین بگذرد و میوز و بعد از آن چهار شخص بش

خط بر لوح او بداند و گویند ای فرزند آدم بر خیز و از منزل بروی

ای و ازین اندیشه فاسد در گذر و بگو که غرض تو ازین دعوت

چست و چه میخواهی اگر مال میخواهی بدهم و اگر عاشق معشوق

بیایم و اگر دشمن داری بیا که اگر جادویی کرده باشی ماطل

کنم و آنچه مقصودت میباشد و هر شغل و عمارت داری بگو که در آنم

و هر چند ازین نوع سخن گفتند باید که هیچ جواب ندهند تا زمانی

که ایشان گویند دهند که آنچه مراد است بگو چون گویند و این
 عظیم باشد طایفه ارواح همان اسم او را گویند دهند بعد از آن
 بگوی ای افریدگان خداستعالی مرا با شما کار است آنچه مقصود است
 خود بیاید و دیگر اسم منخواند و سخن دیگر بگوید خداوند گویند بر خیز
 ازین خطمراج برون آی باید که از جای خود بجنبید و گرنه از جای
 خود بجنبید و برون آید و در حال او را بکشند و بکشند
 تا روزی که نامگاه غلغله در آن خانه افتد عقلت بهم آید که در
 جهلم باشد آن غلغله پیدا شود خواه روز خواه شب و
 طمطراق در آن خانه افتد و بسیار مشعل و چراغ و شمع در آن خانه
 پیدا شود و مفردین شکر پیدا شود و هر کس سلاح بکشد
 بمرکبی باید که چشم ناخود دارد و این اسم خوانند و عاقل شود

و حاضر وقت باشد هیچ سخن نگویید تا زبان نکند این اسم بصدای

۱۴

خواند که با گاه در میان سلطان بیدار شود و سواری بجایت مهیب

باشد بر سر سوار باشد و ماری عظیم چون تازیانه در دست گرفته

باشد در میان ماه رمضان در حوالی ایستاده باشند دوست مسلم

نهاده و طبعش نثار گرفته باشند او ملک ارداج است و رسم هزار

از پیکار حکم او باشند و هر یک از ایشان لشکری و نمیداشته

باشد چون بداند ما غرر و اکرام بهاب دعوت سلام کنند

باید که بر خیزد و در دست بر سینه نهد و جواب سلام بگوید و قطعا

هیچ سخن دیگر نگویید و این اسم همچنان بخواند یا ملک ارداج سخن

در آید و گوید ای فرزند آدم مقهور تو حیت و جود خواهی گوید

ای ملک الدراج خدای آسمان زمین از تو شنود باد خواجه

بدعت من آمدی و رحمت کشیدی اکنون مراد من آنست
 که مرا بشکر خود نمائی تا هرگاه در هر حال در دین باشند و ملکیت
 دگره از کار من بردارند و بیرون برند و مرا احایب و اطلاقت
 کنند و تو از خزانه خود بهره ده و بپوشته خود را بمن نمائی و از
 احوال و کار من عاقل نباشند و پادشاه مرا بصیبت خود راه
 دهی چون پادشاه سخن تو قبول کند و ملک تو را برادر
 تو شود بسیار عجایب از تو در عالم پیدا شود و نام و هیبت وی
 در عالم فاش گردد و خلق خدای جلله لوی محتاج شوند همچون این
 نصرت یافت بگوید تا ملک الله در احایب بدست خود نصرت
 نامه بنویسد که در وقت حاجت در آید چگونه او را حاضر کند
 و نام امیران و وزیران خود بیاورد و در حکم او کند و نصرت

این

این اسم اعظم این کار تمام شود و چون عهد و معیت رفته باشد
بادشاه جامه خود شریف بوی دهد و او را بکش خود نماید و
از نظر او غائب شود باید که سوره بخواند و سلامت از میان خط
مربع بیرون آید و هر چه خواهد تواند کردن بقدرت خدای عز و جل
و شرح و خاصیت این اسم بسیار است اما آنرا مختصر کردیم و گفتیم تا
آسان باشد و الله اعلم **اسم شانزدهم نیست یا حنان انت**
الذی وسعت کل شیء و رحمته و
علما یا حنان خاصیت این اسم مقدم نیست که اگر
را قرض بسیار شد و هیچ چیزی بوی ندهند چون این اسم بسیار
خوانند اعتبار و اعتماد بر وی کنند و بی منت اعیانهای
وی کنند و در هر حال که شروع کنند فایده و منفعت بآید و

بهر چه روی کند فرصت او را باشد و منع داد و او زیاده
شود اگر دفعی که آفتاب در شرق باشد بنویسد بحروف این
اسم در کاغذ و با خود دارد و هر که محتاج شود و تر و خلایق مستتر
باشد و مال فروان کرد و دشکوه و منصب و عمرش بفرماید
و قوت و روح و جسم او زیاده شود و هر که بیمار شود و اگر
کسی در راه باشد و راه گم کرده باشد نو بار بخواند و راه یابد
و اگر کسی در میان خود گم کرده باشد هر روز و نه بار بخواند

سرو سامان باز یابد ان شاء الله تعالی **اسم تقدیم است**

بِأَمْتَانِ الْأَحْسَانِ قَدْ عَمَّ كُلَّ الْخَلَاءِ يُؤَمِّنُهُ

بِأَمْتَالٍ وَ **فامیت اسم تقدیم است** اگر کسی خری

بدست کسی از در و جواهر و اجناس و بویقتی که خواهد که بسلامت

بماند

باشد دست غیری بدان نرسد و باز بومی رسد باید که

۱۶

این اسم را بر هر کسی که مشک و زعفران نویسد و بر سر آن

و ولایت نهد دست بکانه و درو بدان نرسد و سلامت

باز بخداوند رسد و اگر بر جامه کعبه نویسد مشک و زعفران

بامست در فرزند بگفت این اسم نرسد و نویسد و اگر

سج و اورد و هیچ قدر آن نداند این اسم را با خود دارد و سیدی

از و میرد و اگر کسی بفرمود و نخواهد که نرسد و این اسم

نویسد و در دیوار قفسه نهان کند و قفاطل شود و اگر

کسی بفرمود و این اسم را بر پوست آهو نویسد مشک

و زعفران و در میان رخت نهد از دست و زردی نهان

آن رخت این باشد بگفت این اسم اعظم و اگر بر کلاه

خواندست و یکبار بر روی مال و دست روی کرد و

و در نظر خلایق عظیم مؤثر باشد **اسم نهم** **نیت** **سک**

دَيَّانَ الْعِبَادِ كُلِّ يَوْمٍ خَاضِعًا لِحُجْرَتِهِ وَغَنَّتِهِ

خاصیت اسم نهم **نیت** که اگر کسی غایب باشد و هیچ

کس نشان او ننمید و ننمید اندک که او کجاست این اسم را

چهار بار بنیت آنکس بخواند و هیچ ده رکعت نماز نکند و

و در هر رکعت الحمد یکبار روده بار سوره اخلاص روده بار آیته الکرسی

و چون سلام بازدهد این اسم را بر لبست آهونویسند مشک و

زعفران و در وقت خواب زیر بالین نهند که در آن شب

غایب را در خواب ببید و حال خود و سرانجام خود بخواند

بگوید و هم در آن دم غم کند و باز بوی طن خود آید و هیچ جای آرام

ندارد

نمود تا فرمان خدا تعالی برسد **اسم روز دهم است** یا خا

۱۶ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ إِلَهٍ مَعَاذُهُ يَا خا

خاصیت اسم نهم است اگر کسی خواهد که شجره را از محبت

خود و عشق خود بقیسمه اگر در اندیشه نماید و او نه شکست و نه

مال و نعمت و رفعت نشود و دل آنکس از پرده برون رفته

باشد بخوان و حادودان چهاره او را بخواند این اسم را کاند

خطای تولید نماید و بی و بیام خود و ملک و بر غفران و

حاجت نام ماورای آن نباشد و در کنار آب روان هر روز

بخواند این اسم و آن کاند و آب اندازد که آنکس از

مهر او دیوانه نشود و لا او قرار گیرد و اگر در بند آهنی باشد باشد

بکسلاند و باید و آن آب دریا در هر درخت بکشد و بکشد

این اسم شمره لب یا برید شود صاحب برنج نداند که از کجاست

و هر کس که از آن آب بخورد ایمان و لاهل او تازه گردد و قوت

کند و در وقت بایمان ببرد و اگر هر صبح صد و پنجاه بار بخواند

خلق مطیع و فرمان بردار او شوند و اگر به نیت یک کس بخواند

معین خواند مطیع و سر او گردد و تسخیر ارواح و قوت مخلوقات و جمع

خلایق آسمان زمین و تمام جانوران و درات کامیاب ترین اسم

است و دعوی این اسم چهل و یک فرست برادر هفت هزار بار

بخواند تسخیر ارواح سلاطین بر وی آسان گردد و اگر این اسم

بر باره دار چینی نویسد و در کوزه لب اندازد و هر کس خرفن و

سودا بدو آید شفا باشد آب از آن کوزه باز خورد شفا یابد و بفرمان

خدا تعالی **اسم شمره لب** است یا حیم کل صریح و مکرر

وَمَعَادُهُ تَارِيحٌ خَاصِيَةٌ ^{۲۱} اسْمُ سِتِّ وَكَيْمِ أَنْتَ اَكْرَسُ

۱۸

وَعَوْتُ اَيْنَ اسْمُ كُنْدُ سِيَارِ عَجَابِ بِيَذِ فَرْمَانِ خَدَايَ تَعَالَى

وَدَعَوْتُ اَيْنَ اسْمُ چنانست که دوازده روز روزه دارد

وَبِحِجِّ حَمَوَالِي نَحْوِ دُرُودِ بَرِ خُزْدَه هِزار بار این اسم بخواند بر او

دو هزار بار و سِتِّ بَخِ بار این اسم بخواند و در برابر هر شاه

و اعیان مملکت و اکابر و دشمنان او باشد و کار بدر جرسد

هر عمل عظم که بخواهد کند بوسی نام نام رساند اگر چهل و یک روز

هفت هزار بار باشد بجز این و این اسطفا پس او را حاصل شود

و او قدرت خدای تعالی و سیرت این اسم اعظم نام رساند

و هر روز که بر آید کار او زیاده شود و حاجت هر روز بر آید

ترک کند و بخواند همدان باید که در هر روز یک مرتبه بخواند

۵
خداستغالی اسم **سبک و کیم** یا نام **تصفیه** و قلا لا لاسر

کلی کنه جلال ملکه یا نام **خاصیت** اسم **سبت دوم**

آنست که اگر کسی را طلب علم و حکمت باشد و هیچ نتواند باشد

چون بر روز خود و نه بار بخواند این اسم علم و حکمت بداند و علم

و حکمت از غیبی آدم در حجاب است بر وی مشکف کرد و

رضای الموجودات واقف کرد و از نشان احوال و العوارف

ظاهر کرد و حاجت سلطان روا کند و حل مشکلها کند و حاجت

دعوت داند که هر منعم و رفیع یافته **اسم سبت دوم**

اینست یا مبدع البدائع لم یتبع فی انشاء کائنات

من الخلقه یا مبدع **خاصیت** اسم **سبت سوم**

آنست که اگر کسی دعوت این اسم کند بر تبه حاجت و توان

ال

برسد که هر روز هزار بار این اسم بخواند و دست روی کوی
اولین و نجات هر کس که در روز یک طبع شود و هیچ از و
فوت نشود و صاحب این کتاب شیخ شهاب الدین ^{مقبول}
رحمه الله علیه این کتاب را دعوت الاسلام نام نهاده است

و فرموده که خواننده این اسم را اگر چه دیر نداند بیشتر از همه
کامیاب جز با حفظ میتواند کرد و هیچ از وی فوت نشود
اگر کسی باری خیانت کند و او نداند مقهور گرد و بفرمان

خدا تعالی **اسم بیست و سوم است** بِأَعْلَامِ الْغُيُوبِ

فَلَا يَفُوتُ شَيْءٌ مِنْ حِفْظِهِ بِأَعْلَامِهِ **اسم بیست و چهارم**

اسم بیست و پنجم اگر کسی صاحب دعوت در خواندن

این اسم محافظت نماید و مداومت کند بسیار خواند

بچکس از فرزندان بنی آدم باو و دشمنی و عداوت نوزد
و دعوی مخالفت باوی کنند و هر چه او گوید شیرین باشد و نهند
خلق افتد و تو عظم و حرمت دی در میان خلق و حق کرد و هر ^{اراد}
ز مراد او بود واجب دانند و دعوت این اسم دولت برار
باری باید خواندن هر چند زبان و اگر این اسم بر چهری محرم
خوانند هر بار بار و بوی دهر تا مویید در حال انکس هر عشق تو
دلوانه شود و اگر غایب را آورد ز هفت هزار بار است
آن بخواند انعامت روی بوطن خود نماید و باز آید
اگر بر چهری خورد و نه خواند و بخورد و از ده هرگز مهر او ازل
آن شعله برود و اگر بد بایست خواند بهتر بود و اگر ^{مطلب}
از طالب دور باشد و این رسم را بر کاغذ خطای نویسد
نام

بنام وی و بنام خود و از جای بلند او نیرد او را بیاورد خدا

20

باید که در برابر مردم ننویسد و در وقت نوشتن بوی خوش

نویزاند که محرب است و اگر دشوار زاید ننویسد و بر آن حب

او بند و آسان زاید اسم است **چهارم** **ثبت** **بکلم**

ذالانفائه فلا يعادله شيء من خلقه **بکلم**

خامس **اسم** **ثبت** **و نهم** **انت** که اگر کسی شوریده حال باشد

و سرگردان و از خاندان خود برافزوده باشد و مال و عورت

وی از دست وی رفته باشد و هیچ کار و عمل و ثمن نمانده

باشد و از سود خود افتاده باشد و قانون احوال خود

ندانند باید که این اسم را هر روز بعد از نماز دیگر بگوید و بیدار

نخاند و اوقات غمیت و اندیشه باز بر رشته احوال خود افتد

و این نوبت در کار ثابت باشد از او مال و نعمت بگذرد
و سر حاصل شود و کثرتش و کارهای او پیدا شود و حدیثها
جمعیت های بوی دهد و هر چه روی کند آن جزیره او شود
هم اندک نکت و کس در کار او مدخل نتواند خست و از
یکس مترسد و ثنوت و شکوه زیاده شود و از خاست
این اسم نقش او چنان کامل شود که افعال بکنند و مردم
در شکوه و قدرت او اندک نکت و این اسم را عقد الله
اعظم نام نهاده اند زبان خلق بر وی بسته گردد و هر چه او گوید
و کند طوعا و کرها بشنوند و بسندیده بود و سهم الغیب در
طالع و زبان او پیدا گردد و باید که این اسم در دست خواند و غمها و
نیکو دارد و در این اسم اعظم نکت که البته برادر رسد و اگر
ل

سگ آورد و کافر کرد و هلاک نمود اگر صادق باشد

21 و دعوت این اسم در شرح کبیر صد هزار بار است هر چند آن

که خواهد خواند که خدا تعالی او را ببرد و رسد **اسم سبت پنجم**

اینست بِاَمْعِدْ مَا أَفْهَاهُ إِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ

۲۴ لِدَعْوَتِهِ مَرِجَاقِيهِ بِاَمْعِدْ **خاصیت اسم سبت ششم**

آنست اگر کسی این اسم بسیار خواند خدا تعالی چندان

مال و نعمت بوی دهد که حساب نتواند کرد و در این وقت

و جابه بوی محتاج شوند نیست او را ایشان سود همه بدیدوی

شوند اما باید که شرک خوانندین نکند و ملول نشود و در گذشت

نکند اگر در گذشت کند در خواندن خرب قاور نشود و

در روشن کرد و چون انجالی واقع شود اهل دعوت این را

رحمت الاسماء نام نهاده اند و سبب نیاید که خدای

عزوجل قادر است هر چه خواهد هر کس که دایم ملازمت

این اسم باشد ترک نکند صفات اندرون و صفت اولیا

اورا پیدا شود **اسم بیست و نهم است** یا حمید الفعالی

۲۴ یا حمید **۲۵** یا حمید **۲۶** یا حمید

۲۷ یا حمید **۲۸** یا حمید **۲۹** یا حمید

۳۰ یا حمید **۳۱** یا حمید **۳۲** یا حمید

۳۳ یا حمید **۳۴** یا حمید **۳۵** یا حمید

۳۶ یا حمید **۳۷** یا حمید **۳۸** یا حمید

۳۹ یا حمید **۴۰** یا حمید **۴۱** یا حمید

۴۲ یا حمید **۴۳** یا حمید **۴۴** یا حمید

۴۵ یا حمید **۴۶** یا حمید **۴۷** یا حمید

و غرض از این است تا هر کس که در این اسم بخواند و این
مهر مادر آب بر روان اندازد هرگز غلظت و درویش نشود
و در توانگری بماند و از عالم غیب درباری کشاده شوند
و میان خلق ابکشت نما کرد و هیچ روی غلب نتواند کرد
مغلوب نکرده و فرمان او بر خلق یافت کرد و اگر دشمن
با وی کرد و در روز هلاک کرد و اگر این اسم را در دست
بگیرد

خواند با شفا و سنگ نیارد و باندک روز کاری بامارت

وزارت رسد اما باید که این اسم را بسیار و مکرر ۲۲

خواند اگر خواننده این اسم درویش باشد چون این اسم را

دعوت کند تو آنکه رود و دعوت این اسم چنانست که است

و پنج روز یک جوانی بکشد و بخورد و هر روز سه هزار و دویست

نوبت بخواند و کلاه جان و دل خود را بنام اسم اعظم وارد

و آنچه حاجت باشد از حضرت حق طلب کند چند کراه

عالم غیب بر او آشکار شوند و نور در دل وی از حقایق

بیدار شوند و لغزبان خداست تعالی شوکتی بلا وصف در او پیدا

کرد و چنانکه همه کس ظاهر نیست **اسم بیستم و بیست و یکم**

بَاعِزُ بْنُ الْمُنِيعِ الْغَالِبُ عَلَى أَمْرِ فَلَا شَيْءَ يُعَادِلُهُ مَا عَزَّ

خاصیت اسم بیست و هشتم است که دوستی نماید

و هم دشمنی نماید و شفقت بر دشمن عمل از او شاید کردن

در روی محبت و عداوت و عهد آسان و مهر و خواب

تندر و قلب القلوب محمود این محروم نماید اما درین کتاب

شرح یک باب نمیتوان گفت مطلق انجامد اما بعضی از آن

بطریق اختصار گفته شود اما جزئی این علم از وی بهره نباشد

و الله اعلم بما یباید این اسم نجاست عظیمت و عظمت

این اسم چنانست که آسمان و زمین و سیارات و ملائکه

و ارواح و نفوس سماوی و اراضی و انس و جن و وحش

و بطور و هر چه خدای تبارک و تعالی آفریده است بقدرت

و عظمت و بزرگی این نام آفریده است و نقلت که این

لم

اسم برپاشانی مهنه غرامش شسته است و قهر که خواهد

23

که قبض ارواح کند چون ندکان خاص خداست تعالی عظمیت

این اسم را می بینند دست از جان کشیرین مدارند و اگر

خواهی که شمه از اسرار این اسم بدانی باید که اول ملازمت تقوی

کنی و دل از شغل دنیا خالی کنی چون این مقدمات معلوم باشند

در عمل کوشش و در عمل آوری و تقوی روحانی حاصل کنی

و از دنیا اغراض کنی و اینک چیزی خوری یا نه و اینک

اختلاط کنی از گفتن و شنیدن و اگر در عالم فتنه باشد و

روی زمین کشد که در دوازدهم خوب و غوغا باشد و خوش

و خروش در میان خلق افتاده باشد صاحب این اسم زود

الیه سره باید که دل خود پاک دارد و هر دو کوشش خود که تاهیم

آواز نشنود و ازین آفتها ایمن باشد و این اسم بمقتاد و یکبار
 بخواند و در میان شکر دهد و بگوید بسم دست و پای شما
 باید که هر بار بخواند این بگوید که یوفان الله دست و پای ایشان
 بسته شوند و اگر ازین عدد که گفتم زیاده خواند اهل عباد
 اگر چه دشمنی لغایت ایشان باشند چنان حکمتش بایش و
 طب مبدل گردد و یوفان خداست تعالی و اگر کسی خواهد که
 کسی را بیمار سازد و بکشد و بکشد صورت آن شخص را در سازد
 و هر روز هزار و یکبار بخواند بر نیت آنکس که بیمار شود هم
 در هفته بیمار شود و اگر خواهد که بملک شود و هیچ نداند بنوعی حق
 بکشد هر روز هزار و یکبار بخواند و صورت او سرخ تصویر کند
 هم در هفته بملک شود و اما باید که در حال تیرد و قصد بکشد

نیکند و گرنه اسم راجع شود و بیم آن باشد که خود را ملک کرد و

24 اگر کسی را که خواهد که از کار معزول گردد اندک استانه چهل و یک

خسته خرد و به نیت معزول آن شخص هزار و یکبار بخواند و هر یکبار

این اسم بخواند بگوید معزول کردم فلانکس را از شغل و عمل

چون تمام خوانده باشد شهادت خدای عز و جل را بگوید که فلانکس از شغل

و عمل معزول گردد و از میان خلق بماند و اگر خواهد که را از

محبت خود بخواهد که در این اسم را بر هر شیئی بگوید مشک و

زعفران و در شش بوی خوش مشک یا کاسه خود بپوزاند

و در دیوار قبله آنکس پنهان کند و هر روز است و پنج بار بپوشان

نیت بخواند و باد بکاشد و می دهد که از عشق او دیوانه گردد

و اگر بر کاغذ چسبند و در گوش نهان در میان دشمنان بگذارد

و اگر نموبد و در دمان کلاغ نهد و بدوز و در جای ناک بپاشان
کند دشمن را قوت دهد و شرح این اسم بسیار است باقی بخیر

معلوم شود **اسم بیست و نهم است** اَفَا قَاهِرُ فِي الْبَطْشِ
الشَّدِيدِ اَنْتَ الَّذِي لَا يَطَاوُ اَنْتَقَامُهُ قَاهِرُ

اسم بیست است اگر کسی چیزی پیش کسی بشود باز
نمی تواند شدن و سرک کند و خواهد که این آن چیز بزرگ باشد که

صاحب این اسم روزه دارد و صدق دل بر بارگاه رود
چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعت یکبار فاتحه و سه بار انا

انزلناه بخواند ملک سلام چون از نماز فارغ شود صد و بیست
بجز بار این اسم بخواند و بگوید که خدایا بفرست و عظمت این

اسم که تو بدل فلان انداز که این مالی با آید بر خمت و کفکری

و حکم کند که آن عدد را در هر روز بخواند و در هر روز صد بار
بگوید

من آن چیز را بر بوی رسد و هر چه خوانده این اسم هر روز از درون

نموده و اگر بسیار خواند معتبر و نزدیک آن شهر شود و بر هر علم

و ادبیت و خوف الهی رسد و در آن و سروری بماند و خلق خدا

از خشنود باشد و شست باید و در هر روز بشت و یکبار این اسم

بخواند حق در بهشت بروی کشنده کرده و دانند ان شاء الله تعالی

اسم بیست و نهم یا قُربُ اللّٰه تعالیٰ فَمَنْ كَلَّمَ عِلْمُ

اِزْتِفَاعِهِ یا قَرِیْبُ **خاصیت** **اسم ثلاثین** **است**

که اگر کسی خواهد که را با خداوند عزیز گرداند یا دلیل کند

در حق خود و چه در حق دیگران باید که هر روز بخواند که تواند خواند

و شفیع آرد و نماز شصت یکماه سیمصد بار بخواند اگر خواهد

که ای را آباد باشد نشاید و اگر خواهد پادشاه را بکند ای امداد

۵
انسان خدا متعالی قادر است هر چه خواهد باید که اعتقاد دارد

و شک نیست که در اقتد و جهان مقدر کرد و از هر آنچه

دارد و این از صفت خدا باشد که بدان موصوف شده

باشد و طریق شرح و ادب نگاه دارد و اگر خبری غیر شرع

کنند بملک خود و اسم را خطا کرده باشد و در دنیا و عقیبا

ما خود خدا و خلق خدا کرد و در شرح اسلام بدر برود ^{اسم} ^{شماره}

یا مذل ^{اینست} یا مذل کل جیاعین یقرعهم عزیر سلطان ^{خاصیت}

^{اسم} ^{شماره} یا مذل کل جیاعین یقرعهم عزیر سلطان ^{خاصیت}

در طالع او بود و از میان خلق مکار و عمل حاصل مانده باشد

و هیچ حال کار او استوار نشود باید که دل کو خند سر ساه لسانه

چنانچه چشم هیچ نبی آدم بر آن نمغند و حرف کل نشود چنانچه آسمان

باز

نمیزند و بمقتضی نوبت این اسم بر آن خوانند و هر بار بر آن دل
24 و در هر بار که این اسم بخوانند این دعایی نیز بخوانند **اَللّٰهُمَّ**
وَبِاسْمِكَ اَللّٰهُمَّ سُبْحَانَكَ يَا مُفْتِحَ الْبُوابِ يَا قَاضِيَ الْحَاجَّاتِ يَا
مُخْرِجَ الْغَمِّ کار من بچاره باز ای کار سازنده نواز و مودار
این اسم بمشک در عرواق بنویسد و در اندرون نهد و در بالا
در سجده کمرنج وقت نماز نیکد ارغند نهان کند و چون بمقتضی
نوبت خوانده باشد و بر دارد و بر نیز در نهان بچنان اسم بخواند
و تا باز کرد بخواند که اگر آن باشد هم روز خوشی در کار او پیدا
شود و در رزق و سعادت بروی گشت بد و کاروی برادری کرد
و آن نحوست بفع و طفر مبطل کرد و اگر در خیر باشد
هر چند که عقد کند موافقت نباشد و هم دیگر نمونند و نفع در

میان این باشد هم آنها کنند که مانند خضر آب حیات

روشنائی یافت او نیز هم روشنائی باید و اگر این اسم و رو

سازد و بخواند حق تعالی از عالم غیب روشنائی در کاروی

و در نوبت وی و در دل وی بیدار و در عالم غیب بهره مند

گرداند و علمنا ه من لدنا علما بفرمان خدا تعالی **است**

اسم یا نور کلشی و هداه انت الذی فلق

الظلمات سوریه یا نور **اسم** **است**

است که اگر کسی زیروست که باشد و خواهد که زیروست

انکسین و بر انکس غالب گردد و او زیروست صاحب دعوت

کرد و باید که روز یکشنبه و چهارشنبه عمل کند و روز دوازده

و چاه پاک در پوشد و لجرای خلی روز دوازده و بعد از این

الم

اسم به نسبت بزرگی برتبت و رفعت خود بخواند حاجت

27

از خدا تعالی بخواند که بپر انکس غالب کرد و دوزیر دست

وی باشد باید که شک در دل نکند و اعتقاد درست دارد و توفیق

خدا تعالی و اگر دعوت این اسم کند جهان غالب و قوی

کرد و که مردمان عجب نمایند فرمان خدا تعالی و دعوت

این اسم چنانست که هفت روز علی الدوام بخواند و هفت

شب و یکم بخواند علی التواتر باید که دل پاک دارد و انکس

و حد و حص و عداوت و آنچه افعال و میسر است باید که بپوشد

باجهارت باشد تا این اسم درست بخواند و جمالی بخورد

و مال حلال بخورد که شبهه در آن نباشد تا مراد حاصل کرد

و اگر در پشت قباله زن نویسد تا مرد سازگار شود **اسم**

دویم اینست

خاصیت اسم ^{۳۳}سید و سیدم ^{۳۳}الست که عداوت چهل اسم و

شش الیه با کجا آورده باشد و دل نور حاضی شده باشد و صاع

بسیار عجایب بندد روی مشکف میشود و چون باین

اسم رسد و بخواند اگر خواهد که بوقت باران آید و بوق

بر آید و در زمین زلزله در آید از دو آفتاب در شب پیدا

آید و نیم روز در چشم نهان کند و مانتاب بشکافد از عقلت

و بزرگی این اسم اما باید که با طهارت باشد و گرنه در قتل

میگوشد و صاحب دعوت و مودیکه خانی از اسم اعظم

بدان سبب بهره ندارند که شرالطها و طهارت آن و دعوت

آن بدانند و ملازم اعمال شیطانی نمی شوند و از عالم روحانی

خبردارند و اگر در پایش بطاعت و شوق بندگی خداستعالی باشند

و اینهمه عجایب و قدرت در دست انسان است اینها اما ^{انکس}

که خداستعالی توفیق بدی معنی قل الحمد لله بل الاثم یعلمون این شرایط را

باینکه نگاهدار و تا بر او برسد **اینست اسم ۳۳ و سوم یا قدوس**

الطاهر من کل سوء فلا شیء یُعَاذُهُ مِنْ جَمِیعِ خَلْقِهِ

یا قدوس **خاصیت اسم ۳۴ و چهارم آنست که اگر**

سفری میرود و کسان او نمیخواهند که آنکس رود این اسم

نمک کند به نیت باطل شدن سفر او و در میان مصحف نه

آن سفر باطل شود **اسم ۳۵ و چهارم آنست یا قیوم المحیط**

المُنَانِی وَ کُلُّ شَیْءٍ قَبْلَهُ بِاَقْبِ **خاصیت اسم ۳۶ و پنجم آنست**

که اگر کسی سخت مریض باشد چنانچه بدیده مرگ بود و بر غلغله

طبع حیات از او بریده باشند و دل او فنا نهاده باشند و صاحب
 این اسم که شریک ملاوت چهل اسم کجا آورده باشد و از اسرار
 این علم با خبر باشند و تحقیق حاجت هر اسم داشته باشند این
 اسم را چند آنکه تواند خواند و نفس بر آن مرفیع و مدبر که بیم مرگ
 نبود اگر چه معمر مانده بود در حال محبت باید بخاک مردم کان بریند
 که مرده زنده گشت و اگر کسی بکشت گاه بریند و او را قتل خواهند
 کرد و هیچ تدبیر خلاص او نمانده باشد بخاک کشته شد بشیر الطیبه
 این اسم را به نیت خلاص آنکس چهل بار بخواند بیشک آنکس خلاص
 و نجات یابد اگر چه دشمنان غالب و بقوت باشند لغمان
 خدای عز و جل اما باید که این اسم درست بخواند و تصور درستی
 خلق خدای کند و باید که حاجت غرضش نبود و از برای طمع بخواند
 آمین

به نیت پاک بخواند که بر او شس حاصل شود و فرمان خداست

29 و اگر خواهد که بداند که بر کس سحر کرده اند یا نکرده اند این اسم را بر

کافه نویسد و چند نوبت بر پایه شوهر بخواند و باره درش

و باره در آن کافه کند که این اسم بر آن نوشته باشد و کافه در

وزیر سردان نهد و باره شود اگر شوهر را بپراکنده شده باشد ^{یقین}

داند که سحر کرده است و اگر پراکنده شده باشد یقین داند که سحر

نکرده اند ^{۳۰} **اسم دینیم است** بِأَمْرِ اللَّهِ وَمُعِيدَهَا

^{۳۱} **فَنَاهَا بِقُدْرَةِ بِأَمْرِ اللَّهِ خَاصِيَّتِ اسْمِ ششم**

آنت که همه کار عالم و عالمیان بدین اسم راست می آید چه دنیا

و عقبی و آنکس که دعوت این اسم بکند و هر چه خواهد آوردش بر آید

و جهان مقتدی کرد که هر چه بر او باشد بکام او بر آید و حاصل شود

و دل او قابل معلومات غیب گردد و هر چه مراد خلق باشد
او بر آورد مستعد آن فعل شود چنانکه اگر خواهد که از چشم خلق پنهان
شود لغویان خداستجالی و سالکان راه خدا از حال او آگاه
باشند و طالب او شوند و او را جویند و او از خلق پنهان باشد
و هیچ کس را مستحق دعوت این اسم نمی بیند و این اسم شریفها
مخفی دارد و بدانکه دعوت این اسم بدان باشد باید که چهل
روز از خلق در خلوت رود و در کعبه حاجت یا حاجتی که در
از مردم باشد تا خلوت دست دهد و درین چهل روز با مجلس
سخن نگوید و هیچ از دست که نخورد و الاغی متفرع از حرام
محترز باشد و حشمت و غیبت نکند و مردم از او نشود و همه
روز که تواند خواند و خاطر نوحی مشغول ندارد و این اسم در دست

خوانند هر خبر که شایع گردد و از عجب آنکه در این دو روز اندک به احوال

برو میکند و از حال کشف و خلوت با کس نگذرد و گاه بود

اسرار معلوم کنده است و مقرر شود بلکه کشف اسرار این اسم ^{عظیمه} _{آفریده}

اسم سے شکر و ستائش
یا حیل المنیر عن کلشی فالعدل

وَالصِّدْقُ وَعَدُهُ يَا حَاجِيَتِ اِيْمَانِ وَنَقِمِ اَنْفَسِ حَبَابِ

و عمو این اسم را بر خود دارد و یا بخواند اسندیده و ستوده

جمله زبان خلق کرد و از مشرق تا مغرب نام و صفت او برود

و جمله خلق عالم مشتاق لغای او شوند باید که یکماه و نیم درین دولت

باشد مستفید گردد و وقتی که دعوت اسکارا با اتمام رسانیده باشد

همه مردمان از علم و عمل وی استغیث کردند و مراد را باین حد و چون

آفتاب شهر کرد و در مازنی و آسمان آشنای شود باید که شعل او

این باشد که همه روز این اسم بخواند تا مرادش برآید و بفرمان خداست

اینست **اسم نهم** بِأَفْحَمُ فَلَا يَبْلُغُ الْأَوَّاهُ كُلَّ شَيْءٍ

وَمَجْدٍ بِأَفْحَمُ **حاجت اسم دهم** است که اگر کسی

کناه بقدر کوه و در یک بیابان رفت دریا و کوه و آسمان

و در یک درختان باشد چون این اسم بخواند به نیت خلاص

و نجات و مداومت نماید آن کسانان او چون برزند و اقام

کند باز سر کناه رود و اهل صفت باشد و خداوند تعالی حل و خلاص کند

وی معونت بکرم و معجولش و اگر برای کس معیشت

و دنیا خواهد مال و نعمت دنیا بوی دهند و اگر بر کس بپایان

از کسی در عجب باشد بدان نیست بخواند آن دشمن دوست

نمود و اعتبار باید و اگر بر کس است تولد آن است در کور نزد

اورا عذاب نہ باشد و مرال منکر و نیکر ہاں گزار و چہل

غرفه از بهشت در کوراوش ^{۳۸} **یاسم** **هشتم** **اینست** **بیک**

31

الْعَفْوُ الْعَدْلُ الَّذِي مَلَأَ كُلَّ شَيْءٍ عَدْلًا كَرِيمًا

خاصیت اہم ہے ^{۳۹} و نہایت اگر محتاج بزرگی باشد و مال و

نعت دنیا خواهد این اسم چند اند خواهد خواند و از این اسم

آنست که در پیش بزرگان عزیز و محترم باشد هر چه بگوید بار و بشود

و مفتخر در کار خود و بزرگ کرد در تمام او به یک نژاد و وفاتش

کرم و زبر که او تبدیل شود بفرمان خدای خرد حل

بِاعْظَمِ الشَّاءِ الْفَاخِرَةِ الْعِزِّ وَالْمُجْدِّ وَالْكِبَرَا

نُزُلُ غُرَابٍ مَّا صَبَّ سَهُمٌ حَتَّىٰ يَسْمُرَ بِالسَّاهِجَةِ وَهِيَ الْمَثَلُ

باین اسم رسد باینکه باطن او منافی نشود و با طهارت باشد

چون این اسم بسیار خوانند مرادی که خواهد بیاید زبان دریا

به بدی بر وی بسته نشود و به نیکی او روان گردد و همه انس و

جن و حیوانات مطیع او شوند که او را به بند و دوست دارند

و چند عجایب که هیچکس بکار آن ندیده باشد بر وی کشف

گردند چشمها علم و حکمت بر دل او پیدا شوند و زبان او روان

شود و فصیح گردد و فرمان خداست **اسم چهل و نهم** **عجیب و**

فَلَا تَنْطِقُ إِلَّا بِكَلِمَاتٍ يُؤْتِيكَ اللَّهُ مِنْ لَدُنْهِ يَنْصُرُ بِكُمُ الْإِسْلَامَ

تمام شد اسناد چهل و نهم اسم بار تعالی تبارخ غره منور

اصل و این نقل آن تبارخ شب نهم روز چهارشنبه ۱۲۱۵

بجای فنی لیسوق

ختم قرآن روز جمعه از سوره فاتحه تا سوره مائده و از مائده

۱۹۱

روز شنبه تا به پونس و از پونس روز یکشنبه تا به

اسرائیل و از بنی اسرائیل روز دوشنبه تا شنبه و از شنبه

32

بوالصافات و از الصافات روز چهارشنبه تا

قاف و از قاف روز پنجشنبه تا آخر قرآن بخواند هر

حاجت شروع که اجابت است ان شاء الله تعالی

سوره الحشر جهت همی که باشد پهل و یکبار در روز

پهل و یکروز بخواند و اگر چهار رکعت نماز کند و در هر

رکعت یکبار بخواند البتة حاجتش روا گردد **نون و الف**

جهت برآمدن مهمات هفتاد و پنج بار بخواند **سوره اسلیم** جهت

صلح و وقت جنگ یکصد و بیست نوبت بخواند **قل اذی حبه**

رفع دیو و پری هفت بار بخواند **سوره یس** جهت مهمات چهل

و یکبار بخواند روا کرد و **والله اعلم** جهت برکت و فراخ لغت و

بر آوردن جمله مهمات هفت بار بخواند **قل هو الله احد** جهت جمله

از خمس هزار بار بخواند **اذا جاء نصر الله** جهت فتح و لغت و طغوت

و دفع بلاء هر روز هفت بار بخواند **لا اله الا الله** جهت ایمن شدن

از بلاء هر روز هفت بار بخواند **الحکم التکامل** جهت دفع بلاء کله

بار بخواند در دم رفع خود **انکم** جهت دفع دشمن مباد سلام

و خفتن در شب جمع هر روز و صبح و پنج بار بخواند **انکم**

فانکم جهت دفع باد و کاهه خاصه بخواند **یا ایاهم** جهت نفوذ

رفتن در ستانه خانه سه بار بخواند **الحکم التکامل** جهت

مراد است هر شب و روز بخواند خاصه در شب جمع البتة **لا ایاهم**

سوره القدر جهت آسان حساب قبر و از ملک دنیا هر شب جمعه بار

بخواند

نخواند **اِنَّ ارشدك** جهت نیت هفت و پنجاه هزار بار بخواند **المک**

یعنی تبارک و در هر معامی جهت برکت و نیت بخواند زیاده شود

33

البته **والشمس الفجر** جهت سلامتی دنیا و آخرت در وقت

طلوع آفتاب هر روز بخواند **عم** جهت روشنائی چشم هر

روز بعد از نماز عصر یکبار بخواند **الم سجده** جهت برآوردن مہمت

هفت نوبت بخواند **فاطر** وقت عرض حاجات بر ملک و

اکابر و امرا مفاد و نوح بار بخواند **حدید** جهت کشایش کارها

مفاد بار بخواند **قد سمع الله** نوبت بر خاک خواندن و بر

طرف دشمن ریزد و صلح از آید **ممتحنه** جهت دفع شر سلطان

مخ بار بخواند **تغابن** جهت حفظ مال از در دزدان هفت بار

نخواند **یا ایها الذین آمنوا** جهت دفع مہمت بر

هفت بار بخواند البته آن هم روی بدین کس کند **تاف**

والله هفت کور هر شب مجسمه بار بخواند البته آن کورینا

شود فرمان حق تمام حاصل شود **والله اریات** هفت

نیکی و مصلحت بخواهد و بار بخواند البته **والله** از حضرت پیغمبر متقوت

که هر که بخواند از عذاب دنیا و از عذاب آخرت و بر امن باشد

والله هفت دفع دشمن هفت و یکبار بخواند بر دشمن عذاب

شود و البته **البرکات** بود و بقیه هفت هر هم که داشته باشد بگذرد

بار بخواند بآن نسبت **رعدی الم کلمات** هر که این سوره بآورد

بار بخواند چون پیش بزرگان رود و مرادش برآید **سوره الح**

یونیس که این سوره هفت بار به نسبت هر هم بخواند

البته برآید **سوره ابراهیم** که هفت عذاب آخرت است

باید خواندن **الحال** هفت بار به نیت خلاص از بند زندان

34 بخواند **براره** هفت هر مهر که با ملک باشد یا نژده بار بخواند

و پوشده در میان خشت و فاش باشد **یوسف الرکمان**

ملک الکتاب ^{المبین} هفت غروب شدن کشته هفت بار بخواند **القدر**

فلج المومنون هفت حراص شدن نماز هفت بار بخواند **انا**

انزلناه هفت دفع هفت بار بخواند یکبار خلاص شود **تبارک**

سوره الفرقان صد و هشت بار به نیت **الکاف** شدن دشمن بخواند

والنارعات هفت دفع دشمن و کرم بودن پیش پادشاهان

و سلامتی ایمان هست و یکبار بخواند **علس** هفت تنهایی روز

قیامت هفت بار بخواند **اذا السال الثقت** و راحت در وقت

بار بخواند و هر که بسیار خواند فنون کورش نباشد و کور روی

فراج نمود **الم نشر** بوقت بیع و شرا سه نوبت بخواند **لا اله الا الله**

جهت نمایب هفت بار بخواند باز آید **اقرا** بوقت رفتن نزدیک

ملوک و امارا سه بار بخواند **لا اله الا الله** جهت برآمدن مهمات صد بار

بخواند **لا اله الا الله** چهل و یک نوبت بخواند بآن نیت که حق تعالی

در از محتاجی نگاهدارد **لا اله الا الله** جهت قبول طاعت سب

و یک نوبت بخواند صاحب یرقان بر خوردند و بهتر شود **لا اله الا الله**

یا ایها الناصر جهت نگاه داشتن ایمان هر روز هفت بار

بخواند **نیت بد** جهت هلاک شدن دشمن و بهبودی و ظالم

و بخیل هفتاد بار بخواند **اقرا الم نشر** جهت ماندن کی راه نیک

مار بخواند **عشاک** جهت آلب کوفته یافتن هزار بار بخواند **عاد**

یا قهار جهت چشم زخم نویسنده و با خود دارند یا بخوانند **سورۃ الف**

نیغ از کتاب جهت عزت و حرمت میان خلق بهفت

بار بخواند با خود دارد **سوره المؤمنین** جهت درماندگی در دنیا

صد بار بخواند **سوره فصلت** جهت رسیدن از بزرگان

هفتاد بار بخواند آن ظالم بر و ظلم کند **عس** جهت دفع دشمن

چهل و یک بار بخواند **سوره الفخار** جهت دفع دشمن

جهت رسیدن برادر هفت بار بخواند **سوره الرحمن** جهت آسانی جان

کندن و دفع بلاهاست **سوره الی یس** جهت دفع دشمن

جهت دفع دشمن چهل و یک بار بخواند **سوره احقاف** جهت دفع

ماران سیزده بار بخواند **سوره نوح** جهت حاجت چهل بار

بخواند برادر **سوره انعام** جهت عهد و وفا چهل و یک بار

خواندن **سوره الزمر** از برای برآوردن مهمات است **سوره یوسف**

الانعام از برای برآوردن تمام حاجات چهل و یک نوبت بخوانند

یس از برای لغت یافتن بر دشمن بست و یکبار بخوانند

والبلد جهت دفع چشم زخم سه نوبت بخوانند **تلا** از برای

ترویج نبات و رفع سوء و لغت بر اعدا بست و یکبار بخوانند

سوره الروح جهت دفع بد که مانع است بار بخوانند و اگر صاحب

بواسیر خواند بهتر شود **سوره الاحقاف** برای دفع اعدا هفتاد و

پنج بار بخوانند **سوره الحشر** جهت دفع دشمن بست و یک نوبت بخوانند

انی اودع صد و بیست نوبت بخوانند در آنوقت که میان اعدا

تفرقه داشته باشد و اگر نباشد و با برادر اعدا او را **سطع**

نخوند **سوره** از برای فراخی روزی هفت نوبت بخوانند **طسم**

ملک آیات جهت بنده که نخته هفت بار بخوانند **طسم ملک**

آیات

آیات جهت غایب است و یکبار بخواند زود بسیار **سوره القدر**

یعنی اقصیت جهت روز قیامت هر که بخواند فردا روی او روشن ماند
36

تا بان باشد **بسم الله** امیر المومنین عا و باید که این **سوره زاینده**

خواندن که نواب عظیم دارد **قصه** جهت آنکه از منزل کم نشود

ست و هفت بار بخواند **الرحمن** هر که این **سوره** بخواند بی غم

بر ضعیف او می باشد **کهف** در روز جمع بخواند خداستعالی تاجم و در

در پناه خود نگاه دارد **والله اعلم** جهت غم و اندوه میفکند بار

بخواند **الاقم** بوسه بخواند هر که او را بخواند و غم را ببرد و رسد

در کرد و پیش نبرد **در** روایت از حضرت پیغمبر که امیر

المومنین علی **ع** را وصیت کرد که خدای عزوجل را این دعا بسیار

یا دکن که تمام دعوات در ضمن این داخلست **و دعای است**

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ وَأَسْأَلُكَ
مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَأَسْأَلُكَ
أَسْعَدُكَ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

إِلَّا بِكَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ رواه تقيست که حضرت پیغمبر

اصحاب را بمنجین نصیحت میفرمود که این کلمات بسیار مکرر کنید

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى

وَنِعْمَ النَّصِيرُ دعا مستجاب منقولست از ائمه

معصومین علیهم السلام که این دعا را برای هر مهمی و غمی

که بخوانند مطلوب حاصل کرد و ان شاء الله تعالی

و بزرگان دین تجربه بسیار کرده اند و باین طریق باید خوانند

بغت بار بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

يا الله و سبه باركود ايتاك تعبد و اياك
ستعين و ده باركوريد اللهم فريح حبلك

37

يا ارحم الراحمين و رتفيه سامع آورده است

که هر چه که کنایه کرده باشد بعد از آن این دعا را بخواند

سجانه و تعالی گوید یا ملائکه گواه باشید که چون این بنده مرا عفا

و ان خود در آنجا را و ایا یوریم ^{نیت} یا ارحم الراحمين عقلت

ذنبنا و عقلت یا ارحم الراحمين عفا و عقلت

یا ارحم الراحمين عقلت یا ارحم الراحمين عقلت

چون که سوار شود بر فرزند که بارکوريد یا عباد الله

اغیونی تا سوار باشد از کل بیایات و حفظ و امان حق تعالی باشد

و چون مجلس باشد رود این دعا را بخواند یا خود دارد و غیر بر کرم و محرم کرد ^{نیت}

يَا حُدَّيْ عِنْدَ شِدَّتِي وَيَا غَوَايَ عِنْدَ
كُنِّي بِي أَحْسَنِ سُنِّي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ
وَالْكَفِّي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يَنَامُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَيْتُ عَنْ إمامِ غُفَوَادِقٍ ع أَنَّهُ قَالَ

دَرْسِ بَرَنَامِجِ بَارُوسِي بَارِسِي كَفْتِ اَنْدَكُوبِ

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

اللَّهُمَّ اللَّهُ أَكْبَرُ شَيْءٍ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ عَالَمًا

وَرَحْمَتُكَ تَعَالَى خَوَاتِمُ حَاضِرٍ كَرِيمٍ وَرَأْدُ يَدَاكَ ع لِلَّهِ

وَمِنْ أَرَاخُورَتِ ع مَقُولُ هُوَ أَنَّهُ دَرْسِ بَرَنَامِجِ بَارُوسِي

لِلْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ شَكَرًا وَرُزْ

بِجَاءُورَةٍ بَاشَدُ وَچُونِ دَرِ اَوَّلِ شَبِّ بَكُورِ

مُشَارَ

شکر آتش بحیا آورده باشد حضرت

38 پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت یا علی هر که در وقت

سختیها و در ماندگیها این کلمات بسیار بگوید

فلاح یابد و مراد حاصل کرد و یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت

یا ارحم الراحمین یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا الشان و رفیع همی یا رحیم یا رحیم

یا ارحم الراحمین یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا الشان و رفیع همی یا رحیم یا رحیم

یا ارحم الراحمین یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا الشان و رفیع همی یا رحیم یا رحیم

یا ارحم الراحمین یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا الشان و رفیع همی یا رحیم یا رحیم

یا ارحم الراحمین یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا الشان و رفیع همی یا رحیم یا رحیم

یا ارحم الراحمین یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا الشان و رفیع همی یا رحیم یا رحیم

یا ارحم الراحمین یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا الشان و رفیع همی یا رحیم یا رحیم

یا ارحم الراحمین یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا الشان و رفیع همی یا رحیم یا رحیم

الدُّعَاءُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَسَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

صباح این دعا بخواند تا شام و ران حق باشد و غیر
برکت بسیار ختم آید و اول و آخر کند بیدم از هر خلعتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ النِّعَمَةِ تَمَامَهَا
وَمِنَ الْعِصْمَةِ دَوَامَهَا وَمِنَ الرَّحْمَةِ
شُمُولَهَا وَمِنَ الْعَافِيَةِ حُصُولَهَا وَمِنَ
الْعَيْشِ ارْتِغَادَهُ وَمِنَ الْعُمْرِ اسْتِعْدَادَهُ وَمِنَ
الْإِحْسَانِ آيَتَهُ وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَعْمَهُ
وَمِنَ الْفَضْلِ أَعْذِيَهُ وَمِنَ اللَّطْفِ نَفْعَهُ

اللَّهُمَّ

اللَّهُمَّ كُنْ لَنَا وَلَكَ تَكُنْ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ اخْتِمْ
 بِالسَّعَادَةِ أَجَالَتَنَا وَخَقِّقْ بِالْإِبَادَةِ
 أَعْمَالَتَنَا وَأَقِمْ بِالْعَافِيَةِ عُدَّةَنَا وَأَمَّا
 وَاجْعَلِ الْقَوِي ذَادَنَا وَفِي دِيْنِكَ
 اجْتِهَادَنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا تَبَتَّنَا عَلَى
 قَهْرِ الْأِسْتِقَامَةِ وَأَعِدْ نَامِنٌ مُوَحِّدًا
 الدَّامَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خَفِّفْ عَنَّا
 ثِقْلَ الْأَوْزَانِ وَارْزُقْنَا عَيْشَ الْآبَادِ
 وَاجْعَلْنَا وَاصِفَ عَنَّا شَرَّ الْأَشْرَارِ
 اعْتِقْ رِقَابَنَا وَرِقَابَ آبَائِنَا وَأُمَّهَاتِنَا
 مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ

يَا كَرِيمُ يَا سَتَّارُ يَا حَلِيمُ يَا حَبِيبًا بِحَقِّ
وَاللَّهِ الْأَخْيَارِ الطَّاهِرِينَ الْأَبْرَارِ ^{اللَّهُ غَايَةُ}

^{الرَّفَعُ اللَّهُمَّ وَالْعِزُّ} أَشْهَدُ أَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ

دُونِ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ بَاطِلٌ غَيْرُ

وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَقَدْ تَرَى مَا أَتَافَيْهِ

فَفَرَّجْ عَنِّي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اسناد و غای جز امام جعفر صادق ^ع هر که در هر صبح و نماز

شام بخواند از جمیع آفات و امان شود ^{اللَّهُ غَايَةُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ}

اِسْتَفْتَحْ وَبِسْمِ اللَّهِ اِسْتَنْجِ وَبِحَمْدِ سَيِّدِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَتُوجَّهُ اَللَّهُمَّ ذَلِّ

لِي صَعُوبَةَ اَمْرِي وَكَيْسِرِي خِزْفَتِي

اَللَّهُمَّ

أَمْرِي وَكُلِّ مَوْفِقَةٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ شرح دعای صمی رئیس بدائمه دعا

۴۵

از مفعلات امیرالمومنین علی بن ابی طالب **علیه السلام**

و اوراد نیکواریست پوسته در لیل و نهار و اوقات

اسحار و در میان دعای خود خواندی و یا عبد الله

این دعا وصیت کرد و فرمود که این دعا کسی که

را میاموزد که ما را امام بدانند و گفت هر که این دعا را

بعد از نماز صبح بخواند جهان باشد که هم قرآن کرده باشد

و با دوازده امام موافقت کرده باشد و یا صد دست و

چهار هزار پنجاه نماز کرده باشد و هرگز و لنگ نشود و هر که

این دعا را آورد و سازد جهان باشد که بدیدار امام صاحب

الزمان مشرف شده باشد و با حضرت امام حسین ^{علیه السلام}

در کربلا موافقت کرده باشد **و شرح و خاصیت این دعا**

بسیار است بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ

الْعَن صَنَمِي قُرَيْشٍ وَانْكُرْ أَحْسَبَكَ وَمُجَدِّدَ

إِنْعَامِكَ وَعَصِيَارَ سُؤْلِكَ وَقَلْبَادَ

وَحَرْفَا كِتَابِكَ وَعَظْلَاهُ أَحْكَامِكَ وَأَبْطَلَاهُ

فَرَا بَصْلَكَ وَالْحُدَّ فِي آيَاتِكَ وَعَادِيَا الْوَيْلَا ^{لَكَ}

وَأَحْبَبَا أَعْدَائِكَ وَخَرَبَا بِلَادَكَ وَأَفْدَا

عِبَادَكَ اللَّهُمَّ **الْقَدِيمَا** وَأَنْبَاءَ عَصَمَا وَأَشْيَا ^{عَصَا}

وَأَقُولِيَاءَ هُمَا وَمُجْتَبَاهَا وَمَوَالِيَهُمَا اللَّهُمَّ

الْقَدِيمَا

الْعَنَمُ يَعْدُو يَعْدُو كُلُّ مُنْكَرٍ أَنْفُوهُ وَحَرِّ

أَخْفُوهُ وَمَنْبَرٍ عَلُوهُ وَمَسَافِقُ وَلَوْهُ وَمَوْنِ

41

أَرْجُوهُ وَقَلْبٍ أَذُوهُ وَطَرِيدٍ أَوْفُوهُ وَصَادٍ

طَرْدُوهُ وَكَافٍ نَصْرُوهُ وَإِمَامٍ قَهْرُوهُ وَ

قُضٍ خَيْرُوهُ وَأَشٍ أَنْكُرُوهُ وَشَرٍّ أَشْرُوهُ وَ

أَرَاقُوهُ وَأَمْرٍ بَدَلُوهُ وَحَكِيمٍ قَلْبُوهُ وَكَذِبٍ

دَلْسُوهُ وَإِثْبٍ غَضَبُوهُ وَفِيٍّ أَفْطَعُوهُ

وَسُحْتٍ أَكَلُوهُ وَخُسٍّ اسْتَحْلُوهُ وَبَاطِلٍ

أَسْأَسُوهُ وَجَوْرِ بَسْطُوهُ وَنِفَاقٍ أَسْرُوهُ

وَعَدْرِ أَضْرُوهُ وَظُلْمٍ نَشْرُوهُ وَوَعِيدٍ

وَأَمَانٍ خَانُوهُ وَوَعْدٍ نَقَصْنُوهُ وَحَلَالٍ

حَرَمُوهُ وَحَرَامِ احْلُوهُ وَبَطِنِ فَاَنْقُوهُ وَ

ضَلَعِ دَقُوهُ وَشَمْلِ يَدُوهُ وَذَلِيلِ اَعْرَاقِهِ

وَغَيْرِ بْنِ اَذْلُوهُ وَحَقِّ مَنَعُوهُ اللَّهُمَّ

الْعَنُومُ بَعْدَ دِكْلِ آيَةِ حَرْفُوهَا وَفَرْصَةِ

تَرْكُوهَا وَسُنْبِ غَيْرُوهَا وَاحْكَامِ مَحْطُوهَا

وَسُومِ قَطْعُوهَا وَوَصِيَّةِ ضَيْعُوهَا وَ

بَيْعَةِ نَكْسُوهَا وَشَهَادَةِ كِتْمُوهَا وَدَعْوَى

أَبْطُلُوهَا وَبَيِّنَةِ انْكَرُوهَا وَوَعْقَبَةِ

أَرْتَقُوهَا وَدَبَابِ دَحْرُجُوهَا اللَّهُمَّ

الْعَنُومُ فِي مُسْتَسْرِ السِّرِّ وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ

لَعْنًا كَثِيرًا أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَّا لِنِقْطَاعِ لَعْنِهِ

وَلَا

وَلَا تَفَادَ لِمَدِّهِ **تَعْنًا** لَا يَعُودُ أَقْلَهُ وَلَا

42


يَنْقَطِعُ آخِرُهُ وَجَلِي أَعْوَانِهِمْ وَأَنْصَارُهُمْ

وَمُحِبِّيهِمْ وَمَوَالِيهِمْ وَالْمَائِلِينَ إِلَيْهِمْ

وَالنَّاهِضِينَ بِأَجْحَتِهِمْ وَالْمُعْتَقِدِينَ

بِمَوَدَّتِهِمْ وَالْمُتَصَدِّقِينَ بِأَجَابَتِهِمْ اللَّهُمَّ


عَذِّبْهُمْ بِعَذَابٍ يَسْتَعِثُّ مِنْهُ أَهْلُ

النَّارِ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ 


روز عاشورا چهار رکعت نماز بخوبی رکوع و سجود بکند


در چهار رکعت بعد فاتحه و هر سوره که خواسته باشد بخواند

و بعد سلام رو سوی قبر حضرت امام حسین **علیه السلام** آرد و گوید

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ  **السَّلَامُ**

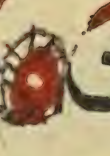
حَلِّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامَ عَلَيْكَ

يَا قَاطِمَةَ الرَّهْأَاءِ  السَّلَامَ عَلَيْكَ


يَا حَسَّ الْمُجْتَبَى السَّلَامَ عَلَيْكَ  وَعَلَى


الْأُئِمَّةِ مِنْ بَيْتِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ


وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَحَدٍ


أَجْمَعِينَ  وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

از برای تب لرز و تب رنج و تب سحر با بد نوبت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  مَرَجَ

الْبَحْرَيْنِ يَلْقَانِ بَيْنَهُمَا بَرْذَخٌ  لَا

يَقْعِيَانِ  وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَجُحًا

مَجْجُورًا  يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا

عَلَى

عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ۖ أَلَا إِنَّ خُرْبَ اللَّهِ هُمُ
الْعَالِيُونَ ۖ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا ⁴³
لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ۖ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنصُورُونَ
وَإِنَّ جُنْدًا لَهُمُ الْعَالِيُونَ ۖ وَقُلْ لَهُ مَا
سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ۖ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ ۖ يَا أَعْرَ مَلَدِمِ ۖ إِنَّ كُنْتَ لَمَسْرُومًا
يَا اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ۖ وَرَسُولِي
الْكَرِيمِ ۖ فَلَا تَهْتَمِ الْعَظِيمُ وَلَا
تَأْكُلِ اللَّحْمَ وَلَا تَشْرَبِ الدَّمَ ۖ أَخْرِجِي
مِنْ حَامِلِ كِتَابِي هَذَا نَامَ بِمَا رَأَيْتُ بِهِ
وَأَكْرَزَنَ بِشِدَّةِ نَبِيِّهِ إِلَىٰ مَنْ لَا يُؤْمِنُ

يَا اللَّهُ الْعَظِيمُ * وَرَسُولُهُ الْكَرِيمُ *
وَالْحَمْدُ * وَالْحَمْدُ * وَالْحَمْدُ *
وَالْحُسَيْنِ أَحَبُّدُ بِمَا اسْتَعَاذَ بِرُؤُوسِي
وَأَبْنَاهُ * وَالْحَمْدُ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَالِهِ مِنَ الْحَمْدِ وَالْتَّافِضِ وَالْغَيْبِ وَ
الْعَيْقِ وَالرَّبِّعِ وَالصَّدَاعِ اللَّهُمَّ كَمَا
لَمْ تَكِدْ قَرِيبٌ بِنْتُ عِمْرَانَ حَبْرَ عَيْسَى
فَلَا تَذَرُ عَلَيَّ هَذَا الْأَنْسَانَ مِنْ هَذِهِ
الْأَوْدَامِ وَالْأَوْجَاعِ وَالْحُمَى الْإِتْرَعَةِ
عَنْهُ فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تَبْصُرُونَ * وَ
مَا لَا تَبْصُرُونَ * إِنَّهُ لَقَوْلُكَ رَسُولٍ

كَرِيمٌ * اقْسَمْتُ عَلَيْكَ لَمَّا نَكَحْتُهُ

44 وَلَا آتَاخُذُ بِهِ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ *

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ

وَلَمْ يُولَدْ * أَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ *

لَيْسَ بِاللَّهِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ *

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفُلُقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ

وَمِنْ شَرِّ خَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ * وَمِنْ شَرِّ

النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ * إِذَا حَسَدَ *

لَيْسَ مِنَ اللَّهِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * قُلْ أَعُوذُ

بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ

النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ *

الَّذِي يُوسُوسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ بعد از سوره اللهم

أَسِيفُ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ نَامُ بِحَايِرِ الْإِمَامِ مَا وَرَثَ مِنْهُ

مِنْ حُجَّتِي يَوْمَ وَيَوْمَيْنِ وَثَلَاثَةِ

أَيَّامٍ وَحُجَّتِي رَابِعٍ فَإِنَّكَ تَفْعَلُ مَا

تُرِيدُ وَتَحْكُمُ مَا تَشَاءُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ بِسْمِ اللَّهِ كُنْتُ وَبِسْمِ اللَّهِ

خَمَمْتُ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا مُنَجِّى نُوحٍ

مِنَ الْغَرَقِ يَا مُنَجِّى إِبْرَاهِيمَ مِنَ النَّارِ

الْمَرْقُودِ وَ مِنْحَى مُوسَى مِنَ الْإِيمِ وَ مُلْحَصِ عَيْسَى
مِنْ أَيْدِ الْيَهُودِ وَ نَاصِرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
475
وَالِهِ عَلَى الْأَخْطَابِ وَ نَاصِرِ عَلِيٍّ لَيْلَةَ
الْهَرِيرِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
سَاقِي حَامِلِ كِتَابِي هَذَا فُلَانُ بْنُ فُلَانَةَ نَامُ بِمَارِ
وَنَامُ بَدْرُشُ وَ رَايَ نَجَابُودَ مِنْ كُلِّ مَرَضٍ وَ دَاءٍ وَ عِلَّةٍ
وَ بِلَاءٍ وَ حُجَّةٍ وَ قَبَائِرٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ أَرْحَمُ
قَالَ إِبْرَاهِيمُ وَ عَلِيٌّ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ
وَعَلَى فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ
يَا ذِي اللَّهِ تَعَالَى

بر سر کاغذی سه مرتبه قل هو الله بخواند و فرود که از تخت

امام رضا علیه السلام منقول است از برای کسی که تب داشته

۴۷۶

نیت تمام

بالتوجه دارد بجانب فلان بن فلان نام بیمار و پدرش اسموید

دعائی که روز نوروز باید خواند است

اللَّهُمَّ هَذِهِ السَّنَةُ جَدِيدَةٌ وَأَنْتَ مَلِكٌ

قَدِيمٌ * أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيهَا

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا

وَأَسْتَغْفِرُكَ مُؤَنِّهَا وَشُغْلَهَا يَا ذَا

الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ

وَالْأَبْصَارِ * يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا

مُحَوِّلَ الْحَوَالِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى

أَحْسَنَ الْحَالِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَأَفِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْ
عِبَادِ مَا شَاءَ اللَّهُ قُوَّةَ الْإِلَهِ يَا اللَّهُ زُرِّي

مريض بر شنبه آچیل روز اورا خوانده و کتور از دست خود بر اند

مُحِبَّتِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لِلْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * حَسْبُنَا اللَّهُ
وَنِعْمَ الْوَكِيلُ * تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَائِرِينَ

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ *

این دعا حدیث بسیار دارد و از برای مریض باید خواند که

اِنَّ رَدَّكَ لَنَا شَفَاعِي يَا اَبَدِي الْهَيَّ بِحُزْمَتِهِ الْحُسَيْنِ

وَاجِبِهِ * وَجَدِهِ * وَابِيهِ * وَامِّهِ وَبَنِيهِ *

وَشَيْعَتِهِ وَمَوَالِيهِ * نَجِّنِي مِنَ الْغَمِّ

الَّذِي أَنَا فِيهِ * وَوَرِّقَتْ خَوَانِدُنْ نَجْتِي مِنَ النِّعَمِ

الذی انافیہ صحت خود را و آزار خود را و دل بگذرانم

که حق سبحانه و تعالی فرموده است که هر بنده مومنی که در شب جمعه

رویت از حضرت امیر المومنین علیه السلام که در آن شب دعا کند

و در مرتبه این دعا بخواند باین مضمون: و بسم الله الرحمن الرحیم

خدای قیامت! او را عذاب کن **که** منم برود کار

او نباشم دعا نیست **بسم الله الرحمن الرحیم**

يَا دَايِمَ الْفَضْلِ عَلَيَّ يَا رَبِّي * يَا مَاسِطَ

الْيَدَيْنِ يَا عَظِيمَ * يَا صَاحِبَ الْمَوْاهِبِ

السَّنِيَةِ * صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

تقیب که پیش از تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

باید خواند لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْهَاءُ وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ

مُسْلِمُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْهَاءُ وَاحِدًا وَنَحْنُ

لَهُ مُخْلِصُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْهَاءُ وَاحِدًا

وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا نَعْبُدُ

إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا رَبُّ آبَائِنَا

الْأَوَّلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ

وَالنَّجْمُ وَحْدَهُ وَنَصْرَ عَبْدِهِ وَأَعْنَا

وَهَزَمَ الْأَخْزَابَ وَحْدَهُ قُلْ هُوَ الْمَلِكُ

وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا

يُتَأَخَّرُ

يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ * اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

52 هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ * وَأَتُوبُ إِلَيْهِ * اللَّهُمَّ اهْدِنِي

مِنْ عِنْدِكَ وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ
انْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ
بَرَكَاتِكَ * سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعًا فَإِنَّهُ لَا
يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعًا إِلَّا أَنْتَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ حَاطٍ بِهِ
عِلْمُكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ حَاطٍ

يَعْلَمُكَ • اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَاقِبَتَكَ
فِي أُمُودِي كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خُرَابِ
الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ • وَأَعُوذُ بِكَ
الْكِرَامِ • وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تَرَامُ وَقُدْرَتِكَ
الَّتِي لَا تَمْنَعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا وَمِنْ
شَرِّ كُلِّ دَائَةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِهَا حَيْثُهَا إِنَّ
رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ • تَوَكَّلْتُ عَلَى
الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ • وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكُنْتُ تُكْبِرُ

پس تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بخواند

53

روایت کرده رسول خدا شنیدم روی را که میگفت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَحَدُ الصَّمَدُ

الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا

أَحَدٌ * پس فرمود که با بخدائی که جان محمد است اوست

که تحقیق اینم و سوال کرده و خواند خدا را باین اسم اعظم که چون

خدا باین خوانده شود واجب نماید و چون سوال کرده شود عطا میفرماید ^{خاصیت اسم زلفه}

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ

مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ

فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ

اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا **خاصیت اول** اگر کسی قصد ارباب

دوازده هزار مرتبه بخواند و ام داده شود بعبودت **دوم** **انت**

که کسی در میان گرفتار شود یا از شک عاقر شود باشد این آیه بخواند

مقصود در **سوم انت** که اگر کسی را عدد و بر باشد که در قصد

مالک او باشد چهل روز هر روز چهل بار بخواند و بر خود بدید و

بر ابروی رود البته آن دشمن دوست کرد **چهارم** اگر کسی

را بیماری رود و بد که طبعان عاقر شوند این آیه نوشته در دست

حل نموده بر لپ و ده اگر اجل رسیده باشد نفع یابد **پنجم** اگر کسی

سکونت باشد چله بار در روز اول چهل نوبت روز دهم

نوبت هر روز چهل مرتبه فرید کند تا روز آخر حق تعالی کار

آورد

و راکت باید و احتیاج از وی بخیزد **دشتم** اگر کسی را بادشاه

یا وزارت آرزو باشد چهل روز حیوانی نخورد و روز اول چهل

نوبت و بخین هر روز چهل نوبت اضافه کند تا روز **چهل** 54

تمام کند و او باید **و اسم الح** بوقت کسوف یعنی کمرانت

یکصد و یک مرتبه بر یک پا بخواند و خود نخورد و چهل می آید بعد از آن

یکصد و یک مرتبه بالای سر بر یک پا بخواند و هر که بخواند از بلیه

دوستی و دشمنی او رها شده شود **نهم** هر ایاپن و هیلا چون اسویا

سپاری لب با کهر مات و ون مات رس لون منهدون

سارا تن رس لون جو مری کنی سے ملی تو کونڈی نری

سری نکت کرو کی هکت هاری چسا چتی کی دو با حن

جته کی دو بائی دو بائی لونا چاری کی جو مری کنی سے ملی

بارکعت کرم

از کدز تو زنهار میکیه

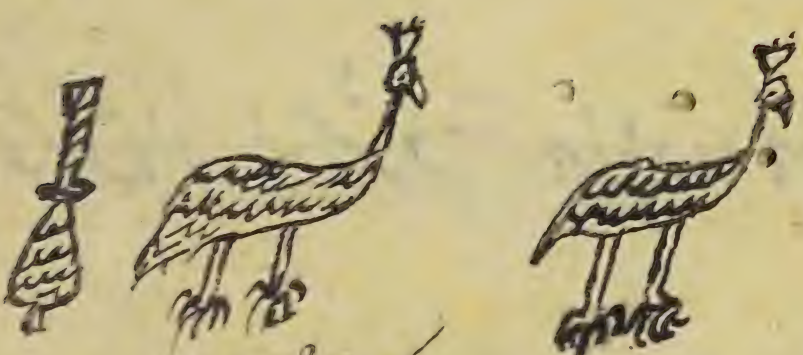
سر سر سر سر سر کر . کین سر کن سر ار سر

[illegible]

از فلک حرج افتاد

[illegible]

از ۲۰۶



رسک درم کسم دل را : که نایب نکرود درای کریم

چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیر و درین سه روز حیوانی بخور

و تا کس سخن گوید در در شب اول طلوع صبح تا که در میان آید

جاری رو قبله استیاده و رسم مطلوب با و رسم ما و را در ابر کف و

۱۱)

است نوشته بطریق تنویر دوست برادر مرثیه مکتوبه

یا ارحم الراحمین المستقر خین. چون قانع شود نماز صبح بجا آورد و در مکانی

55 که اراده دارد که مطلوب در آنجا حاضر شود قدری عود و عنبر لعل

تر نموده بخور نماید که حضور مطلوب را برسد بشرط که قصد ناموس

نداشته باشد **یا الله تعالی** اگر خواهی که مرا عاشق خود کنی

بیار و بکشد و بیمار نسجد و سرش را گرد ببرد و میانش را سوراخ

کند و چهل یکدانه فلفل سیاه بپارد و بر هر دانه فلفل سوره فاتحه

الکتاب یکبار بخواند و از نگاه فلفل را در میان پیاز بگذارد

و سرش را بپزند و سه پنج از چوب انار شیرین و سر پیاز بکوبد

و در آتش دهن که آتش بدو رسد دفن کند از عشق بفرار کرد

محب است **حیت ظفر و لغت** در روز پنجشنبه دوازدهم ماه

اول ساعت شتری باید نوشت نقش مبارک منیر

رب	رحمن	رحیم	رافع	رفع	رازق	رؤف	رشید	رقیب
رؤف	رشید	رقیب	رب	رحمن	رحیم	رافع	رفع	رازق
رافع	رفع	رازق	رؤف	رشید	رقیب	رب	رحمن	رحیم
رازق	رؤف	رشید	رقیب	رب	رحمن	رحیم	رافع	رفع
رحیم	رافع	رفع	رازق	رؤف	رشید	رقیب	رب	رحمن
رقیب	رب	رحمن	رحیم	رافع	رفع	رازق	رؤف	رشید
رفع	رقیب	رافع	رشید	رحیم	رؤف	رحمن	رازق	رب
رحمن	رازق	اب	رفع	رقیب	رافع	رشید	رحیم	رؤف
رشید	رحیم	رؤف	رحمن	رازق	اب	رفع	رقیب	رافع

سوره یسین از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرگز بر ا

قلبت قلب قرآن سوره یسین است هر که این سوره را در روز پیش

56

از شام بخواند در آن روز از بلاها محفوظ باشد و خدا او را روزی بزرگ عطا

فرماید تا شام و کسی که در شب پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار

ملک را با او موکل گرداند که او را از شر شیطان مردود و هراقی ^{حفظ}

نماید و اگر در روز میرد حق تعالی او را داخل بهشت گرداند و در غسل او

سه هزار ملک حاضر شوند که استغفار از برای او کنند و مشیت

او نمایند تا قبرش با استغفار و چون در جسدش گذارند آن ملک که در

میان قبرش ساکن گردند و عبادت الهی کنند و ثواب عبادت

الهیان از او باشد و قبرش را فراخ کنند تا چشم کار کند

او را این گرداند از فشار قبر بویستد از قبر او نور ساطع باشد تا اطراف

آسمان تا وقتی که از قبر برین آید پس چون حق تعالی او را از قبر برین
آرد آن سه هزار ملک با او باشند و مشایخت او کنند و با او
سخن گویند و بر روش خنده کنند و هر چند او را بشنود و بداند
و او را از صراط و میزان بگذرانند و او را در مقام قرب مجابدارند
که هیچ خلق در پیشش بستر نباشد مگر ملائکه مقرب و پیغمبران مرسل و او
با پیغمبران باشند نزد حق تعالی و در محاکم مردم اندوه داشته باشند
و اندوه داشته باشند و در حالتی که مردم خراج داشته باشند و اندوه داشته
باشند پس پروردگار عالم با او خطاب کند که ای بنده مومن مرا
خواهی شفاعت کن که شفاعت ترا قبول نمایم هر سوائی که از من خواهد
گفت که سوائت را رد نمی کنم پس او شفاعت کند و خدا قبول
فرماید و او را قبول کند و خدا عطا کند و دیگران را حساب کند و او را

حساب کنند و با دیگران در مقام حالش ندارند و هرگز که

و خواهی که در صحرا رقابت باشد با و برسد و هیچ کس از گناهان

56 اورا نکیرند پس نامه خود را بگیرد و هشت روان شود و مردم تحسین

که سبحان الله این بند را هیچ کس ندیده و از رفیقان بنمبر آخر الزمان

صلی الله علیه و آله وسلم باشد و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع

منقولست که هر که در عمر خود یک مرتبه سوره بس را بخواند حق تعالی

بعد از خلق که در دنیا است و هر خلق که در آخرت است و هر خلق که در اسماء

بعد از هر یک از ایشان دو هزار هزار حسنه از برای او بنویسد و دو

هزار هزار گناه از او محو فرماید و بقدر قرض خانه بر سرش فرو داند

و شمع و شفت و دیوانه و خوره و ساوس و دروهای ضر

رساننده بسلاستند و حق تعالی سکرات و احوال هر کس را

از و کفیف دهد و خود قبض روح او نماید و صاف شود از برای او

روزی را و او را شاد گردانند و چندان ثواب بآورد که است فرماید

که او را فی شود و حق تعالی خطاب فرماید بملک که آسمانها و زمین که

من از فلان بند و را نصیم از برای استغفار نماید پس دیگر منقولست

که شخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام از بوسه خطابت

نمود حضرت فرمودند که بوسه را با غسل بنویس و حل کن و بخور

و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از

برای لکهای سفید و برص که در بدن ببرد سوره بوسه را غسل

بنویس و بخور سوره الفتح از حضرت صادق علیه السلام منقولست

که حفظ نماید اطفال و زنان و بنده های خود را بخواند سوره الفتح

بدرستی که کسی که بخواند این سوره مداومت نماید در روز قیامت

مناظر

سازی از جانب رب العزت ندا کند که همه خلائق بشنوند که توار
ندکان مخلص مائی ایلاکیم اولمحن کردانید به ندکان شایسته می آورا
الواقعه
سوره

حضرت **ابو بکر** بهشت جاوید کند و از شراب سر بهر بهشت منقولست که
58

هر که در شب جمعه سوره واقعه را که با کافور مخلوط با بخواند که بنده

خاص است آن را بخواند خدا او را دوست دارد و مردم را دوست

او گرداند و بد حال و فقیر و احتیاج نه بیند و هیچ آفتی و بلائی مبتلا نشود

و از رفقای امیر المومنین علیه السلام باشد و این سوره مخصوص آن
حضرت است و بسند معتبر و بکسر منقولست که هر که مشتاق بهشت

و وصف آن باشد سوره ادا وقت واقعه را بخواند تحت

تمام شد **سوره الملک** از حضرت صادق علیه السلام منقولست

که هر که سوره تبارک الذی بنده الملک در شب در نماز واجب

پیش از خواب بخواند بوسه در امان الهی باشد تا صبح
شود و در روز قیامت در امان الهی باشد تا داخل بهشت شود
و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که نوره ^{الملک}
را مانعیت که از عذاب قبر منع میکند و نامش در نوره ^{الملک} نوره
است و هر که در شب بخواند بسیار عبادت و ملاقات کرده و نیکو
گروه است و آتش او را از عاقلان بپوشاند بدست که من در
نماز و غیره بعد از نماز حق میخوانم و بپرسم در روز و شب هر دو بخواند
هر که این سوره را بخواند چون نیکو و مسکین و فقرا و در آیند چون آت
جانب پایش در آیند با پیش ایشان گویند که نماز
از جانب من راهی نیست زیرا که این بنده هر شب در روز با
می ایستاد و سوره الملک را میخواند و چون از جانب سکمش

بیانید گفتش ایشان خطاب کند که شمار از جانب من

راهی نیست بد رستی که این بنده در میان داده بود سورة الملك را

و چون از جانب زایش بیانید ایشان گویند که شمار از جانب ⁵⁹

من راهی نیست زیرا که این بنده شب و روز سورة الملك را تلاوت

میشود و بر من جاری می باشد **سورة الرحمن** بنده معتبر از حضرت

صادق علیه السلام میفراست که سورة الرحمن را مداومت

نمایند و مستحب است که در صبح روز جمعه سورة الرحمن را بخواند و هر مرتبه

بگوید قباي الا و لکما کذب ان لا اله الا الله و من لا حول الا الله و لا قوة الا الله

در شب بخواند و در آتش ببرد و شهید شده باشد و اگر در روز بخواند

و در آن روز شهید شده است تمت تمام شد **سورة الحمد**

از حضرت صادق علیه السلام میفراست که واجب و لازم است

هر که از شب جمعه تا باشد و نمازش شب جمعه سوره جمعه را

بخواند چون حسین کند جهان باشد که بعمل حضرت رسول صلی الله

علیه و آله و سلم عمل نموده باشد و ثواب او نزد خداست

باشد تمت تمام شد **سوره عم قیسار لون** از حضرت رسول صلی الله علیه و آله

و سلم منقولست که هر که سوره عم قیسار لون را بخواند از دنیا

سزود تا توفیق زیادت کعبه معظمه بیاید تمام شد **سوره المزمل**

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره مزمل

را در نماز حقیق یا در نماز شب بخواند شب در روز آن سوره

هر شب باشد و گواه او باشند در قیامت و خدا او را باز نکند

نیگزنده دارد و در مردن نیگوید میراند تمت تمام شد از حضرت

صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

فرمود که چون بنده اراده حسنه میکند اگر آن حسنه را نکرد بعض

آن نیت خیر خدا یک حسنه در نامه اعمال او منسوب و اگر کجایی آورد

60

خدا و حسنه در نامه عملش منسوب و اگر اراده کند که حسنه را نکند

نمایند و در چیزی منسوبند و اگر کجایی آورد و ناهفت ساعت

او را مهلت میدهند ملک دست راست که کاتب و دست

چپ است ملک دست چپ که کاتب حسانت

ملک و یک لحاظ بکن و زود نوشتن که حسنه میکند که این

کنه را محو کند زیرا خدا تعالی میفرماید درستی که حسانت کند

حسنت را بر طرف میکند باین سبب که استغفاری بگوید که کاش

افزوده شود پس اگر گفت که استغفر الله الذی

لا اله الا هو عالم الغیب و الشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَكِيمُ الْعَفُوفُ الرَّحِيمُ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْيَقِينِ

برو خیزی می نویسند و اگر هفت ساعت گذشت و حسنه و

استغفار نکر و ملک دست راست بد بگری میگوید که

بنویس بر این شقه محروم آنچه باید نوشت پس بنویزند گناه را

در بیان ایام مولود حضرت رسالت پناه و حضرت امیر المومنین

و حضرات ائمه موصوین صلوات الله علیهم اجمعین و ایام وفات

ایشان محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن عبد شمس بن عبد مناف

صلوات الله علیه و آله وسلم **کتابت** ابوالقاسم مولود در مکه

واقع گشته از روز جمعه نزدیک طلوع فجر هفتم شمس ماه ربیع الاول

بود موافق قول سنیان و از فرهم است و در حدیث نیز وارد

شده که هرگاه در حدیث سنیان مخالف وارد شده باشد

عمل

عل حدیثی باید کرد که موافق قول سنیان نباشد لهذا اصحاب علی

نکرده اند والده حضرت آمنه بنت واهب بنت عبد مناف

حاکمه شد از پدر او عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف 61

در ایام نسبی که آن یازدهم ماه ذی الحجه است خانه ایشان بود

و بطور مفصّل شرحی است و جواب آن نیز در کتب مذکور است و در روز

بیعت او بر سالت بست و هفتم ماه حبه است و از سن مبارک

چهل سال گذشته بود و در شب بست و هفتم و روز آن دوازده

و کت نماز زیارت آنحضرت بسبب است و در بست و یکم ماه

رمضان آنحضرت را معراج واقع شد و در سال سیزدهم از هجرت

و در شب پختنه از مکّه هجرت بدینیه کرده و در عین شب حضرت

امیر المومنین نجفیه صلعم خوابیده و نفس خود را فدای آنحضرت

موتوا انکه در قرآن بدین واسطه مدح آنحضرت وارد شده و در ۱۴م

ربیع الاول حضرت خدیجه مادر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را

در حباله خویش در آورده و حضرت در آنوقت بخت بچاله

بود خدیجه کبر اهل ساله و در همین روز جدا آنحضرت وفات یافت

و در آنوقت جدا آنحضرت شصت ساله بود **در روز دهم منها**

از سال دهم از بعثت خدیجه بنت خویلد وفات یافت

آنحضرت روز دوشنبه بیست و هشتم ماه صفر سال یازدهم

هجرت اواز که مدینه واقع شده و بوقت از محمد بن گفته اند

که وفات حضرت محمد بن ربیع الاول بوده و سن ایشان شصت

و سه سال بود **در بیان حضرت ابراهیم مؤمنین علیه السلام**

اسم مبارکش علی کنیتش ابوالحسن پدرش ابوطالب

کافر

برادر عبداللہ بدر بن محمد مادر او فاطمہ بنت اسد بن ہاشم بن

امیر المومنین برادرانش ہاشم اند کہ متولد شدہ اند از اولاد ہاشم

۶۲

ولادت او در اندرون خانہ کعبہ سیزدہم ماہ حب و در بعض

روایات ہفتم ماہ شعبان وارد شدہ بعد از تولد حضرت رسالت پیام

صلی اللہ علیہ والہ سے سال روز لقب آنحضرت با ما است مقرر شدہ

پہدہم ماہ ذی الحجہ سال دہم از ہجرت و در ہمین روز سال

و چہارم از ہجرت عثمان بن عفان گذشتہ شد خلق بآنحضرت

بیت کردند و در ہمین روز موسیٰ علیہ السلام بر ساحران

غالب آمدہ و در ہمین روز ابراہیم علیہ السلام از آتش

نجات یافت و درین روز موسیٰ و صی خود موسیٰ و سلیمان

اعف نمودہ اند و سایر انبیاء و رین روز تعیین شدہ اند

دورست و چهارم این ماه حضرت بنعمه حضرت امیر المومنین و

حضرت فاطمه زهرا و حسن و حسین علیهم الصلوٰۃ و السلام مبارک باد

یهودان کرده اند و در میت روز حضرت امیر المومنین انکساری

خود تصدق نمود و آیه انما ولیکم دران باب نازل شده و درست

و پنجم این ماه حضرت امیر المومنین و حضرت فاطمه بر سکین و تمیم

و اسیر تصدق با نموده اند و قرص بران خویش با وجود کسک

و اجتناب خویش بخیرات داده اند دران باب سورۃ ال

نازل شد و درست ششم ماه مذکور عمر را رحم زده اند و درست هفتم

این ماه سال سیم هجری عمر فوت شد و شهادت آنحضرت

در مسجد کوفه در شب جمعه است و یکم شهر رمضان است

واقعه در همین شب علیه السلام را باستان بر

شب مکه عمران بجوار رحمت ابرو دوست وصی او بوشن

فون وفات یافت بدفن او نجف ارف کوفه و شش لقیش

شصت و سه سال در بیان حقرت فاطمه زهرا بنت حضرت رسالت ۶۷

بنیاد صلی الله علیه و اله وسلم و مولود در مکه واقع شده بعد از رحمت

پنج سال اما وفات بدینه بعد از وفات حضرت رسالت بنیاد صلح

الله علیه و اله وسلم بعد از روز و در مدفن او خلافت اصحاب است

که در خانه خود که بود چنانچه مذکور شد بعد از آنکه مع امینه مسجد محمد

را بزرگ مسجد آن خانه داخل مسجد شده و در میان منبر و قبر

رسالت بنیاد است و در بقیع نزدیک و امام چهارم اختیاری است

ایشان باید کرد و در نصف ماه حب نزوح حضرت فاطمه و

حضرت امیر المومنین علیهما السلام واقع شده در ماه پنجم محرم حضرت

فاطمه یازده ساله بود و در همین روز سال هجرت قبله تعمیر شده

مکعبه در بیان حضرت امام حسن علیه السلام کنیت او ابو محمد سید شباب

جثه مولود او مدینه زورگشینه نصف ماه رمضان سال ۱۰

از هجرت و بعضی از مجتهدین سال هشتم پیش از قیام لوم

وفات او روز پنجشنبه هفتم صفر چهل و نه از هجرت و بعضی گفته

اند شش شرفیش چهل و نه سال بود و بعضی چهل و هفت

تذکره اند در بیان حضرت امام حسن علیه السلام سید شباب اهل جنه کنیت

او ابو عبد الله و مولودش مدینه آخر ماه ربیع الاول سال سیم

از هجری و بعضی گفته اند روز پنجشنبه سیزدهم رمضان و بعضی سیم و پنجم

ماه شعبان سال چهارم از هجرت شش شرفیش پنجاه و نه سال

در بیان حضرت امام زین العابدین علیه السلام کنیت او ابو محمد مادرش شارب

مکن

چهارده از هجرت و بعضی شان زده گفته اند سن شریفش پنجاه

و هفت سال **در بیان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام** کنیت او ابو جعفر

مادرش ام فروزه و بعضی گفته اند که اسم مادرش فاطمه است و لقب او

ام فروز است و مولدش مدینه زور و دوشنبه هفتم ماه مع الاول

سال هشتاد و سه از هجرت مدتش و بیع در بهلولی بدر خورش

و فاش نصف ماه حیب و بعضی سوال گفته اند سال صد و چهل

و هشت از هجرت سن شریفش شصت پنج سال **در بیان حضرت**

امام موسی کاظم علیه السلام کنیت او ابو الحسن و ابو ابراهیم و ابو علی

مادرش جبریه مولدش ابواک تملیت بابین مکه و مدینه

روز یکشنبه هفتم صفر سال صد و بیست و هشت از هجرت و بعضی

صد و بیست و هفت گفته اند مدتش مئو و س به بعد او در روز

یک و چهار

ست و چهارم رجب سال صد و هشتاد و یک گفته اند

شش نیش پنجاه سال **در بیان حق امام رضا علیه السلام**

کشتیش ابو الحسن مادرش ام ولد مولدش در مدینه روز

پنجمه یازدهم ذی القعدة و بیست و یکم گفته اند سال صد

چهل و هشت هجری مدفنش طوس حران سال دویست

و سه هجری سن نیش پنجاه و پنج سال **در بیان حق**

امام محمد تقی علیه السلام کشتیش ابو جعفر مدفنش امام رضا

علیه السلام مادرش حران ام ولد ابراهیم بیت باربر قطیف

مولدش مدینه در نصف ماه رمضان سال صد و نود و پنج هجری

مدفنش مقابر قریش بقرب جدش یحیی و ایام وفاتش

آخر ماه ذی القعدة و بیست گفته اند در روز شنبه یازدهم ماه

فی قعده سال دوستی و بست بستی هجری سن شریفش بحال

در بیان حضرت امام عقیقه علیه السلام کنشش ابو الحسن پدرش

محمد جواد مادرش سمانه ولد مولدش مدینه نصف دی الحجه

و بعضی گفته اند بست نشتم دوستی دوازده هجری مدش خانه

خود با مره روز دوشنبه سال سیم حب سال دود و چاه

و چهار و بعضی دویم حب نیز گفته اند سن اشش چهل و یک سال

و نیمه ماه در بیان امام حسن عسکری علیه السلام کنشش ابو محمد پدرش

امام علی نقی علیه السلام مادرش حدیده ام ولد مولودش مدینه

دویم ربع الاول و بعضی زور دوشنبه چهارم ماه مذکور گفته اند سال

دوستی و سی هجری مدش در خانه پدرش در سن رای او

یکشنبه و بعضی گفته اند زور جمعه هشتم ربع الاول سال و دوستی

هجری

هجری سن ثلثین است و هشتاد و پنج ^{سال} منفی علیه الرحمه فرموده

که از بیرون خانه زیارت ایشان باید کرد چه بیرون داخل خانه

نمی‌توان شد و اصح آنست که جائز است دخول چه اتمه محصنین ^{صلوات} ۶۸

اللهم اجمعین مال خود را بشعبه خود حلال کرده اند چنانچه در احادیث

وارد شده در بیان صاحب الامر علیه السلام کنشش الو القارسم

صیقل و لقبش حسن و بعضی مریم نسبت زید گفته اند مگر کنش

سُرمَن زای در شب نصف ماه شعبان سال دولت پنجاه و چهار

گفته اند و این آن شخص است که ظهور او مقین است و بر خواهد گرایند

زمین را از عدل چنانچه از جور پر شده باشد تا رخ روی چشم جام

شهر حمادی الاول در بندر جدو برای زیارت حضرت حواره

و در بیت الدالحرام در نور چشمه است و یکم شهر مذکور زیارت

۱
سنگ جای آریخ حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و سنگ

که بر آن حضرت سلام کرده و خانه حضرت فاطمه علیها السلام و خانه

خدیجه کبرا و مسجد حضرت فاطمه ۳ و جای تولد و آسیا آنحضرت

و در حجت مع روضه خدیجه کبرا و روضه ابوطالب و روضه

باسم و روضه عبد مناف و جای تولد حضرت پیغمبر صلی الله علیه

و آله و سلم و در جبل النور رفته مکانیکه حضرت رسول ۴ را در آنجا

نور به سینه مبارکش قرار یافته و در آنجا مکانیکه آنحضرت

در آنجا عبادت میکردند و مکانی که در آنجا بلال منونی می بود و

رکعت در هر مکانی نماز کرده و زیارت کرده و در کوه ابوبکر

رفته جاسکه بلال از آن میداد زیارت کرده و در رکعت نماز کرده

و شش نفر از زیارت کرده و در رکعت نماز گذارده و جاسکه حج

سادات را مقید ساخت بعد از چند روز نکشت نمط در آورده

و از انجا بخانه ابوطالب آمده زیارت کرده و دو رکعت نماز

گزارده از آنکه محط که روانه مدینه طیبه گردیده و بمکانهای مشرق که منزله ۴۶

وارد شده ابتدا در بدر فرار شهیدان که در آن زمان حضرت رسالت ^{نامه}

با کفار قریش محاربه داشتند قدری در آن مکان تشدد بری

آمد بالای سر مبارک سایه افکند الحال در انجا مسجدیت شهر

مسجد عمامه متصل آن احاطه الیت که سیزده تن در بویکاب

قیض ماب بدرجه شهادت خالین گردیدند اسامی شهدا

عبد بن الحارث و عمر بن عاص المظفر و الثمالین مغیر بن عبد المظفر

عافل بن ابی البکر صفوان سعد بن حشمه حارثه عمر بن الحام السبی

مهیج مولا عمر بن الخطاب بنید بن الحارث الحارثی مرفیع ابن

المعلی الحسنی عوف محمود ابن الحارث ابن رفاع ودر همان مکان

کوهست که شوق شده و آنجا باب از میان آن دره عبور نمودند

و سکنت که حضرت پشت مبارک بان داده بدرگاه محراب ^{الدعوات}

استغافه نمودند و حاجت مقرون گردید و در صف اول زیارت

بازار عفاری رحمه الله و داخل مدینه طیبه که گردیده بستان ^{بستان}

مرقد مطهر نوروزین حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم

و حضرت سید الشیخ فاطمه الزهراء علیهما و حضرت

آئمه لقیع اغنی شهید مسموم اسما و بر جفا حضرت امام حسن مجتبی ^ع

و حضرت سید الساجدین امام زین العابدین عا و کتبه علوم

اول و آخر حضرت امام محمد باقر عا و امام حق باطن حضرت امام ^ع

جعفر صادق عا و طبیب اللانفاس حضرت عباس عم رسول خدا ^ع

و فرزند رسول کریم حضرت ابراهیم و نبات رسول الله در قمره ام

کلثوم و زینب و عظیمه بنت سعد بن رضوه بنی الله و حضرت

عقل برادر حضرت امیر و ازواج طاهرات آن حضرت ام حبیبه ۴۸

زینب صدقه سوده ام سلمه میمونه در وادی فاطمه و در راه مدینه

و خدیجه در مکه معظه و عائشه در شام و حفصه در مدینه طیبه و اسماء

فرزند حضرت امام جعفر صادق ۴ و باک طینت طیب الحد

فاطمه بنت اسد و لده حضرت علی ابن ابی طالب و از اصحاب

آن حضرت عثمان بن مظعون و جابر بن عبد الله انصاری و

عبد الله ابن مسعود و سایر احد چون مسجد فبا و مسجد شمس و

مسجد المصلی و مسجد الکشف و مسجد مریکن النافه و مسجد الالب

و مسجد حضرت و مسجد حضرت در لطف علی و مسجد حضرت فاطمه صلوات الله

مسجد الموقف و جاذبات نور بود ۴۰

۱- علیها و حضرت رسالت پناه خاتم مبارک درو انداخته که
شیرین کردید و باغ فدک و درخت خرا که خم نشده بر حضرت
سلام کرده و مغزه حسین و مکان را نوبی شتر حضرت
امیرا و مسجد که کشتهای آنحضرت در انجامی بودند و الاصحاب
و مکانی که در جنگ احد انجانب زره پوشیدند و زیارت
سیدالشهدا و مکانی که دندان مبارک شهادت و در آنجا
که از روی تواریخ معلوم است و جایی که از زن کافره حضرت گرفتند
و آب دهن مبارک درو انداختند و مسجد و قبلتین و مسجد
و مسجد سلمان فارسی مسجد حضرت برافق علیا و مشربیه امیرا
و جایی که دندان مبارک را غسل دادند در هر مکانی زیارت کرد
و در وقت نماز کجای آورد و نیابت هر یک از دوست و دشمن

قول

اینست که هر روز که میخواند تا چهل و یک روز باید که در آن

نیم یک سخن مگوید و در مکان خالی بخوابد و از روی نوحه تمام مدام

نماید و با طهارت باشد و روی قبله نشسته باشد که اثر قوتها

عظیم ظاهر شود هر کس این نیم را با ادب بجای آورد هرگز

نفرین نمند و نزد جلالی عزیز و محترم باشد و جمیع مہات

دینی و دنیوی او برآورده گردد و در دنیا و پناه حق سبحانه و تعالی

نورده باشد و این نیم از عریضات و محبات است و بسیار

تجربہ شده اعلیٰ و خداوند دارد و باید که پیش از خواندن سوره

سوره حمد و سوره بقره و آل محمد و آل محمد باشد و شروع در خواندن

کند و بعد از آنکه سوره تمام شود این دعا را بخواند اللهم صل علی

انوارش اللهم صل علی انوار عظمی و انوار

المُسْتَقِيم يَا مُوسَى الرِّيحُ وَيَا بَاعِثَ

الْأَرْوَاحِ يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّمِيعُ يَا اللَّهُ يَا حَمِيدُ

يَا رَحِيمُ اسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ سَيِّدِي نَافِلِيكَ ^{وَرَبِّي} ^{وَالْحَمْدُ}

وَالْحَمْدُ وَأَنْ تُنَجِّنِي مِنْ هَذِهِ الْعَذَابِ ^{سَائِرِ} ^{مِنْ مَطْلَبِ خَامٍ وَبَنُو}

صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

بِرَحْمَتِهِ يَا أَحَدُ الثَّوَاهِي وَطَرِيقِ خَمْسَةِ سُوَرَةٍ مُبَارَكَةٍ شَرِيفَةٍ

وَسَيِّدَةِ كَبِيرَةِ الْأَصْغَرِ أَنْتَ كَرَامَةُ أَوَّلِ بَيْتِهَا وَتَوَسُّعُ صَلَواتِ

بِرُوحِ مَعْدِنِ حَقِّتِ نَبَوِي وَرَسَدِهَا وَرَبِّهِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ

يَا حَمِيدُ كَلِمَةُ دَهْرٍ وَرُوحِ خَمْسَةِ نَامٍ كُنْ جَزِي أَرْشِدِي مَنِي لَصَدَقَ كُنْ

دَرْزِ رَاقِ كُوسْتِ كُنْ بَشَدِ دَعْوَاتِ بَزْدِ وَجْهِ دِكْ نَانِ

بِامْتِدَارِي حُلُو أَمْوَسِينَ اِبْلِ طَاعَتِ لَصَدَقَ كُنْ كَرَامَةُ اَنْدَارِ

عَجَبِ طَاهِرِ نَوْدِ تَاهِلِ وَكَلِمَةُ دَهْرٍ كَلِمَةُ نَوْدِ اَنْدَارِ اَمَّا وَكَلِمَةُ اَنْدَارِ

که هر روز با اضافه کند تا جاهل دیگر در جاهل و بیکتر به بخواند و اهل

دیگر در از مرتب نشود بطریقی عکس بخواند و تلاوت حق

نماید اما بکبر است که هر روز جاهل و بیکتر به جاهل و دیگر بخواند

اما در شش محل اشارت است که مذکور می شود مقصود در خاطر

که راند هر نوبت که سوره نام شود این دعا بخواند و در آن

تصحیح نیز اشارت بمطلب کند و شرط است که هر روز بعد

مقدور تصدق کند و در وقتیکه قمر اید النور باشد شروع

کند دعای است اللهم یا ذا العرش الکامد الملک

القدید و العطاء العظیم و الصراط المستقیم

و الفضل العظیم یا مرسد الریح و یا فالح

الاصباح و یا باعث المروء و یا ذا الجود

رَحْمَنُ

وَالسَّمِاحُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا

يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ
الْحَمْدُ وَإِنْ تَبَيَّنَ مِنْ هَذِهِ الْعَمَلِ بِرَحْمَتِ يَا رَحِيمُ الرَّحْمَنُ

77

وَمَحَلُّ إِشَارَتِ كَمَا أَنَّهُ مَطْلَبٌ مَبْنُوعٌ وَأَوَّلُ وَثَلَاثَةُ

أَنَّ كُتِبَ اللَّهُ دَوْمٌ وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ

سَيَوْمَ الْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ حَارِمٌ وَالَّذِينَ تَتَّبِعُوا النَّبَا

نَجْمٌ لَا تَنْتُمْ أَشْرَارٌ نَسْتُمْ لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ

وَدُرُّ عَاثِنْ نَحْنُ دُرُّ قَتِ إِشَارَتِ مَهْمَتِ مَرْثَمِ

يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا صَدِّقُ بَايَدِ قَتِ اِمَارُوزِ مَجْمُوعِ اِبْدَاكَ نَدْوِ جِل

وَكِرْدُزِ نَخْوَانِدِ وَاَصْلِ اَنْتِ كَمَا كَسِي سَمْنِ نَكْوِيدِ وِدَرْ سَمْنِ

كَاهِ خَوَانِدِ وِمَطْلَقِ اَدِ جِل وِكِرْدُزِ رُوزِ رُكْ كَنْدِ

اَكْرَا حَيَا تَرْكِ كَنْدِ بَارِ اَكْرِي وِدَرْ مَحَلِّ شَرْعِ وِرَا اَبْدَا اَوَّلِ

چهل و یکبار صلوات بر پیغمبر و آل او فرستد و در آخر ده بار و بگوید آن

سه سجده کند و بگوید خدایا این دعوت را خیر گردان

و نفس مرا که او موثر ساز که هر دعا که بخوانم بهر نیت که

باشد موثر گردد و الله نفس او کبراشود و اگر بعد از اتمام دعوت

بر کوه خواند از جای رود و توفیق اله تعالی **در دیدن**

چهارم و اول ماه و ایام خمس در هر ماه یکروز است

۲۰	طلوع ایام دیدن	۱۰	ایام دیدن	۴	ایام دیدن	۶	ایام دیدن
۲۸	ایام دیدن	۱۸	ایام دیدن	۲۸	ایام دیدن	۲۴	ایام دیدن
۲۴	ایام دیدن	۲۸	ایام دیدن	۲۸	ایام دیدن	۲۴	ایام دیدن

ناخن گرفتن

روز یکشنبه روز یکشنبه روز یکشنبه روز یکشنبه
خوب نیز خوب خوب بسیار خوب خوب

برای دفع بواسیر مجرب است چاره کاغذ را در موم کافوری

گرفته هر روز از شام تا صبح روز بخورد شفا یابد ان شاء الله تعالی

78

در کشته نشسته باشد بر دول چهار بار بزند
ابتداء و مراد بخورد و نیت بگوید

۱۱۵۹۹۱۱۱۹۹۱۱

۳	۱۱	۴
۹	۷	۱۴
۸	۲	۱۰

فائز حضرت انبیا المومنین علیه السلام هر گاه می شناسد باید که طهارت باشد اول
بکوبد سوره فاتحه کتاب و نوبت سوره قل هو الله احد بخواند بعد از آن نیت کند
و انگشت برین دایره بگذارد و ده بار و حرف دهم را بگوید

ب	ب	ا	ا	ی	ت	ت	ت	ب	ب
س	س	خ	خ	ا	ر	و	و	م	م
ی	ی	ر	ر	ع	ک	ف	ف	ط	ق
ا	ا	ش	ا	ل	ک	ی	ی	ل	ص
ر	ر	خ	ی	ی	ن	ق	ق	ب	و
خ	ب	و	ن	م	ک	ی	ن	م	و
و	و	ب	ب	د	ب	ا	ی	ی	ت
ب	ا	ا	و	و	و	ف	ا	ر	ر
س	س	س	س	ک	س	ت	ب	س	س
ت	ت	ت	ت	ن	ت	ی	ی	ی	ی



در این روز زن ام کلثوم
 که دید
 در میان
 جبین

ماها چهارم	محمد صلی الله علیه و آله	حضرت علی علیه السلام	حضرت ام کلثوم	حضرت ام کلثوم	حضرت علی علیه السلام	محمد علیه السلام
کشتی ای	ابوالقاسم	ابوالحسن	ام ایمن	ابو محمد	ابو عبد الله	ابو الحسن
هفت	مصطفی	مرتضی	زهره	زکریا	شهبه	سجاد باقر
چهارم تولد یافته اند	شعیب ابوطالب	کعبه معظه	مکه معظه	مدینه	مدینه	مدینه
روز یکم تولد شده اند	دوشنبه	جمع	جمع	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه
ماه اول که تولد شده اند	مقدم هم ربع الاول	سیر هم ربع	نهم حاد	بازدهم	سیم	پنجم صفر
سالیکه بر ما آمده اند	سال که از قبل محمد	سال بعد از محمد	سال بعد از محمد	سال بعد از محمد	سال بعد از محمد	سال بعد از محمد
سالیکه بر ما آمده اند	سال که از قبل محمد	سال بعد از محمد	سال بعد از محمد	سال بعد از محمد	سال بعد از محمد	سال بعد از محمد
سالیکه بر ما آمده اند	سال که از قبل محمد	سال بعد از محمد	سال بعد از محمد	سال بعد از محمد	سال بعد از محمد	سال بعد از محمد

در این روز

[illegible]

محمّد و یارو	علی ابن ابی طالب علیه السلام	قمر و سلمان	نصیر و کرمان	سغینه	رشید	ابو خالد	جابر جعفی
نام	جعفر علیه السلام	موسی علیه السلام	علی علیه السلام	محمد علیه السلام	حسن علیه السلام	محمد علیه السلام	
کُتِبَ	ابو عبد الله	ابو ابراهیم	ابو الحسن	ابو جعفر	ابو الحسن	ابو محمد	ابو القاسم
لقب	حاتق	کاظم	رضا	جواد	هادی	عسکری	خلف مهدی
جای تولد	مدینه	مدینه	مدینه	مدینه	مدینه	مدینه	سمرقند
دوره تولد	دوشنبه	یکشنبه	چهارشنبه	جمع	دوشنبه	جمع	
ماه تولد	بمقدّم	بمقدّم	بمقدّم	بمقدّم	بمقدّم	بمقدّم	بمقدّم
سال تولد	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم	سال نهم	سال دهم	سال یازدهم	سال شانزدهم
یادشاه	مروان	ابراہیم	منصور	محمد امین	مامون	واسق	معتد
نام مادر	ام فروه	ام زینب	ام زینب	ام زینب	ام زینب	ام زینب	ام زینب
نقش	الله خالق	کن من الله	ان الله	المهمین	حفظ المهور	انا الله	انا الله
شماره زن	دو زن	یک زن	یک زن	یک زن	یک زن	یک زن	یک زن

شمار فرزندان	ده فرزند	سیه هفت فرزند	سه فرزند	چهار فرزند	پنج فرزند	یک فرزند	فرزندان در تالقات شمار خداوند
عمر	شصت و پنج سال	شصت و پنج سال	پنجاه و یک سال	سیست و یک سال	چهل و یک سال	دو هشت سال	در زمان شصت و چهل رسیده بود
روز و وقت	دوشنبه	جمع	شنبه	شنبه	دوشنبه	جمع	جمع
ماه و وقت	نیمه شب	ششم شب	هفتم شب	هفتم شب	سیم شب	هشتم شب	خدا داد
سال وفات	صد و چهل هشت از هجرت	صد و چهل و هشتاد و پنج از هجرت	صد و چهل و سه	صد و چهل و دو	صد و چهل و یک	صد و چهل	خدا داد
جای وفات	مدینه	فرزندان بشهر بغداد	منزل الحق در طرس است	بغداد	خانه الحق که در فرزای رقم است	خانه الحق که در فرزای رقم است	نزد بغداد
بانی وفات یا یافته اند	منصور الحق را در انگور زهر داد	رشید الحق را زهر داد	مامون الحق را زهر داد	مستقیم الحق را زهر داد	مقارن الحق را زهر داد	محمد الحق را زهر داد	از خوف غایب شد
جای قبر	بقيع	مقبرای قریش	طوس	مقبرای فرزای	در یک خانه	جای قبر	جای قبر
دار دوران وفات	رشید	رشید	مامون	مستقیم	مستقیم	محمد	از محمد پنهان شد
محمدان در کاه	مفضل پسر عمر	محمد پسر فضل	عمر پسر فضل	عثمان پسر سید	عثمان پسر سید	عثمان پسر سید	عثمان پسر سید

۸۰

هولغنه چهارشنبه مس گرفته بدین صورت هر سار و بوقت

کسوف و خسوف یعنی سورج کهن و چنبر کهن در آب روان

استاده شده بکشد بوقت حاجت همراه تلخه مرغ کرک ناته

و سدر و لعلاب دهن یکجا کرده سه مهر بر دوزخ خود برده طبع

بکشد از زال نکر و بار دیگر طبع نموده از زال کتد و دیگر ناممون عورت

اگر طبع نماید قادر شدن نتواند عقد التا کرد و محراب است

اک دفعه دور هولغنه لغت از کعب الاخبار ^{عنه} _{العه} رضی

که من توریت خوانده ام و دوازده کلمه از آن میروم کشیدم و

بنوشتم و در کردن خود او بختم و هر روز در آن کلمات نظر میکردم

یعنی هر روز سه بار بخواندم **کلمه اول** ای فرزندان آدم از هیچ پادشاه

مترس تا آنکه پادشاه من بآید است و بادشاه من همیشه باقی

خواهد

خواهد بود **کلمه دوم** ای فرزندانم از فوت شدن مال من ترس

تا آنگاه که خزانه من نیست و خزانهای من همیشه باقی
۹۱

خواهد بود **کلمه سوم** ای فرزندانم از تو عمل خود انمی طلبم و تو

از من روزی فردا مطلب **کلمه چهارم** ای فرزندانم در روز

آسمان و زمین عاجز شدم و در سانسین یکدو نان که تو

بدان سیر شوی چگونه عاجز شوم **کلمه پنجم** ای فرزندانم حق

آنکه من محرم ترا و تو نیز محرم مرا **کلمه ششم** ای فرزندانم

موانعت باریکری نکن تا آنکه من ترس تو باشم **کلمه هفتم**

ای فرزندانم از مرا این مباش تا آنکه از پل صراط بگذری

کلمه هشتم ای فرزندانم مرا بر تو فریفته است و ترار من

زرق اگر تو فریفته مخالفت سمائی و کاهلی کنی من در زرق

رسانیدن کابلی کنم **کلمه نهم** ای فرزند آدم در غضب
میشوی برین از جهت نفس خویش و غلبت بر نفس
خویش از جهت من **کلمه دهم** ای فرزند آدم هر که ترا
نیخواهد از برای خود من ترا میخواهم از برای تو و تو از من میگیری
و انصاف نمیدی **کلمه یازدهم** ای فرزند آدم همه از برای تو
آفریدیم و ترا آفریدیم از برای خود پس خویش را خوار مدار
و قدر خود بدان **کلمه دوازدهم** ای فرزند آدم اگر رافه نشوی بدانچه
قسمت کرده ام ترا و دل ترا و تن ترا از رحمت رسانم
و تو آسوده و اگر رافه نشوی بدانچه قسمت کردم مسلط کنم
بر تو و بپارایم چون دویدن و شبان و در میانان
بعد از آن نوبت و طلال من بخوار گردانم ترا که آنوقت نشان
لونی

شوی و سودمند نماید **تعلیمت** که موسی علیه السلام گفت

خداوند اگر هیچ چیز در دنیا نمی آفریدی چه خوش بودی

۸۲ حکم شای موسی کدام **بیجا** چه گفت خداوند چون **تجارت**

آفریدی **موت** نمی آفریدی و اگر جوانی آفریدی **پیری**

نمی آفریدی چون **سیری** دادی اگر **سکای** نمی آفریدی و چون

صحت دادی **زحمت** نبود **اگر** **بخت** آفریدی **فروغ**

نمی آفریدی **حق** **سجانه** گفت ای موسی اگر **حیات**

آفریدی و **موت** نبود **از** **قدیر** **بچکس** **نترسیدی**

و اگر جوانی بودی و **پیری** نبود **قدرت** **های** **من** **کس**

نشناختی و اگر **سیری** بودی اگر **سکای** نبود **فرمان** **ما**

بچکس **بیانمی** آوردی و اگر **صحت** بودی و **زحمت** **بود**

مرا بچس باز میکرد و اگر بخت بودی و دورج بودی
اعمال نمیکردی پس میکرد این چند کلمه لطیف یادگار
من کلام اکابر سخن باندیشه کو تا ناف نخوری و کار
باندیشه کن تا پشیمان نشوی و راه باندیشه رو تا در کمالی
و مال باندیشه صرف کن تا محتاج نکندی و در کار صفت
عقلت مکن تا از خدا شرمند و نشوی **نقش** که جماعتی
از بزرگان بدین راجع آمدند گفتند که آن زن دعوی
بلند مقامی میکند بیاورد تا او را بیارایم کاغذی گرفته سه
حرف مشابه یکدیگر نوشتند که **محس محس محس** و
نقطه بگذشتند پس راجع فرستادند که ای راجع بر خوان
و جوابش بنویس راجع بر خواند و جواب نوشت

که هر که دعوی محبت حق تعالی کند و تن در محنت
مذهب محنت است حکایت آورده اند که مردی در 83

شب پیش حضرت امیر المومنین علی علیه الصلوٰه
والسلام آمد و سوالی کرد و جزئی طلبید آنحضرت چراغ
را نشانید حاضران گفتند یا امیر المومنین چرا چراغ را
نشانیدی آنحضرت فرمودند از هر آنکه تا دل سوال
در روی وی نبینیم و وی نیز از من شرم ندارد و او را
لغام و اکرام بشمار کردند حکایت آورده اند که حضرت
موسی علی نبیا و علیه السلام فرعون را و علی بدر کرد و
حق تعالی او را ویرانست و تار و تازی بطور سبنا
شد و با خدای عز و جل مشاجرات کرد و گفت برو دشمن تو

دعای بدسپکنم چرا دعای مرا بجا بیاورد
خداستعالی بموس و می فرستاد که یاموس دوست دارم
که گشت زمین را از جو انمردان تپه کنم و در خون از جو انمردان^{لست}
و بر ا چهار جوان بود بر چهار دروازه مهر نهاده و شب^{روز}
طعام و شراب انجا می نمودی تا هر که بایستی و رفتی از آن
طعام تناول نمودی و چون حق تعالی خواست که ویرا
بلاک گرداند بدش افکند تا خواستهارا برگرفت
گویند که هنوز باز پیشین نشده بود که آب عرق شد
ه کنایه می بند بکشاید بر تو فرو بندی فرو بندند
بر تو و السلام **دیگر سلطان محمود غزنوی روزی در غضب**
بود چنانکه به کس مجال آن نداشت که او را خوشوقت
لایق

سازد
و ملک گفت من اورا خوشوقت می سازم پیش رفت

و گفت بنده آن استانم میخواهم که معلوم کنم که لقب و نام

آنحضرت چیست سلطان از روی غیب فرمود بر خیز و

که محذور ملک گفت آن لقب باشد نام چیست سلطان

بخندید و خوشوقت شد **دیگر** هفت کلمه طیبه از تحت

حضرت امیرالمومنین امام المومنین اسد الله العالم

حضرت علی ابن ابی طالب **اول** آنکه زکات طلب

کردم در خواندن علم یافتیم **دویم** آنکه روشنائی طلب کردم

در نماز یافتیم **سوم** آنکه توانگری طلب کردم در درویشی یافتیم

چهارم آنکه راحت طلب کردم در بی طمع یافتیم **پنجم** آنکه سروری

طلب کردم در خاموشی یافتیم **ششم** آنکه رضای حق طلب کردم

سخنهای طیب کردم

و در آن صحبت یافتیم

در راستی یافتیم اسامی که در حساب ابجد عددشان

موافق است و ما بهم رطلطو دارند از میر حیدر مولوی طباطبائی

حیدر	ع	رسول	ابوالقاسم	حضرت محمد
عجاوولی الله	بحق	رهنا	ملک یوم الدین	ایمان
آدم	الع	کعبه	سادات	شاه تحف
هم	اعلم	آب زرم	سرور	شاه عباس
دولت	شاه	محت	علم	لوسف
قر لاش	قهار	موت	عمل	حسن ازل
عای	شمس	شجاع	دلیری	اصفهان
اعلی	مریخ	صفدر	مردی	قلم زن
مطلوب	شراب	می	محبوب	موشوقه
دعا	بارش	کل	نماز	محب عالمی
سایه	کاشان	عالم	نوبه	محب
سک	عقب	غالی	پشیمانی	درد
کشش	نیشکر	خواب	هندی	سیاده
نخود	نیشی	رحمت	سبز	پیش
منشود	ارمنی	عاق	محتاج	عذرس
کفر	کافر	عایه	بیدولت	با قلا
سبید	بنکی	محمودی	المبیر	بد نفس
سیاه	ملود	جهنم	قمار	ملعون

صباح	زنده	رنج	زبان	دراز
ساجان	بیماری	دمان	بی عقل	
صلح	لعل	دیوانه	نجات	لاله الله
فراج	نکین	آلودگی	سکندر طالع	ع
محمد مهدی	طامع	هوس	وجود	عاشق
قایم	نومیدی	ایس	واحد	آفت
لوهل	حاب	صهبا	میزان	سُطّان
ابولهب	سهو	بیایه	حق	سقوی
عجب	الله اکبر	محمد رسول الله	صحابه	ع
کنه	جهانگیر	نجات	ملاک	لوای احمدی
اهلبیت	امام	عاصم قرآن	شاه شجاع	سختن
ملاک مقرب	ابعمار	خاقان دورا	جشنید و زمین	خلف
خوف	حلم	سندک	روشنائی	مشرک
گرفت ماه	زمینده	نیکو	قباوت یافتم	لغنت
کا کل	دوست	منجم	صا	قدم
سودا	طاعت	وسوسه	چمن	دراز
مل	جام می	حک	شاهد	حیا
جوانی	عزیز	شور	عمر	زیب
خای دست	غزاریل	مادر	طعل	در لوزه
زبور شاه	غادر	مهر	پاکدانه	انفعال

زمانه سمج	مستلوع نفع رسان	دوست لواز دولتمند	حکیم لازم	حاجب عجاب
بدی بیجا	کفایت دشوار	رشته ملاط	تکلف کلفت	دیوانه آسوده
جاهل و بابل	قهوه صبوحی	یکدل نایاب	موکب سپاه	سبزه پامال
سایل نمان	درازی ناتمام	نکیرو منکر مستوفی	بحری طایر	احمد کلاب

برانی تکثیر بنویسد اینست تریه

بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحمن	الرحیم
الرحمن	الرحیم	بسم	الله

دیگر بجهت مردیکه بسته باشد هیچ چیز نمیشود در طاس نوشته

نهار بخوراند البته مقصود حاصل شود **اینست**

۸۶

۲	۴	۱۱	۱۱۱	۱۱
واله	۱۲	۱۱	۱۱	۱۱
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱

نکته اسمای اینست در باب طرف شمال قصد رفتن ::

دارد این نقش را بر بازوی خود بسته روان شود **اینست**

۹۱	۴	۱۱	۱۱
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱

نوع دیگر دفع گفتار بر کاغذ یا بر تخته چوبین این نقش نقش کنند ::

بالای در خانه سخت کند در آن گوشه و محلت گفتار کردند

کرد و همین نقش را بر تخته نردین و یا نقره و یا آهن و یا مس

نقش کند و در کردن کودک بند و گفتار بر آن بچه زبان تواند

رساند و طرف او تواند دید و در محلی که کودک باشد گفتار نتواند

نقش است بسم الله الرحمن الرحیم

۱	۱۴	۱۱	۴
۱۲	۶	۷	۹
۸	۱۰	۱۱	۷
۱۳	۳	۲	۶

نوع دیگر علت باشد دفع شود این بجهت لبزد و در درستی

کلمه

کنده بشود مکرر الله تعالی این معظم و مکرم **اینست**

۸۶

و	ر	و	د	صلح
---	---	---	---	-----

این برای دفع نارا روا **مست**

تعام	ع و لی	ی ۲	و و
ه	م	و و	۲
ل	ح و ط	والله و	ح و ط

نوع دیگر اگر کسی را که در عشق خود کرده اند

شبانه یک ساعت او را نه سینه بقرار

کرد و این را بر شانه کوفته بنوشته

در آتش اندازد و بقرار شده بر تو آید **نیست**

۲۲۲۶۸۱	دود دود
۱۱۱۰۵۶۷	۹۰۱۱۸ عیوه

دیگر بخت دوستی زن شوهر این غمیت را بگوید

و در شب جمعه در چراغ بسوزد بخت بسیار شود نقش **نیست** معظم و مکرر

و	ط	س
—	ه	ه
ح	د	و

نوع دیگر تمویز تب بر پایه کاغذ بنویسد هر روز یکبار

۲۲۲۲	۱۲۲۳	۲۱۲	۲۵۵۱
۶۵۵	۸۹۷	۲۹۲	۲۵۴
۶ ۱۱۱۲	۴۱۱	۴۱۵۱۵	۵ ۸۹

نویسندگان در این خانه که این نقش شش به ملائی و آفرین سر می‌جاء و در این خانه
اینست

۵	۲	۱۴	۸
۱۲	۱۱	۳	۶
۱۵	۸	۹	۱۴
۱۳	۱۰	۴	۴

دیگر برای خلاص محسوس باید که بسیار دار و گندم میده و

و نمبر کنند و یک هزار غلوله را سی کند و بر هزار غلوله یک

بار سوره قل هو الله بخواند و پیش کبوتران اندازد چون

۸۹

تمام غلوله بخورند همانوقت خلاص باید آرموده است



نوع دیگر برای دفع درد سر این را بخوانند

و بدین است **و لا تخلق ورق سکر بالسه**

اگر کسی راتب باید این نقش نوشته زیر دست

رنگ به بندد و از تار دختر نارسیده بسیار دونه

تار بکشد و به بندد **اینست**

توبه در شکم **نیت** بسم الله الرحمن الرحيم ونزل

من القرآن ما هو شفاء للمؤمنين ولا يزيد الظالمين إلا ^{خساراً} ^{وزجراً}

خبر



ایرالمؤمنین عاکرم الله وجهه این هفت کلمات را بپوشه

در جابل این کلمات در حضرت غوث شافع آورد آن مهم کلمات

رسیدی نامهای عظم و مکرم و تبرکه نیت بسم الله الرحمن الرحيم

الله حاضر الله ناظر الله حافظ اسکن بوقت الله و بقدرت الله

اسکن بلندی که مافی السموات و مافی الارض و هو الغیر الحکیم

برجکت یا ارحم الراحمین **۵** برای دفع ظالمی هفت بار بخواند

وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا هر که این دعا را هفت

روز هر روز بخواند صد بار هر نیت که داشته باشد اگر مقصود

من حاصل نشود ملک عبدالسا بن عباس ام بر من رحمت کند

بسم الله الرحمن الرحيم یا قدیم یا قدیم یا وفی یا وفی یا قیام یا قیام یا قیو

یا اهد یا صمد یا وتر یا واجب یا قیوم بر محک یا ارحم الراحمین

تعوذ آخر چهارشنبه **نیت** سلام قول سوار است

الرحیم سلام علی نوح فی العالمین سلام علی ابراهیم

سلام علی موسی و هارون سلام علی الیاسین

خودها خالون سلام می حق مطلع
سلام علیکم طبتتم فاد دعا یا بسم الله الرحمن الرحیم

وَهُوَ الَّذِي يَنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قُنْطِرُوا وَيَنْشُرُ

رَحْمَةً وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ برای شیطان پلست کند در هر

بیت فلفل دراز کند درون آرد پسته سازد و در بنی نوز

دود در بنی دهد و در شود **اینست**

۹۱

ملک ϕ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۴	۳
۱۵	کم کم کم	۱۵	۳
۱۶	۱۰	۶	۱۰

شماره و قارون و در عین و موزون

ایمان و حکم و عدل و در عین

بیت فلفل دراز کند درون آرد پسته سازد و در بنی نوز

آیت باران آمدن **اینست**

وَهُوَ الَّذِي يَنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قُطِفُوا
أَوْ يَنْشُرُ مِنْ حَمَلَةٍ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ أَوْ هُنَا
كَانَ مِتْنَا فَاجِيَا هُوَ وَجَعَلَنَا حَجَّ لَهُ نُورًا

بیت فلفل دراز کند درون آرد پسته سازد و در بنی نوز

يَمْشِي بِهِ شَكْمٌ مِثْلُهُ ثَّ فِي الظَّلَاتِ ه ط ه

لَيْسَ بِخَارِجٍ خ مَسْهُكَ ذَا لِكَ نَزْلُ شَا اَيْت

سبع حروف در ربع مثلاً باید اندو حروف اعظم که بلغ عودت این اعظم بر صورت علم

میگرد و ربع الاحاطت نزد خود در دستم **اینست**

بسم الله الرحمن الرحيم و نزل من القرآن

نوع دیگر هر که در روز چهارشنبه صوری که آخرین

چهارشنبه ماه صفر است نوشته در کوزه اندازد

بخورد از جمع مسلمان که از کوزه آب بخورند جمیع سلام

ایمن کرد و در امان باشد **نقش اینست**

عَلَيْكَ عَلِيٍّ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ عَلِيٌّ عَلِيٌّ عَلِيٌّ

هر که این نقش را بکوبد بر بند کمان بنفاد

سال او را حق تعالی بسیار زود هر که دو بار بنویسد گناهان

مادر پدر او بسیار زود نقش معظم و مکرم **اینست**

۹۲

اللام	اھم	لا اله الا	محمد الله رسول الله
دور دی اب	مومن	دارم	ندیدم اب
محمد	لا اله الا الله	محمد	رسول الله

تو عدیک برای دفع شیطان و دیو اگر در خانه فشار کنند

دست ساری کنند باید که سنگ بگیرد و برای سنگ

دوازده بار درود در بار علیقا یلیقانت تعلّم

الکافورنی اھم

ما فی خلق بحمد ملیقا انعم یلین دن کید و اکید کید اھم

روید بخواند و کلوح را بدید و در مقابل آن به براند

الشا و الله تعالى بعد از آن فادان ظاهر خواهد بود

محرست و برای کشادن بول آدمی و اسب و غیره صحت

کرد این تعویذ را نوشته در دود بخواند **اینست**

لی	ب	ح	ع	
و	۱۵	ک	ح	
۶	و	و	ر	
ی		۲	له	۱

و برای هلاک کردن اعدای بسیار مجرب است

باید که یک سیوی آب بار سیده بسیار و بر آن

سوره یسین چهل و یکبار بخواند روز سه شنبه و بر آن

دود و بر اعدای نرندان و الله تعالی تمام خاندان خراب کند **و بر آن**

عبدان اعمال خیرت و مطلوب طالب و مطلوب و رسم

الاعظم الامر ساعة معمول فيه طالع ساعة

93

معمول فيه فرخاوند برج قمر منزل قمر ملک موکل بروز

ملک جان ارضی بعلاه هرپا نزده کعبه راجع نموده

استنطاق فرماید پس ملک عرشی صغیر را پس امتزاج کند

در جدول مراتب خواص و استنطاق نماید ملک کبر

حاصل گردد اقسمت علیکم بنی الملک العرشی کبر صغیر
ان تخلیوا المال مسلما من کل طرف و بنی هذه الاملاک

فلان فلان بنی الملک التوشی فلان کن عوی طاب المال بعد ازین این تمویز

هبت بر طرف شدن فی اطفال شود و در کلو اطفال

بند و وقتی که بر طرف شود از کلو بر آورده و در بار بسته نگاهدارد

و نام آن طفل با بنی مختلف الیما و بنی بعد ازین الله تعالی

شفایا بدعویز **است** بحسب الله الرحمن الرحیم یا من خلق

الْإِنْسَانُ فِي كِبْدٍ يُحْسِبُ أَنَّ لَنَّا يَاقِدَ رُغْلَيْهِ أَحَدًا بِأَمْرٍ

جَعَلَ الْإِنْسَانَ غَيْبِينَ وَلِئَا نَاوَشْفَيْتَنِي وَهَدَيْتَنِي إِلَى الْفَيْدِ

991 #01110111011185A

الحمد لله الذي هدانا لهذا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَضُرُّ نَبَايَا إِذَا انْهَمُوا فِي الْكَهْفِ سَلِينَا

عَدَدًا وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتَ لِلرَّحْمَنِ فَلَا سَمْعَ إِلَّا

هَمْسًا رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا

مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ رَبُّكَ إِنَّكَ

يَخَافُ الْمَيْعَادَ
النَّاسُ يَوْمَ لَا رُفْءَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا حَافِثَ لَهُ

نوب و بر قطره جامه اطفال و بر کپور اطفال و از کشتی

وشرام البصان محط ما نذريت **ولم** ما سكن في الليل والنهار

وهو الشَّعْبُ الْعَلِيمُ اكر بیمار را خواب نیاید این آیت ..

نوشته کردن بیمار بند **نیت** لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

94

ای کُنتَ مِنَ الظَّالِمِينَ جهت دفع بوره بیمار درخت اکاه

با پنج درک او آورده در سبوی نو نورانیده خاکستر از آن خود

و بالای آن قلم دروغن بوره دفع شود باذن الله تعالی ۱۲

برای کشف و نجات دختران نوشته در کردن بند **نیت**

۱	ک	۱۶	۲	۴
۲	۳	م	ع	م
۳	ح	۳	۱۵	ک
۴	ن	۳	۱	ط
۵	ح	ک	۲	۱

در حدیث معتبر از حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام

وارد شده در حجت و فساد خوابها در ایام و لیالی ماه

از جهت اختصار جدولی وضع کردیم مستعمل ایام ماه و صدق

و کذب خواب بدست ظهور تعبیرالش مستند است

روز اول شب اول خوابش درست نیست

روز دوم شب دوم اگر خوب دیده بگذرد و اگر بد دیده

روز سوم شب سوم خوب کرد و برعکس دیده شود

روز چهارم شب چهارم تعبیرش بعد از چند روز یا چند ماه ظاهر شود

روز پنجم شب پنجم بعد از چند روز یا چند ماه ظاهر شود

روز ششم شب ششم خوبت بهر نحو دیده باشد

روز هفتم شب هفتم بهمان نحو که دیده ظاهر شود

اوّلین

روز هشتم شب هشتم خوب است نمره اش روز ظاهر شود

روز نهم شب نهم آنکه دیده دیده درست دیده ۹۵

روز دهم شب دهم دروغش ظاهر شود

روز یازدهم شب یازدهم تاویش بعد از چند سال ظاهر شود

روز دوازدهم شب دوازدهم تعبیرش بعد از چند روز ظاهر شود

روز سیزدهم شب سیزدهم میانه است در خوبی دیدی

روز چهاردهم شب چهاردهم میانه است در بدی و خوی

روز پانزدهم شب پانزدهم آنچه دیده درست دیده

روز شانزدهم شب شانزدهم تعبیرش بعد از چند ماه ظاهر شود

روز هجدهم شب هجدهم تاویش بعد از چند سال ظاهر شود

روز نوزدهم شب نوزدهم درست دیده آنچه دیده

روز نوزدهم شب نوزدهم راست خواهد بود و

روز بیستم شب بیستم دروغش ظاهر شود

روز بیست یکم شب بیست یکم آنچه دیده غلط دیده

روز بیست دوم شب بیست دوم درست دیده باعث شادمانی

روز بیست سوم شب بیست سوم برعکس دیده بود

روز بیست چهارم شب بیست چهارم آنچه دیده خلقتش ظاهر شود

روز بیست پنجم شب بیست پنجم درست ندیده دروغش ظاهر کرد

روز بیست ششم شب بیست ششم درست ندیده نمرانش ظاهر کرد

روز بیست هفتم شب بیست هفتم راست است آنچه دیده

روز بیست هشتم شب بیست هشتم حجاب پریشان است

روز بیست نهم شب بیست نهم راست است آنچه دیده

ادامه

وشریف و ذبیح و مسلم و کافر و کاسیط غلبنا

هَنْ لَیْسَ جُنَادُ الْحَقِیْنِ مِنْ غِیْرِكَ یَا اللّٰهَ یَا اَحَدُ

یَا صَمَدُ یَا رَبِّ یَا غَفُوْرُ یَا شَلُوْرُ بِرَحْمَتِکَ اَسْتَغِیْثُ

عَلِیْکَ یَا هُوَ یَا مَنْ هُوَ یَا اللّٰهَ لا اِلهَ اِلَّا هُوَ اَسْمِ

اللّٰهَ مَحْرِبَها و مَسَاها اِنَّ رَبِّیْ لَغَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ و صَلَّی اللّٰهُ

عَلٰی خَلْفَتِهِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ جَمِیْعِیْنَ بِرَحْمَتِکَ
یا ارحم الراحمین

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ **سوره فاتحه** الکتاب هبت ثقی

مریض چهل نوبت بخواند در میان سنت و رقیه نازج

البته آن بیمار بخایند و اگر کسی را کلف روی بوده باشد

یا دخیل در شسته باشد هفت مرتبه بخواند و باد بر آن دمد

به شود و بفرمان خدا تعالی و از برای برآمدن حاجت هر کس

که بخواند

که بخواند صمات وی با حسن وجهی کفایت کرد و ان شاء الله

97

تعالی **سورة البقره** از برای دفع دیو و پری و از برای دیوانگان

در سبع هفت نوبت بخواند و باور آنکس و مدد و بعد از آن شود

برگردن شروع یا دیوانه بند و که شفا یابد ان شاء الله تعالی **سورة**

آل عمران بجهت خلاصی از قرض سیزده نوبت بخواند از قرض

خلاص شود **سورة النبی** بجهت موافقت و محبت بزرگ و نوبت

هفت مرتبه و در صلاحیت هفت نوبت بخواند در سختی و محبت

زیاده شود ان شاء الله تعالی **سورة المائدة** از برای قحط و جمع

چهل و یک نوبت بخواند روزی برایشان فراع کرد و در توکل

از الله تعالی **سورة الانعام** بجهت هر حاجت که داشته

بما بخواند البته حاجت روا شود و اگر بجهت بیمار

نخواند شفا یابد و عمرش دراز شود بفرمان خدا تعالی روایت

کرده اند از عبد الله بن عباس رضوان الله علیه که حضرت

رسالت صلی الله علیه و آله فرموده که هر کس سوره کریمه

العام تلاوت کند و در میان خواندن سخن نگوید و در آخر این

وعا بخواند از حاجات برخواسته آفریده شود و هر مرادی که در

دل درشته باشد از حضرت ذوالجلال بخواهد بقدر روا شود

الله تعالی **اینست** بسم الله الرحمن الرحیم یا صلیح الحجاب

یا شدید العقاب یا عفور یا رحیم یا خالق کل شئی یا قاهر

السموات والارض یا خالق الحت والتوی یا سبب ^{الاسباب}

و یا مفتح الابواب و یا قاضی الحاجات یا مجیب ^{الدعوات}

و یا ولی الحسنات یا دافع البلیات و یا محیی الاموات و

یا قیوم

نور السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام صلى الله

علي خير خلقه محمد وال اجمعين الطيبين الطاهرين وسلم تسليماً

كثيراً كنزاً برجتك يا ارحم الراحمين **يا رب** اقض حاجتي

وكت مهمات بحق القوان العظم سالک ان تقض حاجتي و

حاجات جمع المؤمنين والمومنات يا قاضي الحاجات ويا ارحم

الراحمين **ما سورة اعراف** هبت خلدی از بند و زندان البه

خلدی باید هیچ ملائی دیگر قاتل شود و حساب روز قیامت بر تو

استان کرد و بفرمان خداست **سورة انفال** هر کس که

بشرد یک بادشاهی یا بزرگی حاجتی رود باید که ده نوبت

بجست آن حاجت بخواند و باد بر خود و مدالته کام و اگر دو

و هرگز خوار و ذلیل نشود و هر مراد که خواهد حاصل شود و فرمان

خداستغالی **سوره توبه** از برای دفع شر طالمان و عذاب آفت

هفت نوبت بخواند از جمیع عذاب دنیا و آخرت ایمن گردد

و مستوجب رحمت حق تعالی شود و توبه وی قبول شود **سوره**

یونس علیه السلام بجهت دفع دیو و از برای فتح و نصرت بر دشمنان

بست دیگر بخواند و اگر سنگ در عنقوان بر پوست آهونوب

و با خود دارد و از جمیع آفات در امان خدا باشد و بر جای محن

که رود و ترسد و هر بلائی که گرفتار شود بزودی نکات یابد

بخوان خداستغالی **سوره هود علیه السلام** هرگاه همی عظیم پیش

آید و از آن ترسان باشد سیزده نوبت بخواند نیت بر آمدن

حاجت خود را بران خواند یار خود و مد جمیع مصحات وی

کفایت شود و برادرسد و آن دشواری آسانی مبدل شود

سوره یوسف علیه السلام اگر کسی خواهد که پیش پادشاه

یا بزرگی یار دوستی رود جهت برآوردن حاجات خویش از

ایمان سیزده نوبت یا نوزده نوبت بخواند و یا بر خود و فرزند

مهمات وی حاصل شود و هرگز حوازی دلیل نکند و اگر متولد

در میان دیوار خانه نهند خانه بروی و فرزندان وی ببارک باشد

و مقصود برسد ان شاء الله تعالی **سوره رعد** از برای گرفتن

کودکان نموده و بر کوره بند ساکن شود و در زمستان

دافت و در بنای خدا باشد **سوره ابراهیم علیه السلام** جهت گرفتن

وقتیکه و هر محنت هفت نوبت بخواند این شود و در قری

فراخ شود و هیچ بلایی گرفتار نشود و فرومانده نشود و فرمان

خدا تعالی **سوره الحجر** در وقت خرب و فروخت هفت نوبت

نخواند آن باسع روی مبارک شود و جمیت درویشائی

یابد و شاد و خرم شود از آن محامله **سوره النحل** بحسب توفیق

دشمن صد و هفت نوبت بخواند و باد بر خود دهد و بر حاکم

دشمن هم بدید و بعد از آن بتوب و با خود دار و جمع مسخوری

کردند دوست و محب وی شوند و زبان ایشان بر

وی بسته شود و ان شاء الله تعالی قال رسول الله صلعم که

هر کس **سوره کریمه** یا **اسرائیل** هفت بار بخواند و عمار

مادر و پدر برسد و ویرا رقی دست دهد حق تعالی

او را در بهشت دو قنطار مرود دهد که هر قنطار دویست

اوقیه باشد و هر اوقیه بهتر از دنیا و آنچه در دنیا است

و اگر کسی کودکی در سخن زبان گرفته شود و مشک فرغوا

بوز

نویسد و بنویسد و بخورد او دهد فصیح زبان شود و صاحب

طبع شود و از همه برای این باشد **سوره الکاف**

هر که در شب جمعه یا روز جمعه یکبار بخواند تا جمعه دیگر آفتی و بدی

بوی رسد و اگر هفت نوبت بخواند حاجات دینی و

دنیوی وی کفایت شود و برادر برسد ان شاء الله

سوره مریم علیها السلام از برای و اخیری روزی و حفظ خاطر

هفت نوبت بخواند و اگر مردی را بستر باشد و بنگد

کلاب و زعفران بنویسد و بنویسد و بخورد کشته شود

و اگر بنویسد و بر درختی بنزد میوه بسیار دهد و از جمله

آفات این شود و اگر هفت روز بنویسد و بکلاب

بنویسد و بناش تا بخورد از جمع بلاها و غلها و محنتها

شفا یابد و اگر بنویسد و در اندرون کوزه پاشد نهد
و ریش بمویم محکم کند و در هر خانه که نهد شیاطین بگریزند
و همیشه بروی فراخ کرد و وصیت باید ان شاء الله تعالی
سوره طه بخت کن دن بخت دختران و ترو با
الشان بست و بکثرت بخواند بخت یابد و اگر از برای
رفع سحر و جن و طغری دشمن و لغت و کشت و در اموری
دنیوی بخواند بمن کرد و در جلا فاعات اخرا زمان و سلامتی
ایمان از شر شیطان بست و بکثرت بخواند از همه بلاها
آقا فرمانی و را مان حق باشد ان شاء الله تعالی **سوره الانبیا**
بخت دفع شر دشمن مقهور و پیچار بخواند بر دشمنان
ظفر یابد و دشمن مقهور شود بفرمان خدا تعالی

سوره طه

بخت

سورة الحج در وقت کشته شدن هفت نوبت

۲۵۶

نخواند ز آفت دریا این شود و سلامت برون آید

برکت این سوره کریمه ان شاء الله تعالی **سورة المؤمن**

بجهت کامل نمازی هفت نوبت بخواند بیمار خیرین

شود ان شاء الله تعالی **سورة النور** برای دفع هتایان

و در دفع هفت بار بخواند بچکس در حق وی دروغ و

هتایان نتواند گفت و زبان خصمان بر وی بسته گردد و بفرمان

خدا تعالی **سورة الفواق** برای دفع شر دشمن و هلاک

البتان صد و هفت بار بخواند دشمنان هلاک شوند

یا آواره برکت این سوره کریمه ان شاء الله تعالی

سورة الشرا اگر رانده باشد و ترسد که بگریزد

هفت بار بخواند و با دبر وی صد و پنجاه کعبه بخواند
و برگردن وی بندد و هرگز مگر نزد فرمان خداست **سورة**
النمل اگر یک هفته هر روز یکبار بخواند حضرت بار خدای
جمع مہمات وی برآورد و خبر کرد ان شاء اللہ **سورة**
القصر اگر یک هفته بار بخواند بعد و هر موعنی که بر اعضای
وی بود یک در دیوان عمل وی بنویسد فرمان خداست
سورة العنکبوت از برای دفع اندوه بخواند هفت بار **سورة**
الزوم از برای شتر دشمن است و یکبار بخواند لک و شصت
ایمن شود ان شاء اللہ **سورة لقمان** از جهت دفع عتبات
اندر دینی است و یکبار بخواند مقصودی دینی و دنیوی وی
محل گردد ان شاء اللہ **سورة الاحزاب** از برای

از جمله مضامین خاصه و شریفه **سورة الاحزاب** از برای برآوردن طغیان است و یکبار بخواند

کافران

کشان نخت دختران چهل و یکبار بخوانند مرا و حاصل
۱۵۲

شود و بفرمان خداست تعالی **سوره السجده** جهت دفع بلائی

و آفت بخوانند هفت نوبت امین شود **سوره فاطر**

بوقت حاجت عرض داشت پیش ملوک و امرائهم

بار بخوانند حاجت روا گردد و دشمنان دوست دی شوند

و امداد دی کنند برکت این سوره که عمه انشا الله تعالی

سوره یس جهت سلامتی ایمان چهل و یکبار بخوانند و اگر

مشک در عفران و طلب بنوبد و بنوبد و بخورند قوتی

در دل ایشان پدید آید و اگر بنوبد همچنان جهت حفظ هفت

باید و در آن آب بماند بخور و قوت حافظه وی زیاده

نمود و هر دو حفظ کنند دیگر فراموش نکند و اگر مرد ویرا بسته

باشند از آن آب هفت روز بخورد و ده شود
 و اگر بوی در حائض و طریقی سترنگ نهند و پودشیا ^{طین}
 در آن خانه راه نیاهند و بخت کثایش بخواند بجايت
 نیکوست و اگر که را حاجتی و مرادی باشد باید که هفت ^ت
 بنام هفت سلطان بخواند اول بنام سلطان با نیر سلطان
^{سلطان} دوم شیخ ابوسعید ابوالخیر ^{سوم} سلطان ابراهیم اوهم ^{چهارم} حاتم
 سلطان ابراهیم شاه سمنانی پنجم سلطان سحرمانه ^{ششم} سلطان
 محمود عاری ^{هفتم} سلطان عا این موسی الرضا علیه ^{السلام} الیه
 و اینها البته مقصودی بس و هر ادی که در آستانه باشد محصل
 کرد و منقولست از حضرت امیر المومنین عا این الی طالب
 علیه السلام که حضرت رسول علم و مود با علی لیس بخواند که

و خواندن آن برکت است ^۱ اول اگر گزیده باشد سیر کرد
۱۵۳

و دوم گزیده سیراب شود ^۲ سیوم برشته پوشیده شود و چهارم ^۳

ترسیده امین کرد و پنجم در دمنه بخواند حق تعالی و سگبری می

کند ششم چشم مردم خیزد و محترم کرد و هفتم به نیت و ام بخواند ^۴

اذا کرد هشتم اگر به نیت دشمن بخواند مهور شود و نهم اگر به نیت ^۵

امرش کنایان بخواند حق تعالی و برابیا برزد و دهم اگر بر سبب بخواند ^۶

اگر عروسی باقیست بزودی شفا یابد و اگر قنیت بزودی

در آسانی با ایمان برود و شرح و خاصیت این سوره بسیار

است و در همه و خیال میکند اما اینجا شمه ارسال نمودیم و باقی

اختصار کردیم و الله اعلم و در حدیث آمده که هر که پس شبانروز

یکبار بخواند خدا تعالی و برابیا برزد و در که در اول روز بخواند

حاجات دنیا و آخرت او برآورده شود و در حدیث است
که کس دل داشت پس خلاصه قرانت و در شرح این **سوره**
کریمه حدیث بسیار است اما در اینجا بسنده ازین نمیکنند پس
مختصر کردیم **سوره الفاتحه** را برای آمدن حاجات و مهمات
و برکت و در عمر و در روزی هفت نوبت بخواند **سوره**
جهت چشم زخم و راکب بخواند و باد بروی و در آخر چشم حاسد آن
ایمن شود **سوره الزمر** را برای عزت و جاه و حرمت در میان
خلایق هفت بار بخواند **سوره المومنین** جهت مهمات بزرگ مونس
در مانند کسی یکبار بخواند و لیل کسی نشود **سوره السجده** جهت رست
از باد شامانه و بزرگان و رستن از قهر ایشان صد بار بخواند
قهر ایشان بدل بهم کرد و **سوره التوبه** جهت رستن از دشمنان

طالبان سه بار بخواند امین کرد و **سورة الزمر** جهت برآوردن

مهمات دنیا و آخرت هفت بار بخواند کفایت کرد و

سورة الزخرف جهت برآوردن حاجات بدایمی از دوزخ برآوردن

یکبار بخواند امین کرد و **سورة الی نبت** از برای آسانی سگرات

موت که روی آسان شود و از شر شیطان امین کرد و سه بار

بخواند **سورة الاحقاف** جهت دفع دیو و پری و دفع سحر و جادوی

هفت نوبت بخواند و باید خود و مددوار جمع بیایست شیطانی

امین شود **سورة محمد صلی الله علیه و سلم** بوقت مرصاف

از برای طغ و نفرت بر دشمنان اجل و یکبار بخواند البته طغ نماید

بیکت این کوره کریمه **سورة الفتح** جهت کشایش کارها

و دفع و نفرت بر دشمنان هفت بار بخواند جمعیت کلی روی

بوی نماید بفرمان خداست تعالی **سورة الحجرات** بحبت دفع
در دشمنی و علت با اندرون هفت بار بخواند و نمک در خوان
بتولید و بکتاب بنویسد و بخورد از همه علتهای آخر الزمان پاک

کردن است و الله تعالی **سورة قاف** بحبت دفع غم و اندوه

دشمنان امین شود و از برای آسانی چاک کردن و پاشیدن

در دشمنی کور است همه هر چه سه بار بخواند از بخت این سوره

کریمه امان یابد **سورة الداریات** بحبت فراخی روزی و

عیش و دفع دست دشمنی بقاد و پنج نوبت بخواند ده روزی

و در خاک شود **سورة الطوره** از برای دفع علت خوار

هر شب همه بسیار بخواند **سورة النجم** بحبت حصول

حاجات و مهلت دنیوی و اخروی سبب و بسیار بخواند

عاجل حاصل کرد و **سوره القدر** جهت ترس از سلاطین یا کما

ظالم درشته باشد بمعاذ و نوبت و باد بر خود و بد و بر ابروی

روی دشمنان هر زمان وی شوند **سوره الرحمن** جهت خوشنودی

حضرت رب العالمین و بر آیدن حاجات و نبوی آخرت

بمعاذ و نوبت بخواند خدا تعالی از وی شنود و مقصود

از وی محصل شود **سوره الواقعة** از برای دفع شر شیطان

و برکت رزق و روزی و عمر چهل و یکبار بخواند بسیار

شود ان شاء الله تعالی **سوره الحديد** جهت کشد کار دنیا و

و آخرت بمعاذ و بار بخواند مہمات وی بر آورده شود و بی خبر

نشود و برهان خدا تعالی **سوره المجادلہ** اگر کسی بار بخواند بر خاک

و بد و بر طرف دشمن و خصمان بریزد دوست و صہربان شوند

و صلح انجامد **سورة الحشر** جهت هر کسی که داشته باشد چهل
روز هر روز چهل بار بخواند و اگر کفر فوت شود باز سر گیرد
چون اتمام رسد بسیار برکت **سورة المتحنه** جهت
دفع شر شیطان پنج بار بخواند از شر شیطان ایمن شود
و با ایمان از دنیا رود و فرمان خداست **سورة الصف**
اگر فرزندان مطیع و فرمان بردار باشند صد هفت بار بخواند
و با و بر ایشان دمد مطیع و فرمان بردار شوند **سورة المجده**
از برای موافقت و محبت زن شوهر پنج بار بخواند و نابد
بر ایشان دمد مهر و محبت زیاده شود از جانبین **سورة**
المنافقون جهت دفع غم از آن و منافقان و سخن چنان
صد و هشت بار بخواند در امان خدای باشد **سورة القناب**

بجهت حفظ مال از حرامی هفت بار بخواند و باد برین مال

که داشته باشد برسد در حفظ و امان حق تعالی باشد **سورة**

الطلاق هر کس که سه بار بخواند حق سبحانه تعالی ویرا از

جمع لغزشها ایمن گرداند **سورة التحريم** از برای مهربان شدن

و دشمنان و ایمن گردیدن از شر ایشان و از بلاهای ناگهان

بست و یکبار بخواند محفوظ گردد **سورة الملک** بجهت دفع

بلاهای اهل و یکبار بخواند از جمله بلاهای ایمن گردد و حساب منکر

و کبر و حساب روز قیامت بروی امان بگذرد و نعمان خداست

سورة ن برای حصول حاجات و مقصودات و مهمات

دنیا و عقبی بقا و و پنج بار بخواند مرادات حاصل گردد **سورة**

الحاقه بجهت آسان شدن سوال منکر و کبر و آسایش کور و مفاد

هر کس که هر شب بعد از نماز حضرت خواند از خداوند ایمن گردد

بخ بارخواند از جمله عداها بمن شود **سورة المعارج** بوقت

جنب خصمان صدوست بارخواند جنب بصلح میل شود **سورة**

نوح علیه السلام بر نیت هلاک دشمنان هزار بار بخواند و بعد

از ان این دعا بخواند اللهم یا رب السماء ویا بحر الماء ویا عالم
الاداء ویا مغیث الضعفاء ویا ملجأ الفقراء اللهم
من کادلی بسوء فکده و من ارادنی سوء فاردہ
و یا مفر الماء من یحوم الارض اللهم امطر علیهم
ماء عذ قدراً لا یبق منهم دیاراً ولا تدراً علی
الارض من لک کافرین دیاراً ولا تجعل لهم الاشیار
اللهم انت الذی لا شریک لک فی جبروتک وانت
علی کل شیء قدیر یا قادی یا قادی یا قاهر
یا قاهر یا قاهر کم مرعاصبه و کم من مظلوم و کم من
عبید غلبت علیه سطوتک اللهم کفی شر هذا
الظلم لجهول العبد یا الله یا الله یا الله ما لی سواک
مهرب و لا مقبل فلا ترد الظالمین الاشیار ایاک الرقاب
یا شدید العقاب یا الله یا الله برحمتک یا ارحم
الراحمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین

سورة الملقن بهجت دفع دیو و پری هفت بار بخواند امین

شود سورة النمل بهجت تمامی مہمات و برآمدن حاجات

هزار بار بخواند از جمع غلبات امین شود سورة المدثر بهجت

برنگی صد و هشت بار بخواند در دو جهان برهنه و بی ستر ماند

و بریشان خاطر ماند سورة القصص بهجت حساب قیامت

بر شب جمعه بار بخواند حساب قیامت بروی آسان گردد

سورة الانسان بهجت ثواب یافتن در آخرت بهقا و

و پنج بار بخواند ثواب عظیم باید و از خوف کوشش شراب ظهور

و بر ایماشاند سورة المرسلات بهجت یافتن ثواب صد بار

بخواند از ثواب صادقان بهره مند گردد و فرمان خداستعالی

سورة عم بهجت رؤسائی چشم وی زیاده گرداند سورة

۱
التَّارِجَاتِ هَبَّتْ سَلَامَتِي اِيْمَانِ مَبْتَدِئَةً وَكَيْفَ يَنْجُو اَنْدَ

حَقِّ تَعَالَى اِيْمَانِ وِيْرَا اِزْشَرِّ شَيْطَانِ كَمَا هَدَارِدُو اِيْمَانِ سَلَامَتِ

بِيْرُو سُوْرَةُ عَبَسَ بِحَبْتِ دُشْمَانِ رُوْزِ قِيَامَتِ هَبَّتْ بَار

نَجْوَانْدَ اَزْ بَارَكِي وَكُوْرِي رُوْزِ شَرِّ اِيْمَانِ كَرُوْ دُ سُوْرَةُ النُّكُوْرِ

بِحَبْتِ دَفْعِ بِلَايَا وَدُرْمَا مَبْتَدِئَةً وَكَيْفَ يَنْجُو اَنْدَ دُرْمَا وَنَاوُتِ

اِيْمَانِ كَرُوْ دُ وُدْرَا اِيْمَانِ حَقِّ تَعَالَى بِشَدِّ سُوْرَةُ الْفَطْرَتِ

بِحَبْتِ دَفْعِ كَرْبِئِ كُوْدُكَا نِ هَبَّتْ بَار نَجْوَانْدَ وَاوُورِي

وَمَدَارِ سَدِّ شُوْءِ اِيْمَانِ خُدَا تَعَالَى سُوْرَةُ الْمُطْفِقِيْنَ

اِكْرَبْ عُوْرَتِي دُشْمَانِ اِيْدِ هَبَّتْ بَار نَجْوَانْدَ وَاوُورِي وَاوُورِي

بِأَسَانِي جَلِّ نَهْدِ بِيْرِكْتِ اِيْنِ سُوْرَةِ كَرِيْمِ سُوْرَةُ الشَّقَتْ

اَزْ بَرَايِ زُلْزَلِ اَوَاْقَاتِ سَمَاوِي وَاَرْضِي نَقَادِ بَار نَجْوَانْدَ

سُوْرَةُ

سورة البقرة از برای دفع بدکویان و طاسدان **منفعت** ۱۵۸

خواند از ایشان محفوظ گردد و بفرمان خداست **سورة الطارق**

بجهت دفع دیو و پری و سحر و ساحران و جمله حیل دیگر که در
ساحران و منافقینست یا زده بار بخواند امن گردد و بفرمان

خداست **سورة الاعلی** بوقت رفتن در سفر بار بخواند

از خطر سفر در امان خدا باشد **سورة الفاتحه** بجهت

دفع باد و بای کرم که در اندام باشد خصوصاً باوسر و سفیدست

و یکبار بخواند و باد بران و مد دفع شود و بفرمان خداست

سورة الفجر دفع تب و بیماری منقاد و بار بخواند بصحت

مبدل شود و ان شاء الله تعالی **سورة السبله** بوقت **در آمدن**

بشمار سفر یک مرتبه بخواند و بجهت دفع فتنه های آخر الزمان

هنگامی که بخواند در امان باشد **سورة الشمس** بوقت طلوع

آفتاب سه بار بخواند ثواب عظیم و اجر جزیل یابد و آنروز

بوی آفتاب رسد **سورة الليل** بوقت فرو رفتن آفتاب

یکبار بخواند از ظلمت قیامت در امان باشد و اگر صد

و هشت بار بخواند و بر مال خود و مدارج رای در امان خدا باشد

سورة الفجر بجهت بنده که غایب شده باشد و هزار

بار بخواند البته حاضر گردد و یغمان خداستغالی **سورة الم نشرح**

در وقت سیاحت یا شرکت سه بار بخواند بروی مبارک خود

و بر منفعت گردد و **سورة التین** به نیت غایبی که در سفر

داشت باشد هفت بار بخواند سلامت باز آید **سورة**

العلق بوقت رفتن نزد یک ملک و حکام سه بار

خواند

نخواند و بیاورد و در نظر ایشان غریب و محرم کرد و ۱۵۹

در حاجتی که از ایشان داشته باشد روان شود **سورة القدر**

هر کس که بعد از نماز عشا یا زده بار بخواند بختش شب قدر

در یابد و اگر در شب نیمه شعبان و ولایت بار بخواند از دنیا

رؤ و الا که آمرزیده شود و فرمان خداست **سورة البقرة**

بجهت مقبول عبادات خویش میت و یکبار بخواند

طاعات وی قبول درگاه خدای شود **سورة الزلزله**

بیت شمع حمان و وقع زلزله و با جهل هزار بار بخواند

از شرمه این شود و هیچ ملایی در مانند آنست و الله تعالی

سورة العاديات بجهت دفع چشم زخم و دفع شر حاسدان

و دشمنان پنج نوبت خواند از همه این شود **سورة الفاتحة**

بجست برآوردن حاجات و مهامت حد و سبت بار بخوانند

وی بندخواه ساخته **سورة السجدة** بجست دفع جمیع مایه بار

نخواند در امان حق باشد **سورة والده** دفع علهای شکم و درد

اندون بخواند آرام یابد بفرمان خدا **سورة اله** از برای

دفع علهای و مرضها آنچه برآید هر روز بخواند شفا یابد و زخم خلص

کرد **سورة الفیل** از برای دفع زبان حصان و بدکوبان و حادان

سبت و یکبار بخواند از زبان جمیع بدکوبان در امان خدا باشد

سورة الولش جهت هلاک دشمنان در شب جمعه میان

نماز شام و خفتن هزار و دویست بار بخواند بر او برسد

و دشمنان هلاک شوند یا او را در **سورة الماعن** بجست

دفعه افلاس اگر کسی چهل و یکبار بخواند حق تعالی ویران نماید

نکرداند در دنیا و آخرت بی نیاز کرد و **سورة الكافرون** حضرت

رسول حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و هر کس

این سوره کریمه بخواند هر یکبار حق تعالی او را روزی کند از

ایشترایهای بهشت ثوابی در دثواب اعمال او نویسد

سورة الكافرون بجهت حفظ ایمان هر روز هفت بار بخواند

حق تعالی ایمان او را بسلامت نگاهدارد ان شاء الله تعالی

سورة النصر بجهت نصرت یافتن بر دشمن و محفوظ بودن

از کل بلا هفت نوبت بخواند هر روز در امان ملک

علام باشد **سورة الالب** از برای هلاک دشمنان هفت

هزار بار بخواند جمع دشمنان هلاک شوند بادوست شوند و

حاجت مندوی باشند و اگر چهار بار بخواند و باد بر خود مد

۱۶۵
در این هفت روز هر روز ده بار بخواند از غلظت قلوب
کمر در می کشند

متفرق شوند ان شاء الله تعالی **سورة الاخلاص** از برای حفظ

ایمان هر روز هفت بار بخواند با ایمان از دنیا برود و بخت
رسکاری آخرت هزار بار بخواند و اگر کسی را حبس کرده باشند

هزار بار بخواند خلاصی یابد بفرمان خدا تعالی **سورة الفلق** بخت

رفع در روز روز سه بار بخواند و باد بر او الهام خود بدرد

امان حق باشد **سورة الناس** و **الفلق** سه بار بخواند از جمیع

بلاها و آفتها ایمن گردد و اگر سحری پیش از آن کرده باشد

باطل شود بفرمان خدا تعالی و برکت این سوره های کریم

انشاء الله تعالی آمین **بارک العالمین هو الصالح دعا**

سینی فاتحه و آیه الکرسی و نود و نه نام بخواند و این

دعاهم بخواند آمین اللهم یا لطیف یا غنی و اذکرکم

بِحُجَّتِكَ لَطْفِكَ الْخَفِيِّ إِلَهِي كَفَى عِلْمُكَ مِنَ الْقَالَ وَكَفَى كَرَمُكَ
عَنِ السَّوَالِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَخَيْرَ لَنَا هَرِينِ بِرَحْمَتِكَ
111 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اسْتَغِيثُ إِلَهِي مِنَ ذَا الَّذِي دُعَا
فَلَمْ تَجِبْهُ وَمَنْ ذِي الَّذِي اسْتَجَارَكَ فَلَمْ تَجْزِهِ مَنْ ذِي الَّذِي
اسْتَعَاثَ بِكَ فَلَمْ تَعِثْهُ وَأَغْوَاهُ وَأَغْوَاهُ أَغْنَيْتَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ
عَبْدُكَ الرَّحِيمِ

عبد السعید بن رواحہ می کند کہ در خدمت حضرت

امیر المومنین علیہ السلام شسته بودیم امیر المومنین حسین

صلی اللہ علیہ وآلہ وراہد و گفت مردی در آئندہ است کہ

از وی بوی مشک می آید و دستوری میخواهد در آید امیر المومنین

علی علیہ الصلوٰۃ والسلام فرمود کہ بگوید کہ تا در آید رخصت

داوند تا آید و در آید و بدیندی مرا و را بصورتی بدین زبان

نصیح و بالکس شانه گفت سلام علیک یا امیر المومنین

علی گفت مردی ام از قصات عرب از شهر مین و ملکی عظیم

در تصرف منت و مرادش است قوی بالکری کران

و سالهاست که بامن در هر محله است و مقالده و دفع او هیچ حلتی

نمی توانم کرد شب خواب دیدم که تا مرا می گفت که نزدیک

امیر المومنین علیه السلام رو و از روی درخواست کن تا

که مرا و را حضرت محمد رسول الله تسلیم کرده است تا ترا بیاورد

که این اسم اعظم در این دعا است تا بگیری که این دعا از

دستمن خلاصی یابی و بروی طغیانی لبس شادمان بیدار

شدم و هیچ توقف نکردم و حضرت تو آدم و رحمت

بسیار دیدم امیدوارم که از کرم تو ای امیر المومنین

که مرا باز کردانی و مرا آن دعا بیا موزی که مرا حواله سو کرده

اند و من بشکرانه آن چهار هزار غلام که با خود آورده ام آزاد

112

میگردانم و راه خداست تعالی و رسول علیه السلام نگاه ایستد

علیه السلام را فرمود که تا دلوای و قلم بیاوردند و این

دعای نوشت و بدو داد و فرمود که هر روزی باید خواند

که من امید دارم پیش از آنکه بولایت خود رسیده باشم

دشمن تو هلاک شده باشد که من چنین شنیده ام از

حضرت رسول صلی الله علیه و سلم که هر که این دعا را به نیت مال

بخواند یا خضوع و خضوع بر کوه شارت کند کوه در حرکت

آید و بر روی آب روان شود پیش آن مرد بولایت

خود روان شد بعد از چهل و یک روز دیگر قاصد آن در طرف

مین و عرض داشته از آن بادشاه بکومت حضرت

رسالت صلی الله علیه و آله وسلم آورد که توفیق خداوند

و همت آنحضرت صلی الله علیه و آله و برکت این حرز

چون نزدیک من رسیدم شکرین باز شد و دشمن را

هلاک کردانیدم مملکت خود بگرفتم و مال و کتخ دشمن را

بدست آوردم و بعد ازین از جمله مخلصان بمادق رسول الله

پس حضرت علی علیه السلام با صحابه خواص این دعا را از آن ^{حق}

الهامش کردند و رسول صلی الله علیه و آله فرمود که بآن خدای که

جان محمد درید قدرت اوست که جبرئیل امین این حرز را

من آورد و فرمود که اسامی را وصیت کن بخوابتن این هر روز

هر که این حرز را بصدق و اخلاص بخواند هر مردی که از خداوند

داند.

خواهد بود و اگر دلبس گفتم یا اخی جبریل خواص این دعا را

مکوی و مود که اگر خواص این دعا را بنویسد از صد بی نتواند

113

نوشت اما من چهل خاصیت این حرز را بنویسم ده در باب

آخرت و سه در باب دنیا مسلمانان فایده کلی باشد اول

از ده اخروی است که خواننده این حرز را حق تعالی

ایمان از دنیا بردارد اگر چه در همه عمر خود گناه کرده باشد دوم آنکه

خواننده این حرز در وقت نزاع این دعا را بصورتی خوب

میرود عرض کند تا عاشق جزا تسلیم کند سیم آنکه چون او را

در خاک بکنند این دعا را در مقابل بپایند و تالی و تویی

جواب مکر و نکر بگویند چهارم آنکه هر طرفه که خوانده باشد از

دعا در بهشت هفتاد هزار حاجات و حرفات و حور و رضوان

اورا بدیدیم ^۵ آنکه خواننده این حرز را در روز قیامت روی

چون ماه تابان بوده باشد و خلق جمله عرصات در روی بگردانند

ششم آنکه حق تعالی او را در زیر عرش خود جای دهد و در آن

کونیند ^۶ آنکه در دنیا مایه از این حرز خوانده بودیم بمقتضای آنکه

چون به بل صراط رسد و کسی بر این ظاهر گردد و گوید که ای خواننده

و عارفان که حرز بوده باشد بر من نشین و چشمم برهم نه و او

پرسند چون برق از بل صراط بگذرد و ششم آنکه

هفتم ^۷ آنکه چون انسان

بزارت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آیند او بر همه مقدم باشد

هشتم آنکه خواننده این حرز بخشم هدا قاربان و عموم خلایق و عزیز

مکرم و محترم باشد و دیگر خواص ^۸ کانه دنیا گفته شود اول آنکه

چون

چون کسی کار خود فرومانده باشد و شب اوینیم شب
برخیزد و طهارت بگیرد و اگر غسل کند بهتر باشد و ده گشت
نماز گذارد و بر سجده سلام هر سوره که خواهد بخواند و بر پنجم درود کند
اگر صادق باشد در روز میراد رسد و الا با دین دیگر رسد که
بر او خود رسد ^۲ و دوم آنکه اول کسی در یلایی یا در زندانی گرفتار
باشد یا در دست ظالمی اسیر باشد این حرز را چهل و یکبار
بخواند خدا تعالی او را خلاص دهد و اگر خلاق نشود و ذاق است
دامن مرا بگیرد که رسولم سیم ^۳ آنست که بیماری که بکس علاج
آورده نتواند کرد این حرز را بیست و نه بار بخواند و بر قدر
بک نشوید و بان بیمار دهند که بخورند و در شفا باید چهارم آنکه ^۴
اگر کسی غمین باشد چهل روز این حرز را بخواند روز چهل بخواند

بکس در عنوان و بخورد مرادش حاصل شود ^و

اگر راعلت بشناید چهل و یکبار این حرز را بخواند

اگاه نویسد و بشنود و بخورد و شفا یابد ^و هشتم اگر کسی

شخص عاشق باشد و خواهد که جلای او را بخاهد و صبر داشته

باشد و در روزه بکشد و وقت افطار روی لطف آخانه

کند و این حرز را بخواند و بعد از آن حرز را بخواند و بگوید الهی

لَیْسَ بِاِقْلَیْهِمْ وَ اَنْتَ تَعْلَمُ مَا فِیْ قُلُوبِیْ وَ خِیْتِیْ مِنْ اَعْمَالِیْ

یا انس حم الرحیم ^و هفتم آنکه چون سفری که خواهد بود باید که

غسل کند و در کعبه نماز بکند و بخواند این حرز را روانه

شود از آن سفر سلامت باز آید و از بلاهای آن بکند و

هشتم آنکه اگر کسی را دشمن بزرگ بوده باشد و با او

دشمنی

بروانند باید که هفت روز آدینه **سوره ط** و یکبار این ۱۷۵

حرز را بخواند حق سبحانه و تعالی دشمن او را مقهور گردانند **۹**

انکه اگر کسی را خویشانش باشند که با او محاش بکنند و

با او تاملت کنند سه روز روزه دارد و درین سه روز

یکبار تمام این حرز را بخواند و دست را بر روی مالده حق

تعالی آن قوم را سحر و طبع او گردانند و هم انکه اگر کسی **۱۰**

از روز یا جانوری موی مثل شیر و گاو و مار و کرم

و غیره خونی داشته باشد در تنگه خطر گیرد و خود بکشد و

این حرز را بخواند از شر همه این کرد و یازدهم انکه اگر کسی **۱۱**

مار گزیده باشد این حرز را بخواند و دست بر آن جای گرفته

نهند زهر مار روی کار کنند از زهر آنجا بدر رود و دوازدهم **۱۲**

اگر کسی را نهد یا داروی داده باشد این حرز را بشک و بخوان

و طلب بنویسد و بنویسد و بخورد و زایل گردد ^{سوره} سیزدهم

اگر کسی در شهری یا بلای افتاده باشد این حرز را

بنویسد و در سقف خانه آویزد و آن خانه از بلا امن باشد

چهارم ^{سوره} اگر کسی را از باد شاه و بار غیر خونی داشته

باشد که بر کشتن باشد باید که غسل کند و جابه پاک

بپوشد و این حرز را بخواند و در برابر وی رود و هیچ

آفتی بوی نرسد ^{سوره} پانزدهم اگر کسی خیر را از دیده

باشد و رشب آدینه دو رکعت نماز کند و در دو رکعت

رکعت اول ^{سوره} فاتحه و سوره و انشمش و در رکعت

دویم ^{سوره} فاتحه و سوره و الفصحی و الم شرح بخواند

و بخواند

و بعد از سلام این حرز را بخواند و با طهارت بخواب

رو و حق تعالی در خواب در را بوی نماید شایسته ^{۱۲}

آنکه اگر کسی در سجده اشتباه کند و کار خود

ندارد در روز چهارشنبه بخشنه و جمعه روزه ببرد

و در روز دوشنبه نماز به نیت کند و بگذارد و در رکعت

اول بعد از فاتحه آیت ومن يتو الله يرأه بر ایا

را بخواند و پنج بار **سوره اخلاص** و در رکعت دوم ^۲

هم این طریقی بخواند و بعد از نماز سه بار این حرز را

بخواند و سخن نگوید با طهارت بخواب و رو فتح

کار او نماید هفدهم ^{۱۴} اگر کسی را فرزند بهم نرسد این

حرز را بیک روز غفران و کلاب بنویسد و بنویسد

و بنزد دینار بخورد و مرد به نیت فرزند و رکعت نماز
بگذارد و این حرز را بخواند و باین جمع شود حق تعالی او را
فرزندش ایستاده کرامت کند **۱۸** همچنین در خانه که این حرز
باشد از روز و بلا و آتشش ایمن باشد **۱۹** و هر که هر
روز این حرز را بخواند و باو بر خود دست در روی
مال و بیکس مال و بدستواند کرد و از همه خیر ایمن باشد
اگر چه خلق دشمن او باشد **۲۰** و چون کسی در محله
رود و در رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی فاتحه بگوید
و سه بار **سوره اخلاص** بخواند و بعد از آن این
حرز را بخواند روانه شود اگر چون باران تیغ مالو
ریند گزند بی بوی رسد و از هتبی و دل خصمان
افزاید

۱۱۷
افتد و هر که رو کند از پیش او بگریزد دست و پایی چون
خواهد در گشته نشیند این حرز را بخواند و باد بر خود
از خوف گشته این کرد و دست دوم چون در میان
باشد و روی کرکس و تشنگی غالب کرد و راه را
گم کند بخاک تیمم دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول
ایته الکرس و امن الرسول تا آخر بخواند و در رکعت دوم
فاتحه و شهادت الله و انه لا اله الا الله راتا اخر ائمه و الله نور
السموات و الارض و لا یجوز ان یجوز بعد از نماز این حرز را بخواند حق تعالی
از عالم غیب طعام و شراب بوی رساند دست و پایی
اگر نفقه و فاقه و عیال گرفتار باشد چهل و یکبار بگوید
پیش از نماز چهل کند و دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت

اول چهل و یکبار فاتحه و چهل و یکبار **سوره اخلاص** بخواند
 و در رکعت دوم سه بار فاتحه و **سوره اخلاص** چهل و یکبار
 و بعد از نماز صلوات بسیار بفرستد و این حرز را بخواند
 آنکه در میان اگر روز فوت شود باز ابتدا کند تا متوالی چهل و یکبار
 تمام حق تعالی بعد از آن فتح روزی کرد آنکه از احتیاج امن کرد
بست چهارم اگر کسی این بهر مال و ملک خود از دشمن بشود
 این حرز را بر پوست آهوی بنویسد و در میان مال نهاده بفرستد
 مال و ملک وی نزد بست و **بست پنجم** اگر کسی در مصافی رود
 این حرز را با ناخن مالک فتح بنویسد و در موسم کرم و بر علم
 ببندد و با بر خشم بندد و کس خشم اندوه و انبوه نماید و بگوید
 بهر میت رود **بست ششم** اگر خواهد که دیو و پری سر

وی کردند روز چهارشنبه بوقت فرو شدن آفتاب سرد

118

تن حابه را بشوید و خود را معطر گردانید و آیت الکرسی بخواند

فلا قل بخواند و باد بر خود دمدمه و از ابادانی بدر رود و چنانکه او

نزد یک آن نباشد و در کسوت نماز بگذارد و بعد از آن فاتحه

و بعد از فاتحه آنچه قرآن داند بخواند و بعد از آن این خیر را

بخواند و در آن قوی دارد و خطی بر گرد خود بکشد و آیه الکرسی

بخواند و اگر آواز صبح بشنود باید که خوف نکند که آگاه

بزرگ ارواح یا پوز خوش و ساز خوش بیایند و آواز

کنند که چه میخواهی از ایشان و از ایشان شرطی بستانند

هر وقت که ایشان را طلب کند حاضر شوند و این

حرز را بخواند باشد که مصرتی بوی نرساند ^{و بقیه}

اگر خواهد که خصم او ملک شود روز چهارشنبه صفت

سوره نوح را بخواند و سخن نکوبد و چهل بار این دعا

بخواند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اَصْبَحْنَا وَ اَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ اللَّهُمَّ
اِنَّا عِبِيدُكَ وَاَبْنَاءُ عِبِيدِكَ
اللَّهُمَّ احْفَظْنَا مِنْ حَيْثُ
يَحْفَظُ وَاَمِنْ حَيْثُ لَا يَحْفَظُ
اللَّهُمَّ اَحْرُسْنَا مِنْ حَيْثُ نَحْرُسُ
وَمِنْ حَيْثُ لَا نَحْرُسُ اللَّهُمَّ
اَسْتَرْفِئْنَا مِنْ حَيْثُ نَسْتَرْفِئُ
وَمِنْ حَيْثُ لَا نَسْتَرْفِئُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا

الْعَافِيَةِ

الْعَافِيَّةَ وَدَوَامَ الْعَافِيَّةِ وَارْزُقْنَا
 الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَّةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 اَمْرَاتِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ
 أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ
 مِنْ مَرَّةٍ وَاحِدَةٍ اللَّهُمَّ مَتِّعْنِي بِسَمْعِهِ
 وَبَصَرِهِ وَجَعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ
 مِنِّي وَأَرْبِي ثَابِرِي فِي عَدْوِي
 أَيْضًا مَصِيحَ لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
 تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الَّذِي لَا يَكْذِبُ اللَّهُ
 الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
 شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ

مِنَ الذُّلِّ وَكِبَرِهِ تَكْبِيرًا
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ سَدِّتْ وَفَرِّقْ جَمْعَهُمْ
وَقَلِّبْ تَدْبِيرَهُمْ وَخَرِّبْ
بُنْيَانَهُمْ وَقَرِّبْ أَحَاْلَهُمْ وَسَوِّدْ
وَجْهَهُمْ وَبَيِّضْ عَيْنَهُمْ
وَقَطِّعْ أَرْزَاقَهُمْ وَبَدِّلْ أَسْمَاءَهُمْ
وَأَشْغَلْ أَيْدِيَهُمْ وَحَسَدَهُمْ
وَحَدَّهُمْ أَحَدٌ عَزِيزٌ مُّقْتَدِرٌ
يَا قَهَّارُ يَا جَبَّارُ يَا أَمْرَكَ إِذَا
إِرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

شده باشد و در قریبت مسنده
باشد و خواهد که بوطن خویش
بازرسد این حذر را هر روز بعد
از نماز صبح به خود اندک
که عن سبحانه تسبیح
او را بوطن خود بازرسد
خواص سی ام آن که اگر
کسی در غمی یا ^و غمته
گرفتار شده باشد
چهار روز در وقت
طلوع آفتاب صلوات
نویسد

بوند و این حرز را بخواند حق تعالی او را از غم نکات

۱۲۱

دهد و روایت است که حضرت امیر المومنین علی بن ابی طالب

علیه السلام فرمود که هر کس که ویرا دشمنی سخت

داشته باشد باید که چون این حرز را اهل و عیال

بخواند و اگر کاتب آن بداند باشد بهفت

دشمن از و هلاک گردد و دهم از آن حضرت روایت

است که هر کس را قرض باشد و به نیت ادا می قرض

این حرز را بخواند وین او ادا شود با سهالی و ضمان

از وی راضی گردند و دهم آن حضرت فرموده که هر کس

این حرز را بهفت نوبت بخواند به نیت الله جری

الغیب برده باشند در خواب با و نماند که در روان گشت

و هر کس که در سفر و در حضر این حرز را بخواند دشمن
و اعدا و قطاع الطریق این کرد و هر کس این حرز
را با خود نگاه دارد و الله تعالی او را غنیر گرداند و مقبول
خلق گردد و این حرز را خواص بسیار است و خوب
است و دوازده هزار خواص دارد در وقت قوت
این حرز را روز جمعه یا روز چهارشنبه و هر اراده خواندن
این حرز را در اول روز غسل کند و در وقت نماز
بکند و بعد از فاتحه **سوره یس** را بخواند هر کس
لاده قتل دشمن داشته باشد این حرز را بقلم باریک
بنویسد و در زیر زبان نهد از دشمن امان نماید اگر لاده
قبول خلق داشته باشد این حرز را بنویسد و نادم

الحمد باید خواند و پرازی راست بخند و در

پیش خلق غریب باشد و خواص این حرز را بسیار 122

اما باید که رزق ممال باید خورد و از بدمان و مخرجات

کلمات فتنه انگیز و دوری باید کرد و از حرص و حسد

و غیبت و بهتان اجتناب باید کرد و پیش از خواب

این حرز را بارها و عمارا الحمد باید خواند و در بار

صلوات و مبارکاته و کلمات و الهکم

إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

وَدِكْرُ عَنَتِ الْوَجْهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ

وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ يَأْتِ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ نَزَلَ

عَلَيْكَ الْكِتَابَ يَا الْحَمْدُ مُصَدِّقًا
لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ
مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ
الْفُرْقَانَ إِنَّ الذِّبْنَ كَفَرُوا
بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو نِقَامٍ إِنَّ اللَّهَ
لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ
وَلَا فِي السَّمَاءِ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ
فِي أَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

نخواند و بعد از آن اعتصام بخواند و شروع در خواندن
کتاب بیان از کار که هر روز این حزب باید خواند و موم ثبت

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الظَّالِمِينَ

123

أَيَّ مَرَّةٍ يَوْمَ **الْحَد** لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ

الْحَقُّ الْمُبِينُ مِائَةَ مَرَّةٍ يَوْمَ **الْاِثْنَيْنِ**

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ غَيْرِ اجْلِيلَةٍ يَا عَزُّزُ يَا حَلِيلُ

مِائَةَ مَرَّةٍ يَوْمَ **الثَّلَاثِ** اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَالِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا دَائِمًا

مِائَةَ مَرَّةٍ يَوْمَ **الرَّبْعَاءِ** لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خَالِصًا

مُخْلِصًا مِائَةَ مَرَّةٍ يَوْمَ **الْخَمْسِ** لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

مِائَةَ مَرَّةٍ يَوْمَ **الْجُمُعَةِ** سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَهُوَ أَكْبَرُ وَأَحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ۝ آتِهِ مَرَّةً بَيَانٌ شَاهِدٌ

أَوَّلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَنْتَ رَبِّي وَأَنْ عَبْدُكَ

ثَانِي إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ

كُنْ فَيَكُونُ ۝ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَدَّثَ

مَحَلَّ **ثَالِث** اللَّهُمَّ إِذْ سَأَلْتُكَ الشَّيْءَ

فِي الْأَمْرِ وَالْعَزْمِ مَحَلَّ **رَابِع** تَرَدَّدْتُ بِالْعُزْلِ

الْكِبَرِيَاءِ الْعَلَا وَتَأَزَّرْتُ بِالْعُظْمَةِ

وَالْكِبَرِيَاءِ إِشَارَتِ **خَامِس** اللَّهُمَّ قَتِّمِ

أَحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي مَا بَقِيَ عُمْرِي وَرِشَا

فَتَحِ ابْنَ سَمَاجُوانَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْرَارِ

كَرَمِكَ الْخَفِيِّ وَتَجَوَّ الْأَسْمِ الْأَعْظَمِ

أَسْأَلُكَ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي وَتَهْلِكَ

124

عَدُوِّي وَتَوْصِلَنِي مُرَادِي وَتَدْفَعُ

عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا ارْتَدَّتْ

شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ **وَدَرْيَا**

قَبْلِ ابْنِ إِسْمَاعِيلَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ ادْعُوهُمَا

أَسْتَجِبْ لَكُمْ وَإِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ

اللَّهُمَّ فَرِّجْ هَمِّي وَاكْشِفْ غَمِّي

وَاهْلِكْ عَدُوِّي وَقْضِ حَاجَتِي

وَيَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ وَأَرْحَمَهُنَّ بِرَحْمَتِكَ

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **وَجِهَتْ دَفْعَ شَرِّ الْحَيَاءِ كُنُودِهِ**

نُوت **داين دمان شيراز** **بن فلان** **اللهم شئت شملهم**

وَقَوْوَجْمَعِهِمْ وَزَلْزَلْ أَقْدَامِهِمْ

وَقَرِّبْ أَجَالَهُمْ وَاقْطَعْ أَهْلَكُهُ

وَأَخْذِ عَمْرُؤَ مُقْتَدِرِ اسْبِجْكَارِ اللَّهِ

الْقَادِرِ الْقَاهِرِ الْقَوِي الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ

الْمُتَكَبِّرِ الْحَيُّ الْقَيُّومُ يَا هُوَ عَزَّ وَجَلَّ

سبعين مرة عَلَيْهِ السَّلَامُ **من فاء هذا الدعاء** لَكَ

الْعُدُوُّ وَفِيهِ لَكَ الْبَقَّةُ وَهُوَ هَذَا الدُّعَاءُ

اللَّهُمَّ شَيْتُ شَمْلِهِمْ وَفَوْقَ جَمْعِهِمْ

وَقَلْبُ تَدُ بِرْهُمْ وَخَرِبْ بُنْيَانَهُمْ

وَقَرِّبْ أَجَالَهُمْ وَسَوِّدْ وَجُوهُهُمْ

وَبَيِّضُ عَيْقُونِهِمْ وَقَطِّعْ أَرْزَاقَهُمْ
125

وَيَدِّدْ أَحْوَالَهُمْ وَشَغْلِهِمْ بِأَيْدِيهِمْ

وَحَسَدِهِمْ وَخُذْهُمْ أَخْذَ غَرَضٍ

مُقْتَدِرٍ بِأَقْهَارِ مَا جَبَّارٌ إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا

إِزْدَدْتَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

يَا رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَ صِرْدُ عَائِي

که در وقت رسیدن پادشاه باید خواند هرگز

بِاللَّهِمَّ بِحُجُوهِ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ بِحُسْبَى وَبِحُجُوهِ

الْأَسْمَاءِ عَظِيمِ اسْأَلُكَ أَنْ تَقْضِيَ

حَاجَتِي وَتَهْلِكَ عَدُوِّي وَتُصَلِّتَ

مَرَادِي وَتَدْفَعْ عَنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ

يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ إِنَّمَا أُمِرْتُ إِذَا أَرَدْتُ
شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

وبعد از دعای سیفی این دعاء بخواند همیشه دعاء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا حَنَّانُ
يَا دَيَّانُ سُبْحَانَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا
ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَشْهَدُ أَنْ كُلَّ
مَعْبُودٍ مِنْ دُونِ عَرْشِكَ إِلَى مُنْتَهَى
قَرَارِ الْأَرْضَيْنِ بَاطِلٌ أَنْتَ يَا غِيَاثَ
الْمُسْتَغِيثِينَ اغْنِنِي يَا رَبِّ وَبِحَبْنِي
مِنْ سَخَطِكَ وَاحْرُفْ عَنِّي شَرَّ
جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نایب
انرا بجزای نهار اندر نارم مریزم زین در دوم اما
نادرست بل دلتا تواند نارم عشره بکوت بودا انور نار

روزی میان دو کشتی ایستادند و گفتند این کشتی را
 در کسریه سیر می کنند این را از آب ساسی بر می آورند
 در بازار نینویده اند روز در حراج خانه نموده اند
 لیکن مردی باریک از مرد و بیانی آن خانه را می بیند
 فوراً عداوت پیدا نمود و طعنه می گفت

[illegible]

شرح باطل السحر است هذا الشرح

128

باطل السحر اگر کسی کرده باشد یا کند بنویسد این را

خود دارد و هیچ چیز از هر نوع بر او کار نکند و دعا و طلسم

دعاء وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ

أَنْ أَسْرِ بِعَبْدِی فَاضْرِبْ لَهُم طَرِيقًا

فِی الْبَحْرِ بَيْنَنَا وَالتَّخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَوُا

فَاتَّبِعْهُمْ وَرَفْرَعُونَ وَجُودُهُ وَهُمْ

لَا يَشْعُرُونَ فَعَشِيَهُمْ مِنْ الْيَمِّ فَاعْشِيَهُمْ

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنَ قَوْمَهُ وَمَاهِدَىٰ فِهِمْ

لَا يَفْتَرُونَ لِيُحَقِّقُوا حَقَّ وَيُطْلِ الْبَاطِلَ

وَلَوْ كُنَّ الْمَشْرِكُونَ اسْمَ مَا كَانَ لَهُمْ بَشَد

بِحَقِّهِمُ اللَّهُ الرَّحِيمُ الرَّحِيمُ الْحَمِيدُ وشرح آية الكرسي ده وقف است
آلِ الْأَهْلِ هُوَ الْقِيَوْمُ وَمَا فِي الْأَرْضِ * الْأَيَادِي *
وَمَا خَلَقَهُمْ * الْأَيْمَانُ * وَالْأَرْضُ وَحُفَّتْهَا
الْعُلَى الْعُظِيمُ ودر هر دفعی که یک انگشت وقف کند
ابتدا از انگشت خضر دست راست و ختم با انگشت ابهام دست
چپ در کشودن ابتدا از ابهام دست چپ کند و بر خضر دست
راست ختم کند شرح آیه الكرسي نقلت از بزرگان دین کرده
موضع در آیه الكرسي وقف است هر که در محل خواندن ملا حظ
نماید و هر وقف که برسد بایستد و یک انگشت فراهم آورد و بر
درگاه بی نیاز بر دارد چون آیه الكرسي تمام شود دستها را بر روی
خود بکشد و بر جمیع اعضا نماید که جمیع اراض و علا در امان خداست تعالی
ملک

باشد و راقها و ثوبها محفوظ بماند و دیگر مقولست که اگر کسی بگوید

129

بیش آید که در آن عاجز و محطل باشد و مدارک آن نداید باید که

طهارت لباس زند و به نیت آن مهم و البته اگر کسی را بخواند چون

بیامن و وعین برسد و عنده آن هم را بخاطر آرد البته که این حالت

خاطر خواه او بر آید اگر کسی را دشمنی صحت باشد که به وجه با او

برخی آید به نیت مقهور شدن و مغلوب شدن آنکس

بنیاد خواندن کند چون بیان دویم رسد که بعلم ما بین آییم

آنکس را بخاطر بلند راند البته آن شخص مغلوب و مقهور گردد

و خواننده بروی طغر باید و این جمله از مجرب است و از مودود است

هر که درین سنگ آرد کافر گردد اگر کسی بعد از نماز باید آویزش

از طلوع آفتاب الحمد بخواند و هفت بار آیه الکرسی بخواند اول است

راست بید و بعد از آن دست چپ و بعد از آن به پیش رو و بعد

از آن به پس پشت و بعد از آن بالای سر و بعد از آن زیر قدم و

بفهم بر دست خود و مدد بر اعضای خود مالد و در امان حق تعالی باشد

و اگر کسی خواهد که در نظر سلاطین و ملوک و دوست و دشمن عزیز

و مکرم باشد و همه بر او مهربان گردند این آیه الکرسی را سه بار بخواند

و برکت دست و مدد و در روی مالد در نظر سلاطین و دوست

و دشمن عزیز و مکرم و مهربان گردد و اگر کسی خواهد که در میان زن

و شوهر محبت اندازد و بیاختار یک عت به دیگران بنماید و

و بیوانه گردند و در مسجد جمعه شش رکعت نماز بگذارد و یک

سلام و در میان هر رکعتی یکبار الحمد و هفت بار آیه الکرسی

چون از نماز بیخارج شود آیه الکرسی را چهل و یکبار در چهل کعبه

فلفل سفید بخواند و یک یک در آتش اندازد و بنام ائمه
۱۳۰

که خواهد مجرب از نموده است اگر کسی خواهد که بی راه عقد

و بکاف خود آورد آیت ائمه اگر کسی را شش بار بر شش دانه مویز

بخواند و بخورد ائمه و دهنده مجرب است و اگر کسی آیت ائمه

را با اعتقاد درست در وقت وساعت زهره و مشتری

بنویسد و با خود نگاه دارد و محبوب همه دلها شود اما باید که

آیت ائمه را جهت حرام نکند که لغو است اگر جهت حلال کند

توان بسیار است اگر کسی خواهد که علم آموزد و بی فهم گردد

باید که آیت ائمه را در مشک و زعفران و کلاب بنویسد

و به آب قند بنویسد و بخورد که مجرب است و صد بار پیش از خواب

اگر کسی خواهد که بی راه از راه دور بیاید و بیاید از راه دور

خود خام و دهنه مریم با هم پیامیز و پهل و یکبار آتیه الکس بر آن

نخو اند با هم طالب و مادرش در وقت زوال آفتاب

و دو کند که اشخص بیم آتیه که دیوانه کرد و پیوار شود همان

از رادر پیش که دو باید اگر صد فرسنگ و در باشد اگر

خواهد که بر آن که راسته کسر اند آتیه الکس را بنویسد شک

وز عفران و در خانه تاریک سر کون بیا و نیز در آن الکس که

بنام او کرده باشد بسته کرد و بفرمان خداست تعالی اگر خواهد که

در و پیدا کند در آن شب که مال برده باشد با او الکس که

کمان دارد و بخاطر کند را ند و یک طشت بیاورد و خود ^{منع ۱۲} سفید

وزیران طشت پنهان کند و آتیه الکس را بهفت بار بخواند

و بر طشت و در چوین کنان را بفرماید تا دست بر آن طشت نهند

در کس

هر کس که در دست خود کسی در زیر پا گذاشت و در پید کرد
بعون الله تعالی اگر کسی خواهد که در میان دو دوست ظاهر ^{کود} ۱۳۱

بماند بآره ملک و بخواند آیه الکرسی را هفت بار بر آن
ملک و بچوشتاند که آن شخص یا بعد از چنان شود که اگر بعد
را بگذرد نه بیند که میان دو کس خصومت اندازد و باز صلح کنند

بماند یک سبب بزرگ و آیه الکرسی را بر آن بخواند و
بخورد و بدین بخورند مشفق بیکدیگر گردند اگر کسی خواهد که در

نظم سلاطین و خلائی غیر کرد و در روز آیه الکرسی را

مداومت نماید و باور خود و مددک نهایت محرب است

زنها که این خواص آیه الکرسی را به کس ندیده اند یا

گفته اند و شرح آیه الکرسی بسیار و بی نهایت است

اما مخفی کرده شده اما در محلی که جهت همی آیت الکرسی را
میخوانند باید که بوی خوش بکار دارد و تا فایده تمام بخشد و الله اعلم

الشرح الباطل السحر و التداویم

صلوات الحمد قل هو الله صلوات
۳ ۱ ۳

شرح سوره کس روایت است که چون ختم سوره متبرک شود

شود روز اول طلب کند طریقی باب یکبار آیت الکرسی

و سه بار قل هو الله احد و محمودین هر یک سه نوبت

و پس را یکبار بخواند و به آب بنهد و بعد از آن همان

آب وضو سازد و رو بقبالشیند و این اعمال

بجای آورد و بعد از آن دو رکعت نماز کند و در هر حاجتی

که خواهد شد و بخواند این سوره الله تعالی شود

و هم

وگفت ختم چهل یکروز است و تاریخ روز اول را اولید که

132

مبادا فراموشش شود ز بهار که به ناله اهلان نهند که باشت

فاد میبود و اسد اعلم بالصواب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * لَيْسَ وَالْقُرْآنِ

الْحَكِيمِ * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُسْلِمِينَ * عَلَاصِرًا ط

مُسْتَقِيمٌ * تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ * لَتُنذِرَنَّهُ

قَوْمًا مَّا أَنْذَرْنَا بَأْوَئُهُمْ * فَهَمُّ غَافِلُونَ * لَقَدْ

حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ *

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا * فَهِيَ إِلَى

الْأَذْقَانِ * فَهُمْ مُقْمَحُونَ * وَجَعَلْنَا

مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا * وَمِنْ خَلْفِهِمْ

سَدَّ فَاغْشَيْنَاهُمْ فَبُهِمُوا لَا يَبْصُرُونَ *
وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ
لَا يُؤْمِنُونَ * إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ
وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ * فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ
وَأَجْرِ كَرِيمٍ * إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ
مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ
فِي إِمَامٍ مُبِينٍ * وَقَسَمْتُ عَلَيْكُمْ بِجَوْلِ اللَّهِ
وَقُوَّتِهِ وَعَوْنِهِ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِامْعَشِ
الْأَرْوَاحِ الرُّوحَانِيَّةِ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَنُورِهِ
وَجِبْرِ مَةِ أَسْمَاءِ اللَّهِ وَجِبْرِ مَةِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

133

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا كَافِي يَا هَادِي يَا لَطِيفُ

يَا بَاقِي أَجِبْ يَا رَوْقًا بُلَّ أَنْتَ وَخُدَّامُكَ

مِنْ الرُّوحَانِيَّةِ الْأَرْضِيَّةِ وَأَنْتَ يَا هَبِّ

سَمِيعًا مُطِيعًا بِجُرْمَةِ الْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ وَبِجُرْمَةِ الْمَلِكِ الْغَالِبِ

عَلَيْكُمْ أَمِنْ أَيْحَدِهِ جُرْمَةُ الطَّرِ

ظَائِلِ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ

إِذَا الْبَاطِلُ كَانَ نَرَهُ وَقَاوِ اقْسَمْتُ

عَلَيْكُمْ يَا كَاطِفَ رُسِيَا بُلِّ اللَّهُمَّ

سَخِّرْ لِي قَلْبَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ لِمَحَبَّتِي

بِحُرْمَةِ سُوْرَةِ لَيْسَ وَبِحُرْمَةِ اِسْمِ الْعَظِيْمِ
وَبِحُرْمَةِ سَيِّدِكَ كَجَمْعِ كَعَيْنِي وَشَوَاضِرِ
لَهُمْ مَثَلًا لِّاصْحَابِ الْقَرْيَةِ اِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ
اِذَا رُسِلْنَا اِلَيْهِمْ اثنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا
فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا اِنَّا اِلَيْكُمْ مُّرْسَلُونَ
قَالُوا مَا اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا اَنْزَلَ
الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ اِزْ اَنْتُمْ اِلَّا تَكْذِبُونَ
قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ اِنَّا اِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ *
وَمَا عَلَيْنَا اِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ *
الرَّحْمَنُ الرَّحِيْمُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيْمُ
يَا رَوْفُ يَا عَظِيْمُ يَكْلُوفُ يَا جَلِيلُ

يَا جَبَّارُ يَا جَوَادُ يَا جَاعِلُ أَجْبِيَا جَبْرِيْلُ
134 أَنْتَ وَخُدَامُكَ مِنْ الرُّوحَانِيَّةِ وَالْأَرْ

وَأَنْتَ أَمْرٌ سَمِيعٌ مُطِيعٌ مُجْرِمَةٌ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَجُرْمَةٌ الرَّؤُوفُ
الْعَطُوفُ وَجُرْمَةٌ الْمَلِكُ الْغَالِبُ
عَلَيْكُمْ أَمْرٌ هَوَازُ وَحَقٌّ مَهْطُهُ طِيلُ
وَقَدْ مِينَا إِلَى مَا عَمَلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَا
هَبَاءً مَشْهُورًا وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ
يَا مَعْجَازُ بَلِّ اللَّهُمَّ سَحَرِي قَلْبِي

فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ عَلَى حُبِّي بِجُرْمَةِ اسْمِ
الْعَظِيمِ وَجُرْمَةِ حَوَا وَجُرْمَةِ

سَيِّدَكَ يَنْهَعُ مَصْطُوعٌ اِزْجَابًا بِالسَّعْيِ
وَالطَّاعَةِ وَتَخْضَعُ وَاَقَالُوا اِنَّا طَيْرُنَا
بِكُمُ لَيْنٌ لَمْ يَنْتَهُوا لَنْزَجْمِكُمْ وَكَيْمَسْنَكُمْ
مِنَّا عَذَابُ الْيَمِّ قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ
اِنَّ ذِكْرًا لَكُمْ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ
وَجَاءَ مِنْ اَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى
قَالَ يَا قَوْمِ اَتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اَتَّبِعُوا
مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ اَجْرًا وَهُمْ
مُتَّقُونَ وَمَا لِي لَا اَعْبُدُ اللَّهَ
فَطَرَنُوْا اِلَيْهِ تَرْجِعُوْنَ عَاثِمُ
مِنْ ذُنُوبِكُمْ اَلِهَةٌ اِنْ يُّرْدِنَا الرَّحْمَنُ يَنْصُرْ

تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ

135

إِذَا الْفَيَّ ضَلَالٍ مُّبِينٍ * مَا لِكَ

مُ الدِّينِ * يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ *

عَبْ يَا شَمْسًا بَيْلَ أَنْتَ وَخُدَامَكَ

نَ الرُّوحَانِيَّةِ وَالْأَرْضِيَّةِ وَأَنْتَ

أَنْتَ يَا رَحْمَنُ يَا مَالِكَ يَوْمَ الدِّينِ *

تُرْمَتِ الْمَلِكِ الْغَالِبِ عَلَيْكُمْ

نَحْ حُطِّي وَبِجُرْمَةٍ فَطَهْتُهَا فَاذَا

نَاعَوْ عُدُّ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَاةً وَكَانَ

عُدُّ رَبِّي حَقًّا وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ

عَ فَقُلْنَا بَيْلَ اللَّهُمَّ سَخَّرَ لِي فِدَنَ بْنَ

فَلَانٌ عَلَى مَحَبَّتِي وَجُرْمَةٌ سَوْرَةٌ لَيْسَ

إِسْمُ الْعَظِيمِ وَجُرْمَةٌ سَيِّدِ اسْمِ الْعَظِيمِ

وَجُرْمَةٌ سَيِّدِكَ كَالْحُطْلُ حَيُوشَر

أَمْتُ بَرِّ وَرَبِّ كَرَّمَ فَاسْمَعُونَ

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي

يَعْلَمُونَ * بِمَا عَفَفَ رَبِّي وَجَعَلَنِي

مِنَ الْمُكْرِمِينَ * وَمَا أَنْزَلْنَا الْقُرْآنَ

مِنَ بَعْدِ مِزْجِنٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا

مُنْزِلِينَ * أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَتْ لِكُلِّ فَجَاءَةٍ

فَأَرْسَلْنَا مِنْهُمْ خَمْسَةً * يَا حَسْرَةً عَلَى

الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ

ثَاوِيهِ لَيْسَ هَزُونٌ يَاحَسْرَ الدُّرُودِ أَكْمَرُ

134 هَلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ

الْيَهُم لَا يَرْجِعُونَ * وَإِنْ كُلٌّ لِّمَاجِمِيعٍ

لَدَيْنَا مَحْضُرُونَ * وَإِنَّ لَهُمُ لَآرْضًا

الْمِيتَةَ أَحْيَيْنَاهَا فَآخَرَجْنَا مِنْهَا

حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ * وَجَعَلْنَا فِيهَا

جَنَّاتٍ مِّنْ نَّجِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجْرْنَا

فِيهَا مِّنَ الْعُيُونِ * لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ

وَمَا عَمَلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ *

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ

وَمَآئِيتُ الْأَرْضِ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَمِمَّا

لَا يَعْلَمُونَ * وَأَيُّ لَهْمُ اللَّيْلِ نَسَاحُ
مِنْهُ النَّهَارُ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ * وَالشَّمْسُ
تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ كَآذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ
وَالْقَمَرُ قَدْرُنَا هُ مِنْ أَمَّا نَزِلَ حَتَّىٰ عَادَكَ الْعُجُوجُونَ
الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ
الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ
يَسْبَحُونَ * وَأَيُّ لَهْمُ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي
الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ * وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ
مَا يَرْكَبُونَ * وَإِنْ نَشَاءُ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيحَ
لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ * إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاءً
إِلَىٰ حِينٍ * وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ

أَيْدِيكُمْ وَبَاخِلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ *

137

وَمَا نَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا

عَنْهَا مُعْرِضِينَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا

مِمَّا أَنْفَقُوا زَنَزَقُكُمْ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطِعُوا مَنْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ أَطَعْتُمْ

إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ * إِيَّاكَ نَعْبُدُ

وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * يَا سَرِيعُ يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ

أَجِبْ وَأَنْتَ يَا بُرْهَانَ سَامِعًا جُرْمَةَ

إِيَّاكَ نَعْبُدُ يَا مِيكَائِيلُ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ *

وَجُرْمَةَ سَرِيعُ الْقَرِيبُ الْمَعْبُودُ لَسْتَ بِكَ

أَنْتَ وَخُدَّامُكَ مِنَ الرُّوحَانِيَّةِ وَ

الْأَرْضِيَّةُ وَبِحُرْمَةِ الْمَلِكِ الْغَالِبِ عَلَيْكُمْ أَمْرٌ

كُلِّينَ وَبِحُرْمَةِ فَهْطِ مَطْلٍ قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُكُمْ

بِالسَّحَرَانِ اللَّهُ سَيُبْطِلُهُنَّ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ

الْمُفْسِدِينَ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ بِأَمْسَدِ ع

بِرَأْسَيْكَ اللَّهُمَّ سَخِّرْ لِي قَلْبَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ عَلَى مَحَبَّتِي

سُوْرَةُ لَيْسَ سَيِّدِكَ شَجْعٌ وَهَجِيْشٌ وَيُقَوُّوْ

مَتَّى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ مَا

يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ

يَخِضُّونَ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا لِي

أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ

مِنْ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ قَالُوا يَا أَبَوَانَا

مِنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدٍ نَاهِذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ
صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ * إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً
فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ فَالْيَوْمَ لَا نُظَلِّمُ
نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا نُحْزِنُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ *
إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَارِهِونَ *
هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكُونُونَ *
لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ * سَلَامٌ لَكُمْ
مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ * سُبْحَانَ الْمَفِيسِ عَنْ كُلِّ مَذِينٍ
سُبْحَانَ الْمَفْرِجِ عَنْ كُلِّ حَزُونٍ * سُبْحَانَ
الْمُخْلِصِ عَنْ كُلِّ مَسْجُونٍ * سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِكُلِّ
مَكْنُونٍ * سُبْحَانَ الَّذِي يُجْرِي الْمَاءَ فِي الْبَارِ

وَالْعُيُونُ سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خُرَابَهُ بِقُدْرَتِهِ

الْكَاثِرِ وَالنُّونُ سُبْحَانَ مَنْ أَرَادَ شَيْئًا أَنْ

يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فُسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِكَ

مُلْكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ رَبَّنَا

افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ

الْفَاتِحِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْغَالِبُ

الْحَقُّ الْمُبِينُ مُحَمَّدٌ الرَّسُولُ اللَّهُ صَادِقُ

الْوَعْدِ الْأَمِينُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَاللَّهُمَّ أَلْفَ مُحِبَّتِي وَعِشَّتِي فِي قَلْبِ فُلَانٍ

بْنِ فُلَانٍ لَوْ تَكَلَّمْتُ أَوْ سَوَّيْتُ أَوْ زِدْتُنِي

لَا فُرَادَ لَكُمْ وَلَا أَكَلَ لَكُمْ وَلَا نَوْمَ لَكُمْ وَلَا حُضُونَ

١٢٤

لَهُمْ وَلَا رَاحَةَ لَهُمْ إِلَّا جَاءَ عِنْدِي وَبِجَوْهَدِكَ
 الْأَسْمَاءُ الْعِظَامُ وَبِجَوْهَدِ مُحَمَّدٍ م وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
 إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * يَا صَدِّقُ مَنْ عِنْدَكَ
 مَدِّ دُمِّي وَعَلَيْكَ مُعْتَمِدِي * يَا أَبَاكَ يَا صِرْطِي
 مُعِينِي * بِجَوَّابِكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * أَعِثَّنِي
 عَلَى كُلِّ حَالٍ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ يَا رَحْمَنُ *
 يَا رَحِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * وَأُمْتَازُوا الْيَوْمَ
 أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ * أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا
 تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ *
 اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * يَا قَادِرُ يَا مُقْتَدِرُ *
 يَا مُقَدِّمُ يَا طَئِيفُ يَا خَبِيرُ يَا خَالِقُ يَا هَادِي *

أَجِبْ يَا خَرَفَانُلُ نَتَّ وَخَدَامُكَ مِنْ الرُّوحَانِيَّةِ

وَالْأَرْضِيَّةِ وَأَنْتَ يَا شَهْرُ فَرْشِ سَامِعَامُ طَبِيعًا

بِجُرْمَةٍ أَهْدَانَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَبِجُرْمَةِ الْقَادِرِ

الْمُقْتَدِرِ وَبِجُرْمَةِ الْمَلِكِ الْغَالِبِ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ

سَعَفَصَ وَبِجُرْمَةٍ فَطْهُ طِيلَ وَثَلَاثُ كِتَابَ

عَنْ بَرَايَا بَيْتِهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَلَدٍ بَدَنِيَّةٍ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ

يَنْزِلُ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ

لَا لَأَغْ شَهْبَا نِيلَ اللَّهُمَّ تَخْرِجْ لِي مَدَانٍ مِنْ مَدَانٍ

مُحِبَّتِي وَبِجُرْمَةِ سَوْدَ لَيْسَ وَبِجُرْمَةِ حَوْوِ

سَيِّدِكَ لَاغْ زَوْفَانِ وَأَنْ أَعْبُدُ وَفِي هَذِهِ

صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا

إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ

الْمَلِكُ الْحَيُّ الْمُبِينُ يَا اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ

الْقَارِئُ الرَّحِيمُ يَا اللَّهُ الْمَعْرُوفُ

الْمَعْبُودُ يَا اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ

يَا اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ الْبَاطِنُ الْظَّاهِرُ يَا اللَّهُ

أَنْتَ اللَّهُ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ

أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ يَا اللَّهُ أَنْتَ

اللَّهُ الْفَرْدُ الصَّمَدُ يَا اللَّهُ الْعَزِيزُ

الْجَبَّارُ يَا اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ الْمُنْجِدُ

يَا صَمَدٌ يَا اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ الْحَيُّ

الْقَيُّومُ الَّذِي لَا يُؤْتِي يَا اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ
الْمَعْرُوفُ بِالْأَعْرَافِ يَا اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ
الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ يَا اللَّهُ أَنْتَ الْغَالِبُ
لِلْحُسْنِ وَالْجَمَالِ يَا اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ الظَّاهِرُ
الْبَاطِنُ السَّالِمُ مِنْ كُلِّ فَاِت يَا اللَّهُ
أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ
يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ يَا اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ
الْوَاحِدُ لَكَ وَلَا نِدُّ لَكَ وَلَا شَبِيهُ
يَا اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَكَ شَرِكٌ فِي
فِي الْمُلْكِ يَا اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَمْ
يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا لَيْسَ مِثْلُهُ

شَيْءٌ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ يَا اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ وَلَ

يْلَا غَايَةٍ يَا اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ لَا غَايَةَ

يَا اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ الْمُقِيمُ بِلَا أَحَدٍ يَا اللَّهُ

أَنْتَ اللَّهُ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ يَا اللَّهُ

أَنْتَ اللَّهُ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَنْتَلِي يَا اللَّهُ

أَنْتَ اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْتَ

اللَّهُ الْمُحْسِنُ الْمُجَلِّ يَا اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ ذَوَا

وَالْأَكْرَامِ يَا اللَّهُ بِحُرْمَتِ هَذِهِ

النُّورِ الشَّرِيفِ وَجُرْمَةِ هَذِهِ

الدُّعَاءِ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي وَتُبَلِّغُنِي

إِلَى مَا هُوَ مَقْصُودٌ وَمُرَادِي وَ
تُسَهِّلْ عَلَى كُلِّ عَسِيرٍ وَسَهِّلْ لِحُدَّامِ
هَذِهِ السُّورَةِ الشَّرِيفَةِ حَتَّى يَكُونُوا
إِلَى عَمَلِنَا فِيمَا أُرِيدُ مِمَّا هُوَ مَقْصُودٌ
مُرَادِي اللَّهُمَّ سَخِّرْ لِي خَلْقَكَ وَرَبِّكَ
اللَّهُمَّ أَلْفَ عَلَى قُلُوبِ عِبَادِكَ
مِنْ كُلِّ وَانْتَهَى مِنْ حُرِّ وَعَبْدٍ وَكَبِيرٍ
وَصَغِيرٍ بِالْمَحَبَّةِ وَالْمَوَدَّةِ وَالْعُطْفِ
وَأَرْزُقْنِي حَظَّ الْجُودِ وَافْتَحْ لِي
أَبْوَابَ لُطْفِكَ وَرَبِّ رِقَّتِكَ وَقُلُوبَ
عِبَادِكَ بِالْحُجَّةِ وَالْبَرَاةِ وَالْمُرَّةِ

رُفْقًا وَاسِعًا حَلَا طَيِّبًا وَكَرَّةً

١٥٦

عَوْنًا وَمُعِينًا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا

أَمِينًا يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

سَيِّدِنَا وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا

كَثِيرًا يَا رَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

يَس وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُسْلِمِينَ

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ

الرَّحِيمِ * لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرُوا وَهُمْ

فَهُمْ غَافِلُونَ * لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى

الْكَثِيرِ هُمْ فَهُمْ يَوْمُ مُتُّونَ * إِنَّا جَعَلْنَا

عَلَىٰ فَاَعْنَاهُمْ اَعْلَاكَ اَعْلَاكَ
إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ وَجَعَلْنَا
مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ أَمًّا لَّمْ تَنْتَهِرْ سَدًّا وَمَنْ
وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَا فُتُورَهُمْ
لَا يَبْصُرُونَ سَوَاءً عَلَيْهِمْ أُنذِرُوهُمْ
أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ إِنَّمَا تُنذِرُ
مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبُ
فَإِنَّهُمْ بِمُغْرَقَةٍ كَارِهَا يُجْرُونَ إِنَّا خَائِزُونَ
نَحْنُ الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ
وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ
سُبْحَانَ الْمُنْفِيسِ عَنْ كُلِّ مَذْهَبٍ

سُبْحَانَ الْمُفْرَجِ عَنْ كُلِّ مُحَرِّقٍ وَسُبْحَانَ

الْمُخْلَصِ عَنْ كُلِّ مَسْجُونٍ سُبْحَانَ

الْعَالِمِ بِكُلِّ مَكْنُونٍ سُبْحَانَ الْمَجِيدِ الْمَلِكِ

فِي الْبَحَارِ وَالْعُيُونِ سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ

خَزَائِنَهُ بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ أَمَّا مَنْ

إِذَا رَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

فَسُبْحَانَ الَّذِي فِي يَدَيْهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ

وَالِيهِ تُرْجَعُونَ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ وَعَوْنِهِ

وَعَزَمَتِ عَلَيْكُمْ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ

يَا مَعْشَرَ الْأَرْوَاحِ الرُّوحَانِيَّةِ بِعِزِّ

اللَّهِ وَبُنُوهِ وَجْهِهِ اللَّهُ وَبِحِلَالِ جَلَالِ اللَّهِ

وَبِحَقِّ اسْمَاءِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَجِبْ يَا رُوْقَابِلُ يَا عَبْدَ اللَّهِ

مَدْهُ يَا مُطِيعًا سَامِعًا بِحَقِّ الْحَمْدِ لِلَّهِ

رَبِّ الْعَالَمِينَ وَبِحَقِّ الْحَيِّ الْقَيُّوْمِ وَبِحَقِّ

الْمَوْكَلِّ بِقَائِمَةِ الْعَرْشِ وَبِحَقِّ

اللَّطِّ هَطِيلٍ وَقُلْ جَاءَ **مَرُوت** **زَارُوت**

عَلَى رَضَى اللَّهِ عَنْهُ كُونِدَاكَ رَيْنِ اسْتَوْفَارِ اِهْجِ كُنَاهِي نَمَانْدَاكَ

كُنَاهِي اَوْرِيشِ زَرْبِكِ بِيَابَانِ وَسُوحِ دَرِيَا بِيَانْدَاكَ

نَيْت لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَقِّكَ

رَبِّ غَلَبْتُ سُوءَ وَظَلَمْتُ نَفْسِي

فَلَا

فَاعْفِرْ لِي فَانْتَ خَيْرُ الْعَافِرِينَ لَا إِلَهَ

إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ رَبِّ

عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَتُبْ

عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا

أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ رَبِّ عَمِلْتُ

سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَرْحَمْنِي

فَإِنَّتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ وَعَالِمَةُ الْحَقِيقِ

آورده است رسول و مود علی الله علیه الصلوة والسلام

هرگز انبات نماز او مثل نماز من آن نماز مردود است بر صاحب

نماز پرسیدند یا رسول الله چگونه گذاریم مثل نماز تو پس رسول

فرمود علی الصلوات والسلام هر که این استغفار بعد از نماز کند

بشد سه بار بگوید نماز او مثل نماز من باشد گفتند یا رسول الله

آن استغفار کدام است رسول علیه الصلوة والسلام

این استغفار فرموده این را اسناد بسیار است در صحاح

و بعد ادای هر پنج وقت نماز سه بار بخواند **استغفار است**

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ

أَذْنَبْتُهُ عَمْدًا أَوْ خَطَاً وَسَّرَّاهُ وَعَلَانِيَةً

وَأَتُوبُ إِلَيْهِ مِنْ الذَّنْبِ الَّذِي أَعْلَمُ

وَمِنْ الذَّنْبِ الَّذِي لَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ

الْعَلَّامُ الْغُيُوبِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ **از تفسیر معنی واجب**

علوم در خبر است هر که هر روز مومنان را بر سرش خواهند نهاد

و لکن

و شش بار هر روز این استغفار بگوید از و تعالی همه گناهان

اورا بخشنود و دانند اگر چه همه روی زمین خصم او باشند از و

تعالی همه را بخشنود و دانند که او خیر ندارد همه مومنان را و ۱۵۴

حق او شفاعت کنند **استغفار اینست**

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ أَحْيَاهُمْ

وَمَيِّتَهُمْ شَاهِدَهُمْ وَعَلِيَّهِمْ وَصْنَعُهُمْ

وَكَيْدُهُمْ وَادْكُرْهُمْ وَأَنْتَ أَعْلَمُ

بِمَنْقَلِبِهِمْ وَمَشُورَتِهِمْ إِنَّكَ

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ **ترجمه بیان**

سنت و فریضه نماز صبح چهل و یک بار بخوانند

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دُجُّ

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ

وَالْإِكْرَامِ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ

أَنْ تُجِبِّي قَلْبِي بِنُورِ مَعْرِفَتِكَ بِرَحْمَتِكَ

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَسَلِّمْ وَسَلِّمَا

تَسْبِيحُ سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ

اللَّهُ الْعَظِيمُ وَبِحَمْدِهِ تَسْبِيحُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

عَلَيْهِ السَّلَامُ سُبْحَانَ اللَّهِ الْقَاضِي

الْأَكْبَرِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْخَالِقِ الْبَارِي

سُبْحَانَ اللَّهِ الْقَادِرِ الْمُقَدِّرِ سُبْحَانَ

اللَّهُ وَبِحَمْدِكَ سُجَّانَ اللَّهُ الْعَظِيمِ

الْأَعْظَمِ وَبِحَمْدِكَ **تسبیح ادريس عليه السلام**

255 سُجَّانَ الْعَالِ الْأَعْلَى سُجَّانَ مَنْ

عَلَا عَلَى الْهَوَىٰ سُجَّانَهُ وَتَعَالَىٰ

تسبیح حضرت فاطمة الزهراء علیها السلام این تسبیح هرگز در میان

سنت و توفیق نماز صبح این تسبیح هفتاد و یکبار بخواند الهی شود

از زوال ایمان دل او غمزد شود بسیار است

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا

بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ

وَالْإِكْرَامِ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَيُّ قَلْبِي

يَبُودُ مَعْرِفَتِكَ يَا اللَّهُ يَا خَمْسُ يَا حَبِيبُ

تسبح نوح نبي الله عليه السلام

سُبْحَانَ الْعَالِي الْجَبَلِ سُبْحَانَ الْخَالِقِ

الْبَارِي سُبْحَانَ الْمُحْسِنِ الْمَجْلِسِ سُبْحَانَ

الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

تسبح هو عليه السلام سُبْحَانَ الرَّافِعِ

الْأَعْلَى سُبْحَانَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ

سُبْحَانَ مَنْزَكَانِ هَكَذَا وَلَا

يَكُونُ هَكَذَا غَيْرُهُ سُبْحَانَ مَنْ

عَالٍ بَرِي سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى سُبُوحُهُ

وَقُدُّوسُ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ

سُبُوحٍ قُدُّوسٍ رَبِّ الْخَلْقِ الْخَلْقِ

الْعَظِيمِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ اللَّهِ
وَبِحَمْدِهِ الْبَاسِطِ سُبْحَانَ الصَّدَّارِ
النَّافِعِ سُبْحَانَ الْقَاضِي بِالْحَقِّ * 456

تَسْبِيحُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ مَرَّةً

مَلَأَ الدَّهْرَ قَدْ سَبَّحَ سُبْحَانَ مَنْ

يَعْتَشَى لَا يَدْنُوهُ سُبْحَانَ مَنْ أَسْرَقَتْ

كُلَّ ظِلْمَةٍ بُورِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَبْدُ

أَنْ لَا يَغَيِّرَ دِينَهُ سُبْحَانَ أَوَّلِهِ عِلْمُ

لَا يُوصَفُ وَآخِرُهُ عِلْمُ لَا يَنْفَدُ

تَسْبِيحُ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُطَّلِعٌ

عَلَى جَوَارِحِ الْقُلُوبِ سُبْحَانَ

مَنْ هُوَ مُحْصَى عَدَدُ الْعُيُوبِ

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ

فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ سُبْحَانَ

الْوَدُودِ الْغَفُورِ **تسبيح يعقوب**

عليه السلام سُبْحَانَ الْحَمْدِ الْمُنَانِ الْجَوَادِ

سُبْحَانَ الْكَرِيمِ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ

الْبَصِيرِ الْحَكِيمِ سُبْحَانَ السَّمِيعِ الْوَاسِعِ

سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى اقْبَالِ اللَّيْلِ

سُبْحَانَ عَلَا دُبَارِ النَّهَارِ وَلَا

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَلَا

لِكُفْرٍ وَلَا مَلْجَأٍ وَلَا مَلْجَأٍ وَلَا

لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ

عَمَّا خَلَقَكَ بِسْمِ لَوْفٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ سُبْحَانَ مَنْ

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ رَحْمَتٍ سَبِّحْ

الحق القويم سبحان الله الحق الربيع الحكيم

استناد و عار ابليس عليه اللعنة والنداب روایت

است که روزی ابليس لعین بخدمت پیغمبر علیه السلام

آمد رسول فرمود یا لعین چرا چنین با فریادی می کنی

و خود را مستوجب دوزخ می گردانی ابليس لعین گفت

یا رسول الله المحفوظ و عا دیم هر روز هزار بار نگاه کنند

و در چهل و یکبار این دعا بخوانند البته بهشت برود و تخت

گفت ای لای دعا کلام است ابليس لعین بآید

شد حضرت پیغمبر تفکرت جبریل علیه السلام همان رعیت است

گفت یا رسول الله کلام مرا بگویند و میگویند که ابليس است میگوید مرا

آقبل از چهار صد هزار سال و ابليس فاشد دعا را حل او فراموش خواهد کرد حضرت

پیغمبر گفت این دعا کلام است جبریل فرمود دعا محفوظ است

الحمد لله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ

اللَّهِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ سُبْحَانَ اللَّهِ

الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْكَبِيرِ 158

الْمُنْتَعَالِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

سُبْحَانَ الَّذِي لَمْ يَزَلْ يَكُونُ وَلَا يَزَالُ

شَدِيدُ الْحَالِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * وَصَلَّى اللَّهُ

عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ * وَإِلِهِ أَتَجَمَّعُونَ *

اسناد و عاين كنج حن آورده اند بروایتی امیر المومنین علی علیه السلام

روزی رسول صلی الله علیه وسلم بیست و دو بار سُبْحَانَ اللَّهِ را میخواند و این

و عا^ن بن^ی کنج از حضرت رب العالمین بیاورد و گفت یا رسول

الله صلی الله علیه وسلم حق سبحانه و تعالی ترا سلام بگوید و

بعد از سلام کف^ه درود میفرستد و میفرماید یا محمد ص این بن^ی کنج را ^{المؤمن} ادا

علی عا^ن التوفیق مصاف کردن بر کافران در محال خود دارد و برفت

این جنکهای کافران را هر میت نمایند و اسلام انکار نمود و جرئت ^{السلام} علیه

چون فرمان رسید بازگشت محمد رسول الله ص را طلبید و گفت یا عا^ن

حق سبحانه تعالی بحیث ثواب هدیه فرستاده که بر چاکس نقر شده

مگر تو با محال خود دارد و عا^ن ۴ این بن^ی کنج پوسته و پیر نهاده چون

در کانون برقی و این بن^ی کنج را در محال خود کردی مظلوم و منصور گشتی

پس رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت هر گاه امت من این بن^ی کنج بر خود دارد

هر گاه که بروی و محبت و علاقت و خفتد امان نماند و همه مطیع و فرمان بردار

باشند

باشند و میان آنها بایست باشد و اگر صد هزار دشمن باشد همه دست

او نهاده و اگر در سفر و حضر و در سلامت باز کرد و با عزت بسیار

نگاه دارد و با عظمت پروردگار محاسب کند و اگر

شک با این دعا بسیار و کافر گردد و در روز

فرود عاریت کنج است **سج اول**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَقَوْضُ

أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

وَاسْتَفِجْ يَا اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَمَا أَنْصُرُكَ إِلَّا بِنِعْمَةِ اللَّهِ

الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ شَهِدَ اللَّهُ قُلْ هُوَ اللَّهُ

اللَّهُمَّ أَجِرْنَا بِعَبِيدِكَ النَّبِيِّ لَا يَنَامُ وَ

اَرْحَمَنَا بِقُدْرَتِكَ **كسج دوم**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَتَقْضَلْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَالسُّ

عَلَيْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيْنَا

مِنْ بَرَكَاتِكَ وَاعْزُذْ بِكَ مِنْكَ

عَنْ جَارِكَ وَحَلِّ شَأْنِكَ وَلَا إِلَ

غَيْرُكَ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ **كسج سوم**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَمِنْ أَرَادَ يَسُوعَ قُرْدَةً وَمِنْ كَاذِ

يَكِيدُ فَكَادَهُ وَمِنْ لَعْنِ عَلَيْهِ

فَاهْلَكَ رَبِّ تَقَبَّلْ تَوْبَتِي وَأَعِزَّنِي

حَوِّيتِي وَاجِبُ دَعْوَتِي يَا اَمَنُ

الْخَائِفِينَ **كَبِخْ حَام** بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ *

اللّٰهُمَّ اهْدِنَا عِنْدَكَ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا

مِنْ اَيْدِيْنَا مِنْ خَلْقُنَا وَعَنْ اِيْمَانِنَا

وَعَنْ شُعَائِلِنَا وَبَارِنَا مِنْ ظَلَمِنَا

وَانْصُرْنَا عَلَى عِبَادِنَا وَلَا تَخْذُلْنَا

وَتَقِينَا وَمَوْلَانَا كَثِيرُنَا **كَبِخْ غِيَم**

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ *

اللّٰهُمَّ شَاهِدُنَا غَيْرُنَا هَدِيَّت

يَا قَرِيبُنَا غَيْرُ بَعِيدِنَا غَالِبًا غَيْرُ مَغْلُوبٍ

يَا خَالِقًا غَيْرَ مَخْلُوبٍ يَا رَازِقَنَا

عَنْ مَرْزُوقٍ وَبِأَمْعَبُودٍ عَنِ

عَابِدًا وَاسْأَلْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

مُحَمَّدًا وَأَسْأَلُكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *دعای ابن جعفر*

برکه ابن دعار ابرار پاره نان نویسد و هر صبح به بهاری بخورد

بنوعی حافظه چه خواند یاد کسیر و این ترتیب *روز شنبه*

فَعَالِ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَيُّ *روز یکشنبه*

رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا *روز دوشنبه*

سَتَقَرُّكَ فَلَا تَنْسَى *روز سه شنبه*

يَعْلَمُ الْخُفْرَ وَمَا يَخْفَى *روز چهارشنبه*

لَا تُشْرِكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْمَلَ بِهِ

روز

روز جمعه **اِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ**

روز جمعه **قَالَ اقْرَأْنَاهُ** وپنجمه فرمود صلی الله علیه وسلم

161 بدست که مرکب را نود و نه عرب است و هر عرب بزرگ

تراز نود و نه زخم کردن پنجاه و یک بار که خواهد سلامتی

از آن پس بعد هر فرضیه نماز این دعا بگو **و دعا را**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَعَدْتُ لِكُلِّ هَوًى فِي الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلِّ هَمٍّ

وَنُجْمٍ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَلِكُلِّ كَرْبٍ

كَارٍ مِّنْ لَّحَوْلٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلِكُلِّ

ذَنْبٍ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَلِكُلِّ ضَيْقٍ

حَسْبِيَ اللَّهُ وَلِكُلِّ مُصِيبَةٍ إِنَّا لِلَّهِ
وَلِكُلِّ نِعْمَةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا بَيْنَ يَدَيْ
رَحْمَةِ فَتَزَالُ وَلِكُلِّ رُخَاءٍ
الشُّكْرُ لِلَّهِ وَكُلِّ عَجُوبَةٍ سُبْحَانَ اللَّهِ
وَلِكُلِّ قَضَاءٍ وَقَدْ رَتَوْتُ
عَلَى اللَّهِ وَلِكُلِّ طَائِعَةٍ وَمَعْصِيَةٍ
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَأَقُولُ
لِكُلِّ رَغْبَةٍ وَرَهْبَةٍ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

وَعَالِي دِينِهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

که مولانا شیخ الاسلام برهان الدین وغنیانی رحمت الله علیه

در شهر سمرقند و سال سنه شان و تسعين و خمس مائت

پیغامبر و خواب دید که می آید و عطا و زهدت پیغامبر

و سار خود بسته و متابعت شیخ الاسلام پیش رفت و سلم
۱۶۲

گفت و سوال کرد ای سنجب حدای و افق ازین صعب تر

چیت که هر روز چنین هزار امت من از دنیا بگرت می آیند

از ایشان که ایمان را با خود می آرند شیخ الاسلام در پای مهر

عالم افتاد و گفت تدبیر چیست مهر علم گفت تدبیر آنست که کلام

میکنم تا از کفر میان ایشان و عا و غیر مایه و دوا بر یک لایع عا و ایمان و ایمان و ایمان

بنی شیخ الاسلام چون از خواب بیدار شد خط بنویشت و بدو وصیت بعیر خواب **نیت**

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اذ اسئلك بعزتك يا عزيز

وَيُقَدِّرُكَ يَا قَدِيرُ وَجَلَدِكَ
يَا أَهْمِيدُ وَحِكْمَتِكَ يَا حَكِيمُ
وَبِرَحْمَتِكَ يَا رَحِيمُ وَبِعِظَمَتِكَ
يَا عَظِيمُ وَبِعُقُوبَتِكَ يَا عُفُو
وَبِفَضْلِكَ يَا رَحْمَنُ وَبِمَنَّةِ
يَا مَنَّانُ أَنْ تَحْفَظَ عَلَيَّ الْإِيمَانَ
فِي نَاءِ اللَّيْلِ وَاطْرَافِ النَّهَارِ
فَأَمَّا وَقَاعِدَا أَوْرَاكِعَا وَسَاجِدَا
أَتَقَطَّانَا وَنَائِمَا حَيًّا وَمَيِّتًا
حَالِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استغفاركم

استغفر

اَسْتَغْفِرُ اللهَ اَسْتَغْفِرُ اللهَ
اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
الْقَبُورُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ اَسْتَغْفِرُ اللهَ
وَأَتُوبُ إِلَى اللهَ اَسْتَغْفِرُ اللهَ
مِنْ جَمِيعِ مَآكِرِهِ اللهُ مِنْ قَوْلَا
وَفَعَلَا وَخَاطِرِ اللَّهِ اَسْتَغْفِرُ
لِمَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا
أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ
أَنْتَ الْمَقْدِمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ وَأَنْتَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ ثُبْتُ

إِلَيْكَ تَوَدُّعْتُ بِهِ وَاسْتَغْفِرُكَ
بِمَا ارْدَنْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالِطْهُ
بِمَا لَيْسَ لَكَ فِيهِ رِضًا وَاسْتَغْفِرُكَ
لِمَا عُدْتُكَ بِهِ مِنْ نَفْسِي ثُمَّ
اخْلُفْنِيكَ وَاسْتَغْفِرُكَ لِمَا دَعَا
إِلَيْهِ الْهَوَى مِنْ قَبُولِ الْجَسَمِ مِمَّا
اشْتَبَهَ عَلَى وَهُوَ عِنْدَكَ
حَرَامٌ وَاسْتَغْفِرُكَ مِنْ النِّعَمِ
الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَتَقْوَيْتَ بِهَا
بِحَالِي مَعَاصِيكَ وَاسْتَغْفِرُكَ
مِنْ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا يَعْرِفُهَا

غَيْرُكَ وَلَا يَطْلُعُ عَلَيْهَا سِوَاكَ
وَلَا يَسْعُهَا إِلَّا حِلْمُكَ لَا يَنْجِي
مِنْهَا إِلَّا عَفْوُكَ وَاسْتَغْفِرُكَ
لِكُلِّ يَمِينٍ سَلَقْتُ مِنْ فِجْنَتِي
فِيهَا عِنْدَكَ وَأَنَا مَا خُذْتُ بِهَا
وَاسْتَغْفِرُكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
وَاسْتَغْفِرُكَ يَا عَالَمُ الْغَيْبِ وَ
الشَّهَادَةِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ عَمِلْتُهُ فِي
بَيَاضِ النَّهَارِ وَسَوَادِ اللَّيْلِ وَفِي
خَلَاءٍ وَمَلَأٍ وَسِرٍّ وَعَلَانِيَةٍ

وَأَنْتَ نَاضِرٌ إِلَى إِذْ أَنْتَ تَكْتُمُهَا وَ
أَنْتَ بِهَا مِنْ الْعَصِيانِ بِالْحِكْمِ
يَا حَلِيمٌ يَا كَرِيمٌ يَا رَحِيمٌ وَاسْتَغْفِرُكَ
يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي
كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ وَاسْتَغْفِرُكَ
لِكُلِّ فَرِيضَةٍ وَجَبَتْ عَلَى
فِي نَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ
فَتَرَكْتُهَا عَمَلًا أَوْ خَطَاً أَوْ نِسْيَانًا
وَأَنَا مَسْئُولٌ بِهَا وَاسْتَغْفِرُكَ
لِكُلِّ سُنَّةٍ مِنْ سُنَنِ سَيِّدِ
الرُّسُلِينَ وَالنَّبِيِّينَ وَنَبِيِّكَ

مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
تَرَكْتُمَا عَقْلًا وَسَهْوًا وَحَمْدًا وَ
تَهَانًا وَنَا وَجُرْعَةً وَقَلَّةَ مَبَالِغٍ
بِهَامَا أَنَا مُعَاقِبٌ وَأَسْتَغْفِرُكَ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
مِنَ الظَّالِمِينَ وَأَسْتَغْفِرُكَ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ
لَكَ سُبْحَانَكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ
لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الشُّكْرُ
وَأَنْتَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ
نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ غُفْرَانُكَ

رَبَّنَا وَاللَّيْلُ الْمَصِيرُ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَا خَيْرِ خَلْقِهِ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ بَعْدَ
مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

دُعَاءُ قَرْنِيًّا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قَرْنِيًّا جَلًّا وَمَلَا دُيُوتِيًّا
تَوَّابًا شَهِيًّا تَوَلَّنِيًّا انْزُرْ طَارِ
انْزُرْ طَارِ طَوَّافًا طَوَّافًا طَارِ
طَوَّافًا طَارِ طَارِ طَارِ طَارِ

قَلْبًا

هَلَا مَحْصَا هَلَلُهُ يَا هَرَجُوا هَرَايِلُ ^{أَحْوَايِلُ}

حَبِطَ آيِلُ خُسْرُ وَآيِلُ دُومَنَائِلُ

166 أَشْرُوقِيَّا أَشْرُوقِيَّا ^{أَشْرُوقِيَّا} آيِلُ اسْتَجْنِيْلُ

إَهْرَائِيلُ وَأَغْلَايِلُ وَأَكُوْايِلُ

طُوسُوسَائِلُ رُوقَائِلُ

خَمُونُورَعَائِلُ تَبْقَشَائِلُ

قَرْقَائِلُ مَهْرَائِلُ بَرْكَتَائِلُ

تُرْشَائِلُ بُورِيَايِلُ شَقْتَسُ

رَهَائِلُ مَلُكَائِلُ

مِيكَائِلُ سَرْكَتَائِلُ

آةُ وَآةُ وَآيَةُ تَسْوِاسُكُوا

مَحْرُورًا بِلَ مَنطُوقًا بِلَ

مَنطُوقًا مَشْغُوقًا مَحْزُوقًا

يَرْغَانِ غَا مَانِ شَرِ

أَرْبَعِينَ أَوْ مِائَةً وَرَأَيْتُ

مَثَابِلَ أَكْثَرِهَا بِلَ

هَيَاءُ بِلَ صَوْدُورًا بِلَ

نُورًا بِلَ دَرْدًا بِلَ

شَهْنَاءُ بِلَ

حَمَاهُ بِلَ

يَطْطَأُ بِلَ يَخْطَأُ بِلَ

رُوحًا بِلَ

مَنْطُوقًا

مَنْطَرِي يَزُومَا

169
بِرُقْ مََا اَنْزَرَ مَا بِلْ

اَنْ كَذِي اَنْ كَذِي

تَرْمَا بِلْ اَنْهَر ثَابِلْ

اَنْهَر اَنْهَر

تَلِيَتْ اَنْهَر اَنْهَر

مََا كَوْبِ اَنْهَر

شَهْطَرْ جَسَا

شَهْطَرْ ثَابِلْ

اَنْهَر اَنْهَر

وَمَالِي وَوَلَدِي

بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ

وَالْحُكْمِ

لِأَنْ

وَكِرَامِ الْكَاتِبِينَ

أَنْ تَقَّضِي

حَاجَتِي

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

وَيَا خَيْرَ الْبَاحِثِينَ

بِرَحْمَتِكَ

يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ

أَجْمَعِينَ

بسم الله الرحمن الرحيم هر که یکصد بار زده **الف** بگوید
۱۶۸

شب جمعه و با خود دارد و در نظر مادرش مان محترم باشد

و دل او روشن گردد و حاجت او روا گردد و در محل

نوشتن این اسم بخواند یا سبحان الله هر که دوازده **ب**

بگوید روز یکشنبه در زیارتی ماه اگر کسی قاهر و مستکبر باشد

و مردم از او سزاوار باشد و خواهند که رحم دل شود در مقام

او دفن کنند آن صفت تا از روز ایل شود اگر بدین نوع

بگوید و با خود دارد به نیت هر که دوست او شود اگر

بگوید در کاره چندی بخورد و بیمار و بدشغالی را به امان محل

نوشتن این ده اسم بخواند یا حی یا رحمن هر که چهار صد

ده **ت** بگوید روز چهارشنبه در غروب آفتاب

و بخورد دل کوری را بر دو حفر را از یاده کند و هر چه می خورد

فراموشش نکند اگر با خود نگاه دارد و شتر دشمن این باشد

در وقت نوشتن این دو اسم بخواند یا مقوم یا احد

هر که با صد ده **ش** بنویسد روز سه شنبه وقت زوال

از دیوار خانه رونق پیدا و نزد کار ثابت قدم گردد

اگر زن و شوهر جنگ کرده باشند بر کاسه چغنی نوشته

و بخواند صلح افتد در وقت نوشتن این دو اسم

بخواند یا دایم یا احد هر که بخواهد **ح** بنویسد در وقت

طلوع آفتاب زبان بد گویند بسته شود و بر دشمنان

تغویا بد و حاجتش روا شود اگر از عمل دور افتد

عمل و ترسش دراز گردد و در وقت نوشتن

نخوند یا ماری یا کریم هر که هر ده **ح** بنویسد در شب
۱۶۹
پنجشنبه که ماه طریق باشد و با خود دارد سحر بر وی کار کنند

و چشم بر درخت نه بیند و روزی باید اگر مشک و زعفران
بنویسد و در هر برید و در موم سفید کرد و در زیر دندان نهاد

البته ارواح را به بیند در وقت نوشتن این دو اسم بخواند

یا ماری یا زاکلی هر که شصت و ده **خ** بنویسد و در خانه

خالی رزق نکشد نه آخر ماه و در خانه خود جای پاک و فن کند

هر مرادی که در دل دارد زود بر آید اگر در دست ظالمی افتاد

باشد خلاصه باید اگر از جای بلند آید و بنام دشمن آن دشمن

ملک شود در محل نوشتن این دو اسم بخواند یا کافی یا قلی

هر که **دال** بنویسد در جای خالی در نیمه شب جاری نشد

که مردم در خواب باشند بنگ در خزان بنوب
و با خود نگاه دارد دست و دل او که شود در نظر
خلایق با حرم باشد و اعتبار کاروی کنند و رضی
اوا کرد و در محل نوشتن این دو اسم بخواند یا خان یا خان
هر که شست و شفت و یک **د** بنوب در روز ششم
بوقت طلوع آفتاب در سجده که نماز میکند از دشمن
کند به نیت امانت اگر مال او در دهن از دما باشد
و حفظ امان خود استعالی باشد موقوف که نماز رسد و در وقت
نوشتن این دو اسم بخواند یا دین یا خالق هر که نیت
یک **د** بنوب در شب و دوشنبه که ماه روشن است
در بخار بکشد و با خود نگاه دارد اگر عاشق باشد محبوب یا

و مراد او زود برآید و در نظر سلاطین و اکابر برآید
170

و از همه بلاد همین باشد در وقت نوشتن این دو اسم

نخواند یا رحم یا رحمان هر گاه شصت و ده **ن** بنویسد

در وقت غروب آفتاب در کورستان کشته شود

محبوب روی کشف شود و زود بدولت رسد در وقت

نوشتن این دو اسم بخواند یا حلیم یا معجده هر که کسی

شش **ش** بنویسد در روز چهارشنبه بجام رود و آن

شبن مار را بشوید و آب آن بر سر ریزد و روزی روی

کشف گردد و اما با یواک باشد در وقت نوشتن

این دو اسم بخواند یا حمید یا غریبه هر که نود و پنج **ص** بنویسد

در کافه چینی نمیک و زعفران و کب و هند که او را

بسته باشند و رحام نبود و بر سر زنجیرت او کشاده
کرد و اگر در میان دوش کجک بود خوب و برابر دشمن
بدار و آن کجک صلح بدل کرد و اگر در میان مصحف
هند به نیت ملک دشمن آن دشمن ملک شود
در محل نوشتن این دو اسم بخواند یا قاهر یا قوی
هر که شاد و پیروز **ض** بنویسد در شب شنبه و در صبح
آنان بنده و مانند علی در خانه عالی در دیوار مقابل قبله
نویسد و هر چه در پیش مردم داشته باشد باز دهد و در میان
مصحف غیز کردند و در وقت نوشتن این دو اسم
بخواند یا ملکی یا قوی هر که نوزده **ط** بنویسد در شب
جمعه یک در عقیان در زیر سر نهد غیز کرد و در حضرت سالت
به ناله

پناه را صلی الله علیه وسلم و خواب بیند اگر بخورد و نور ۱۶۱

دل پیدا کند اگر بر بوی بخورد کثاده کرد و اگر بر شیره

نقش کند هر جا که زندگار آید اگر به نیت دشمن در

نمایان مصحف هند دشمن هلاک کرد و اگر با خود دارد

در نظر باد شاه عزیز شود در محنت و روزی بروی مان

کرد و به نیت که بنویسد بر او برسد در وقت نوشتن

این دو اسم بخواند یا عالی یا قدوس هر که نهد

وده **ظ** بنویسد در شب جمعه بر کاسه چینی و بخورد

شفایابد اگر بنویسد و با خود دارد همه مراد برسد در

وقت نوشتن این دو اسم بخواند یا محمود یا کریم

هر که سپرده **ع** بنویسد رفیع چشته با خود دارد

مشهور عالم گرد و مانند آفتاب در ایمان کامل روزی
کرد در وقت نوشتن این دو اسم بخوانند یا مبین

یا علی هر که پاتروده **غ** بنویسد روز جمعه و با خود دارد

هر که محتاج خلق نکند و در زبان بد گویند بر لبه کرد

در محل نوشتن این دو اسم بخوانند یا عظیم یا عجیب

هر که **تودف** بنویسد روز چهارشنبه و با خود دارد

مرادات دنیوی و اخروی او حاصل گردد در وقت

نوشتن این دو اسم بخوانند یا غیاث یا معیت

هر که **هزده** **ف** بنویسد با خود دارد و جمع مطالب

ببرد و از بند فرزندان خلاصی یابد در وقت نوشتن

این دو اسم بخوانند یا ملک یا مبین هر که بگوید

دیگر

و یک **ک** بنویسد و با خود دارد و از همه بلاها امن باشد ۱۶۲

در فتح روی کاشاده کرد و و همه مراد ما برسد و همه وقت

مستوان نوشت در محل نوشتن این دو اسم بخواند

یا عفو یا شکور هر که **نودم** بنویسد روز جمعه پیش

از طلوع آفتاب و با خود دارد و همه مراد برسد اگر در

باغ یا زراعت بیاویزد هیچ آفت نرسد و هر که با خود

دارد در نظر مردم خیر باشد در محل نوشتن این دو

اسم بخواند یا خالق یا محیط هر که بکشد و نشن **ن**

بنویسد در شب سه شنبه و با خود دارد و از همه آفت

ایمن گردد و هیچ چیزی بر روی پوشیده نماند در وقت

نوشتن این دو اسم بخواند یا حلیم یا شکور هر که **ن**

هر نوید با خود دارد همه علمها بر وی کشف گردد
و همه مرادها او حاصل گردد در وقت نوشتن این
دو اسم بخواند یا کسیر یا مادی هر که هست **ی** نوید
و با خود دارد در هر وقت که باشد همه مراد برسد در
وقت نوشتن این دو اسم بخواند یا سلام یا دوام
چون بنمای این باب بر وضع این ^{گذشتند} است ناچار مفردات
را در اسم کلمات نیز ترتیب داد و فایده در اینجا
متصور داشت چنانکه مذکور میگردد و بدانکه حروف
عبارت است از هشت و هشت حروف و یک
حرف خلاف است که لام الف باشد و بعضی آنرا
از حروف مفرد میدانند زیرا که حضرت رسالت ^{صلی الله علیه و آله}

۱۷۳
علی الله علیه و آله وسلم فرمود که سبب دهنده حروف از

حرف دعای مستجاب است و لاکه آنرا از هر کس بشنوده

اند گویند که هر حرفی عددی موضوع است از برای این حرف

بیست عدد و موضوع نیت و کلمات سبب و معانی او است

ابتدای معنی پاک و منزه است و خدای احد از زن

و فرزند و خویش و بنوبد نژاد و نه میرز و ضعیف بر همه

پاینده و باقیست غرض بر همه غالب کلین و انا

و توانا بلاما افرید اشیا این کو یا وضع علامت است حرف

کثیر هم آمده باشد بر خلاف دایره ای که درین خلاف

است بعضی بر آنند که ترتیب آن وضع الهی و از امکان

بدین ترتیب نازل شده و بعضی گفته اند که این وضع را

حکیم از حکمای یونان ترتیب داد و او هشت قرزند
و هشت مؤمن باین هشت کلمه و او را قدم الهی گویند
بسم الله الرحمن الرحیم **صفت شیر** چنین گویند که شیر از
موش نبرد و دیر نراید و گری گویند که در همه عمر خود
بیکبارش ترا بدو هم باشد که مورچه آترا بخورد و از خوردی
و لطافت که در الویش عالی بود و همت اگر در راه ^{یا کسی}
بر افتد آنکس از دو خوانند بسلامت بگذرد و هیچ آید
لوی رسد گویند اگر شیر با ملک جفت شود حاصل
شود و ملک نیز با شیر ماده جفت شود و نیز حاصل شود
مانند اسیر بود شیر از درخت کوس مهرن شود
شیر را بگویند درست شود اگر بر کوه ها نهند به کوه

اگر چه ریخود مالند سر مانند و اگر زهره او در چشم کنند در جمیع عمر ۱۶۴

چشم در دنگند اگر زهره بخورند دلیر شود و خوشنودار شوند اگر زهره

شیر و زهره اگر با خود دارند چشم خلایق غریب و محرم باشند

اگر دندان او با خود دارد و بر باشد اگر کمال او از حای

بسیار و در او ام کرد آن خانه نکرد اگر موی او زیر خد او

تب سه روز و دو کند و کند و اگر در خانه نهند بیه در آن

نباشد اگر کس گوشت شیر بخورد ویر و نامدار کرد و اگر برود

بوست بنشیند از پشه و کلبه امن باشد اگر سوز او

بانیق بگذرند در گوش چکانند کوی ابرو اگر کین او

در شام بکشند و بخور و کس را دهند و بکرام شراب ^{صفت} شود

فیل جالبیوس گوید هر که یک هفته هر روز یک درم به

فیل بخورد و نجاست فربه شود اگر زهره او خشک کند و بپزند
در چشم کشند بقیه چشم را ببرد اگر چه کهنه باشد اگر استخوان
او در کمرش کاوید و هیچ دو دیگر او نکرد اگر بیم گوشه اش را
در شرب کشند و بخورد و هند صحت بخواب
رود اگر زنی گفت دمان فیل بر دارد آبش نشود اگر
ناخن فیل خداوند را سوز زیر خود و دو کند سود دارد اگر
سرکین او بر اندام مالند چندی بگریزد اگر در خانه دو کنند
موش و دیگر جانوران بگریزند صفت **بلیک** بسیار بگریزد
مرد اگر جانوری مالای سری خود بپزند قصد او کند اگر در خانه
بماند بلیک کند بلیک در سایه آدمی ترسد بلیک در خانه
بماند و در گوشت پاشند چمن بلیک و نور بخورد

اگر گوشت او بخورند فربه و لبر شوند اگر گوشت او حاک کنند
۱۷۵

باز معنی بپزند در جراحیست نهند سود دارد اگر پوست آن بپزد

ببندند مایه که مناسطه کند طغیانه اگر ناف مایه خود دارند یک

بر آن مایه کنند و چشم زخم بوی رسد معسر او را در است

خاک کنند و آب عود بر بویق مالند سود دارد اگر مژگه او

کند هر که بوی شنیدیم هلاک باشد گوشت بملک را

دو موش است یکی نه است یکی نمیدانند زهر است با عطر

بیانید و بخورد دارد مردمان مطیع او شوند چنان توان داشت

که هر دو نهند که امس بر آن نشیند و زهر خیزد یک

است در اگر بپزد زهر بود اگر موسی او در خانه دو کند اگر دم

بکشد اگر چه او دو کند خایه ها است اگر موش در مایه
لند

هرگز نرود صفت **لوز** اگر بهره نوز در جای مالتی بر مار کن

باشد در حال به شود در و فروشید اگر گوشت لوز نه

و بخورند لوشش را سود دارد اگر چه لوز در خانه زیز

و فن کنند موشش در آن خانه نرود و موشان تمام

بگریزند اگر دندان او باد دندان موش لب باند زهر بود

سر کین ملک ماده را بخوبید در میان آن حرر باشند

بر مثال غیر سفید زرد اگر بر سر زبان نهند نوز و هر که با خود

دارد او را فرزند نشود و حامله کرد و لوز جانوری سگوری

زود بآدمی حوکر و لول لوز و کوشش چکاند کری برود

بناگزنی لول لوز بخورد و پیر دارد و آب من باشد اگر چه لوز

دود کنند و بر دست با مال و سر بایرد اگر سر کین نوز و دود

لوز

موشان بگزیند صفت **سیاه گوش** سخن گویند اگر

۱۷۶

مغز او آب کشند و خشک مالند که در اعضا و دست پاه

پیدا شود و بر دوار جگر سیاه گوش بریان کنند و خورد

بپایند و با نمک درین دندان کنند کرم مخ دندان پاک

شود و دندان سخت گردد اگر گوشت او که بخورد فریه شود

اگر گوشت او که بخورد فریه شود اگر گوش او که با خود دارد

در میان مردم باشد کوه باشد و شجاع گردد اگر مغز او بگذارد

و باروغن و در جایگاه مالند که با کرم باشد به شود اگر استخوان

او خشک گردد و با عود زیر کس که مسخر کرده باشند دود کنند

سنگت کنند اگر دل او با سیر بخورد که دهند محبت وی شوند

و زبان نیز همین خاصیت دارد و صفت **کرک** بعايت

مقدار باشد چنانکه ده و سبب بوی گویند رود و از خاک

بترسد چون بدان باشد اگر زنی پیش آب بروی کمر کرک

کنند و یک روز استنانش شود اگر ستوری بای بر استخوان کرک

نهند لنگ شود اگر دندان کرک بر کردن کودک بندد

از صرع المین باشد اگر دندان پیش کرک در روغن افکند

تا چهل روز بعد از آن روغن بر قضیب طلا کند عجیب

ببندد اگر در خود مالد در میان مردمان باشد اگر دندان

کرک باندند آن کودک مالد بیدر و بیدار را بخود دارد

سک بر آن بانک کند اگر در پوست شیر و زرد کردن

است بپزند از جلد اسبان باشد کوه تر و با توبت تر باشد

اگر که خواهند که از آب بپزند دندان کرک بر

دور زیر زمین خاک کنند چون بدانجا رسد از آب

177

بافتند اگر چشم راست گریخت با خود دارد از مجلس

بیم نمکند اگر گردن کودک بیاورند شب تیرند

اگر دیده او آب غوره بپزند و در چشم کنند تاریکی

ببرد و آب رفته باز دارد اگر گوشت وی بخورد

بسیار دان شود اگر گوشت اوزه گمان سازند چون

تیر اندازند هر گمان که آنجا حاضر باشد زه بکشد اند اگر از پوست

او گریس آزند و در میان بندند قوی بکشد بدود و له شود اگر خون

او بخورند قوی دل و دیوانه مثل شود اگر استخوان گریک در

روغن کوسه بمیش روغن بندق گریک از آن نوا می آید

اگر به او در دست و پای مالند سر ما باز دارد اگر در دست

مالند و دست به سپینه زن نهند که در خواب باشد

و گویند که مراد از فلان ما خبر دار کن بقدرت خداست

در سخن آید و بگوید سر کین کرک خداوند قویج ما آب به

اشامد منعت باید و خداوند هر چه را نیز سود دارد اگر کسی

کرک در پوست باران کند و با خود دارد و اندک ترس

اگر قویج کرک خشک کرده در وقت محاسبت

قدری باب وین ترکند و بر قویج مالند و با هر زن

جمع شود مطیع او گردد و دیگر بکس را نخواهد از حال کرک

بر بالین کودک نهند در شب ترسند اگر زهر او خشک

کنند و با کتجب بند و به جراحت نهند و دارد اگر

او بار و غن بهین بگذارد و بنام انگرس که خوانند بر آن مالند

بسیار

مطیع و فرمان بردار شوند و اگر بزرگ بطلان کند بپای جمع شوند

۱۷۸

شود اگر خایه کرک بکشد و ملک در آرزو باشد هرگز

در و بپوشد شغال از آن بخورد شفا یابد اگر در روغن

زیت بچوشاند و در غصیب مالده و باین محبت کند

بزرگ و بکر س را نخواهد اگر کوب کرک بر تیره بندد بر

و شمن طهر یابد اگر دم کرک در روی و فن کند به کرک

در آن ده شود اگر زبان کرک در پوست باره و وزند

بر کودک بندد مرغ بر و هفت **خوک** چون خوک نیم

دار شود در آب رود به شود اگر ک را مار گزیده باشد

بیه و جگر خوک و سداب بخورد صحت یابد و اگر با خاک

عل بنزدک بخورد هر که بول بکشد و اگر خوک بول کرده باشد

خداوند صبح با حمد دارد و نفع کند اگر چه خاک در خانه

ماند و در آن خانه عداوت پیدا شود و دشمنی پیدا آید اگر در

سمه سپان مانده باشد بود به شود اگر در پوست و پای

سرمه بوده مانده شود اگر سر کین خاک در زیر درخت

با دام تلخ یا زردا لکه دانه او تلخ باشد چنانچه بوش درخت

برسد چون بار و هیزان شیرین باشد اگر موسی خاک

در ورق زرد چیده که با آن باشد در خواب رود و بیمار

نشود اگر استخوان آن در کاس میزند در کردن خداوند

ربع او زنده شود اگر سر خاک در حای دهن کشتند در آن

مقام هر که بخوابد خوابش منگ و صفت **خمس** چنانچه

گویند که خمس جانوری باشد قوی اگر بر اندام وی

پیدا شود و چندان بجا و در بزرگ شود و خود را پیدا کند
۱۷۹

اگر چه هر جنس بخورد و نجاست نبرد و از خود نماند

و نفوس بر روی پوست بنشیند و دارد اگر پیش او

بروندان کودک مانند بیدار و آید اگر چه چشم نمی

برگشان نهند و در بازوی مانند و بند و تب ربع بر و

اگر و ندان هر جنس که آنرا بسحر نسبت کرده اند و از نو

دارد اگر چه در شب ساری نواز و باید و کوشش کرد

چون مانند آن و در بخور شود و کوشش یک خورد و محبت باید

از جمله خواص آن است اگر چه بپره کوشش از اندام او

با خود دارد و در کنار او در می و عزیز باشد و اگر و ندان بر کوه

که در جامه خواب لیل کند و بند و دارد و اگر و ندان راست

اگر و ندان هر جنس که آنرا بسحر نسبت کرده اند و از نو
دارد اگر چه در شب ساری نواز و باید و کوشش کرد

آن بایشان می آید و در طرف دندان که در دست
بیاورند و گویند اگر با خود دارد یک بر آن بایست بکشند
اگر خداوند ما را بر پوست وی شیند سود دارد اگر نه
او در چشم کشند و در دست اندا کنیم و آنکس بخور و زنی دهد
شبهوت او برود و طلب مرد نکند اگر بخورد مالدار و
اندام بر داند اگر سر کین گفتار بگو تر خانه نهند کبوتر در آنجا بسیار
شود و سر گفتار در چای و زیر خاک کشند هر چه باری که
او را در شکم بود چون بد آنجا رسد به شود اگر دست راست
او در زندگی بر بند هر که با خود دارد و بپوشد هر که او در غریب باشد
اگر به گفتار با خود دارد و از چشم بلب امن باشد اگر که
را منقاعل باشد گفتار را درست ببرد آن آب شیند

شود کند اگر گوشت کفتار بخورد و فریب دهد دیگر شود اگر موی

۱۸۰

کون کفتار را بسوزند و باروغن زیت خالص در کون محنت

مالند آن علت برود اگر قصب کفتار در سایه خاک کنند

و بخورن زن دهند البته آرزوی جماع کنند اگر فرج کفتار را

خود دارد و البته همه کس آرزای دوست دارند صفت **کوسفند**

اگر دندان کوسفند را بسوزند و آب شست بهایمیزند و ایا

که موی رفته باشد مالند موی برآید اگر به کوسفند باروغن

زیتون بکوشند و چنانکه افتاده باشد در روی هر جا که باشد

بروی مالند پاک شود اگر زهره کوسفند که فریب باشد بر قصب

طلک کنند در وقت مجامعت لذتی عظیم باید و زن بر

وی عاشق شود اگر زهره کوسفند بآب الوی سیاه و نمک

بخورند هرگز و نبل بسیار دارد اگر با عسل پیامند و بر سه

اعضا مانند همین خاصیت دارد اگر آب در گوش رفته

باشد در گوش چکاند بیرون آید اگر زهره کوفت و دونهاله

باد آنجان با هم خور و سایه و با اندک شکر محزون و مقداری نم

بناشتا بکام مالید چندانکه خوانند قوی کند اگر خواهند که بسته

نمود آب گامه در که بخورد و بار آب است اگر زهره کوفت

خفت کند و بایستد و در چشم کشد تاریکی را بر و اگر عسل کوفت

بر این کند و بخورد طبع را سخت کند و قوت دهد اگر المونی

علا علیه السلام فرمود که هر سه چهل روز گوشت کوفت

مشعل بخورد و در شش سخت شود جبهه اش تاریکی پذیرد

خارش بد باشد و مردم گرم مزاج بوقت گرما نشاید

و با حریر بر درخت بر آید دست بر آن نهد خون

باز دارد اگر که راقص است شده باشد کونست

رمه ران کوفتند با دینه و بیار و بخورد خود گرفته سازد و

چند روز بخورد قوت دهد و شیر کوفتند کم و نرم است تفه

دارد و باد شکند اگر خواهد که قصب او بزرگ شود و چند

نوبت شیر مالد اگر شیر کندیده بود بهتر است اگر شیر میش

با مغز پسته دانه در هم آغاز و دروغن موزد آمیزد و بر کشت

موی سیاه و دراز کرد و اگر شیر میش غرغره کند آواز نکند

دهان شود اگر نفوس باشد از پای خون بستاند

شیر میش نزد آرد و مسیده و سفیده تخم مرغ و دروغن کا

در هم آمیزد و بر نفوس نیندود و اگر شیر میش با بکند

الغیر

بر قصبه مالد بزرگ شود اگر شیر شیشه با شکر طرز دو

۱۸۲

کثیرا از هر یک پندرم بگوید و با شیر گرم کند و بنا نشا بخورد

سرد که این برود اگر ز بی خوابی خواهد بستانند خردل صد درم و در شیر

نیشکر بکوشانند و به روغن و شیرین برود هر روز چند که تواند خورد

قره شود از موده است صفت **بر سفید** اگر سر ز سفید سموزانند

در گمان باریزند و در زیر سر حفته نهند تا بربندارند بیدار شود

اگر زنی دشوار زاید سر زید است که در باید بدان نگاه دارد

آسان برباید اگر کف دهن بر دوست باشد بخورد

و بندگان بهوش برود اگر از شش بزرگین بر تب راجع

بند برود و اگر کس شب کو باشد زهره بربستاند و آب

بر لای زنده نام گیرد و از طفل سوده بروی افکند و در چشم کشد

شب کوری بپزد اگر زهره بز آب پودینه و کلاب پزند

و در چشم کشند و برون زهره کشن با نوسا و در بر حای طلا کنند

موی برود و دیگر موی نرود و جگر ز سرخ بر آتش نهند تا آب

از آن بیرون آید و غفل شود و در آن کشند و در چشم کشند

شب کوری برود جگر ز سیاه با سپهر بر آن کشند و بخورند و شکم

را اندن باز دارد اگر کسی را مردم کند خون بز کشن در بینی

چکاند خون رفتن باز دارد و گوشت نرم در هوای گرم

مردم گرم مزاج را سود دارد و گوشت بز عاله لا غریبه علت است

اگر کسی حلیب خورده باشد و کار نکند گوشت بز عاله خورده

کجا کند و شیر بز و زهره بز و آب بکین برابر هم می آمیزد و بز در کمال

با بر که جماع کند از او شکستید اگر شیر بز با روغن بز در هم کشند

۱۱۱

دارای قاتل بروی کار کنند اگر چه بزور دلیک ایند چنانچه هم

شود و چشم برسیاه بسوزانند و خاکسترش بر روغن بیا میرند

و سه را خون از بینی رود و بشد خون نیاید موی بر سر و زهره

منع موی زمان و عک و کند و قفل بندی در هم آید و وقتیکه سازد

در چراغدان سبزه فروز و بنام هر که خواهند حاضر شود اگر دم

برسیاه بایه خشک کند بآب بیا میرد و بر تهیق مالند خندوت

ایش شود صفت **اسب** اگر چه اسب بر و نبل بارش

نهند زود نرم شود و در کشش بدید آید اگر تیغ را بخون اسب تر

کنند مقابل زهر بود و بر هر چه زنده جان نبرد اگر خون او در خمیر

کنند وزن آهستن خورد و کجه بکنند اگر خون اسب با و یک

بر پهلوی صاحب سبز طلا کند سبز رود اگر عرق اسب با

۱۸
هم که در آن کشته شود اگر موی زرد خانه در آن کشته شود
خراش از آن خانه بکشد اگر موی هم

شراب بخوردن آب تن دهد چه بپزند گوشت آب

گرم و نرم است شکم را نرم کند و قوت معده دهد و آب

بپزاید و زمان آب تن را منفعت دهد ولیکن آب

حوان و فربه باشد اگر رسم زیر خود دو کند خاشاک از بدن

بپزد اگر رسم آب بپزاند و باروغن زیت بر معده مالند

شکم را نرم کند و براند اگر رسد ز مین مالند بر دور ریش

مالد بهتر باشد اگر رسم آب کمیت را بپزاند و بگویند و با لوب

بامیرند و در موی مالد سیاه کرد و در سفید شود اگر رسم آب

تازی در زیر زن حامله دو کند چه مرده از شکم بپزد اگر خاک

خسرم با و بایان مرده در استانه خانه نهانی کند گوشتان از

خانه بگریزند اگر شیر آب تازی باشد بر میزد و در بن دهد

نخورد حامله نشود اگر مرغ بنده از خانه فرستد اگر زنی

۱۸۴

برهنه نهد و نخورد برگرداند اشش تنگ شود اگر شیر آب

باشد گریه میزند و حبس از تنم رزن که با خود دارد آب تن اگر

سوکین آب تازه بفتارند و آب آن در گوش چکانند

گرانی گوش برود اگر چشمانها بند و سود کند اگر در زیر زن

دو دگنچه برده از شکم بفتد اگر خون آب کرم بستاند و بر

بفت مالند کنک برود اگر موی دنبال بکشد و بام کس

خواهند بفت کوه زنند و بر کوی بگوید بستم خواب فلان این

فلان بدین موی آب نازان که همچون آب که خوابش نکند

اگر موی چشمانی آب در طهام نخورد که دهند خسته همان

نمود اگر دندان آب بگردن بندند بی در و بایستی بر آید

صفت **استر** چنین گویند که استر در میان حیوانات بجهت
که یوز در میان بهائم و شیار باشد بجای اگر جای گذشته باشد
چون بد آنجا رسد اگر چه شب باشد و مدت برآید و باشد
راه برود اگر مؤخر او بار و غن یا سمین حل کند بر هر جا که مال و موی
برآید اگر زنی دلی استر بخورد و مدتی آستین نشود اگر سم او را
بسوزانند خاکسترش با روغن زیت مرهم کند بر جا که طلاق کند
بد و هفت موی برآید اگر مرگوش استر در شراب کند
و بخورد کسی دهن دست و بخورد اگر مناف زنی بزند
آستین نشود خون استر با باره پنجم کوفند بخورد و دیگر کرد
آستین نشود صفت **حمار** گفته اند اگر خمر بر ماله رود و در
حالت موی دم بکشد اندر که او موی با خود دارد و پوسته قفله
نام

قیام باشد اگر زهره کلاغ سیله بستاند هم آن سوی بران
۱۸۵
نهند مراد برآید اگر گشته از آن خاک که در اینجا مراد کرده

باشد بیاورند و نهان در زیر خوانی که مردم از آن طعام منجورند
نگاه تمام بی اختیار بخندند گفته اند در میان خران بعضی را در

در میان کردن چیزی بد افتاد مثال مهره و آن مهره باز دهند

بزرگ باشد و چاره کردن او آنست که آن خود را بگیرند و

چایک بستند و آنجا که مهره بود بشکافند و آن مهره بیرون آرند

نرم شود در آب سرد افکند سخت شود چون سنگ سفید

باشد و میل بر روی زنند و آلی بانه می باشد و دست

و منفعت کشیدن زهر و غیره اگر که آن مهره با خود دارد و چشم

س غیر باشد اگر زدم بکشد و بکوشش خرد کند که مرا از دم

درد ساکن شود و اگر عظمی در انشت بیدار شود و با کس نه
گوید و انشت و یکیش خراش کند به شود اگر سر در خانه در زیر
خاک کند کس در انخانه خواب برود اگر مصروع بر پوست
خراشیند شود و اگر پوست خرد خانه دو و کند جانوران
بگریزند اگر بر دندان زند و در ساکن شود اگر زنی با خود دارد
بارنگد اگر کس تازه بفتارند و سه قطره در بینی چکانند
که خون رود باز ایستد اگر کس خشک بوزارتد با باره کتان
و سیاهی و یک نمک با هم بامیزند و با باند بر جرت باشند
به شود اگر زنی را در رحم ریش باشد بیه شیره خرد کند و بر کرد
نافع بود جلوس حکیم گوید هر که حلقه خشک کند با شیر او آمیزد و
بدواند و مصروع دهند تا بخورد و نافع بود اگر مغز خرد به در خانه

که در مالند و آنخانه تنگ و آنکس پدا شود اگر بخورد

186

که دهنذ مغلوج شود که را اگر دیده باشد بجراحت نهد

دارد اگر یم کوشش نهد آب بخورد که دهنذ مپوش اگر خون

ثر بخورد و لیر شود اگر به خر بگذارند و باروغن سندروس

بیامیزند و جالند ریش اگر سم خرد و مقامی دود کند

مکان بگریزند اگر آنسم خراک شری و مصرع بدست کند و

دارد سبز خرخک کند و بکوبند و در پوست آهونند و با

خود دارند و ریش همه کس غیز و محرم باشد اگر خرقص

ببوزانند و باروغن زیت بر روی کند و راز شود و صفت

کور خرنده که گوشت کور خرنده بسیار باد و دفع شود و توله

و در دشت بردار که نوا و نچود دست و پایش است

شود اگر بر باد زید مالند سود کنند اگر متو کور خراب متواستخوان
کاور دروغن کل بیامیزد و بر نفس نهند سود دارد اگر
متوا و با عل معجون کنند و کفش بیامیزند و بر نفس
نهند سود دارد اگر بر آتش بخت اند و بخورد و بمار دهند
نماند تا بخورد و خدرت و حجام رود البته به شود اگر زهره او بگیرند
و خاک کنند و باشد بیامیزد و بخورد و آنکس دهد که آنرا نماند
باشد اگر سپه او بگیرند و باروغن کل بیامیزند و بلب و گوش
چکانند و چرب کنند خنک بایرد اگر کودک که در جامه خواب
بول کند بخورد و دیگر بول کنند اگر باروغن زیت آمیزند و بر کلف
مالند ببرد اگر سر کین کور ماده خف کند و خورد کند باز هر
بیامیزند و در موی کشند موی سیاه شود صفت **کاو** چنین

گویند که گاوی زرد مشدوح رنگ یا زرد یا کون بهتر و زودتر

تر نیست اگرکس خواهد که شایع کاو کج باشد است کند نان گرم

روز شایع او بندند نرم شود آنگاه خاکه خواهند راست شود آب

نرم و بران ریزد و ز زمان سخت شود اگر تربیتی در گوشت کاو

ریزند بمیرد و جالسیوس گوید گوشت کرانت و دیگر کداری و

خشک دارد و سرد است و هرگز از خوردن گوشت چاره بد نباشد

بسرکه و زعفران باید بچسباند تا زبانی نکند اگر خون کاو در جراحت

ماند از آن خون باز است اگر زنی و ثور را بیدر کین دود

کند و زبانی بماند اگر کین کاو ماده بسوزند و خاکسترش

باروغن تربیت برعکس نهد و دارد اگر کین کاو خشک

کرده بایند و خداوند استغفار بیا شد و دارد اگر زهره

کاود بر یکا یک نهست ^{سود دارد} اگر زنی از حمض پاک شود
شرکین او بر آن محل نهسد پاک شود اگر که راحیه درو کند
زهره کاود در آن مالد به شود اگر زهره کاود باروغن یا سمن بیا میرند
وزمان بخورند از حمض پاک شود اگر زهره کاود آب انار در
کوش چکانند و رسا کن شود اگر زنده کاود خشک کرده زنی در کو
فرج او تنک شود اگر زهره کاود بخورند خشک بیهیگر زهره کاود در
دیوار خانه اندازد و کزندگان از آن خانه بگریزند اگر زهره کاود
قطران و سنگ مویر بر سر کل مالد موسی بر آرد اگر قصب مالد
بزرگ شود اگر آب خطمی بزنند و بر آن بشیرند رنگ و بوی
برد اگر زهره کاود ماده و روغن کل و قطران در کو شکر چکانند
گری ببرد اگر بکلف مالد شود کنگار زهره کاود و زهره کاود

در خراب بینه و زن بخورد بر کبریا بر لبه بسیار

۱۸۸

بارگردد اگر زهره کا و ماده و بادام تلخ و لعل کوه و غنچه بپزند و بر که

تر کنند و برین مالند به شود اگر کوب کا و بوزانند و در شیر کنند

و بر دندان نهاده شود دارد و اگر مال بر که و غسل بخورند سپهر را سود دارد

اگر کسم کا و بوزانند و خاکشش بر جابجاء که ریش باشد بر آئینه

کنند به شود اگر زهره کا و مال بر که و غسل بخورند سپهر را سود کند

اگر استخوان کا و ماده بوزانند و با خون سبزه شان و مال بر

ریش نهاده درست شود و خصوص ریش آب صفت

کاو زرد چنین گویند کا و زرد و خواص آن جداست اگر مغز او

با روغن غلغل در کوشش کنند در و بر د اگر مغز استخوان او با

روغن خور بگذارند و بر دست و پای مالند که خشک شده باشد

بمال آید اگر بول کاهوز و باعل بنامه نند و در چشم کشند
کوری برید اگر نشیب کاهوز و بخور و زنی دهند مرد دوست
نمود اگر شش کاهوز و دارد جو و ده بر طلا کند و رسا کن
نمود صفت **کوساله** نیز خاصیت دیگر دارد اگر زهره او در خانه
به بزند کیچان همه گرد آید اگر جایه کوساله به بزند و بخورند شست
زیاده کشد اگر بول کوساله در گوش چکانند در گوش
چکانند در گوش برود اگر منور کوساله بر روی کودک
مالند زیرک شود اگر منور استخوان کوساله در بینی مالند
خنک ببرد و خواب آورد و صفت **کاوکوب** چنین گویند
که کاوکوبه با مار دشمن است اگر یکی واکتله بریه بکشد
اگر در شب او در آتش نهند جله کنندگان بگریزند اگر در
ای

وی بسوزان لبانید و با غسل بیا میرند و بخورند گرمی که در شکم

باشد بمیرد اگر که درم از سردی و سه هم نیمه خاص لبانید
۱۹۹

و بخورد آنکس دهند که خون از شکم آید به شود اگر مارگزیده در پوست

اثر نشیند سود کند اگر قصبه او خشک کرده نگاه دارد چون کس را

کمتر گرفته باشد باب بنشیند بخورند در حال بخت بید اگر خداوند

قولنج بخورد شفا یابد اگر زهره او خمر نوب بد و بر کاغذ مهره زنند

ز زهره نشسته نماید اگر در چشم کشند شب کوری برد اگر متوا و بسوزند

با سنگ بیا میرند و بر دندان نهند و ساکن شود اگر خایه او بریان

کنند بخورد و شهوت بمیرد اگر استخوان خداوند تب با خود

دارد و منفعت بمید صفت **کوسفند** کوی بغایت زریک باشد

بحدیکه چون چرا کند یک در مال را بدارند بیدیه بانی اگر که بیدار شود

ایشان را بخرند و در اول روز که سهیل طلوع کند بجا جمع شوند

و خاصیت هر کدام که اول سهیل را به بند حلقه تابع او شوند اگر زنده

او بار و غنای زبیت آید و در دیوار خانه مالند پس از آن خانه

بگیرند اگر خون او در یاقوت مالند و بر آتش نهند خون بر آن

آورند خوشترنگ شده باشد اگر گوشت او بخوردن دیوانه دهند

شفقت کند اگر خون او بخورد یک شانه را بر دو پاک

کند اگر سر کین او بجائی مالند بر جای که زخم زده باشد بشیر شود اگر خون

او بخورد دیوانه دهند سود دارد اگر خون او در گوشت مالند هر که

بخورد و قرب شود اگر حایه او را بریان کرده بخورند شهودت را قوت

دهد اگر شایخ او با سه درم شکر بپزند و بخورد خون او را شکم رقت

باز دارد اگر دنبال بسوزند و با شراب کهن در قصب مالند

لود

شود اگر استخوان او خداوند تب با خود دارد و صفت کند اگر کشته
کرم بخورد و مارگزیده دهند و کتک اگر بول از زنی بخورد بچه بیند از صفت ~~شمار~~
زنان شتر بگیرند و در حوض بر آب کتک هر که از آن بخورد قضیب او

۱۹

سخت شود اگر بخورد که دهند و یانه شود اگر مرقم از آب اصل

آمینند و بخورد که دهند که او را در دکلو باشد به شود اگر متراود و غن

زمین بیا میرند و بر زخم مار نهاده شود کند اگر متراود بار و غن کتک در چشم

کشد تا رگی برود اگر شقیقه شتر اندک بخورد که دهند هر که از آن

در دکلو نباشد اگر موسی بوزند خاکشش بر جرحت نهند

شود اگر درین افتند خون باز آید اگر دل او بر این کوه

بخورند و قوی دل شوند اگر قلم بای او بپزند و در آب

بجوشانند و در کوراج موش بپزند جلد بگیرند اگر شش در بیمار

ببازند زردی برود اگر خشک کنند و آب به خداوند میفرم خورد

نفع کند اگر کوهان او بار و غن معروانه نذر او بکند و در

لیم اندازند و بر یا سوزند و در او اگر با باز بریان کند و بخورد

آب پشت بفراید اگر اسهال یا استر از شتر ترسد در وقت جو

توبره او بر از سر کین کند و زمانی بکشد و بعد از آن بریزند

جو دهند و سه روز دیگر ترسد اگر گوشت شتر بسیار خورند و بهر

شوند اگر خون او گرم چایی در زیر بغل مالند بوی برود اگر خون

او و عود میان دو کس آتش نهند میان ایشان عداوت

بیدار شود اگر لول او در آس نهسد و در او اگر کس از بیماری

روی زرد شده باشد شیر شتر مالند شتر مرغ شود اگر زهره او

کوشش چکانند و در کوشش به وصف **آهو** از جانورال

مع جانوری از آهو پاکیزه تر نیست و خواص بسیار دارد اگر کس

لوز

۴ اگر در شتر بکشد و در کوه بکشد و در چاه بکشد و در آتش بکشد و در عداوت

بوزند و باروغن ساسرم بر روی ماند سیاه شود اگر نشن باسد

191 دروغن زیت در دندان گیرند بید و در آید یکسهم اولوزند و در

ریش پزند و گوشت کند اگر زهره او نمک فطران از هر یک فدی در

آب گرم کند و صاحب سر فمکن بخورد و شفا یابد اگر گوشت آهوی

خوکوش بیا میرند و پزند و زیره و حلبه و سلیمه و گل سرخ کوفته بر آن

افشانند و در یکدیگر بزنند و کوه کنند اگر اشش و بهلود در کشت

کند و خداوند این و خارش در آب گرم بخورد و شفا یابد گوشت

اوهر که بخورد و روی او بفراید استخوان سینه او را بکوبند و در سر که بخورند

در سایه خشک کنند و بپزند و در جریست که بنهد به شود اگر

سر اولوزند و خاکسترش بر دهن بیا میرند و در جلی که کوفت

رسیده باشد مانند به شود و فرمان خدا تعالی صفت **خوکوش**

بیمان گفته اند که گوشش ز راست و یک از ماده اگر خون خورک

بازو غن کل می بیند و در چراغ کند چه در آن خانه باشد سیاه نماید

اگر خون او در چشم کشند آب از چشم رقتن باز دارد اگر بر کودکان

مالند آب از آن برود اگر خون او خشک کند آب غوره

در چشم کشند خارش چشم برود اگر خون او در گوش او زنی که

آلبن باشد در خود مالد فرزند زینه آید اگر سرکین او در خورد

با شور باد هندی اندزه با دار و جدا شود اگر استخوان او بر خداوند

نقرس بند شود کند اگر آلبان او بخوردن زنی آلبان

وید آلبان شود اگر موی او در پای بچند سر ما باز دارد اگر لب

دست پای را برده ما و دارند به شوفا که زهره او در چشم کش

سفیدی برود اگر بر قصب مالند و با زن جمع شوند آن را

ط

محب او شود اگر شراب زهره او دارد و جو مالک گیر بیا میزند

و بر سر طلا کنند در دست نشاند اگر زنی بروغن کل با خود دارد

و در با او بخوابند البته حامله شود اگر معسر او بخورد که در جامه بول کند ۱۹۲

و هند شود کند اگر بر جامه موی سر کنده باشد بمالند دیگر نروید اگر

شعر او بر کزیده مانده شود کند اگر بخورد و گوشت دهند بکس

که لرزه بردست و پاش افتد اگر جدا و خشک کنند و با خند بپزند

و شاد است بخورد و تب میرد اگر دل او بر باز و نبض هرگز که میدارند

راست برود اگر به او بروی که مالند که بدست بود دست او را

برود اگر که بخورد و فربه شود اگر چشم او زیر سر مار زده و دود کنند

سود کند اگر شش او خشک کنند و نیم درم از شراب کنند

و بخورد صاحب تب ریم و بدزد و عرو و صفت رو باه

اگر کسی را در دشت بود شکسته رو باه بریان بخورد سود

دهد اگر روزی شکسته بریان کند و بخورد از طعام خوردن سیر شود

اگر سبزه و باه بر دست و پای مانند سرما بران کار کنند اگر سبزه

بگذارند و در کوشش چکانند و در سردی برود اگر سبزه

و نمو و کوشش بر جای مانند که موی نباشد موی برآید

اگر سبزه او در پشانی مانند خوالش برود اگر بگذارند و با

سوسن در پاره پینه در کوشش نهند و در دندان برود

اگر زهره او با شیر بزنند و خشک کند اگر در روز بار داشته

باشد قدری از آن مالیده شود کند اگر فقر در جای مانند موی

ببرآید اگر دندان او بر کودک بیاید بزند در کوشش برود

اگر پوست او بادوشاب بزنند و بر هر جای که در وقت

طلوع

طه کند به شود اگر قصب در سر یازند در دست نشاند

اگر شش او خشک کنند و با غسل بسیار نهند هر که بخورد

از طبیدن دل خلاص شود اگر شش او خشک کند و با زهر چوب ۱۹۳

در زیر قصب و در کند قوت گیرد اگر چهار پای او از خداوند

نقرس بیاورند سود کند صفت **شمال** چنین گویند

که هیچ جانوری از شمال سینه کار تر نباشد اگر خداوند مانور

بر پوست او کشید سود کند اگر گوشت او بخورند باد

زشت به برد اگر برک بجد با خون شمال به برونند در سر

مانند در دست کن شود اگر به او بار در غن کل بکند از نهر کرمان

سر در قه باشد بمالد به شود صفت **سمون** چنین گویند

که سمون آدمی بود زشت کرد از حق تعالی صورت او

مسدود گردانیده اگر دل او خشک کند اگر دل او خشک کند و با

شراب بخورند در دل را سود دارد اگر خون او بخورد

و بندگش شود صفت **کریه** چنین گویند که کریه جانوری

باشد غریب دوست چنانکه اگر غریبی بچانه آید و کریه در

آنجا باشد بیاید و در کنار وی نشیند اگر سنی کریه بر روغن و جانور

حرب کند دیوانه شود اگر خواهند که کریه بهمان از حمت دهد

بست دست او بر روغن حرب کند که بدان مشغول شود

اگر شکسته کریه و شکسته را سو بریان کند و بخورد دیوانه دهد

شفایید اگر جایه کریه خشک کند و بایند و در وقت مجامعت

بر قضیب طلا کنند با هر زن که جمیع شود و دیگر هیچ مرد نخواهد

اگر جایه کریه سیاه بر آتش تمام ماز گردد از آن خانه بگریزند

اگر

اگر خایه کر به سیاه و پیه بر سرخ تر باشد بر این کند و روغن آن

بر قصب طلا کند عجایب بیند اگر دل کر به سیاه و پوست

کرک بر بازو بند و هیچ دشمن بروی طغیانید اگر پنج قطره خون 194

از کوشش کر به سیاه بگیر و بنالیه در آینه زنده کر که لوی او بشنود

محب شود اگر سر کین کر به سیاه ز بر زنی دو د کند بچه

مرد و در شکم بفتد اگر سر کین او بار و روغن پاک مالند که تب

و لرزه دارد و ضعف کند اگر سر کین او با نیم شغال روغن

زین بنامیزند و در بینی که کشند که لخته داشته باشد

به شود اگر به او بار و روغن گل و سداب یکس مالند و روانه

شود اگر بر سر ماخورد و مالند سو کند اگر در حلو کشند و بخورد

که دهند مطیع و فرمان بردار شود و صفت **دلی** جانور است

همه بخل کرده اما از گربه بزرگ تر باشد و در تن روم بسیار

باشد و مار از آن بگریزد اگر کوه است آنرا بخورد و با لقمه

را سود دهد اگر بید او بخورند و بیهوشند اگر پوست او را بشنهند

چندگان و زندگان همه بگریزند **خارشیت**

و جنس باشد یکی سفید و یکی سیاه که در هند بسیار باشد

و خاری دراز دارد اما از جنس سفید همه جا باشد و با مار

دشمن است و در آن خاصیت بسیار است اگر کوه کوه

او بخورد و سبزه را ببرد اگر خارشیت بپزند و برایش

ناسور نهند سود دارد اگر خارشیت با روغن بریان کنند

و در جائیکه موی کتده باشد بمالد و دیگر بپا بکشد کوه

او بخورد و در دگر و در دهل و مای که از سردی بهم رسیده باشد

اد

برو اگر بخورد گوشت دهند در جامه خواب بول نکند و حرام

وسیل و سپر را سود دارد اگر شکسته او بخورد و دهن که بول

اول بسته شود بکشد اگر زهره او با کافور در بینی خداوند صریح

دریزند سود کند اگر چهار دست و پای او از صاحب نقش

بیاورند سود کند اگر بر خداوند سب از زنده بپزد و سفایید

اگر نمز اول بپزد و در بر مارده مانند شود اگر پیه او بر مارده

لشیم اندازند و در خانه جلعه بپزد و آن گردانند صفت **موش**

اگر موش در جای بسیار باشد خاکستر و خانه او ریزند

چکان بگریزند اگر که دار العطب بوده باشد موش بپزد

و خاکسترش بر دهن جراح کشند و بر آن مانند سود کند اگر که

مار زیده باشد موش را بپزد و نیم کند و بر زخم نهد سود کند

اگر خون او با راع مسیاه در سینی مانند بقی را بر داک خون

موش خشک کنند و بر زخم ماه بندوبست شود اگر سر کین او بخور

بر کمر بنداید و کند بکشد اگر حایه اوزن با خود دارد و آب

نشود اگر جل را و بخورد خداوند صبح دهند شفا یابد دم موش

بر خداوند در و سر بندند به شود اگر کس موش را چهار باره کند

و در چهار حد گشت زار بندد زاله از آن بگوید اگر خون او

در چشم کودک که از مادر تولد کند کشند آن کودک چنان

شود که هر کجا خبر نهاده باشد به بند صفت **سمندر** مرغی

باشد آتش دوست در صحرائی که آتش کرده باشند برود

و با برون آتش و برون آید اگر زهره دانی باب بخورد

بخوشند و در شیر آلایند و بار زنده دهند سود کند اگر یک

نم

زهر داده باشند البته خون بخورد و شفا یابد صفت سبزه

گویند روز طاقت بریدن ندارد و لول او نیمه مار زهر

۱۹۶ قانت از خشک کند و بساید که را که بسته باشد

نه بر دگر مالده باشد اید اگر درخت بیاورند بلخ در آن حوالی نه

نشیند مونس را و در شک است یکی سفید و یکی سیاه اگر

موی از جای بکنند و سفید ببالند و بکیند و بیدار دل او کین نماید

بجواب نرود و اگر زهره او بماند و در چشم کشند شب

کوری برود اگر سر آنرا با خود دارد و در جمیع کردن با

قوت باشد و مانده نشود صفت راسو اگر استخوان

راسو را زین با خود دارد و آب تن نشود اگر گوشت او را

بخورند ما و سر و پا را شکسته او بخورد و بپزند و بپزند

شفا یابد اگر چه او بر دندان کودک مالند بیدار و بیدار

خایه او در پوست شیر کمرند وزن با خود نگار و آب تن

نشود را سوختن است اگر که را ببرد گوشت او بر

کریه کی او بپزند در حال درد نشانه و بپزند کی یک دیوانه

نهند سوود دارد را سو بوزند و خاکستر او با موم و روغن کوس

اسکالون برشته و بر خازیر طلا کنند سوود دارد را سو در خانه

نگار بپاشن خانه را از حیوانات زیانکار پاک کند

صفت عقاب شاه مرغ است چنانچه شیر

باد شاه دودان است و بنای او چنانست که ده منزل

بنیند و در شکم او سنگ باشد مثال چشم کاه و سیاه

سفید هر که با خود دارد چشم حلاقی غریز و محرم باشد

پراود در خانه دو دیند مار بگریزد در معز او استیلانی باشد

کوچک هر که آنرا نگاه دارد همیشه فروز باشد اگر حیال

او در آب بیاورند نمک رنده شود صفت **باز**

بماخور میان همه مرغالت اگر همه بیمار بود کمان بخورد

نمک شود اگر سر کین باز بجای گوشت باز سر کین لبط

باشد اندران مرهم که بار کرده شده است و زهره بار در

سیاهها بکار آید اگر گوشت باز روغن موسن و آن

روغن در چشم که آب رود کشند به شود اگر خون او بخورند

خونخوار شود اگر استخوان بپی لبوزند و بر سونگی باشد به شود

اگر معز او باشد بگر بخورند معده را قوت دهد اگر حیال

باز در درخت آویزند مرغی دیگر بر آن درخت نشیند

اگر چشم آب سرد بپایند و در چشم کشند روشنائی

افزاید اگر کهنی او با غسل بپایند و بر دهنل نهند سود کند

و سردا کند صفت **گر**س با قوت باشد و پیوسته

طلب مردار کند اگر آشیانه او بچونید گنج بپند کشید

هر که بدمان کرد سخن گوید هر که بشنود مطیع او شود اگر گوشت

او بپزند و با انگبین و زیره کرمانی ظرفی کشند نگاهدارد اگر

کس را مارگزیده باشد باره از آن بخورد زهر بریزد و مهنر

شود و مهنر آن باشد که بخود آب دهند اگر زهره او با

غل محجون کشند و در چشم کشند روشنائی زیاده شود

اگر نمور بار و غن زیت و فطران بپایند و بر بینی حکانند

موی در ریش پیدا شود اگر استخوان بر خداوند انداخته

ورودی بپای بندند سود کند اگر استخوان او بر خداوند نوحش بندند

راست بر است و چپ چپ البته بهتر شود اگر نوزنی را

بچون کرکس آب دهند هر کوشش که بدان سوراخ کنند فرام

بشاید صفت **کلنگ** حابوری نادان بود اگر با قلی ما

گوگرد به پزند در حای باشند کلنگ بخور و بگردانند و اگر زود لیسش

روند افتاده بود توان گرفت اگر خایه او در زیر سر لکین کشند

چند روز بعد از آن بر موی سفید مانند سیاه کرد و اگر گوشت

کلنگ با سرکه بپزند و بخورند قوت در جابجاست و بهار که

او در کوشش چکانند کوی برود و اگر زهره او با روغن زیتون

بپایند و در بینی خداوند ریخته اند روز درست شود اگر

چشم راست او بخوشند و در چشم کشند خواب در آن چشم نماید

دور مقام خرابه سازد یا در کوه اگر سر کین آید با خردل بسازد

و در جای که شش موی برده باشد موی بر نیاید اگر خایه او

در دلی در بر برف نهد تا بچشد اگر متراوین است

بجز روک دهند آنکس مطیع شود اگر بارو غن نفق به چانه

و در بینی چکانند و در شقیقه بپزد اگر استخوان های او در جانک

شراب خورند و رانش نهد جگ و عریده پیدا

شود اگر چکال او در جای و در کت بکسان بگزند اگر خون

اول با یخ خشک کند و با تخم مورد بکوبند و بر دبل بند

روزم شود اگر بروغن زیت در مالند آنکس بکوبند

بیزه اگر دل او برون آورند و در سینه زنی نهد که در خور

باشد هر چه کرده باشد بگوید صفت **زراغ** کونید مرغی

باشد چون عقاب و لیکن مهرش ربابه و مردار دوست

دارد و از سوسن مهرش باشد چنانکه اگر لوی سوسن نشود

در نخور شود اگر زهر او زن آستین قدری بخورد و بچه بفلتد اگر

کسی بک زهره او بخورد و دیوانه شود صفت **کلاغ** و

خاصیت بسیار دارد اگر کلاغ بکشد و بسوزند و باروغن

بکشند هر جا که مالند موی بر آورده اگر بکشند و را کنند کند و نو

و خاک کنند و موی مالند اگر چه سفید بود سیاه شود اگر

زهره او در زهره کریم سیاه ماهم سیاه نمزد و در موی مالند

تا زنده باشد سفید شود اگر زهره کلاغ باروغن یا سمن بر

قضب مالند بهترین که علاج کنند و دست عظیم پیدا شود

اگر زهره کلاغ بر پاره کریم بنزد و بر بران بنزد هر چند که

خواهد چای کند اگر جایه کلاغ چلی روز و روز بر سر کین کند و بگذارد

ناگفته شود در روی مالده سیاه شود اگر ک کوشه کلاغ سیاه

خورد باد مال شکند و حادوی روی کار کنند اگر خون او در سیاه

خاک کند و با شکر بیاورد و در با قلا بخورند سرفه کین بر دوا

منتر او بگذارد نایاب روغن زیتون در جایهای مالند که مادر کم

باشد به شود اگر استخوان او خشک کرده با عود و زیرک

و دود کند عود و دار و اکول او با شراب بخورد که دهند مطیع

و محب و زمان بر دار شود از مالش همین خاصیت دارد

صفت **نتیجه** مرغی باشد بغایت زیت دوست در دوا

آن اگر بکاوند آنکس ترین با بیند اگر استخوان او با غالیه هر که بوی

آن باشد و محب کرد و اگر متوا و کجاست که بکافان تیر مانده است

مالند

هند بچان برآید اگر متوا و باروغن کل بیا میرود در جای ماند

که باو گرفته باشد بر شود اگر شب کور از آن روغن در چشم کند

به شود اگر گوشت او بخورند عاقل و زربک شوند از زهره او ۲۰۹

بر بخورند ابله و نادان شوند صفت **هدهد** و از آن بوی تا

خوش آید و گویند که کس از دمان او بخرد اگر کس

برود و در خانه او را بکشد باره شغال و او بیاید و راه نیاید

که با شیان رود و در سنگ بیاورد با پاره کل و بر آن شغال

هند در حال آن بنقید هر که آن سنگ بیاید بر هر دریا

بسته که نهد کشته ده کرد و بفرمان خداست عالی اگر بدید

را با روغن یا سمن بخورند و از آن در گوش حلاوت

گری را ببرد اگر بکشد و بکشد و در چشم او را و در خری

بک بندد و در بازوی چپ خویش بندد بر چشم
همه غریب باشد اگر در حای نهان کند و را مقام چکس
نمونه خواب کرد اگر تاج او مارا با خود دارد سخن او
میش چکس قبول باشد اگر سر او بر کوه بندد
تیر نهام شود اگر زبان او با سکر بیا منزند و بخوردن حلقه زیاد شود
اگر پیه او در خانه دو و کند هیچ حادثی بر آن خانه کار نکند
اگر یکی از مال او با خود دارد همه حاجت او بر آید اگر بر
او دستخوان او در بالش بندد خواب رود هر چه با او
کند از خواب بیدار نشود و اگر بر او سوزاند و بار غن کند
بخورد و بواند و هندی شود اگر دل خشک کند و شراب
بخورد و مری میفراید اگر دل او در زبان و زبان صغیر در

و با خود دارند
پوست کمرند عجب آب بنیدار دل او خشک کند با نید

و در شینه کند و برابر هر دو میل در چشم کشد و روی انگش

بنید عاتق انگش شود که میل در چشم کشیده باشد اگر نوز

دور چشم که که سفیدی در چشم او پیدا شده باشد صفت

کند اگر متواذ با عالیه بیا میرند نیام کس که خواهند چون آن ری

کند محب شود اگر زهره او با نید و باروغن کند خورد و

دهند حیف او برود اگر پوست او بر سر نهند در دیر برود اگر

جحال او خشک کند و بر کس بالند مطیع شود اگر کچر زن

او و مال او را زیر او در کس اوم نهند و وقت که طلع

کند آثر او را نوبندند چند آنکه خواهد طالع کند اگر همد را بکشند

و باره باره کند و در یک کند و آب بر سر آن کند باره

که بالا آید آنرا نگاهدار و انگش محبوب شود اگر استخوان
پای او بوزند و لب باند در طعام کند و بخورد و دهن حفظ
بماند اگر بخورد گوشت دهد و حفظ شود اگر استخوان
را بکنند بگوشت اند و چند روز در سر که اندازد بعد از آن بپزد
کلفت مالند بر شود اگر با خود دارد چشم مردم عزیز شوند
اگر فقار او بوزند و بر ما سوزنهند سود کند اگر سر به سر
با خود دارد و چاکس با وی داوری نکند اگر پای
چپ او با خود دارند کس پشت او ز زمین نشاند
اگر گوشت او بخورند که نشوند اگر آن را است او درج
کمتر و و کنند که بران از آن برج برود اگر سر کین او
سر کین کمتر و سر کین خس بار و عن بر و بر نبل

طلالت منصفیت دارد و صفت **کبوتر** کوبند ما را از کبوتر

بگریزد و صدای آواز او اگر خانه نهاده باشد خروشن

پیدا شود تباها شود اگر جواب رنگ گردانیده باشد و کلاوی

202

کبوتر چه نماید و برون آرد لغایت خوب شده باشد

باید که آب سرد بنشیند اگر کبوتر چه را در زیر شکمش کند

و بخورد و زود فریب شود اگر خون کبوتر در چشم کشد در چشم

برود اگر آرد جو قطران بیا میرند و در هفت و هشت مالدیه شود

اگر خون کبوتر و موی کرب در جایی بر آتش نهاده چنگ و

فتنه پیدا شود اگر در سایه چنگ کنند و بایند در چشم

کشند شب گوری برود اگر با سرکه میهم کنند و بر حرارت

نهند به شود اگر در بینی چکاند خون باز دارد اگر مالند در کلاه

جامه برود اگر سر کین با چغندر بگویند و در موی بنهند دراز
شود اگر گوشت کبوتر بخورد بارها بشکند و روی و آب
از بین رفتن باز دارد و آب پشت بفراید اگر استخوان
او در سایه خشک کنند و خرد و بپزند و بشکر کفید
بخورند سر را سود کند اگر استخوان مای او با باقلا
بپزند و بخورند سر را ببرد اگر استخوان سر او بسوزند
و خاکسترش آب پیاز بر کلف مالند پاک
شود اگر استخوان بپزند و برایش بپزند به شود
اگر چشم او بخورد که دهند شب کوری باز آورد
اگر خایه او بر سر کین نهند تا کج برآورد و چند روزی
نگاهدارد و بعد از آن بکشد و خون او و خون آدمی

نخوردن و به مفلوح شود صفت **کلب** مرغیت

205

نادان و سرکه کردن حریف است اگر شراب کهن کباب

آب آزاد هندست شود اگر خون او شیرین ببلد بگر

بیا میرند برهن مالند به شود اگر گوشت او بخورند بادا

بشکند اگر زهره او در چشم کشند کوری ببرد اگر به او بگذرانند

و گاهی که شقیقه در رو کند مالده شود خاصیت **یهو**

جانوری رخاست و در آن وقت که مرست شود

اگر آوازش کند از عقب وی برود و گوشت

یهو نجابت کم است هر که بسیار خورد باده را قوت

دهد و بادمای سرد بشکند اگر زهره او در چشم کشند

شب کوری دور شود اگر به او در لایق مالند به شود

صفت **قری** هیچ مرغی بیدار تر از قمری نیست و مانند
او منورتر است و دارد و مار از بایک او بگریزد و هیچ مرغی
مبارک تر از آن نباشد در خانه او باشد در دوساله
راه نیاید و کشتن او کراهت دارد ازین خواص
بسیار گفته شده است صفت **خروس** مرغی است
بیدار هیچ وقت بایک گوید اگر سر سقره او چرب
کند بایک تواند گفت اگر حال او بر بهره کاو
بیالانند تا و از بد بسیار بایک گوید اگر اسپ
مانده باشد حوجه بکرم در روان اسپ گذارند مانند کی
ببرد اگر منورتر او و خوشتر او در سانه خشک کند
و باید در چشمش بند کس که ویرا بیند و بوی

و مصقع او شود اگر متراو بر کرد یکی مار و کز دم مالند سود کند اگر
204

متراو بار و غن یا سمن بر قصب مالند قوت پیدا شود و دوی

اقراید اگر خون او با سیب یا به مالند و بخورد که دهند یا آنکه

روی کند او را دوست دارد اگر خون او را خشک کند و بپزند

و در طعام کنند و بخورد که بسیار گری باشد کم گری شود

اگر ناخن پای خروس با خود دارند یا هر که بگوشت طفره یا بد اگر

خار پای خروس بپزند و بخورد که دهند او را جواب

نیاید اگر استخوان پای او بپزند و بخورد که دهند که از راز یافته

باشد خوش شود اگر خروس جوان بخورد که نالغ

دهند که گشت پس زهره او بستاند بر قصب مالند و زن

را بخواباند چنانکه او سر بکون افتاده باشد با وی جمع شود و

حال بازگرد و صفت **مرغ** سیاه چنین گویند اگر مرغ سیاه که
رنگ دیگر نباشد بکشد و آنچه در شکم او باشد بیرون آورند
و بسوزند و مقدار فضل اسود باز بجای او برگردانند و گشایش را
بدوزند و بپزند بخورند سه روز قوی بکشد بد اگر حیر با عمل سایرند
و مرغ دهند جایه او بزرگ شود اگر سر کین او زبردندان دود
کنند در دینش اند اگر سر که عمل بخورند قوی بکشد بد اگر
پیه او بکشد زباب پیاورد و گوشش چکانند و درد گوشش
ساکن شود اگر در غضب طلکانند با بزرگ که جمع شود غیر او
و بکیر یا نخواهد اگر جایه او گرم بخورند درد کلوبه شود و شهوت
را قوت دهد اگر گوشت وی خورند غریبه شود اگر نتواند
بخورند آب پشت بپزند اگر استخوان او بسوزند

و بایند و بر شوخ باشند زود تنگ شود اگر زهره او نامدار

205

بایزند و در رفت محاممت بر قضیب مانند محبت پیدا

شود اگر زهره مرغ سیاه و زبان او باروغن کنجد بایزند و

سه روز بخورند پیش از آنکه موی سفید شود هر روز از آن یک

مرغ چخته بخورند سفید شود و صفت **بط** مرغی باشد نبات

البه و از آب نه شکسید اگر چشم او در کاسه نهنگ خفته بود

هر چه از او پرسند جواب گوید گوشت اگر کرم است لکن

کرات اگر کس بسیار خورده و فریه شود اگر استخوان او در

نای جنگ کند و بایند و بر شوخ باشند تنگ شود

اگر چه او بر خلف مانند بید اگر چه بط باروغن پهن

بلکد از تده و قطرات در گوش چکاند گرمی بر صفت

فاخته جنین گوشت که فاخته بوقت نوروز پشاد ببار کند و بچه
دست دارد و در همه عمر یک جفت کرد اگر جفت او شده
شود پنج جفت دیگر کند اگر حق او بار و غن جوهر بر منی نالند
به شود اگر خشک کند و بایند و بخورد کودک دهند و بجامه
خواب بول کند اگر کس گوشت او خورد به شود اگر بار و غن
جوهر بر منی کند و بخورد در روز ناریه و شهبوت اینگز و دوا به
راقوت دهد **حققت تدرو** تدرو را بر این کند و بمانان
میده قطره بخورد مجامعت راقوت دهد و گوشت زرد اگر مرغ
کند و گوشت او بهتر باشد از گوشت شهاب است اگر به او
بکند از نزد و در گوشتش بچکانند در حال درد گوشت ساکن
شود اگر بر او بسوزند و خاکش برش بکباب نر کنند و در

ماند در دسره به وصف **باش** چنین گویند که باشد
206

چون باز صید کند از ره او بایم درم آرد جو بخورند ماه را فوت

دهد اگر استخوان خشک کرده بگویند و بر جراحت مانده شود

اگر گوشت او بایسته دانه به پزند و زیره در آن کنند زن بخورد

از حیض پاک شود اگر چنانچه او کودک باشد و در شب

دلیه شود اگر بر او در زیر پهنند خواب خوش آورد و صفت

کبوتر چنین گویند که بوز مرغی باشد چنین بامک کشد

ندانند که از کجاست اما رشیانه در دشت باشد و ریش چند

بیاورند و مسکن آن در کوه بود اگر آن که آن بران می نشیند

او را بر گیرند هر مردی که از خدا غرور حل طلب کند بیایند

اگر استخوان او در بازو بندد و در چشم خلایق غریز و محرم باشد

اگر گوشت او بخورد کسی دهند مطیع و فرمان بردار شود اگر باز

بخورند کبریا بشاید اگر متعز او با غایب بیا میرند هر که بوی او بشنود

مطیع و فرمان بردار شود اگر هر او در چشم کشند سعیدی و

تاریکی بر و صفت **غواص** مرغی کردن و متعار و راز دارد و

بنازی ماهی کشی گویند اگر گوشت او یک دهند محب

شود اگر استخوان او بنام کس سوزند مطیع شود اگر گوشت

او بخورند با دمای رشت دفع کند اگر متعز او با غایب در دماغ

کس رساند محبت پیدا شود اگر حمال او بسوزند در

نوحه پاشند شود کذا اگر سر کین او پاشند بربانند و بگویند

دهند بر شو و صفت **همای** بر سر مرغان از آن شرف

دارد که استخوان خورد و جانور بسیار از اوهای مرغی باشد

و

و سایه فرخنده دارد چنین گویند هرگز سایه بر سر او افتد

207

در لقین عظیم لوی رسد و خورشش او استخوان باشد و بر او

موی نباشد اگر استخوان او بر لغزش نیند شود کند اگر زهره او

در چشم کشند آب و دیدن باز دارد اگر نزدیک چشم بپزند

در چشم ساکن شود اگر بر او در خانه دود کند باز دود بگریزند

صفت **تعلق** گویند که تعلق خواص بسیار دارد اگر زهره او

بخورد که زهره هلاک شود اگر شکسته او بدیند شفا یابد اگر

گوشت او بر این کند و بخورد معده را قوی کند و شهوت

بباید و گوشت بچه او بهتر باشد اگر حایه او چهل روز زیر

سر کین اسپ نهد و بعد از چهل بر دارد و بر موی سفید مالند

سبزه شود صفت **عندیب** وقت کل آواز بسیار کند

و باطل موافقت دارد اگر گوشت او خشک کنند و بخورند شهنشوت

را قوت دهد اگر گوشت او خشک کند و با ایند و مار و عن

زنی بر کبر و دویچ بیند از دوا کردن گوشت او بخورد و حامله و

سلیمه شود اگر خون او بخورند حافظ شوند اگر در ساجد

کند و مذهب در بینی چکانند که خون رود و باز آید اگر خون

او بانی او بر کودک بندند از چشم زخم امین باشد صفت

کنجک موافقت تمام دارد و در خانه که آدم نباشد و طین کنند

و عمر دراز دارد اگر کنجک بر روغن کاه و بایان کند و پوره اگر

افشانند و بپخته سیر بخورد و فربه شود اگر زهره او با عمل قصب

مالد و شراب بیاشاند و بازن مجامعت کند آلت تن شود

اگر بچه او پیش از آنکه موسی بر آرد و مار و عن کنجک بر آرد

کند و بخورد آب پشت بنفاید اگر چه او پاک کند و نشاند

208

ز بنور سیاه و زرد تا بنوران او را بکنند باید که بمبرد و روغن

جوشاند و در وقت مجامعت کمی قطره در کف پای مالند

بخامیپ بیند اگر متوقف گشتنک باشد بیا بنزد و بخورند

آب پشت بنفاید اگر در قصبه ماله شود کند اگر سرکین او

بآب باران زنند و در چشم کشند شب کوری برود اگر گوشت

او بخورند آب پشت بنفاید اگر استخوان او با خود دارد و زخم

روی کار کشند صفت **طوطی** اگر پیا و در برج کبوتران اندازد

کبوتران جلد بگریزند اگر سرکین او بر جراحت نهد به شود صفت

مار در خوردن مار چند نام نماید سر و دم آنرا چهار انگشت

ببرزند و کشش پاک کند و نیم خنجره کرد انداختن آن را بر نرزد و در

روغن زیت برین کند از علتهای پاک شود و قوی عظیم پیدا

پیدا شود اگر نیش افی بر خداوند در دندان بیاورند به شود

اگر سر افی در کردن خداوند خولک بیاورند منفعت کند اگر

دل افی از خداوند تب بیاورند سه روز به شود اگر شورمای

افی را بخداوند خرام دهند سود دارد و اقواس افی که در روی تریاق

فارق افی خداوند خرام را سود دارد و گوشت افی بر زنگار

افی نهند در ویشانه صفت **ماهی سفید** که در خشک می باشد

اورا با نمک به پروند باه را قوت دهد اگر گوشت او بخورند

زیره شود و قوی پیدا شود اگر پوست او بر خداوند لوش نهند

سود کند اگر بر خداوند ناسور بندد یا دود کنند سود دارد و صفت

خرچنگ و سر دارد و دودمان و زبانی در سینه دارد و بوی

بال

باشد اگر جایی بر ندان بگیرند تا باد بران نکند را نکند اگر خنک

باقاب خشک کنند و بگویند و باروغن بنام بگویند پس روغن

صاف کند از کتان قیله کند و در چراغ نو گذارد و روشن کنند

بزرگ که هستند چنان نماید که هر که در آن جا باشد رقص نماید

اگر را مار گرفته باشد خرچک زنده را بدو نیم کند

و بر سر جراحت نهد و کند اگر پوست چشم او بر جدا و نترسد

بر بازوی بند و تپ رایل شود اگر که را در و پهلوی باشد

خرچک را بگیرد و بران کرده بخورد و منفعت کند **سحر** اگر

خون او در بینی مالند و رو بر او اگر که به خشک کند و آب

پیاز و رگه کلف مالند بر شود اگر که در باون کنند و بگویند

و باروغن بنفشه یک بمالند و آن روغن با پر مرغ و خایه

و به مانند بشود اگر زهره بخورد و بپاوندند هفت گشت کنند
اگر با شکر بخورند سرفه گشته بر داک کویشت او بخورد از علت
بک شود و صفت **غوک** کوبند غوک را بدو نیم کنند
نیم در آفتاب و نیم در سایه خشک کنند نیمه سایه باز بر شود
و نیمه که در آفتاب است بپوراند و خاکسترش بخورد
زنی دهند آنچه کرده باشد در خواب بگوید صفت
سوسمار چنین کوبند که سوسمار خانه جایی سخت سازد
چون سیر شود موی بر آورد و خاصیت بسیار دارد اگر موی
آن زنی با خود دارد آب بن نشود اگر خون او بار و عشق
بلبان در چهره روشن کند مردمان او خانه رنگدانه
صفت **کژدم** کوبند کژدم را چشم نبود چون نهم زرد
بپاوند

بکریزید که در خواب باشد بیمار دارا اگر از خانه برون

210

همه مردم های او خانه برآیند و بخت گویند بکریزید اگر مردم را بگویند

و بگریزد مردم نهند به شود اگر بریتون و آب باورخ در مردم جانند

بیمیر و صفت **عکبوت** هیچ جانوری بجای می و ست عکبوت

نباشد و شکار کند اگر مورد تازه در خانه او و دکتد بکریزید اگر

عکبوت بر خداوندت بندند شود کند اگر عکبوت در

شراب بچوشت اندر خداوندت بغمی بخورد دهند شود

دارد اگر تا عکبوت بر جراحت بندند شود کند اگر ز سبوره **موقوفات**

عل نهند بچون در سر که نهند زنده شود سر در خانه

و بگوید بیا و نیزند بکریزید اگر افیون و سر که بر زخم زخم نهند بچون

بکریزید و ملک بر جلع مالند بکس برانجا نشیند اگر کس

در آن اندازند میر و اگر یکس بار روشن است در جای
گشتند تا خشک کند پس با بند بر موی مالند سیاه شود
اگر قطره بنی باروغن کند حل کند و در سوراخ مورچه بریزند تمام
میرند اگر خایه او در علو یا چتری دیگر بخورد که ایند بگوید ^{فیت}
اگر پوست زب بخورد به شود اگر مورچه بر روشن است
بسترشند و در گوش چکانند و در ساکن شود اگر خایه او
خشک کنند و با بید هر جا که مالند موی میرد اگر خایه مورچه و
گف در باوش شود و عفوان از هر یک برابر بگویند و در چشم
گشتند سفیدی میرد گویند اگر در گوش نهند و در گوش بکشند
اگر یک شمع زرد در بر و خنی نهند نزدیک نماید صفت
کلیک اگر خواهند که یک رنجه بخورند و در میان خانه کوزی

کند و بر خون کند همه را نجای جمع شود اگر وقت خواب گاه

241

چنانکه بکنند و سه نوبت سوره ادا از لاله بر آن آب خوانند

و بر بالین نهند یک و پشه که در آن خانه باشد خود را در آن

آب اندازند و سر آدمی چون موی سیاه باشد سیس

باشد باریک آمار سوتن بشوید سیس باشد هفت

چنان اگر هفت عدد چنانکه یک یک در آب

اندازد و یک ساعت را کند بعد از آن هر کس که گوش

گرفته باشد آن آب را بخورد و ده کرده اگر بالش مار

در میان کل نشاند ببرد و اگر در میان سر کین نهند باز زنده شود

اگر بالش مار در گوش خرد کند بهوش شود و چنانکه گویند مرده

است چون بر آن کنند باز بخود آید **صفت حراطین**

کرمی باشد سرخ و در زمین نمکاف می باشد اگر او را
خاک کند و خورد بسیار باید و بار و غن زینتی چند نوع
بزرگ و کوچک شود **و الغیب واره** کرمی باشد سبز و میان
باله باشد اگر آنرا در سرکه و غسل نهند بعد از چند روز بر کف
مانند بر و صفت **نخل** اگر هیچ آهن در درخت خرمافرو
برند درخت خشک شود طبع خرماکرم و نرم است هر که بسیار
خورد قوت کرد اما خون سیاه کند و سده جگر و در ریه
آورد و زبان را سیاه کند اگر خرماکرم با کافور بپزند
در بنی که کشند که خون آید باز باشد صفت **انکور**
هر چند شیرین تر است طبع او گرم تر است از انکور با انکور
طایفه گرانتر بود و باد انکور را انکور طایفه بسیار خورد

نامور پیدا شود اگر خواهد که معرفت رساند از پوست
212

پیدا شود که معرفت در دانه و پوست است شام در زیر

مصرع بیاورید تنفع کند اگر یک او با سداب و کافور همچون کند

و بخورد هر چند که شراب خورد دست نشود و صفت **غوره** سرده

خشک است صفاست شانه و شکم بپزند و اگر انگور را بپزند

و بی پوست خورند تن فریه شود و آب پشت افزاید غوره

خشک است دل و جگر خوش کند انگور طالقی معده را

قوت دهد و دل را نشاط دهد و بر ساه از گشایش کمزاری

معده را قوی کند گشایش را همه لطیف تر است دل را

قوت دهد جگر را شفقت کند صفت **سیب ترش**

بپزند بر آتش و کنند هر که سبب ترش بر سر نهند خواب

اشفته بنید اگر سبب در برک بخوریند و در کل گیرند
هر چند که خواهند بماند صفت **انار شیرین** بکرمی میل دارد
و لطیف بود و جگر را قوی کند و لیکن آب پشت
بمغایه و دماغ زکند انار ترش سرد است صفرا بماند
و تبش دل و معده و جگر را مل کند اما قوی است آورد و ترش
و شیرین در بیکر گیرند یک باشد اگر آب بکین در آب
بجوشانند در سال سه نوبت در پای انار ترش
ریزند شیرین شود اگر پوست درخت انار بجوشند
و آب آن باز خورند شکم براند اگر برک انار سر و تن نشود
بسیار برود صفت **سب** به را بی از ار از درخت فرو
گیرند در برک بچند و متعاقب بکنند و بر یک در آنجا کنند
دار

دربک نی پوشند و به در انجا نهند و خاک برایش کنند

تا بنمای دیگر تازه بماند به سر و دست است و معده و جگر

و دل را نمک است اگر نباشد بخورند طبع را سخت کند و تشنگی

تشنه اند و آب اوقی را باز دارد و صفت **امرو** انواع باشد

دل و جگر را آب دهد و معده را خشک کند سر و دست را باشد

و بعضی گویند معتدل است در افوت دهد و چون بسیار خورد

معده را سخت کند بزرگ او بگویند و بر جرحت باشند

به شوق چون امرو و بخورند زنجبیل برورده از عقب

بخورند دفع کنند رطوبت صفت **شفالو** چون در

میان کوسن نهند و بر بماند شفالو سر و دست را است

نکته است و جگر را نمک بود و تب و بلغم را بود

کند اگر برگ او بکوبند و بر جایی که کرم افتاده باشد ریزند
جله میزند اگر در جایی دو دکنند ماران بگریزند اگر برگ او بکوبند
بانگ و زنج در تن مالد نیکو شود اگر برگ او در جامه بماند
خراب نشود اگر برگ او خشک کند و بایستد و سه روز
هر روز دو درم بخورد هر کرم که در شکم باشد میبرد و اگر نتواند
بخوراند و با سرمه در چشم کشند حرارت چشم را ببرد و اگر
بر ریش نهد ریم برون کند صفت **زرد آلو** چون ریش
باشد طبع شفا لودارد چون شیرین باندگی گرمی دارد و
معه رانک بود اگر خواهند که زرد آلو شیرین کند
منجلی در آن خشت کن در سالی چهار نوبت هر نوبت
یکین نمک در آب کند و در آن نمک ریزند اگر زرد آلو

خورند از عقب او شکنجین خورند نیک بود اگر متواو با

خرین بخورد یک دهد تا مادام که بار و جو سرشته باشد یک

ببرد اگر متواو باز نگاه بکوبند و بر مفعولند عارضش بر صفت

انجیر کوبند و خست انجیر کم بار و ده شاخ از درختی دیگر باو

بندند بار بسیار دهد اگر کاو دیوانه و کرس باشد در شاخ

انجیر بند نیک شود اگر سر کاو ز سر درخت انجیر درخت

کند چنانکه پنج نرم پیش از همه بخت شود طبع انجیر گرم تر باشد

کرده را سود کند و آب پشت افراید اگر بسیار خورند جفیه

دارد اگر کسی برای سوزن در زیر که بگوشاند و بخورد

سفقت کند اگر بگوشاند و بخورد سرفه کهن ببرد اگر با

یک که بپزد و بخورد در دمان نگاه دارد و در دندان ببرد اگر

انجیر خورند باروغن بادام سفید در عقیق خورند معرفت
کنند اگر سیاه در دست و جامه باشد آب غوره بنهند
ببرد اگر خواهند توت سیاه سفید شود معالکی کنند و راهی
درخت و دره توت در آن ریزند و بپوشند بجا که
صفت **توت سیاه** سرد و تر است اسهال دارد اگر آب
غوره کند صاف و در و کلور شود کند و معده و جگر را کین
کند اگر توت خورند از عقیق آن ماء العسل خورند تا
معرفت کند اگر خواهند صفت **جوز** بسیارند منرا و
بستانند و از مورچه بکاهند چون دو سال تمام شود از
انجا بکنند و در جای دیگر بنشانند بکشد شود اگر معر خورا
خورند زهر را شود و بد اگر خورتانزه باشد که خورند اما بعد توالی

بشت که تا سلاویک آنرا در چشم نباشد اگر جز تازه
215

درند آب بشت بفراید جز کم و خشک است و صفوا

بزد و دهن بچوشتانند و سرفه آورد و صفت **نارجل** چنین

و نیند که روغن نارجل در موی مالند سیاه شود و روغن

شود طبع او گرم است اگر پنج او در جراح کند بجای قسطه

خورد اگر چرب تر است او باید در مجلس مالش

نهند جاعت مست شوند صفت **بادام** اگر بادام تلخ و خرق

سیاه در آب برشند بخورد یک دهنده بخورد و روغن بادام

کوبه بادامی سرد بشکند و بادام شیرین سینه را نرم کند

درود مارا خود دارد و ماخ را نری و نرمی دهد اگر مالش

درند آب بشت بفراید و تن را فرو کند و کونه روی

نیکو شود اما در معده کرامی کند و باه برآید و اگر روشن بادام

بسی کاه و دیوانه کند نرم شود و صفت **فندق** هر چند فندق بسیار

شبهت افردن شود اگر شلخ او بر حرارت گرم نهند و

ساکن شود و در غشش برای اسهال سود کند اگر خوب

سفید او بوزند و خاک سرش بر جایی پاشند که گرم افتاد

باشد سود کند اگر شیر او بخورد کسی دهند زودست شود

و بهوش شود و صفت **فستق** گرم و خشک است در دشت

راسود کند و سده بکشد و آب بپشت بفراید و صفت

و خون را بریزاند و باو سرد را سود دارد و صفت **چوب**

سرد و خشک است در تابستان از و نظره چربی فرو حله

معده را قوی کند و طعام را زود فهم کند اگر بکشد او را

ماله

مانند به شود اگر بچ او در دندان مانند نیکو بود صفت

قصب را بازی **نی** گویند اگر جای دود کنند ماران بگزینند

خرکوش چون بیمار شود برنی بخورد نیک شود اگر مار را

بونی دهند مست شود صفت **خیا** بگویند و باز نگارو

نمک و کیز آدمی بر ماسور نهند به شود اگر برک او در خانه

دود کنند خفاش بگریزد از آن خانه صفت **سج** خن

گویند که سج بازی گویند و درختی باشد مبارک

و طبع او گرم و خشک است و خون را تسکین کرد و اند

و سینه را نرم کند و سرفه که از خون باشد را بیل کند و طبع

را نرم کند صفت **توت** حکیمان گفته اند اگر پوست ترنج کرم

و خشک است لبوزانند و بچوزند سرفه را بود و در دود است

از میان شراب جویند و در خانه صفت **غلاب** در وقت شام

او کم قوتش او سرد خشک و دانه او سرد و تر و پوست
او در افعوی کند و معده را قوت دهد و قوت آورد اگر رنگ
بجای نه سفید شد برشش ترخ بشویند دانه او سر را بخاموش کند
صفت **نارنج** صفوا بشکند اما آب پشت بر درشش او
رنگهای سیاه بر د اگر پوست او بار و غش بپوشانند و در
نوی مالند قوی کند و سفید شود و صفت **لیمو** سرد و خشک
است خون را تسکین دهد و خون صاف کند و در سر
برد و درین خوشش کند و معده را قوی گرداند و صفت
مورد کونیز کرست و خداوند و دوت را سود دارد
اگر شایع مورد همچون در انشت در دسر و اما س
سر را سود کند آب مورد در شراب هر که خورد زود
لرزه

ست شود اگر یک مورد و یک کل وصل و مردار

257

سنگ بگویند و در فعل مانند بوی بر دگر یک مورد

و یک کل وصل چقدر نیز در بر آن شوند بسوس

از سر بر روی را یک بود و اگر روغن مورد در روی

مانند موی نگا دارد اگر مورد در سر مانند در شقیقه

برو اگر مورد را بخت اند و آتش در معده که بیرون

آید مانند باز جای خود رود اگر دانه او بخوشند و آتش

بخورند در سرفه و بغم سرد را بر دو خون از شکم باز دارد

صفت **سرو** از وصف مستغنی است اما شمه گفته شد

اگر لوی سرد را بشود سرش در و کند اگر یک او در آب

بخورد که دهند و دست شود اگر یک او در خانه دود

گندمار بگریزند اگر کور شود در پیش خداوند و شقیه

دو کند سود دارد و به شود اگر کس در رستان هر بادا

کرم در پای درخت کل ریزند در سلا و نوبت بار

و به صفت **کل سنج** اگر کل سنج بگریست دو کند

سعد شود اگر یک او کوفته در چشم کشند کور شود

کوبند قطران را بر خیز چون قطران زنی بخورد

اکبتن نشود اگر زنی صمغ صوبه بر گیرد در جماع لذت

یابد صفت **نکس** هر کس که سداب بسیار خورد

بوزد و شهوت برود هر زن که او را حیض بسته باشد

یکدم آب سداب با یک آنار و روغن کل در هم کند

و بخورد هم در ساعت حیض بکشد اگر کس را مازده

سداب

سدا ب و برک جو تکمیل و بگوید و بخورد و زهر مار بر روی کار

نمکند و بجای ترابک باشد اگرک را در و نمک باشد شانه

سدا ب بخاید و در نمک دهند و روشش نشانند هرگاه که گاست

خورد بسیار خون صاف کند و جگر را تازه دارد و حرارت

زهر نشانند هرگاه که حایه اما سیده بود سپاه اسیر غم را بگوید و

البش بر حایه طلاء کند اما کس نشانند و در و ساکن شود

اگر اسیر غم را بار و غن تازه بر موی مالند موی را سپاه کنند اگر

که را سدا ب نزد و سوراف مورچه ریز و جملہ بپزند اگر برک

سدا ب بار و غن تازه بچشانند و بر جوشتن مالند هرگز نری

در حایه وی بختار نموده است اگرک نیم کفش باشد

بگوید و بخورد و روی او را بید نیم کفش و نیم کمر و نیم کشت

از هر کدام یک گرم قرحل یک گرم مصطکی و پاره خود خام همه را بپزد

با سه جندان فانیذ همچون کند و هر روز سه درم بخورد و معده را

تقوت دهد و قوی گرداند و بنعم را برود و بوی دمان خشک کند

و آب رقیق از دمان باز دارد و سردیهای سرد گرم اندر شکم

بکشد و باد را بشکند و کرمه را قوی گرداند و زمار کرم کند

و رنگ از سیاه برود و تخم و مالکوری طعام را نیکو بود و باد

بواسیر را برود و باد مخالف نباشد و شهوت را بپزد

و از روی طعام آرد اگر خون باراک سیاه یا منبره و بره

طلک کند عیس برود و سودا ببار کند اگر کس را از دمان

تا ختن گرفته باشد شکسته خارشست بخورد و نیکو شود اگر کرم

خورد و برود و اصلاح آید هر که بر خون نجاید بوی دمان

و لن

خوش کند و شکم برود و باد سموم بروی کار نکند اگر

219

و دندان مانند خونی که از دندان آید یا راسیتا اگر دندان محبوب

بود عیب از دندان را بیل کند اگر که را از دم بکزد طحان

نچاید و آنرا آنجا مالد و روش نشاند اگر سپیدان یا روشی

کل بچشاند و بران کند و بخورد روی را بیل کند و سود دهد

اگر که شکم با گوشت پر و بخورد و سهوت بنماید و کرده را قوی

کند و طبع را نرم کند اگر دست و پای سرمانزده باشد شکم چته در

کند و نفع بخشد که صحت بسیار کند و ضعیف شود و در صحت

خوش لذت نیاید و مغز را خشک کند و چشم را یک نماید

و جان و تن را زبان دارد و معلوم که صحر که نان و بر که خورد

زردی او بر دوش گمانیز و روش نشاند که بسیار خورد و در

شقیقه از آن بود و آنچه از آن علیها پیدا شود اگر
 کافور در بنی چکاند او را در شقیقه هم بود و خواب خوش
 آرد اگر کاسه کاسه را بگوید براماس نهد اگر خون
 باشد بنفشه اگر شکم مرغ کاسه کند در بان کند و خورد
 خون از شکم باز دارد اگر کاسه خورد آب از دمان باز
 البتة اگر کوبت بوقت نفس بخورد و محدود را قوی کرد
 و بوی دمان خوش کند خورب کوبیده که با دروب
 خورد گرم اندر شکم بکشد پدید کند هر که آب با دروب
 با خون اسپ در پهلوی مالند سپرز را برود هر که با دروب
 با سرکین بکوبد و در راه نخویس مالند که بر آید و اسهول
 گوید اگر کاسه آب با دروب و یک در چشم کشد که

استا شقیقه بخواند هر که او را حقین کند و باز به آینه چون بخورد حقین باز آید
 هر که با دروب

برده که آب باو بکشد بانه ره خروش بخشد

220
واندر کوشش افکند ریم از کوشش باز دارد و نیک

نودا که خواهی که خوش بزبان نکند حریف سیاه خورد بگوید

در آب بیا میرود کرد بر در آن مقام را کند که محبت

بر زنی که حایه خروش خشک کرده بخورد با مرد جمع آید در حال

بار که در که حایه موس خشک کند و شاف کند و زن برود

چون با مرد جمع آید آب بن کرد و بفرمان خدا تعالی اگر در چشم

خروش خداوندت با خود دارد و تب نشود اگر در چشم

در هر جا که مال را باز دارد و هیچ کار نتواند کرد اگر خون خرد

در چشم کشد موی از چشم برید اگر زهره خرس با آب بکشد

خداوندت را بر آید و اما با در شکم اندازد و گویند که

ترتیب باشد تا بخورد و معده را قوی کند و بغم برود و نخه را
نمک بود و آواز نکشاید اگر ترتیب در هین مالند
هین ده ساله را برود ترتیب چهارم را نمک بود اگر
یک قفح کتب ترتیب با یک آمار انگشتین در کرمه خورد
قی آورده و بغم ناک کند و ترتیب سر روزه را برود و نماند
این مژه گوید اگر دانه سر بار و غن بماند کند و بخورد و مالند
در کرمه و خارشش معده را نماند و معده پدید آید و
کم اندر آن نکشاید و رایل کند اگر تخم باز و غن بریان کند
دانشگر رخ بخورد و مادی که در خایه باشد برود و رایل کرد و
ابراهم گوید که برک که و بگوید در خوشیست مالند که را
برود که پوست کند و نخه و حام بکار دارد و اگر دانه کرد و نشسته
بدان

بهره خوشتود کند مهر آن گوید که کم خوب رسیده ایم

221

یعنی ریحان بروغن بر این کند هر روز بکشتقال بخورد و حق از

شکم باز دارد اگر یک ریحان بگوید زن ارانی شافه دارد

نشد شب زمار را بغایت گرم کند که تخم ریحان بروغن بر این

کند و رکوش نه درانی را ببرد هر که کس بسیار بگوید

موشش قوی شود و خواشش خوش شود هر که روغن کس

باشبت بر قصبه القصبه راحت کند و قوت

افرا ببرد زن که آب تن نشود کس را بگوید و بنده باب

آن ترکند و بخور ببرد و چون با مروج شود آب تن گردد هر که

آب کس در چشم کشد کوری ببرد هر که کس را بگوید اند

و مان نه در کس ببرد هر که زهره خوش در روغن بکشد

بیاورد وقت مجامعت و زن باید و یک ساعت نگاه

دارد آنکس در حال دوست تو کرد و بخواهد هر که تخم

کند تا بگوید و بخورد کمی و حرارت پیدا آورد و بسیار منفعت

تن بود اما با درنگ نباشد هر که زهره حار است و در

چشم او کند لغبی را بر دگر را الفوس گرفته باشد

مور کوک هفت ساله ترکند و بروی هند یک شود

اگر نری را کوک اندک موده باشد را شک لبانند

بوی دهند تا بخورد و ساعت باز بنهار گیرد طعام

بخورد تا یک از چشم بر دگر را شک تب بند و بخورد و این

از شان بر وزن آورد اگر بسیار خورده و موده را پاک کند

و رخ آردست و پای برود و نقوه را یک بود اما صفا

ایمروز

اینکه در درو شقیقه و حاشیای اندام پدید آید و خون را بسوزد

از تخم ترب و پیاز سرخ درین مالد بسیار آید و هر که را درود و

باشد اگر یک سداب و مویر سیاه بگوید و زیر دندان نهد

در حال دروشنش نشاند و راحت و تسالیش پدید آید اگر

سداب یا سرکه بچوشاند و پاره دیگر آب تر کند و بر پهلوی

بندد و در سپهر را بر دماوشنش نشاند و پهلوی در کند و بسیار

منفعت پدید آید اگر کودک را گرم در شکم در نهد باشد و

آب سداب تر کند و بر نهد و اگر او را باشد اگر

آب ترب و آب کامه هر دو بهم بیامیزد و بدان غرغره کند

آواز گرفته باشد یک بند و بغم بر دهم و را قوی کند و سرفه را

هر که ترب یا انکبین یا میزد و بخورد و در دماغ بر دهم

مکرر غرغره بسیار در در دماغ و حلقه آید و منور است و هر که در سداب بسیار

نسیانید آید هر که تخم ترب بکوبد و با شیر میامیزد و در کلف

مالد کلف از روی بر واکر سر کین باز زنی بخورد و او را در

نسیانید ارطاطا کس کوبد اگر کس نفع را بخوشاند و بر

چپ مرم کند سپرد اسود دارد و اگر نفع خشک باشد

بکوبد و بخورد و اندوه بیرون طاوور و درین آب کوبد اگر

نفع را با بانی بخورد و معده را قوت دهد و بغم را از معده کلل

و بد و چون آب بخورد آب بشت را بر و زبان دارد

بد که مع را آب وین تر کند و در پای تر کیده مالد سود کند

محب است و عینک مفاتیح الغیب

لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر

و ما تسقط من ورق الا نعلمها و لا

جه

بَيِّنَةُ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رُطْبِ

223

الْأَيَّاسِ الْأَكْلَانِي كِتَابُ مُبِينٍ

٩٠٢١١٠١٣ ١٨٠١١٠١٢ ٢٠١١٠١٢ ٥٠١٠٢

بِسْمِ خَوَانِمَةِ الرَّحْمَةِ أَمَامَ خَوَانِمَةِ عَلِيَّةِ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَامَ خَوَانِمَةِ عَلِيَّةِ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ

رَبِّهِ أَرْبَاعُ خَوَابٍ بِبَيِّنَةِ حُكْمَتِهِ رَجْعٌ مَتَوَانِدٌ بَاشِدٌ

شَبَّ أَوَّلُ وَدَوِّمٌ وَرُوحٌ هَسْتُ شَبَّ سَيُومٌ أَرْبَعٌ وَدِيدَةٌ

أَشَدُّ بَدَنَتْ وَأَكْرَبُ دِيدَةٌ بَشْدَنْبِكْ هَسْتُ شَبَّ حَامٌ

وَبَحْمٌ وَنَسْمٌ لَعْدَارُ خَيْدَرُ وَزُكْرٌ بَالَعْدَارُ خَيْدَرُ مَاهُ بَالَعْدَارُ خَيْدَرُ مَالٌ

أَرْبَعٌ شَبَّ بَعْمٌ وَهَسْمٌ رَجْعٌ بَيْنْدَهْمَانُ ثَوْدُ شَبَّ نَهْمٌ وَدَهْمٌ

وَرُوحٌ شَبَّ بَارُومٌ وَدَوِّمٌ وَرُوحٌ وَرُوحٌ وَرُوحٌ

شَبَّ حَامٌ وَبَارُومٌ وَهَسْمٌ وَنَسْمٌ وَرُوحٌ وَرُوحٌ وَرُوحٌ

^{۲۱}
هر چه بنده همان شود شب بستم و بستم یکم در وقت

^{۲۲}
شب بستم و دوم هر چه بنده همان شود شب بستم

^{۲۳}
و بستم چهارم اگر یک دیده باشد بدو اگر دو دیده باشد

^{۲۴}
یکت شب بستم و پنجم و ششم بعد از چند روز دیگر

^{۲۵}
یا بعد از چند ماه دیگر یا بعد از چند سال دیگر اثر کند شب بستم

^{۲۶}
و بستم هشتم بیان واقع است نسبت به هم و سه ام راست

^{۲۷}
است و تعبیر ندارد و الله اعلم بالصواب **باب اول**

درودین و ششگان و هشت و ستارگان و کس و

^{۲۸}
آسمان و دوزخ و حطاط و پیغمبران و قیامت **باب دوم**

درودین آفتاب و ماهتاب و ستارگان و رعد و برق

^{۲۹}
برف و باران **باب سوم** درودین دریا و طایف

و حوض دآب و رود کشته **باب چهارم** در دیدن

224

روشنائی و تاریکی و شمع و چراغ و قندیل و آتش و شعل

باب پنجم در دیدن قتل و کوه و ریک و بالا و

نشیب و خاک و بیابان و کج و ابلک و خشت و خن

و خانه و دیوار **باب ششم** در دیدن شهر و شهرستان

و قلعه و سی و منبر و مناره **باب هفتم** در دیدن پیرا

و پستان و کبابه و کونک و دوکان و آسیا و نردبان

و تاودان **باب هشتم** در دیدن ملک و غیره و خود

و کافور و صندل و کلاب و زعفران و روغن و نان

خورش و هر چیزی که بوی خوش دارد و صورت

نیکو **باب نهم** در دیدن مرد و پیران و پیر و کودک

باب دهم در دین غسل کردن و دست و روی شستن

تیم کردن و مالک نماز قضا و اقامت گفتن و رکوع و سجود

و حج و عمره و زکات مال دادن و صدقه دادن و غنیمت

گزیدن **باب یازدهم** در دین خلیفه و لایق و قاضی

و نقیب و خطیب و پیمان و نزار و وکیل **باب دوازدهم**

در دین کراسه و قلم و دواوات و لوح و منشور و قبایله و نامه

و ملا و **باب سیزدهم** در دین مردمان بسیار و کشت

و پوست و اندام مردمان و زبان و استخوان و نقصان اندام

تن مردمان **باب چهاردهم** در دین کلبه و زردبان و تخت

و کس و برابری و عمارت و کس و صندوق و گردان و حجم

و ستون و فرش و بالایش و جبهه و شاه و روان و کشتن

و کس

و بستن و از جای نگاه و تنگ برون آمدن **باب پانزدهم**

در دیدن دیک و دیگران و شوره و شور و دود و خاکستر **۲۲۵**

باب شانزدهم در دیدن مردم دیرینه و دهن او را گرفته و

ستردن موی و موی باز کردن **باب هفدهم** در دیدن

بریدن و کردن زدن و اما س کردن و زیاده نقصان

در اندام پیدا آمدن **باب هجدهم** در دیدن پسته و بلندی

و درازی و کوتاهی و آمد و درم **باب نوزدهم** در دیدن

باغبان و سبزه و مرغزار و ریاحین **باب بیستم** در دیدن

نانجور نش و حلوا و آبکین و شکر و نان و غیر آن **باب**

بیست یکم در دیدن تیره و پیاز و سیر و تنک و غیر آن **باب**

بیست دوم در دیدن کاه و شراب و دار و و فلفل و زهر و

و لسان کردن و سپهر خوردن **باب سی و دوم** درودین
جواهر و یاقوت و مروارید و درم و دینار و مس و نقره و

آب و سنان و سب و کوزه و آنچه مانند آن **باب سی و سوم**

درودین لباس و انگشتری و جامه و پوشیدن و کلاه

و دستار **باب سی و چهارم** درودین عروس کردن و بوسه

دادن و محبت و آنچه بدان مانند **باب سی و پنجم** درودین

نخل و بند و دام و لسان و سوزن و دوختن جامه **باب**

سی و ششم درودین سلاح و آلت بارش و آنچه بولان

باب سی و هفتم درودین ابریشم و سونبه و زصا و پیر و مانند

آن **باب سی و هشتم** درودین نابینا و مانند آن **باب**

سی و نهم درودین لپاط مجله و زنجان و کورستان و مرده

دقاره

و بخانه و مانند آن **باب سی و یکم** در رویدن ناریانه زدن

۲۲۵
و کردن زدن دست و پا بریدن و پا به پا کردن مردم

باب سی و دوم در رویدن نای زدن و سرو و کفتون

و بانی کردن و سطح باختن و نزد باختن و چک زدن

باب سی و سوم در رویدن خرید و فروخت و بها کردن

و نرخ از ران کردن **باب سی و چهارم** در رویدن بریدن

در هوا و از هوا فرو دادن و مانند آن **باب سی و پنجم**

در رویدن ستور و بهایم و سخن گفتن با ایشان و مرغان

باب سی و ششم در رویدن بیم و فرغ و کرختن از دشمنان

و سیاه و کرختن و نازعت کردن **باب سی و هفتم**

در رویدن آفتاب و حیوان گشتن و پوست کردن و مانند

آن **باب سی و هشتم** در ردین گوشت و بیش و

خرغاله و مو و چشم او و شانه و مانند آن **باب سی و نهم**

در ردین خرگوش و کور خرد اندامهای ایشان و مانند آن

باب سی و دهم در ردین کا و نر و ماده و کوساله و مانند

آن **باب سی و یکم** در ردین فیل و کا و بیش و

انواع اندام ایشان **باب سی و دوم** در ردین خوک

و بوزنه و موش و عکبوت و مانند آن **باب سی و سوم**

سی و چهارم در ردین دود و دام و مثل شیر و کرک و مانند آن

باب سی و پنجم در ردین گوس و سوس و مورچه

و زنبور و پشه و مانند آن **باب سی و ششم** در ردین

ماهی و تنک و پشه و حر و حنک و مانند آن **باب**

سی و هفتم

چهل و نهم در دیدن مار و کرم و مانند آن **باب چهل**

و هفتم در دیدن ابله و دیوانه و شیاطین

و جادو و ان و غیره **باب چهل و هشتم** در دیدن لکمان

و اخلاص الیکن و مانند آن **باب چهل و نهم**

در دیدن آنچه دالست کند بر درازی عمر و شایان

و نیکوکاری ایشان و دلیل بر سعد و خس **باب**

پنجاهم در دیدن عبادت کردن و شکر و استغفار

کردن و حمد گفتن و ثنا و دعا کردن و قرآن خواندن

و نماز کردن و شب زنده داشتن **باب پنجاه و یکم**

در دیدن زلزله و آب و آتش افتادن **باب**

پنجاه و دوم در دیدن جهنم و کبر و ترس و گشتن و

و کلیه **باب پنجاه و نهم** در دیدن مرغان

باب اول در دیدن درندگان و آنچه ذکر رفت

هر که درندگان را خواب بیند و نعمت دو جهان افتد

اگر کسی ملک الموت را خواب بیند که جان وی

می ستانند یا در خواب بیند روز زندگانی وی دراز گردد

اما کسی باید اگر کسی در خواب بیند که فرشته بروی

سلام کرد و در دو جهان امان کرد و دو بهشت جاوید یابد

اگر کسی پیغمبری را در خواب بیند نعمت و راحت

و رحمت دو جهان یابد کسی بهشت و خواب بیند

علم و زهد و سروری و نعمت و فرج و راحت و امانی و

نجات بود و خیر و برکت باید اگر کسی ستایگان

را در خواب بیند بپندی و رفعت و سلطنت و ثروت

228

و هر چه در غایت یابد اگر در خواب بیند که در آن

نشوده شد روزی وی فراخ گردد اگر در خواب

بیند که طعام یا سیوه می خورد و آنرا در خواب دوزخ را

بخواب بیند خشم خدا بود و یک نه بود اگر در خواب

بیند که طعام دوزخ را بخورد آنس طلب محبت میکند

و اوط در خواب و بین رشته و خط و بیم گناه باشد

و اهل باشد اگر در خواب بیند که تر از روز است

کشته قاصد آن شهر بحدل و انصاف کوشد قاصد

در خواب و بین اهل و بیم و فرغ باشد آخر کار خداوند

کار این کرد **باب دوم** در بیان آفتاب مهتاب

و آنچه ذکر رفته آفتاب در خواب دیدن از رویگان

سلطان کرد و یا قاضی یا عالم یا امام شود اگر در خواب

بیند ماه را میان قوم خود بهتر کرد اگر در خواب

بیند که ماه در کنایه افتاد یا او در کنایه را اگر در خواب

میشری بود کار او بالا کرد اگر غایب بود یا رخا نه

آید و اگر امید فرزند داشته باشد بهر نیکو روی بود

پس ماه در خواب دیدن مرد را زن بود و زن را

شوهر اگر در خواب بیند که ماه گرفته بود انگس

بدنامی منسوب کرد اما ستارگان در خواب دیدن

بر دوازده وجه بود برادر و فرزند و بنده گان و شادمان

و فقها و علما و قضای و خلفا و خزینة داران و مردان جنگجوی

باز در خواب بیدار گشته در آن را واقعا در کس

229

عزت و دولت رسد یا و الهی آید اگر ستارگان را

و اندک کدام است آنچه تعلق بدان ستاره دارد باید چنانکه

بیشتری در خواب بیدار گشتی یا وزیر **پادشاه** اگر در خواب

بیدار گشتی بر باد نشسته و هر وقت آنس باد شاه

شود و اگر سر او را آن نباشد برادر برسد باران در

خواب دیدن رحمت و برکت باشد و اگر فاسق بود

باشد بیلا و قحط و بیماری افتد اگر **در خواب** باران

آهسته رحمت باشد کرد و باد و تاریکی نشسته و جو سلطان

باشد اگر در خواب آواز زعد بشنود بوقت باران

در آن موضع خیر و برکت بیدار آید اگر باران در عذریق

بهم است بم دفع باشد باد خواب بشارت و راحت است

و اگر در خواب بیدار شد و کرد خاک پیداشد

و در آن موضع بیماری و شکستگی پدید آید زاله خواب و بین

که بوقت خود نباشد بلا بود برف و یخ خواب و بین

مسمیت حلال بود قوله تعالی و فی السماء زرقم و ما لوعدن

اگر در خواب بیدار شد برف و یخ می خورد و مرآت حلال

باید اگر در خواب بیدار شد که باران بهشت آمد در آن موضع

نکری با مرکب مغایات پیداشد **باب تسبیح**

در دیدن دریا و چاه و حوض در باد خواب و بین بخت

باید اگر نشسته آن باشد اگر در خواب بیدار شد آب خوردی

چنگ از در خواب بیدار شد که از چشمه آب خوردی فرج یابد

و اگر

در خواب بیدار شد و آب خوردی فرج یابد

و آرایش و شادی بود اگر ک در خواب بید که در رود

افتاد و رفعت افتد همچون در خواب دیدن مردم بزرگ

ببند و بکنام کرد و غرق شدن اگر ک در خواب بید

جزئی افتد حوض در خواب دیدن با مردم بزرگ و تو کار

افتد اگر در خواب بید که از حوض آب خورد با مردم پاک

دین و توانگر آمد و مال بمقدار بزرگی آب حوض باید

اگر در خواب بید که آب صافی خورد و عیش و خوش

باید و مال حلال و زندگانی دراز باید اگر در خواب بید

که در شش ششست یا در ششست بر آبدی کار او بالا کرد و اگر

سزاوار و لایت بود و لایت باید بزرگاری مغرور بود

باید در آن کار شروع کند و اگر در ک در خواب بید

کرد و اگر بنده اراد شود اگر امید غمزننده داشته باشد

آید یا دولت اگر در خواب بید که خود را در جای

اولمندی داشته مری بید کرد و روزی فراخ شود

اگر در خواب بید که در آب شنا کردی تدبیر کن

در کاری بود و اگر آب روشن بود مال و جاه باید

و اگر آب تیره بید مال حرام باید اگر در خواب بید که اگر

که غسل کردی از همه غمها بیرون آید و گفته اند گشت در

خواب دیدن فرزند بود و تو نگر و عیش خوش

بید جاه در خواب دیدن فرزند بود و تو نگر و عیش

در غمت بقول و انیال زیرا که اگر در خواب بید که در

جاه افتاد حذر باید کرد که در غم و بیز نفیست اگر در خواب

باب خوردی یا آب بر داشتی تو نگر و در آن که در خواب بید

بند که از چاه آب کشیدی از بزرگی یا حاکمی مستحقست باید
231 برادران چاه آب خورد یا در وی نشست از غنهای فرج باید

و اگر از آن چاه چیزی کشیدی و برداشته و در جای کردی
مال صفت باید و از غنهای فرج کرد و **باب چهارم** در دیدن

روشنائی و تاریکی و شمع و چراغ و قندیل و شعل روشنائی
در خواب دیدن اسلام بود و راحت تاریکی در خواب
دیدن کفر و ظلمت آتش در خواب دیدن فتنه و

فساد و مالت حرام آتش بی دود در خواب دیدن
از غم رستگاری و سلطنت و بزرگی اگر کسی در خواب

بیند که آتش چیزی بخفت و همی خوردی سخنان ناخوش
شنود آتش بی دود مال و فرج بود شمع و چراغ در خواب

دیندیز که بود تو گمزی باشد اگر خواب بیند که در دست

یاد سرا و چراغ بود آنرا پیراید اگر سر اور و لایت باشد

ولایت یابد اگر در غربت باشد بخانه خود آید اگر

در خواب بیند که در میان او شمع یا چراغ ^{یا قندیل} بود سلطان

شهر عادل بود یا منصف شود اگر در خواب بیند

که در سرای او شمع یا چراغ بود اگر غریب باشد زن خواب

آورد و اگر در پیش باشد تو نکود و اگر باز رمان باشد

نفع یابد و یا نیز که صاحب جمال نیکو سیرت

نخواب **باب چشم** در دیدن کوه و من و دایک و مایل

و بخت و خاک و کوه و من و خواب و دین ملک

اندر نظر بود و ولایت یابد اگر در خواب بیند که

در سر کوه البتاده است اگر سزاوار ولایت باشد و لایق

232

یابد و الا کار او بالا گیرد و بهتری رسد و اگر در خواب بیند

که از کوه فرو آید میانه بود گاه غم و گاه راحت اگر که در

خواب بیند که در غنیمت مال بسیار یابد و در جه نرسد

شود میان در خواب دیدن بر خط کند کارش اگر که

در خواب بیند که از میان بیرون رفت از غم بیرون رود

بیک در خواب دیدن مال حلال بود از بزرگی یا از قس

لی اگر در خواب بیند که در ربک میرفت در رخ و شقت

نزد خاک و سنگ در خواب دیدن مال حلال بود از

ف سلطان یا از طرف زن فایده یا از طرف بزرگان

و نند و یار نو در خواب مال باشد و یار اهنه عمارت

کردن نیک بود اگر دیوار بدیوار تقاسم انکس از کارای

نکاری شود اگر کس در خواب ببندد که دیوار خانه فرو آید

خداوند خانه میست برسد یا خود عمر و نروبان در خواب دیدن

یا بر نروبان پای نهادن سلطنت بود و عزت و قارانه

بالا کرد و خشت پنجه در خواب دیدن مگر باشد و سخماز

ناخوش بشود و کارش دشوار باشد خشت زدن

در خواب دیدن مال جمع کردن بود کج و انکس در خواب

دیدن مال و منفعت باشد از قبل زن باب ششم

دیدن شهر و شهرستان و قلمه و سی و منبر و مناره و

خواب دیدن دین راست باشد و کار بزرگ ملا

کرد و همیشه خوش گذراند شهرستان و باره و

دین ارانش در دشمنی بود اگر کسی در خواب ببیند که در

233

شهری در آمدی دین وی قوی کرد و در دشمنی طغی

یابد و برون آمدن از شهر حرمت بازداشتن اگر کسی

در خواب ببیند که باره و قلعه را عمارت میکند کار او بالا

گردد و اگر کسی در خواب ببیند که در مسجدی باشد در سلطان

و قاضی و رئیس مکتوبی ببیند اگر در خواب ببیند که نماز میکند

کاری کند که همه مردم از او خوشنود باشند و حق تعالی نیز

از او راضی باشد و بهشت روزی وی شود اگر در خواب

ببیند که بر منبر یا بر مناره شادی او را بزرگی و نیلویی

برسد اگر کسی جامع در خواب ببیند مهمتری بود اگر در خواب

ببیند که در مسجد جامع شادی او را خیر و برکت باشد و از عطا

این باشد اگر در خواب ببیند که مسجد جامع آراسته کار ملک

بست او آید اگر در خواب ببیند که در مسجد پشت بخراب

باز دارد آنکس توکل بر خدا کند و در دنیا و آخرت این کرد

در روزی برای او فراخ کرد و اگر در خواب ببیند که بر خدا

تعالی سپاس دادی و صد کفچه مال بسیار و فرزندی بود اگر

در خواب ببیند که مناره شکست و فرو آمد یا بران شد

بزرگی بمیرد و اگر در خواب ببیند که مناره مسجد جلع افشاد

خطیب یا قاضی بمیرد **باب هفتم** در دیدن سرا و تپان

در مایه و کو شک و دو مکان و آسیا انهمه در خواب دیدن

مرد را تو گم می بود و زن را شوهر اگر در خواب ببیند

که در برای او کشته شده اگر مرد باشد زن کند و اگر زن

بگوید شوهر کند خدا تعالی او را پس بپوشد اگر کسی در خواب بیند

234 بوستان رازن صاحب جمال روزی او کرد و روزی گمانی

در شادی گذراند و گوشت و غنچه در خواب دیدن مهربانی

باشد و مال بسیار یابد و میراد و برسد و دوکان در خواب

دیدن عیش باشد و روانرا اگر در خواب بیند که اسباب

خراب کردی طعام تنگ شود و سراج و مطبخ در خواب

دیدن اگر مرد بود زن بخوابد و اگر زن بود شوهر کند **باب**

هشتم در دیدن ملک و غیره و عود و صندوق و کلاب

وز عفران و روغن و خوشبو و هر چه بوی خوش داشته

باشد یا صورت نیکو یا نهنگ خواب دیدن مال حلال بود

و شادی باشد و سخن خوش بشنود و روغن یا

تویش بود خواب دیدن زن سلیطه باشد و مرد

فاسق و ستمان تا تویش بشنود در عنوان و خواب بکار

و فکر بود **باب نهم** در دیدن مرد جوان و مرد پسر و زن جوان

وزن پسر و پسر و خواب دیدن دولت و بخت بود و

آسوده کرد و علام و خواب دیدن بشارت و شادی و

روشنایی باشد نیز که در خواب دیدن خیر و برکت و طوفان

بر دشمنان بود و کودک و خواب دیدن چون پسر باشد شاد

و چون دختر باشد غم بود زن پسر و خواب دیدن غم بود وزن

جوان و خواب دیدن شادی و عیش بود **باب دهم**

در دیدن غسل کردن و دست و روی شستن و تیمم کردن و

نیک حلاوة و اقامت و رکوع و سجود و عمره و زکوة مال و

وصدقه دادن و عزت کریدن غسل در خواب دیدن

کس
ایمنی باشد و نیکو روی و نعمت و جای یاقین و رکوع و سجود

جاء یاقین بود و رکوع سجد کردن در خواب عدل باشد

و شادی بیند سر و پاره کردن در خواب توبه کردن و از غم

و اندوه بیرون آمدن بود اگر در خواب بیند که در کوفه شدی

دیرین آمدی از همه غمها فرج یابد و از همه فتنه ها ایمن باشد

قوله تعالی ومن دخله کان امنا اگر در خواب بیند که آب

ز فرم نجر و از تشنگی قیامت ایمن گردد و اگر در خواب

بیند که اقامت کنی ایمنی بود باب یازدهم در دیدن خلیفه

و امام و قاضی و نقیب و فقیه و خطیب و موزن و پیمان و ترازو

وکیل قاضی را در خواب دیدن امر خداست تعالی بود و قوت دین

بشد چنانکه دلیل و ترازو و کمال در خواب دیدن قاضی
آن شهر را کار راست بود و اگر **کس** در خواب ببیند که ترازو
و دلیل شکست قاضی آن شهر ظاهر و یا از قضا معقول شود
اگر در خواب ببیند که قاضی خوش روی بودی دلیل کند که
خدا تعالی از خوشش شود و اگر قاضی ترش روی ببیند
دلیل کند که خدا تعالی از خوشش شود و اگر قاضی را در خواب
یا قاف یا لقب یا ایام یا عالم یا خطیب یا موزن **اگر**
کس صلاحیت دارد و بخت رسد و اگر صلاحیت آن
نذار و کاری بکند که زبان دارد و **باب** ^{۱۲۰} دوازدهم در دیدن
کراسه و قلم و دوات و لوح و منشور و قباله و نامه و سداد
و قلم خواب دیدن حکم و ادب بدرجه رسد و لوح در
خواب

خواب دیدن علم و ریاست باشد مردان نامه نوشتن

236

خواب ولایت باشد وقت و صنعت باین درون

باشد اگر ~~ک~~ در خواب بیند نامه قافیه را حاجت روا کرد

و قلمندان در خواب بین زن کند کراسه و مصحف نوشتن

نیک کردن و میراث حلال باین و امانت و مشور و حجاب

دیدن ولایت بود بر قوم حاکم فرمان دادن برادر

در خواب شادی و عزت و دولت **باب سیزدهم**

مردان و گوشت و پوست و اندام مردان و استخوان

و نقصان اندرین مردمان یا جاههای بسیار دیدن ارادت

و شادی و مال بود اگر ~~ک~~ در خواب بیند که سر از تن جدا

کردن میان او و بزرگان جدای افتد اگر ~~ک~~ در خواب بیند

که گوشت مردم داشته زن بگوروی بود و خبر خوشی

چشم در خواب دیدن نور لب بود مال بود پستان مرد

زن در خواب دیدن را در و خواهر و شوهر باشد پای مردم در

خواب دیدن کعبه کردن در مال طلب حلال بود و پشت مردم در

خواب دیدن برادر و یار و دوست بود دوست و استخوان

تیر در خواب نیکو بود دهن مردم در خواب دیدن میراث

واگر در خواب بیند که دندان پیشین وی افتاد مصیبت

رسد وی را با نگویند در رو آب دهن و بگویند انداختن

فرح یافتن از غم بود و گفته اند که شادی بسیار نیز بود و اگر

کس در خواب بیند که دهان وی خشک شدی روزی بوی

نمک بود و پوست و شکم و استخوان و آنچه بر آن ماند در خواب

آمدن عزت و جاه و مرتبه باشد موی مردم در خواب دیدن را

236

جان بود و اماس و کره و والد و دنیل و خرمای که زیاده برین

بود در خواب دیدن مال و عزت و جاه و فرزندان را در

خواب دیدن دولت و عزت و خیر بود **باب چهاردهم در**

دیدن کلبه آن و زردمان و تخت و کرسی و سرپرده و معماری و

کسبه و محل صندوق و گردون و نیمه و ستون و درش و خیر و

تیمه و شاه و روان و بستن دکن دن و از جایگاه تنگ بودن

آمدن انیمه خوب است چوب راست در خواب دیدن

تنگ بود اگر از برای سوختن بود و اگر که در خواب بیند

که از جایگاه تنگ بیرون آید از غم نرسند و راحت یابد

اگر در خواب بیند که قفل را و اگر کارهای بسته او به رخت

لاکنت ده شود و در سبکت دن همین حکم دارد و زین و بالان

در خواب دیدن بختی بود اگر **در خواب** بیند که بر اردن

نشسته باشد عزت و دولت باید یک و محل و خیمه و خمر

در سر او و در خواب دیدن آنها بزرگی بود اگر خداوند خواب

مستور و اگر نامستور بود دیدن زردان غم و اندوه بود و شگون

در خواب دیدن مردم محترم بود یک **باب پانزدهم**

در دیدن یک و دیگران و تنور و حاکم و یک و خن

در خواب زن باشد و او را و شوهر باشد و او را و یک

در خواب دیدن بزرگ صاحب حال بود تنور و خواب

دیدن مال حرام باشد **باب شانزدهم** در دیدن مردم برهنه

و امن او را گرفته باشد و ساع و شش چون آنها که گفته شد

در خواب بنده که او را زین با دشمن گرفت یا آتش او را

سوخت از جهت زن غم خورد و او را بختی رسد از قبل مال خویش

را بکند یا نه بزرگ کند تو به باید **باب بیستم** در دیدن

رک زدن و حجاب کردن و موی سر زدن و بازی کردن موی

و ریش بریدن و در اندام افتادن و اما کسی کردن در باد و نفعان

در تن بدید آمدن رک زدن اگر خداوند خواب در حجابیت

باشد فرج بود و چون نفع بود خداوند خواب بفرماید اگر در

خواب بنده که تمام خون وی رخت و هیچ خون در دیدن

وی نماید احشاش زرد بکشد نو به تمام باید حمام ببرد و خواب

دیدن نه از حمام جان بود و گویند حجابیت در خواب کردن

امانت گذاردن بود و نیست بفرماید اگر کسی در

در خواب بنده که او را زین با دشمن گرفت یا آتش او را

288

خواب بیند که حجابت کردی و هیچ نشانی حجابت بر روی نماند

نه بر قباله کند و در دیوین قضا بر روی بعدل کوای دهند اگر حجاب

جوان بود کولیچه دروغ دهند اگر که در خواب بیند موی سر ماری

کردی فرج باید داد در خواب بیند که ریش او را نیند مال

لباس بر جوشع شود و نیکبانی باید اگر که در خواب بیند

که رک از اندام آلوده شغل از قبل زن باشد اگر که در خواب

بیند که رسته از تن بر آید مال و منفعت باید و لباس در تن

زیادتی مال و جاه و مراد بود و اغری و بیماری در خواب دیدن

زن بزرگی باشد **باب هجدهم** در دیدن درازی و کوتاهی

و درم حدت و سراج کرکین در خواب دیدن برتن مال بسیار

جمع شود و منفعت باید کجای خواب دیدن تیر مال بود کرکین

در خواب دیدن مال حرام بود کسراخ و مندی مال بسیار بود

مردی باری نخواب بینه که از فرج او مار بیرون آمد و او فریاد

259

اگر مردی بخواب بینه که او را فرج شده چون زن یا خود را می

باید بینه پیشش بریده شود اگر زن بینه که او را فرج شده

باید پیشش بریده شود چون مردان هرگز او را فرزند نشود **باب**

توزدهم در دیدن درختان میوه دار و سبزه در بایین و در غرار

درخت دیدن منفعت بود و بزرگی باشد درخت میوه دار

در خواب دیدن عزت و قدرت خداوند خواب را بود

سرن بردخت مال بود در خواب دیدن تر یا خشک در وقت

یا غیر وقت خود سیاه یا سفید مال و منفعت بود و روزی حلال

توانا بر شیرین در خواب دیدن هزار ریش اما در مشایخ

و در آن وقت که برگ درخت بریزد خواب دیدن خست

بود و منفعت نبود اگر در خواب توت سیاه و سفید بوفت

خود بیند مال و منفعت باشد کشمش و خواب دیدن مال

بود خریزه در خواب دیدن اگر سیرین است مال باشد

و اگر ترش است اندوه باشد انجم در خواب دیدن نوکری

بود سب در خواب دیدن فرزند و نیک و مال حلال بود

سب ترش در خواب دیدن لب باشد تنها بود خواب دیدن

لب و نیک باشد اگر سیرین بود سیاه و اگر ترش بود غم و اندوه

بود چله نوزده در خواب دیدن ماقند در خواب دیدن مرد را نیک

بود مال باید اگر که در خواب بیند که در سرایا بوستان او را

پایانده او را راحت و از ترش و شادی بود و کس در خواب

باز

او هم نیکو روی بود اگر که در خواب بنده کاوش با باطل مال

حلال هم رساند و برادر بد نایخ و ترخ چون خنک شد فرزندو 240

زندگانی دراز یابد و چون نارسیده بود و خصوصیت باشد **باب**

بسم در دین نان خوش و حلوا و انگبین و شکر و نان هم این

در خواب دیدن روزی حلال باشد اگر باد شاه برادر خواب

بیند و لایت او زیاده کرد و اگر که دیگر خواب بنده نان خوشی

ریخ و غله از آن شود شکر و انگبین و شیرینی مادر خواب دیدن

منفعت و عزت و مراد یافتن باشد تلخ و شور در خواب دیدن

سخنهای خوش بشنود **باب بیست و یکم** در دیدن تر و پیاز

و نمک اینهمه در خواب دیدن سخنهای ناخوش بشنود

و اگر که در خواب بنده که نمک خورد و بیماری و غم بود بمک

در خواب مال حلال بود **است** ^{۲۲} **در** ^{۲۳} **دویم** در دیدن خواب

دور و فجاج و نهر و غنی کردن نهر در خواب دیدن و

خوردن مال حرام بود اگر کسی در خواب ببیند که مست

در کار دنیا حریف گردد و دور و در خواب خوردن توبه نصوح

بود شیر در خواب دیدن روزی حلال بود شیر در خواب

دو شدن مال حلال شد مروج در خواب دیدن پشیمانی بود

شیر و خرگوش دیدن و خوردن مال حلال از قبل زن

شراب در خواب دیدن و خوردن مال و سلطنت و ولایت

بود شیر و شکر در خواب دیدن و خوردن مال حرام بود

شیر و در ماه و ملک در خواب دیدن دشمنی باشد

فر کردن در خواب توبه بود از گناه و از غم فرج باید و بار

آورد و بفریاد آنک مال تلف کرد و کلاب کل و شکر

241

و آنچه بدین مانند اگر در خواب ببیند دین پاک و علم و ادب

و عمر دراز و مال حلال و عیش و خوش و ثنای نیکو بود

شکر و در خواب ببیند مال و تندرستی بود ^{۲۳} **بسیار**

در دیدن حواله مثل مرور بد و یا قوت و دنیا و مردم و وس

و نفقه و شمع و چراغدان و یا هر در خواب دیدن مال حلال

بود و میراث و فرزندان مالفه بود زن و نیزک و دختر بود

یا قوت در خواب دیدن مال و نیزک و علم و ادب بود

اگر کسی در خواب مرور بد ببیند کار رفته باز آید و اگر قرآن خواند

کرده باشد یا دیگر و نفقه در خواب دیدن مال حلال بود و نیکو

و دولت اما زن را خواری و دولت باشد در مردم در دست باشد

مال حلال بود و علم و ترویج و ارزانی شدن ز خاوندان

قدر که باشد باید و اگر در تیره ماه بود همان قدر که دیده باشد

باید بسم طلسمی گشته در خواب دیدن غم و اندوه و الم

و ماحول بود و بخت در آخر مراد حاصل آید و نیاز در خواب

دیدن دین پاک و علم نافع و مال بسیار بود اگر در خواب

بشد که نیاز بکس داد و یک از وی بزد و بد از غم و غم باید یک

و نیاز در خواب دیدن زن و تنگ بود و مس در خواب

دیدن و آنچه بدان ماند کار ناکشید کند و ارزان و ارزان

غم و اندوه بوی رسد طشت و افتاب و چراغدان و سبزه

و آب و سان و کوزه و خم و طهارت و ناله و نوح بود و نوح

زنان و زربسار در خواب دیدن که بکس داد و ناله و نوح

نوح

پوشیدن یا در دین از غم فرج باید و از بیماری هجت باید

۲۴۵
انت و الله تعالی **باب بیست و چهارم** در دین لباس و کفش

و جامه پوشیدن و کلاه و دستار و خواب و دین سلطنت

و مرگ و نفوذ و لایست و دولت بود و طفره و خواب

و دین مال و طفول و و چون حواجر بود و قرآن حفظ کنند **کتاب**

در خواب و دین اگر پادشاه است او را عدا بود **کتاب**

سیاه پوشیدن و دین و دولت و سلطنت بود اگر جامه

پوشیدن عادت ندارد و ویرا غم بود و جامه سبز در خواب

پوشیدن بیماری و غلت بود و جامه که بود و است **میرز**

در خواب و دین سروری و خرمی بود و موزه در خواب

دین و پوشیدن یک نه بود و خرمی عذر باید و **کتاب**

کتاب در دین لباس و کفش

در خواب دیدن فوت و ولایت بود چاره در خواب دیدن

و پوشیدن روزی حلال بود و خیر در بخت و ولایت و نعمت

بود کردن بنده را ترا سپرد مردان را که خدای و دختر اندکترین

با نیت مردار بر مردان است **باب سی و پنجم** در دیدن

عروس در خانه گرفتن و بوسه دادن و محبت کردن اگر که

در خواب بنده که زنی را با خود گرفته بود زندگانی او دراز

کرد و بوسه دادن حاجت روا کردن از لطائف بنده که خیر

دو شیزه را بنده را در خویش تمامی باید **باب سی و ششم**

در دیدن غل و بنده و دام در بستان و دوختن جامه و دوک

غل در خواب دیدن که قوییل نباحی کردن اگر که در خواب

بنده که پایی وی در دام افتاد و در مکر و حیل افتد سوزن و جامه و خنجر

در بازار

فم بمان در خواب دیدن مال حلال بود و کدالی نفع

2413

چرخه دیدن زن سوره باشد **باب ۲۴** و **مفهم** در دیدن

سلاح و آلات باوشی و مهران و کدراست و دروغ

خوردن سلاح خواب دیدن قوت باشد و منفعت باشد

و مال و فرزندان و امانت بود چنان در خواب دیدن سفر

کردن بود و بچشم و رساندن کار و خود خواب دیدن عمر ^{۴۵}

دراز باشد محقق در خواب دیدن خبر دروغ شنیدن

بود طبل و شنیدن مایه بود باران و سیل حرب و فتنه

باشد اگر در خواب بیند که عارت میکرد و نغمه و اندوه

باشد چو چکان و کوی زن در خواب باوشاه و امیرا

غنیمت یافتن بود اگر کسی اندر خواب بیند که

در خواب دیدن

باشد و آتش و شادی اگر آینه همین باشد مگر می رسد

اگر خداوند سلطنت بود عدل کند بر خلق اگر در خواب

بیند که بادشاه در محفلت ظلم و جور می رود و اگر در خواب

بیند که سوگند خور و نوبه نصوح باید کرد و اگر در خواب

بیند که سوگند دروغ خور و نوبه نصوح باید کرد یا سوگند طلاق

خور و اورا غم داند و رسد **باب بیستم** در وین خرد

و ابریشم و نصا و بر این جمله در خواب دیدن مال و منفعت

بود و عزت و مرتبت چنانچه پیشتر یاد کرده شد و

اول کتاب ابریشم و نمود در خواب دیدن همه حال

یک بود نصا و بر و جامه اصحاب سلطان را در وین

گرامت بود و مرد صالح را نیز نیک بود پس در خواب

این

و بدین آن عامه را میانه بود و بگوید که گفته اند تصاویر مردمان را

244

نیک بود **باب بیست و نهم** در ویدن باینها و مانند آن

اگر که در خواب بیند که ازین علتهایکی نالیدی دلیل

کنند که بقضای خداست تعالی رافض نیست **لیک** و گنگ در خواب

و بدین خصوصت و زبان کاری باشد اگر خواب بیند

که عصبانیت گرفته بود و فوت و مراد باید اگر خداوند خواب

صاحب علت و در دست کاری بروی کشاد و کار

انچه آرزو بود باید **باب سی و ام** در ویدن لب اطو

محمد و زندان و کورستان کور خواب و بدین بند باشد

ویم باشد اگر که در خواب بیند که از کور برون آمد

فرح و راحت و شفا باید مجوده تازه در خواب و بدین

را و یافتن بود از کار که طمع بریده باشد اگر در خواب
بیند که مرده است زنده کرد و اما از سرای او فتنه و ویرانی
پدید آید اگر در خواب بیند که مرده در آغوش گرفتگی
میان او و خویشان خصوصیت افتد اگر در خواب بیند
که گوری گندی سرایی نیالند و اگر در خواب بیند
که مرده با و چربی دادی آن جز در دنیا فاجر گردد و او را
روقی پدید آید و شاد گردد و اگر در خواب بیند که
مرده با وی سخن گفتی آن سخن وی حق و راست
بود اگر در خواب بیند که چربی مرده دادی یا از
مرده خوردی یا از مرده خواستی آن جز در دنیا گمراهی
گردد و با طوطی و شاد و روان در خواب بیند چون تو بود
در آن

و نذرک نیک بود که عزت و مال باید و اگر گهنته و

در بید بود صدقه باید داد و حمله در خواب بید نگوی و

خوش طبع و نو نگری و پاک دینی بود نفس و چو
و بدن زرد آن بود و غم اگر که در خواب بید تازه و

مرد را آخرت آن مرده بگو بود و اگر که در خواب بید که

اورا یادگیری را بر خبازه نهاده اند و مردم بسیار از عیب

آن کسی بر فتنه رازی عمر و مهنری باید اگر که در خواب

بید که از خبازه ببقا و از عمل که دارد معزول شود و اگر که

در خواب بید که خبازه برداشته خدمت سلطان کند

کفن مرده را در خواب بید نصیب بود نماز که از بدن

بر مرده در خواب شدت رسول الله صلی الله علیه و آله

245

همه در خواب بید که در دنیا

در خواب بیند که پدرش را بر خاچه نهاده اند اگر چه

و امید فرزند بود پس آید و علمهای رفته بدست آید اگر چه

در خواب بیند که با مردگان کاوی می رفت آتش روی

افتد **باب سی و یکم** در دین تازیانه زدن کردن

زمن دوست و بای رسیدن و باره کردن مردم اگر چه

در خواب بیند که را کردن زوئی را نکس ظلم

کنند اگر در خواب بیند که را نکست بر جهم خود طوفانند

اگر چه در خواب بیند که را تازیانه زدی هر تازیانه

در می باشد اگر چه در خواب بیند که تازیانه خون بر آید

از زخم زدن هر بار که خون بر آید را نکس در دوزخ گویند

اگر چه در خواب بیند که دست در زبان آن و بای می

بعد از کردی قوت ایوان باید و غروی دراز کرد و باب

۲۳۳
س و دوم در دیدن نای زدن و سر و کفن و بانی کردن

و شطرنج مانع و چک زدن و زدن با حق و سر و کفن و

شنیدن در خواب چون زد یک بود کوبند غم بود و نای

ناخوش بشنوند و کار باطل کند و رحمت رسد نای زدن

در قص کردن بهر حال اندوه بود و دوت زدن و زدن و

شادی از رحمت زمان و خبر مشهور بود اما او از مردم در خواب

دیدن از خانه او باز برادر و باری چک و ما عیا بود و بارط

زوی و او از او شنیدی اگر که در خواب بیند که از

عشق مایه سرور و نواز زدن حکمت بود اگر در خواب

بیند که او از نای می شنود و حیات خوش مایه و شطرنج

و نرو با حق در خواب کار باطل کند اگر غالب باشد دشمن

نفر باید از و با حق در خواب علی شدن از خدا تعالی باشد

و از نمبر صلی الله وسلم اگرک در خواب بنید که بل از حشت بخت بود

بل محکم در دین او بود و شانه کردن در خواب میان مردمان الفت

افکنان بود و میگو بود **باب سیم و سوم** در دین خرید و فروخت

بها و نرخ از ران کردن اگرک در خواب بنید که حوال رخیه آن

انچه از ران شود و اگر طلب میروی آن خبر غیر کرد و اگرک

در خواب بنید که آتش در بازار امادی از سلطان با اهل بازار

آبی برسد اگرک در خواب بنید که خبری خواسته صدقه بایده او

تا ثواب او بدو رسد و از غم رها اگرک در خواب بنید که

بمردمان سخن کردی و دادی خبری آنچه از ران کرد و **باب**

انچه خبر از ران تو را اگرک در خواب بنید که در حوال کردی آن خبر از ران کرد و اگرک در خواب بنید که خبری خواسته صدقه بایده او

سی

سجده ۳۴ درودین بریدن در هوا و از هوا فرو آمدن اگرک

247

در خواب بیند که از جای بریدی از اهل نبود زیرا که عیله صفای

از آن در خواب بیند که در هوا بریدی نرفتند اگر در خواب

که در آسمان کاشاده شدی و باز نیامدی نوبه باید کرد که دلیل

بود اگرک در خواب بیند که از آسمان بتقادی زن را اطلاق

و در زنی دیگر کند اگر در خواب بیند که در آسمان کاشاده شد

و در شکار از دیدن آنس چرخ کند و روزی بر وی فراخ کرد اگر

در خواب بیند که بسج میروی آنس از جمله زاهدان کرد و

اگرک در خواب بیند که از بام پیام باز و یواری بد یواری

بریدی نرفتند باز گاری بگاری کرد و باز شهری شهری

رود اگرک در خواب بیند که از سرای خود بسرای دیگری بریدی

در خواب بیند که از آسمان بتقادی زن را اطلاق

باید کرد اگر کسی در خواب ببیند که بر آسمان شادی کار ادا باشد
کرد اگر در خواب ببیند که در هوا حیات گزنی از کل و خشت

و کار دنیا و نفعه شود **باب سی و پنجم** در دیدن کسب

و بهایم و سخن گفتن با مرغیان هر چه از بهایم که با وی در خواب

ببیند و سخن گوید او را کار عجایب پیدا آید و از آن خبر که طمع کرده

است بوی رسد چنانکه از آن عجایب بماند و ایضا علم و ادب

حاصل کند و در میان مردمان غریب و مکرم و معروف بود اگر کسی

در خواب ببیند که زراعت یا ملاح یا کسب میکند و میگوید باشد صدقه

باید داد **باب سی و ششم** در دیدن هم و فرج و درختین از دشمنان

و سیاح و کراستن و نازعت کردن در خواب همه حال

شادی باشد دیگر آنکه بماند سخت گوید که فرج باشد

در رسیدن اینی باشد از هم اگر خواب بیند که از سباع
2418

اورا رنجی رسد یا از بهایم یا از خویشان زبان رسد اگر

در خواب بیند که از خیرهای دیگر گرفت اگر دشمن آنچیزا

این کرد و اگر آن خیر از وی می گزید و آن خیر را معالیه بیند

غم داند و بود اما ناراحت کردن یا حیوان یا سباع یا خیری

بجواب بیند که بروی دست باید اگر او را غلبه کند طغیاند

اورا بر دشمن اگر در خواب بیند که با کسی گزینی با

یا سباع یا بهایم و آن خیر او را بپایندی دلیل است که آن خیر

بر وی طغیاند اگر خواب بیند که بگشاید گشوده او را منفعت

رسد اگر در خواب بیند که او را بگشاید بپایندی

بود و باغی و علف و مخدول شود از هر آنکه از خدا تعالی بفر

معتبر است **باب سی و نهم** در دین قصاب و کشتن

حیوان و پوست کردن معروف در خواب دیدن ظالم

و باو لعنت کند اگر کسی در خواب ببیند که هر گوی

کسی بریدی بر آنکس جویند با مال او ببرد اگر کسی در

خواب ببیند که گوشت خام نخوردی بر مردمان دروغ و بهمت

بند و **باب سی و دهم** در دین کوفته و میش و بز غاله

و موسی و لیسیم اینان اینها همه در خواب دیدن خوب

است افزونی زرق و دولت و اقبال با بوج و راحت

و دوام مدت خواهد بود اگر کسی در خواب ببیند که گاو

یا حیوان دیگر را قربانی کردی مراد خویش تمامی میباشد اگر

کسی در خواب ببیند که از میش شیره خوردی مال حلال میباشد

الله

وزن کند اگر در خواب بیند که پوست از پیش کشیدی
اورا پس باید اگر که در خواب بیند که بزغال رانسته برای
گوشت اورا میقتی رسد از جهت وزن کند اگر که در خواب
بیند که گوشت یا سر کاو یا سر حیوان دیگر را پوست و گوشت
باز میکند و به خوردی بادشله باید بقدر خویش اگر فرو
تر است برایت و قهوی رسد اگر آنکس مهر باشد
مال حلال زیاده کرد و او را اگر در خواب بیند که شراب خورد
شادی باید **باب سی و نهم** در ردین حرکتش و کوفت
و اندامهای ایشان اگر که در خواب بیند که صدقه
کردی و بخوردی مال باید و اگر که در خواب بیند
خوردن شسته و او را مطیع بشدی بر معصیت دیگر کرد

دارک در خواب بیند که از کوثر بنهاد و اندام او شکست

در قعر لافند اگر در خواب بیند که کلوی آهو سیر مرد

او را دختر آید یا پسر اما دولت مند و مبارک قدم باشد

باب چهارم در دین است است در خواب و دین

بسیار خوب است اگر بر پشت است سوار شود یا

مراد است مراد خوب المدعا خواهد یافت و اگر نشد

همین است را و اگر در رویش و بی خبر است تو را که خواهد

شد و اگر دولت مند است جاه و مرتبه و اقبال زیاده

خواهد شد هر طریقی و دین است خوب است و مراد

باقی است کا و شتر و ما و کما و کسا اگر در خواب

بیند کا و داشته یا بر داشته و لا یت و ریاست و عزت

و مرتبه باشد اگرک در خواب بنیکه در میان کاوان کاوینه

نودار زانی غله بود کرانی گوشت کاو در خواب بیند

ملک و پادشاه بود و آنچه نکم باشد خواب دیدن

مال حلال بود اگرک در خواب بیند که کاو را میبوی

اگر بیمار باشد صحبت باید و اگر دام دار بود و شش او اگر

داگر بنده باشد از او کرد و **باب چهل و یکم** در دیدن قیل

و کاوشش و انواع آنها و اندام ایشان اگرک در

خواب بیند که بر قیل نشسته بودی یا دشتی یا بیدار

سرا و ارکان نباشد از مقربان یا دشتی یا بیدار که در خواب

بیند که گوشت قیل یا بر قیل میخوردی مال عظیم یا بدو

گوشت و پوست و استخوان قیل در خواب دیدن یا در

و طوفان قی بر دشمنان یزد ارک در خواب بید که قبل

و یوانکت بدست ما و شاه ملک شود اگر در خواب

بید که قبل داشته او را فوت رسد کاوشش بر صفت

قبل است اگر در خواب بید که جزوی اندام کاوشش

درشته به هم مهر کرد و کار او مالاک در مرتبه نام **باب**

چهارم در زمین خوش و خوش و بوزنه و خوش

و عکسوت اگر در خواب بید که با خوش الفت

درشته دوستی کند برای مصلحت اگر در خواب

بید که گوشت خوش بخورد مال حرام بخورد و در الفی

خدا میبای علی کند شیر خوش در خواب خوردن

مال حرام بود اگر در خواب بید که خوش نشسته

سلطنت

سلطنت باید و کار او بالا کرد و موش در خواب بین

مرد فاسق بود اگر در خواب بیند که از عورت او موش

بیرون آید او را فرزند آید اگر در خواب بیند که از پیش او

موش بیرون آید او را فرزند آید اگر در خواب حرمی باشد

ترقی نگاه کند هیچ بادی دوست نبود از بدحی و هر چند که اهرام حرم

بیند مال حرام باید بگذرد در خواب و بین مردم باید **سید صاحب** **سوم**

در بین دو دوا نوع او اگر در خواب بیند که بر سر نشسته بود او

بالا کرد و سخن گفت با هم و شنیدن در خواب این نشان کار کل شد اگر

در خواب بیند که بزرگی سخن گفتی کار بر او است پس کند و ششمان طو باید اگر

ماکت است با مردم صحبت مدارک در خواب بیند که روی بکشد و سخن

او را طعنه اندیزد در خواب این سخن عظیم بود اگر در خواب بیند و لیل باشد ظلم

باز شاه بر عیبت اگر در خواب سید که او باه بخوردی بیم و ترس بسیار در خواب

و بدین شهری بود **باب چهل و چهارم** در و بدین کس پس در خواب و مانند آن

اگر در خواب سید که ز نور را کفی مال حلال بود و نور در خواب و صیغ

نادر کس و پس در خواب سید که مال و مرغ از غم بود و کس و در خواب

و بدین سنی حکم دارد و در خواب سید که یلخ و نور در کمال و مرآت

باید اگر در خواب سید که یلخ در بدین است که در این اثرین را بهی

باب چهل و پنجم در و بدین یلخ و کاسه شست و صیغ و کس

در خواب سید و بدین دشمن بزرگ باشد اگر در خواب سید

که به کس شست و بید باید کرد که اجلبش تر و کس باشد صیغ

در خواب سید و بدین مرد بزرگوار معهود شود و در خواب

در خواب سید و بدین با مردم بد خو می آید بود اما در زنی عکس و حلال

بدان شود **باب چهل و نهم** در دیدن مار و کرم و زهر مار و عقید

در خواب دیدن دشمن ضعیف بود مار کبابه دشمن قوی

252 بود اگر خواب بیند که گوشت مار را خوردی بر دشمن طغیانه

و مال بدست آورد اگر که در خواب بیند که مار راوی سخن گفتی

دشمن بروی عید کند و مار بزرگ او را پیش آید اگر در خواب

بیند که مار را بگفتی یا مار بروی مجیدی یا مار دوشسته مال بسیار بد

اگر در خواب بیند که از مار کزختی شادی بود اگر در خواب بیند

که از مار خوردی مال عظیم باو در آید کزدم در خواب دشمن ضعیف

بود اگر که در خواب بیند که کرم را بخورد دشمن مال را بخورد

باب چهل و نهم در دیدن اسب و شیطا طین و دجال و جادو

اینهمه دشمن بود اگر که در خواب بیند که از ایشان یکی را

بکشته دشمن را ناچار کند و مال بسیار آورد و بی در خواب

و بدن خرد و روغ باشد و مردمان را از خواب راه می برد و حال

در خواب و بدن فتنه نمودن و اندران موضع اگر که در خواب

که بجهت راستت بر زن طغیاید و مراد خود بگردانید **باب چهل و هشتم**

و در بدن پیشه کاران و اجناس ایشان اگر که در خواب

بیند که اینک فرمان باریشاه کرد و صیقل در خواب و بدن از فرمان

ملوک شود و از او شوکت و منفعت و نعمت بدو رسد کمال فرماید

اگر در خواب بیند از نزدیکان قانع شهر کرد و جویش اگر در

خواب بیند موزون و فصیح و عاقل و نافع پیدا شود و سراج و

مالدان که در خواب بیند نیکو باشد و صدقه ببارد او و کمال در خواب

و بدن راحت و منفعت ببارد و در خواب و بدن که باشد که مردم

را و راحت برسد ز کرد در خواب و بدین با مردم

در روع کو و حاین وقت ^{کارانته} اکثر در خواب و بدین

253

با مردم پاک و بدین کارانند عالم و فقیه در خواب

و بدین کنایه شش غفوش شود کوزه کرد در خواب

و بدین راحت بنید و آسوده کرد و حلوا کرد در خواب

و بدین خوشحالی بود طبایخ در خواب و بدین

مردم حریف و ناصبور باشد و مراف و خواب

و بدین با مردم هرزه کو صحبت کند صبا و

در خواب و بدین با مردم زبان کار صحبت

کند حجام و یک زن در خواب و بدین

با مردم بد الفت افتد باغبان

در خواب و بیداری مال و فرزند بود **باب**

چهل و نهم در دیدن آنچه دلیل بود بر درازی عمر

و نیکوکاری و بخشش و سعادتها و ابراهیم علیه السلام

بن جابر رضی الله عنه از حضرت رسول صلی الله

علیه و آله و اهل بیت سوال کرد که کدام خواب است

که دلالت کند بر درازی عمر و نیکوکاری

و سعد و بخشش و نیکوکاری کند حضرت و فرمود که سلطان

با امیر و پادشاه و پادشاه و در خواب و بیداری که آب

خوردند یا حلوا یا شکر یا خرما یا عسل یا دوشاب

یا چینی شیرین می خوردند این هم

دلیل است بر درازی عمر پادشاه و عیش

قولی

خمس در راحت **باب پنجم** در ویدن

عبادت کردن و قرآن خواندن و نماز گذاردن و روزه دار شدن

254

و شکر و استغفار و صدقه و شکر اگر کسی در خواب بیند که قرآن

منجواند عزت و دولت و دجانی باشد اگر در خواب بیند

که سوره فاتحه الکتاب بخواند دلیل است بر اجابت دعا

اگر پیش از خواب دعا نموده باشد که مستطاب است

او باشد بعد از خواب دعا کند که اجابت خواهد شد

اگر کسی در خواب بیند که سوره البقره و آل عمران بخواند

در از کرد و اگر در خواب بیند که نماز حاجت گذاردی

بر حاجت که دارد و اگر دو این کرد و مرتبه نماید اگر در

خواب بیند که نماز میکند دلیل بود بر خیر و برکت و عزت

در شادی و شرف و شهادت پیغمبر علیه السلام **باب پنجاه و نهم**

در دیدن زلزله و آب و آتش و افتادن زلزله خواب

دیدن بلا و فقر باشد اگر در خواب ببیند که در جبهه افق

اگر در آن جاه آب باشد نفع و سبکی باشد اگر جاه خشک

باشد و در غدر و کفر افتد اگر خواب ببیند که در آب افق

اگر روشن بود مال حلال اگر تیره باشد اگر تیره باشد غنفت

افتد آتش یا دود در خواب دیدن از غم و ستمکاری

و سلطنت بزرگی باشد اگر دود داشته باشد و برک خورد

حدقه بدید که رفع بد شود **باب پنجاه و دهم** در دیدن جهنم

و کبر و بر سر او کشت و طلب از خواب دیدن تعب

ندارد و بقولی بر دشمن دست نباید و منظور و مظهر

ادد

کرد و ترس از خواب دیدند بر دشمنان طغیان بد و بر مال

حرفی نمود اگر که در خواب ببیند که در کشت یا در طلب

255

نماز ندارد و توبه بگوید **باب پنجاه و سوم** در دین و دین

اگر که در خواب ببیند که کس را مالک ولایت شود

و زندگانش در آن روز و در هر چه از آن کس ببیند که

مال و ولایت باشد اگر که در خواب ببیند که بر کس

نشسته شوند و در عمر و دولت بفرایند عقاب در

خواب بیند با دشمن بگوید و جنگ و جریح و خواب

و بین ولایت و مال بود باز سفید سلطنت و مال و پسر باشد

اگر با دشمن در خواب ببیند که باز در دست و از دست وی

پیدا و گفاری در دست وی مانند شمشیر از دست او رود

و اگر طاعوس در خواب ببیند زنی صاحب جمال و با هنر تمام
بست آید اگرک در خواب ببیند که طاعوس در شنی مال
و منفعت باید کلک در خواب دیدن کاری کند که خالی
و مخلوق خوشود باشند و منفعت باشد اگرک در خواب
ببیند که کبوتران در خانه داشته دولت بود کبوتر در دست
نخواب دیدن امینی بود و مال حلال باید دراج در خواب
دیدن زن نیکو خوی بود هزار داستان در خواب دیدن
مردم خوشخوی او را دوست گیرند شیرین در خواب
دیدن بیابان بود آخر عمر او رسد کلک در خواب دیدن
او را پیری بود خود را در حرمی و شادی ببیند لطاف در خواب
دیدن مهنری بود در میان قوم اگر مردی در خواب ببیند که کلک

ماده است او بدین را اطلاع دهد و فاحشه دمای

در خواب دیدن فاحشی روزی دولت بود بدو در خواب

دیدن بدین مردان رازن بود و زبانش را شور باشد ^{این کتاب} 256

بعون الملك شرح دعای جوشن صغیر ^{و الله اعلم}

میگوید کاتب الحروف الی السابو طالب بن و سب

که یاقم دعای جوشن و خبر او و قتل او را در کتاب از کتابها

حد سید خودم که اولی الدین حسن ابن داود است رحمه الله

که این مضمون در کتاب هیچ الدعوات و غیر آن از کتاب

معتبر بود پس دست و شتم آنرا درین مکان نادرست بود

قتل دعا و خبر کوار و آن خبر که بر خواننده و نگارنده است

از کتاب روایت میکند از مولای متقیان امام موسی بن جعفر

از پدرش باقر بن جعفر از پدرش امام زین العابدین ع از پدرش

حسین ابن علی ابن ابی طالب ع که آنحضرت فرمود که مرا بدین

ایمیرالمومنین ع که ای سرمن اما لعلم کنیم نور اسری از اسرار خدا

که تعلیم کرده است مرا رسول خدا و مطلع نسبت بر او احدی گفتم

بلای بابا به جانم فدای تو باد گفت نازل شد جبرئیل علیه السلام

نزد رسول الله ص در روز احد و چنین بود که روزی هفتاد و

بود که مای نخت بود در بر رسول خدا جوشیده بودم و بود

پس آنحضرت ربوی آسمان برداشت و فدای را باسم اعظم

خواند پس حضرت میفرماید که دیدم در پای آسمان کشاده شد

حضرت جبرئیل علیه السلام نازل شد و مرا گفت که السلام

علیکم یا رسول الله گفتم علیک السلام ای برادر من پس جبرئیل

فرمود

گفت خدا تعالی نور اسلام میرساند و میگوید که بکن خوش

را و بخوان این دعا را پس هرگاه که این دعا را بخوانی

256

یا با خود داشته باشی خوشی است و صد توبه کفایت

افزاید پس این دعا را همیشه از برای من و امتان

من گفت یا رسول الله این هدیه است از خدا تعالی بنو

و امتان توبه کفایت ای اخی حبیب من توبه این دعا است

گفت یا نبی الله توبه این دعا را کس نداند و نمیداند

غیر خدا تعالی هر کس که بخواند این دعا را تر و در آن آمدن

از منزل خود در وقت هیچ صادق لاحق گرداند با اعمال صالح

او مانند کسی که خوانده باشد توبه و انجیل و زبور و تورات

صحف را را هم کفایت یا اخی حبیب من که بخواند این دعا را عطا کند

خداستعالی برای او توبه در پیش و بندید برای او ثواب

بعد و توبت و اجل و زبور و قرآن گفت هم ثواب مراد است

که بخواند این دعا را گفت یا رسول الله بحی انک سیده تورا

براستی را بکنیم بدینست که عطا کند او را ثواب ابراهیم خلیل الله

و موسی کلیم الله و عیسی روح الله و محمد حبیب الله صلوات

هم ثواب مرصاحب این دعا را است گفت بلی یا رسول الله

هر که بخواند این دعا را دبا خود دارد و او را ثواب زیاد

از آنچه گفته شد داشته باشد بحی انک که تورا به پیغمبری

فرستاد بدینست که در عقب مغرب زبیدی است سفید

و در رختی کرده است خداستعالی بندگان را که عبادت

میکنند او را و عصیان نکرده اند بدینست که گوشه روی

السن

امشب آن فرورختی که از گریه بسیار پس وحی کرد خداوند

بایشان که چرا گریه میکنید و حال آنکه شایک چشم بر هم زدن

۲۵۸

بر من عاصی نشده اند گفتند گریه ما از خوف خداست تعالی آن

که بر ما غضب کند پس درین حال امر المؤمنین علیه السلام

گفت یا رسول الله صراطی را بخاطر شیطان مثبت گفت

نمیدانند ایشان که خدای تعالی آدمی آفریده است شیطان

و عدد و انجاست را غیر از خدا کس نمیداند و روز قیامت

در بلاد ایشان است خدا تعالی صاحب این دعا را بعد و

ایشان خواب میدید و میبستند که بیت الممور در ایشان

چهارم داخل می شوند در هر روز پنجاه هزار ملک و پیران

می آیند از آن پنجاه هزار که نوبت ایشان نیست تا روز

قیامت داخل شود و عطا فرماید خدا تعالی بعد و ملائکه

ثواب و بعد و مومنین و مومنات جهنم انس تا فتح صورت

گفت هر که بنویسد این دعا را در طرف بکریه به آب باران

و زعفران پس شویید و بخورد و آنچه تواند عاقبت دهد

او را خدای تعالی زنده و مری که در حبس است از جمع همای

گفتم یا اخی حبیبی صل و ثواب صاحب این دعا

را گفت بکن آن که که تو را بحق بر پیغمبری فرستاده هر که

خواند این دعا را بعد و مانند مروفی شهید گفتم شهید

برای بجز گفت بیدار او را ثواب به قصد هزار شهید

برگوید و او را ثواب جمع آنچه خدا تعالی آفریده است

از جن و انس و دوز و دام و دفع کند از شر شیاطین

و

و کذب ایشان را کفیم یا اخی حیرت من زیاده کن گفت

و از باب ارفیق گفت بدرستی که خدای عزوجل فرمود

259

که عزت جلال من که هر که ایمان دارد و من و تصدی کند

رسول و اولاد صدیق کند این دعا را میباید هم او را علی عظیم

و بگوید انم بهشت را جانب او بدم تمام حاجت را بر می

آزیندگان مومن خود از خزانه من چیزی کم نمی شود یا محمد

اگر بنده از بندهگان من بصدق دل این دعا را بپسندد

نوبت بخواند از جمیع بلاها مثل برص و خرام و

خون و یا از بلای که اطلب از علاج او عاجز باشند

عافیت دهم او را از آن امراض وای بر آن که

که انکار کند این دعا را ای محمد صلی الله علیه و آله وسلم

اگر بگوید این دعا را بجای مشک و زعفران و کافور و
شویب و بیاض شامه هر کس نسبت نازل گرداند خدا بموالت
برقرار او صد هزار ملک بانور و دفع کند از او بول منکر
و کبر را و امن گرداند از عذاب قبر و برانگیزاند در قبر او
همه صد هزار ملک با هر ملک طیف از نور شایر کند و در
کناره و گردانند قبر او را چند آنکه چشم کار کند و
نخوابد به بهشت مثل عروس حله از برکت و حرمت
این دعا باشد جبرئیل گفت یا محمد رسول الله صلی الله
علیه و آله و سلم از حق تعالی شنیدم که این دعا را
بر اوقات غش نوشته است پیش از خواب
و نیاید به چهار سال نوزنده مومن و مومنه که با اعتقاد

درست بخواند و مشک در روی نباشد در اول ماه رمضان

بخواند عطا کند خدا تعالی او را ثواب شب قدر و بیاورند

260
در هر اسکان هفتاد هزار ملک و هر ملک بیست هزار سر باشد

و بر هر سری بیست هزار دمان و بر هر دمانی بیست هزار زبان

و هر زبان تسبیح گویند خدا تعالی ثواب آنها را آنان سنده

عطا فرماید که این دعا را خوانده میان او و حضرت ما تعالی

مانند و بر آنکه اند خدا تعالی نزدیک میرساند او را قبر

هفتاد هزار ملک و در دست هر ملکی علمی از نور و هفتاد

هزار غلام و در دست هر غلام زمام است که او را نور

و نشت از زنجیر و پای او را بقوت و بر پشت هر

است قبه از نور که هر قبه را چهار صد و در باشد و بر هر

دری چهار صد و شصت و نه گشته باشد از سندس و

استیغراق و بیرونش چهار صد و نوری و در حوری را چهار صد

کنند باشد و نیز از چهار صد و سی و باشد از مشک و در هر حوری

نامی از طلا باشد و در خداست تعالی کنند و ثواب آن همه

از دانه این دعا باشد و بعد از آن هفتاد هزار ملک و با

هر ملکی حامی باشد از لولو سفید که در آن جامها باشد از نیش

آب حاف و شیر و حمر و عسل لطیف که خداست تعالی در ظلم

بمحمد خود در سوره محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرموده و بر

طریق دستاری و بر نوشته باشد که لا اله الا الله و هو

لا شریک له و در تحت آن نوشته باشد که این هدیه است

از خداست تعالی از برای آن که این دعا را خوانده یا هر

پرسیده که این دعا را بخواند ملائکه و عقیق آن باشند از او

او ثواب نویسد پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم گفت که هر

261

بنده مومن و مومنه که این دعا را در ماه مبارک رمضان

به نوبت بخواند و اگر نتواند یک نوبت بخواند بدین

که حرام کنند خدا بر او آتش واجب گرداند و او را بخت

و موکل گرداند بر او و ملک که محافظت کنند او را از

معاصی و اقام که زنده باشد و چون وفات کند امانده گرداند

خدا تعالی برای آنچه وصف کرده شد پس گفت جبرئیل

یا محمد صلی الله علیه و آله وسلم بیا موز این دعا را از من

که مستحق او باشد که چون بخواند به نیت خالص و نگاه

دارد و با طهارت باشد و گفت امام حسین این دعا

صلوات الله علیه که در صحت کرد و من پریم امیر المومنین علی

این ابی طالب بحفاظت این دعا و مورد که پس

گفتن من این دعا را بس کردم آنچه ما مورد بودم باین و این دعا

سریع الاجابت است و بخت از گنهای خداست و صحت میگم تو را

ای بنده مومن که بخوانی این دعا را به نیت صادق و نیت این دعا

مکرم منی که صحت آن درشته باشد اگر نیت به نیت سخن بس

کردانند لغیر از بخت و حرام می شود بر تو قوار این دعا و رسول الله

حضرت علی ابن ابی طالب که با این تعلیم کن این دعا را با اهل و دل و صد

این شانرا بخواندن این دعا هر میل انقل این دعا را بخواندن این دعا

کرد که تا در نیت کسی بشود آن مکر خداست و شرح این دعا را در کتاب

اما مکر کردیم تا خواننده را بکشد که در نیت دعا کند و کار کرد

بسم الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هذا الدعاء راجع إلى صغير منيت

262

إلهي كم من عدو انتضي على سيف

عدا ورتته وشكك لي ظيئه مديته

وأر هف لي شاحده وداف

لي قوا نل سمومه وسدد نحو

صوائب سهامه ولم تذر عني عين

جواسسته وأضم أن لسوقه

الذكروني ويخبر عني ذلاف

مبارتته فنظرت يا إلهي إلى الضعيف

عن احتمال الفؤاد وح وجزئي عن

مِلَاتِ الْحَوْلِمْ وَقُصُورِي عَنْ
الْإِنْصَارِ مِنْ عَجَارِيْنِهِ وَوَحْدَتِي
فِي كَثِيرٍ مِنْ نَاوِي وَأَرْضَادِهِمْ
بِي فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِيهِ فِكْرِي وَالْأَرْضَادِ لَمْ
يَمِثْلِهِ فَأَيَّدْتَنِي بِقُوَّتِكَ وَشَدَّدْتَ
أَنْزِدِي بِبَصْرِكَ وَفَلَّاتِ لُشْبَاحِهِ
وَحَذَلْتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ وَحَشَدِهِ
وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ وَوَحَّجْتِ
مَا سَدَّ دِرَاسِي مِنْ مَكَائِدِهِ
إِلَيْهِ وَرَدَّدْتَهُ وَلَمْ يَسْفِ عَلَيْهِ
وَلَمْ تَبْرُدْ حَرَارَاتِ غَلِيظِهِ وَقَدْ

عَصِي

عَصَّ عَلَىٰ أَنَامِلِهِ وَأَذَبَ مَوَازِيًا
قَدْ أَخْفَقَتْ سِرَابِيهِ فَلَاكَ الْحَمْدُ

263

يَا رَبِّ مَنْ مُقَدَّرٌ لَا يَغْلِبُ وَذِي
أَنَاءٍ لَا يَجْلُ حِلَّ عَلَىٰ حِمْلٍ وَالْحَمْدُ
وَأَجْعَلْنِي لَا تَغْلِبُكَ مِنَ الشُّكْرِ
وَلَا لِيَاكَ مِنْ الذِّكْرِ رَيْنُ الرَّحْمَى
وَكُمُومٌ بَاغٍ بَغَانِي عِيَاذِهِ
وَصَبِي أَشْرَاكَ مَصَائِدِهِ وَوَكَلِ
بِي تَقْدِيرَ عَائِنِيهِ وَأَضْبَا إِلَى
أَضْبَاءِ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ انْظَارِ
إِلَّا نِيَّهَا نَزْقُ رَحْمَتِهِ وَهُوَ يُظْهِرُنِي

يَشَاشَةُ الْمَلِكِ وَيَبْطُلُ فِي وَجْهًا
غَيْرِ حُلَّةٍ فَلَمَّا رَأَيْتُ دَغْلَ سَهْدِي
وَقَبِيحَ مَا أَنْطَوَى عَلَيْهِ لِشَرِّكَ
فِي مَلَبَّةٍ وَأَصْبَحَ مُجْلِبًا إِلَى
بَغْيِهِ أَرَكُتُهُ لَأَمِّ رَأْسِهِ وَأَبْنَيْتُ
بُنْيَانَهُ مِنْ أَسَاسِهِ فَصَرَعْتُهُ فِي
زُبَيْتِهِ وَأَرَدَيْتُهُ فِي مَهْوِي
حَفِيرَتِهِ وَجَعَلْتُ خَدَّهُ طَبَقًا
لِلْأَرَابِ رِجْلَهُ وَشَعْلَانِيهِ فِي بَدْنَتِهِ
وَرَدَيْتُهُ وَرَمَيْتُهُ بِحِجَابٍ وَخَفَّيْتُ
بَوَاشِرَهُ وَذَكَيْتُهُ بِمَشَاوِصِهِ

وَلِكُلِّ

وَكَبِيَّتُهُ لِيُخْرِجَ وَرَدَّتْ
كَيْدُهُ فِي خُجْرِهِ وَثَقْنَهُ بِنِدَامَتِهِ
وَفَتْنَتُهُ بِحُسْرَتِهِ فَاسْتُخْذَ لَكَ
أَوْ قَضَاءُكَ بَعْدَ تَخَوُّتِهِ وَ
انْقِمَاعِ بَعْدِ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِكَ
مَا سُوِّدَ رَأْيِي رُبُّو حَبَائِلِهِ التَّيْنِ
كَانَ يَوْمٌ مِثْلُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا يَوْمٌ
سَطَوْتُهُ وَقَدْ كُنْتُ يَا رَبِّ
فَلَا رَحْمَتَكَ يَحِلُّ لِي مَا حَلَّ
بِإِسَاحَتِهِ فَلَاكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ
مِنْ مُقْتَدِرِكَ لَا يَغْلِبُ وَذِي

أَنَا لَا يَجْعَلُ حِلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ ^{وَرَسُولِهِ} وَاجْعَلْنِي لَا تُغْنِيكَ مِنْ
الشُّكْرِ كِبَرُنْ وَلَا لَأُثْمُكَ مِنَ الذِّكْرِ
إِلَهِي وَكَمِ جَسِدِ شَرِّ بِحَسَدِهِ
وَعَدُ وَشَجَى بَغِظِهِ وَسَلَقَتِي
بِحَدِّ لِسَانِهِ وَخَرَابِي بِمُؤَقِّ
عَيْنِهِ وَجَعَلَ عَرْضِي غَرَضًا
لِمَا مَنِيهِ وَقَلْدٌ فِي خِلَا لَمْ يَزَلْ فِيهِ
فَنَادَيْتُكَ يَا رَبِّ مُسْتَحِيرًا
وَإِنْفَاقًا بِسُرْعَةِ اجَانِبِكَ مُتَوَكِّلًا
عَلَى مَا لَمْ أُنْزِلْ أَعْرِفُهُ مِنْ جُسُنْ

دِفَاعِكَ عَالِمًا إِنَّهُ لَمْ يُضْطَعِدْ

مَنْ عَاوَايَ إِلَى خَيْلِ كَنْفِكَ

265

وَأَنْ لَا تَقْرَعَ الْفَوَادِحُ مَنْ الْجَا إِلَى

مَعْقِلِ الْإِنِّصَارِ بِكَ مَحْصَلَتِي

مَنْ بَاسُهُ بِقُدْرَتِكَ فَلَا لِحْدُ

يَا رَبِّ مَرْمُقْتِدٍ لَا يَغْلِبُ وَ

ذِي آفَاتٍ لَا يَعْجَلُ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

وَالْمُحَمَّدِ وَاجْعَلْنِي لَا تَعْمَكَ

مِنْ الشَّاكِرِينَ وَلَا لَانِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ

إِلَهُ وَكَمُ مِنْ سَحَائِبٍ مَكْرُوفٍ

جَلِيَّتُهَا وَسَمَاءُ نِعْمَةٍ أَمْطَرَتْهَا

وَجَدَ اُولَٰئِكَ اَمْتًا حَرِيصًا
اَمْطَرُهَا وَاَتَيْنِ احَدًا
كَمْسَهَا وَاَشْهَدَ رَحْمَةً
وَجَنَّةٍ عَافِيَةٍ لِّبَسَتِهَا
وَعَوْنِي
كَرِهَاتٍ كَشَفَهَا وَاُمُورٍ جَارِيَةٍ
قَدَرْتَهَا لَمْ تُعْجِرْكَ اِذْ طَلَبْتَهَا
وَلَمْ تَمْنَعْ عَلَيْكَ اِذَا ارَدْتَهَا فَلَكَ
الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُّقَدِّرٍ لَا يُغْلِبُ
وَدَّيْ اَنَاةً اَنَاةً لَا يَعْجَلُ صِلَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٌ وَالْحَمْدُ لَكَ وَاجْعَلْنِي
لَا تَغْلِبُكَ مِنْ الشَّكِّ بِرِزْوَانِكَ

مَنْ الذَّاكِرِينَ الْهَيَّوْكَكُمْ مِنْ
ظَنِّ حَسَنِ حَقَّقْتَ وَمِنْ عِلْمٍ

266

إِمْلَاقٍ جَبَرْتَ وَمِنْ مَسْكَنَةٍ
قَادِحَةٍ حَوَّلْتَ وَمِنْ صِرْعَةٍ
مُهْلِكَةٍ انْعَشَتْ وَمِنْ مَشَقَّةٍ
أَرَحْتَ لَا تُسْئِلُ يَا سَيِّدِي
عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ لَيَسْئَلُونَ وَلَا
يَنْقُضُكَ مَا انْفَقْتَ وَلَقَدْ سَلَّتُ
فَاعْطَيْتَ وَلَمْ تُسْئَلُ فَاَبْتَدَأْتُ
وَأَسْمَيْتَ بَابُ فَضْلِكَ فَالْأَيْدِي
أَبَيْتَ إِلَّا الرِّجَامَ مَا وَامِنَانَا وَالْأَ

تَحَوَّلَ يَا رَبِّ وَأَحْسَنَانَا وَابْدِئْ
يَا رَبِّ إِلَّا أَنْتَ هَاكَ حُرْمَانِكَ
وَأَجْزَاءً عَلَى مَعَاصِيكَ وَتَعَدُّ بِهَا
لِحْدُودِكَ وَغَفْلَةً عَنْ وَعْدِكَ
وِطَاعَةً لِعِدْوِي وَعَدُوِّكَ
لَمْ يَمْنَعْكَ يَا إِلَهِي وَنَاصِرِي
إِخْلَافِي بِالشُّكْرِ لَكَ عَنْ إِسْمَائِيلَ
إِحْسَانِكَ وَلَا حِجْرِي ذَلِكَ عَنْ
إِسْرَائِيلَ بِمَا خَطَبَكَ اللَّهُمَّ
وَهَذَا مَقَامُ عَبْدٍ ذَلِيلٍ اعْتَرَفَ
لَكَ بِالتَّوْحِيدِ وَأَقْرَعُ عَلَى نَفْسِي

بِالتَّقْصِيرِ فِي أَدَاءِ حَقِّكَ وَ
 شَهَادَتِكَ بِسُيُوعِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ
 وَجَمِيلِ عَادَاتِكَ عِنْدَهُ وَاحْسِنَاكَ
 إِلَيْهِ فَهَتَّى يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي
 مِنْ فَضْلِكَ مَا أُرِيدُكَ إِلَى رَحْمَتِكَ
 وَاتَّخِذْهُ سُلْماً أَعْرُجُ فِيهِ إِلَى
 مَرْضَاتِكَ وَأَمِنْ بِهِ مِنْ سَخَطِكَ
 بِعِزَّتِكَ وَطَوْلِكَ وَجَوْنَتِكَ
 مُحَمَّدٍ وَالْأَمَّةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ
 وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
 أَجْمَعِينَ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ

مُقْتَدِرٌ لَا يَغْلِبُ وَذِي أَنَاةٍ
لَا يَعْجَلُ صِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَا تَغْلُكَ مِنْ
الشَّاكِرِينَ وَلَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
الْهَيُّ وَكَمُ مِنْ عَبْدٍ أَسْبَى وَأَصْبَحَ
فِي كَرْبِ الْمَوْتِ وَحَشْرَجَةِ
الصُّدُورِ وَالنَّظَرِ إِلَى مَا نَقُصِرُ مِنْهُ
الْحُلُودُ وَتَفَرُّعُ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ
وَأَنَا فِي عَاقِبَةِ مِرْدَاكَ كُلِّهِ
فَلَئِنْ كُنْتُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ
لَا يَغْلِبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْهُ
لَا تَعْلَمُكَ مِنْ الشَّادِكِ كَرِيمٍ وَلَا لَائِكِ
مِنْ الدَّاكِرِينَ الْهَمِيِّ وَكَمُ مِنْ عُنْدِنَا
أَمْسَى وَأَصْبَحَ سَقِيمًا مَوْجِعًا
مُدْنِفًا فِي أَيْنٍ وَعَوْدٍ يَنْقَلِبُ
عَمَهُ وَلَا يَجِدُ مَحِيصًا وَلَا يُبْغِ
ظَامًا وَلَا يَسْتَعْدِبُ شَرَابًا
وَلَا يَسْتَطِيعُ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا
وَفِي حُسْرَةٍ وَنَدَامَةٍ وَأَنَا فِي
صَحْفَةٍ مِنَ الْبَدْرِ وَسَلَامَةٍ مِنَ
الْعَدِيشِ كُلِّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ وَ

عَافِيَةً مِّنْ ذَٰلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ
يَا رَبُّ مَن مَّقْتَدِرُ لَا يُغْلِبُ
لَا يَعْجِلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْنِي لِمَنْعُكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ
وَلَا لَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ
إِلَهِي وَكُفُّ مَن عَبْدًا أَمْسَى وَأَصْبَحَ
خَائِفًا مَرَعُوًّا مَسِيرُهُ مُشْفِقًا
وَحْدَنًا وَجَلَا هَارِبًا طَرِيدًا
أَوْ مُتَخَيِّرًا فِي مُصِيبَةٍ أَوْ مَخْبِئَةٍ مِّنْ
الْمَخْلُوقِ وَقَدْ ضَاقتْ عَلَيْهِ الْأَرْصُ
بِرَحْمَتِهِ وَلَا يَجِدُ جَبَلَةً وَلَا مَبْجَاوَةً

269
مَا وَى وَلَا مَحْرَبًا وَأَنَا فِي أَمَانٍ وَ
وَطْأَانِيَّةٍ وَعَافِيَةٍ تَرُدُّكَ كُلَّ
فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقَدَّرٍ لَا يُعْلَى
وَدَى أَنَا لَا يَعْجَلُ صِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَا يُغْلِبُكَ مِنْ
الشَّكْرِ كَبِيرٌ وَلَا لَيْلِكَ مِنَ الذِّكْرِ
الْحَمْدُ وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ
مِنْ لَوْكَ مُكْبِلًا بِالْحَدِّ يَدِي يَأْتِي
الْعُدَاةَ لَا يَرْجُونَ نَهْ فَقِيدًا مِنْ أَهْلِهِ
وَمَوْلَاهُ مُنْقَطِعًا عَنْ أَخْوَانِهِ وَ
بَلَدِهِ يَتَوَقَّعُ كُلَّ سَاعَةٍ يَأْتِيهِ

قَتْلُهُ يُقْتَلُ وَيَكُونُ مُثْلُهُ بِمِثْلِهِ
وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ

يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ وَذِي
إِنَاءٍ لَا يَجْعَلُ صِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

اجْعَلْنِي لِإِنْعَامِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ
وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنَ الدَّاكِرِينَ اللَّهُمَّ سَيِّدُكُمْ

مِنْ عَبْدٍ وَأَمْسَى وَأَصْبَحَ بِقَاسِي
الْحَرْبِ وَمُبَاشَرَةِ الْقِتَالِ بِنَفْسِهِ قُ

غَشِيَّتُهُ الْأَعْدَاءُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ وَ
السُّيُوفُ وَالرَّمَاخُ وَاللَّهُ الْحَرْبِ

يَتَقَعَّقُ فِي الْحَدِيدِ مَبْلَغَ مَجْهُودِهِ

وَاللهُ

وَلَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا

وَلَا يَجِدُ مَهْرَبًا قَدْ أَدْنَفَ بِالْجُرْاحَاتِ

أَوْ مُتَشَحِّطًا بِدَمِهِ تَحْتَ السَّنَابِلِ

وَالْأَرْحُلُ يَتَمَتُّنِي شَرِبَةً مِنْ مَاءٍ أَوْ نَظْمَةٍ

إِلَى أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا وَ

وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَلَا

أَحْزَنُ يَا رَبِّ مِنْ مُقَدِّرٍ لَا يَغْلِبُ

وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَالْحَمْدُ وَاجْعَلْنِي كَرِيمًا مِنَ الشَّاكِرِينَ

وَلَا لَأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اللَّهُمَّ وَسِّدْ بِي

وَكُنْ مِنْ عِبْدِ أَمْسَى وَأَصْبَحِ قُطْلَانِ

الْبَحَارُ وَعَوَالِصُ الرِّيحِ وَلَا هَوَالٍ
وَالْأَمْوَاجُ يَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ وَالْهَلَاكَ
لَا يَقْدِرُ عَلَى حِيلَةٍ أَوْ مُبَدَّلٍ بِصَاعِقَةٍ
أَوْ هَدْمٍ أَوْ غَرَقٍ أَوْ شَرْقٍ أَوْ حَرْقٍ
أَوْ خَسْفٍ أَوْ مَسْحٍ أَوْ قَدْ وَأَنَا فِي
عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَالْحَمْدُ
يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُهُ فِي
أَنَاءٍ لَا يَعْجَلُ صِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي
لَا تَعْمَلُ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لَائِكِ
مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلَهِي سَيِّدِي وَكُومِي عَبْدِي
وَأَمْسِي وَأَصْبَحْ مُسَافِرًا شَاحِطًا

عَنْ أَهْلِهِ وَوَطْنِهِ وَوَلَدِهِ مُحَمَّدًا
 فِي الْمَقَامِ وَزَنَائِمًا مَعَ الْوُحُوشِ
 وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَائِمِ وَحَيْدًا فَرِيدًا
 لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا
 أَوْ مَنَازِلًا يَأْتِيهِ أَوْ حَرًّا أَوْ جَمْعًا
 أَوْ عَطِشًا أَوْ عَرِيًّا أَوْ غَيْرَ مَرْنٍ
 الشَّدَائِدِ مِمَّا أَنَا مِنْهُ خَلُوقٌ وَأَنَا
 فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَلَا أَحَدٌ
 يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ ذِي
 أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَا نِعْمَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ

وَلَا لَأَتُكَ مِنْ لَدُنِّكَ يَا رَبِّ
كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فَقِيرًا
عَائِلًا عَارِيًا مُمْلِقًا مُحْفَقًا مَحْجُودًا
خَائِفًا جَائِعًا ظِمًا نَامِرًا يَتَنَظَّرُ
يَعُودُ إِلَيْهِ بِفَضْلِ أَوْ عَبْدٍ وَجْهِهِ
هُوَ أَوْ جَبْهَتُهُ مِنْ عِنْدِكَ أَوْ أَشَدُّ
عِبَادَةً لَكَ مَغْلُوبًا مَقْهُورًا قَدْ
حُمِّلَ ثِقَلًا مِنْ تَعَبِ الْعَنَاءِ وَشِدَّةِ
الْعُبُودِيَّةِ وَكُلْفَةِ الرِّقِّ وَثِقَلِ
الضَّرْبِ بِيَدِهِ أَوْ مُبْتَلَا بِبَلَاءٍ شَدِيدٍ
لَا قِيلَ لَهُ إِلَّا بِمَنْكَ عَلَيْهِ وَأَنَا

التَّحَدُّ وَرُ الْمُنْعَمِ الْمَعَارِفُ وَالْكُفْرُ
 فِي عَارِفَةٍ مِمَّا هُوَ فِيهِ فَلَا تَحْمَدُ اللَّهَ
 يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ وَذِي
 إِعْجَازٍ لَا يَعْجَلُ صِلْ عَلَى كُفْمِدٍ وَالْ
 حَمْدُ وَاجْعَلْ لِي لَا يَغْلِبُكَ مِنَ السَّالِكِينَ
 وَلَا لَيْتَكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ الْإِلَهِي سَيِّدُ
 وَكُمُ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ طَائِدًا
 شَرِيدًا حَيْرًا أَنَا مُتَّحِيرًا مُسْتَحِيرًا
 خَائِفًا جَائِعًا خَائِسًا فِي الصَّحَائِرِ
 وَالْبَرَارِىِّ قَدْ أَحْرَقَهُ الْخَرُّ وَالْبَرْدُ
 وَهُوَ فِي ضُرٍّ مِنَ الْعَيْسِ وَضُنْكَ

سَمِعَ الْحَبَوَاتِ وَذُلَّ مِنَ الْمَقَامِ بَنُطْ
إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَقْدِرُ رُهَا عَلَى
صَبْرٍ وَلَا نَفْعٍ وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ
بِحُجُودِكَ وَكَرْهِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ مِنْ مُقَدِّرٍ لَا يَغْلِبُ
وَدَخِي أَنَا لَا يَعْجَلُ صِلَ عَلَى حُكْمٍ
وَأَجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ
لَا تَعْلَمُ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لَائِكَ
مِنَ الذَّاكِرِينَ وَأَرْجَمْنِي بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِلَهِي مَوْلايُ
وَسَيِّدِي وَكَرْمُ عَيْدِ امْسِي

وَأَصْبَحِي

270
وَاصْبِرْ عَلَيَّ لَا مِنْ رِضَا سَقِيمًا

مُدْنَفًا عَلَى فَرَشِ الْعِلَّةِ وَفِي

لِبَاسِهَا يَتَّقِلُ يَمِينًا وَشِمَالًا لَا يَغِيثُ

شَيْءٌ مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ وَلَا مِنْ لَذَّةِ

الشَّرَابِ يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً

لَا يَسْتَطِيعُ مَا ضَرَّ وَلَا نَفْعًا

وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ يُجِردُكَ

وَكَرِهْتَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ وَذِي أَمْنَةٍ

لَا يَعْجَلُ حِلَّ عَلَمٍ حَمِيدٍ وَالْإِسْمَاءِ

وَأَجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَالَمِينَ

لَا تُغْنِيكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لَائِكَ
مِنَ الذَّاكِرِينَ وَأَرْحَمُهُ بِرَحْمَتِكَ
يَا مَسَالِكَ الرَّاحِمِينَ إِلَهِي مُوَلَايَ وَ
سَيِّدِي وَكَمُ مِنْ عَبْدٍ امْسَى وَ
وَأَصْبَحَ قَدْ دَنَا يَوْمَهُ مِنْ حَقِّقِهِ
وَقَدْ أَحْدَقَ بِهِ مَلَكُ الْمَوْتِ فِي
أَعْمَالِهِ يُعَالِجُ سَكْرَاتِ الْمَوْتِ
وَحِيَاضَهُ وَتَدُورُ عَيْنَاهُ مِمَّنَا
وَشَمَالَهُ يَنْظُرُ إِلَى أَحِبَّائِهِ وَأَوْدَادِهِ
وَإِخْلَافِهِ قَدْ مَنَعَ مِنَ الْكَلَامِ
وَمَحَبَبَ عَنِ الْخُطَابِ يَنْظُرُ إِلَى

نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا تَسْتَطِيعُ مَهَاجِرَ

وَلَا تَنْفَعَا وَأَنَا خَلَوُ مِنْ ذَاكَ

كُلُّهُ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ

إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرِ

لَا يَغْلِبُ وَذِي أَنْفَاءٍ لَا يَعْجَلُ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْهُ

لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ لَا تَعْلَمُ مِنْ

الشَّاكِرِينَ وَلَا الْإِيَّاءِ مِنَ الذَّاكِرِينَ

وَأَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ يَا مَالِكَ

الرَّاحِمِينَ إِلَهِي مُوَلَّايَ وَسَيِّدِي

وَكُفُّرٍ مِنْ عَبْدٍ مُسْنِيٍّ وَأَصْبَحَ فِي

مَضَائِقُ الْحُبِّ وَالشَّجْوَانِ
وَكُرِّهَا وَذِلَّهَا وَحَدُّهَا يَدُهَا يَدُنَا
وَلَهُ أَعْوَانُهَا وَزُلَّاتُهَا قَلَابِدُهَا
أَيُّ حَالٍ يُفْعَلُ بِهِ وَأَيُّ مِثْلِهِ
يُمَثَّلُ بِهِ فَهُوَ فِي ضَمِيرٍ مِنَ الْعَيْشِ
وَضَنْكٍ مِنَ الْحَيَاةِ يُنْظَرُ إِلَى نَفْسِهِ
حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرْسٌ وَلَا
نَفْعًا وَأَنَا خَلَقْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ
بِحُودُوكَ وَكَرِّهَكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ
لَا يَعْزِيبُ وَذِي آثَارٍ لَا تَعْجَلُ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي

لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ لَا تَعْمَلْ مِنْ

الشُّكْرِ كَرِيْنٌ وَلَا لَائِكَ مِنْ

الذَّاكِرِينَ وَأَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ

يَا مَالِكَ الرَّاحِمِينَ وَالْهَيُّ مُوَلَّائِي

وَسَيِّدِي وَكَرِّمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى

قَدْ اسْتَمَرَ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَاحْدٌ

بِهِ لِبِلَاءٍ وَفَارِقٌ أَوْ دَاءٍ

أَحْبَانُهُ وَأَخْلَاءُهُ وَأَمْسَى حَقِيرًا

أَسِيرًا ذَلِيلًا فِي أَيْدِي الْكَفَرَةِ

وَالْأَعْدَاءِ يَتَدَاوَلُونَهُ يَمِينًا

وَيُشْمَاكَ أَقْدَحُ حُلٍّ فِي الْمَطْلَمَيْنِ وَ
ثِقَلٍ بِالْحَدِيدِ لَا يَرِي شَيْئًا مِّنْ
ضِيَاءِ الدُّنْيَا وَلَا مِّنْ رُّوحِهَا
يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ
لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَأَنَا خَلَوُ مِّنْ
ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ
فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِّنْ
مُّقَدَّرٍ لَا يَغْلِبُ وَذِي آفَاقَةٍ
لَا يَعْجِلُ صِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَايِدِينَ وَ
لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشُّكْرِ كَرِيمًا وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

مِنَ الذَّاكِرِينَ وَأَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ

276

يَا مَالِكَ الرَّاحِمِينَ اَلْهُىْ مُوَلَّائِي

وَسَيِّدِي وَكُمُ مِنْ عَبْدٍ اَمْسِي

وَاصْبَحْ قَدْ اَشْتَاقَ اِلَى الدُّنْيَا

لِلرَّغْبَةِ فِيهَا اِلَى اَنْ خَاطِرَ بِنَفْسِهِ

وَمَالِهِ حِرْصًا مِنْهُ عَلَيْهَا

وَقَدْ رَكِبَ الْفُلْكَ وَكُسِّرَتْ

بِهِ قُيُوتُهُ فِي اَفَاقِ الْبَحَارِ وَظِلْمِهَا

يَنْظُرُ اِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا

عَلَى نَصْرِهِ وَلَا نَفْعٍ وَاَنَا خُلُومٌ مِنْ

ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مَنْ
مُقْتَدِرٌ لَا يُغْلِبُ وَذِي أَمْنَةٍ
لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ
وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لَأِيكَ
مِنَ الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ
يَا مَالِكَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ مَوْلَايَ
وَسَيِّدِي وَكَمُ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى
وَاصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ
وَاحْتَدَى بِهِ الْبُلْدَاءُ وَالْكَفَّارُ
وَالْأَعْدَاءُ وَأَخَذَتْهُ الرِّمَاحُ

وَالسُّيُوفِ وَالسَّهَامِ وَجَدَلُ صَبْرًا

وَقَدْ شَرِبْتَ الْأَرْضَ مِنْزِدًا وَكَذَلِكَ

السَّبَاعُ وَالطَّيْرُ مِنْ حَمَلِهِ وَإِنَّا

خَلَوْنَا مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ

وَكَرَمِكَ يَا سَيِّدَ الْحَقِّاقِ مَعْنَى يَا إِلَهَ

الْأَلَانِ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرِهِ

لَا يَغْلِبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَدْرُ

عَلَى مَكِيدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَأَجْعَلْنِي

لَا تَعْمَلُكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا الْآثِمِينَ

مِنَ الذَّاكِرِينَ وَأَرْحَمِ بِرَحْمَتِكَ

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَعَزِّزْكَ

يَا كَرِيمُ لَا تَطْلُبْ بِي مَا لَدَيْكَ وَلَا حِجْنَ
عَلَيْكَ وَلَا حِجْنَ إِلَيْكَ وَلَا مَدَنَ
بَيْنِي وَبَيْنَكَ مَعَ جُرْمِي إِلَيْكَ
فِيمَنْ أَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ وَبِمَنْ أَلُوذُ لَا أَجِدُ
إِلَّا أَنْتَ أَقْتَرِدُنِي وَأَنْتَ مُعَوِّلِي
وَعَلَيْكَ مُتَوَكِّلُ اسْأَلُكَ
بِاسْمِكَ الَّذِي وَصَعْتَهُ عَلَى
السَّمَاءِ فَاسْتَقَلَّتْ وَعَلَى الْأَرْضِ
فَاسْتَقَرَّتْ وَعَلَى الْجِبَالِ فَاسْتَقَرَّتْ
وَعَلَى اللَّيْلِ فَاطْلَمَ وَعَلَى النَّهَارِ
فَاسْتَنَارَ إِنَّ قُصْلِي عَلَى حَكَمٍ

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ لِي جَمِيعَ جَوَائِزِي
 وَتَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا صَغِيرَهَا
 وَكَبِيرَهَا ^{وَبِئْسَ مَا} تَوَسَّعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ وَمَا نُبَلِّغُهُ
 بِهِ شَرَفَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ مَوْلَايَ بِكَ اسْتَعِثْتُ
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْتِنِ
 وَبِكَ اسْتَجِرْتُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجِرْنِي وَاعْتِنِ بِطَاعَتِكَ
 عَنْ طَاعَةِ عِبَادِكَ وَتَبَسُّلِكَ
 عَنْ مُسْئَلَةِ خَلْقِكَ وَانْقُلْنِي
 مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ إِلَى عِزِّ ذُلِّ الْغِنَى

وَمِنْ ذُلِّ الْمُعَاصِي إِلَى غَيْرِ الظَّالِمِينَ
فَقَدْ فَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ
خَلَقْتَ جَوْدًا مِنْكَ وَكَرَمًا
لَا يَسْتَحْقِقُ مِنِّي إِلَّا هُوَ فَكَأَنَّكَ
عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ
لَا يَغْلِبُ ذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجِلُ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِمَنْ يَنْعَمُكَ
مِنْ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَيِّكَ مِنَ
الذَّاكِرِينَ وَأَرْحَمِهِنِي
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ يَا رَبِّ

اگر مشکلی یا غمی یا مصیبتی سخت پیش آیدش

سوی آسمان کند و ثقلیه بنشیند و کوره پسین و کوره

واقع را بخواند و کوره احلاص نیز بخواند و صد بار بگوید

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ

در رکعت اول فاتحه یکبار و صد بار بگوید

وَاقْضِ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ

بِالْعِبَادَةِ و در رکعت دوم فاتحه یکبار و صد بار بگوید

إِنَّمَا مَرْحُومٌ تَاكْفِيكُونَ بخوانند و چون

سلام باز و بد صد بار بگوید اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

و صد بار بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و صد بار

صَلَوْتِ بِرُيْغَمْبَرُ و دست از آن غم و مصیبت

نجات باید داشت و الله تعالی ایضا و دیگر هر کس این

دعا بعد و اسم خود و روزنامه تا هبل روز هر روز پیش از

طلوع آفتاب و اولایک که در وقت آفتاب مانده بازده

بر شبانه الکره را تمام بخواند و بعد از آن بعد و اسم خود و در آن روز

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَنَا أَبْوَابَ الْفَضْلِ

الْفَيْضِ وَالْخَيْرِ وَالْذَّوْلَةِ

وَالسَّعَادَةِ وَالْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَرَبِّ قُلُوبٍ بَارِئٍ أَوْعِيٍّ قَاسِرٍ أَوْعِيٍّ مَلَأَ
قَبْرِ رَسُوْلِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
وَقَرَأَ بِحَسْبِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ هـ

وَالنُّصْرَةَ وَالْأَمْنَ وَالْأَمَانَ

وَالْإِيمَانَ وَالتَّوْفِيقَ لِلدُّنْيَا

وَالْآخِرَةِ أَخْرَجَ أَقَابَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ

عَظِيمٍ دَارُ خُصُوصٍ بِهَيْئَةِ هَمَاتٍ وَحَوَائِجِ دُنْيَا

وَأَرْسَدَهُ هَذَا الدُّعَاءُ السَّامِعُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ

الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذِي

إِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى مَغَالِقِ أَبْوَابِ

السَّمَاءِ لِفَتْحِ الرَّجْعَةِ انْفَجَحَتْ

وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى مَضَارِقِ
أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِلْفَرْجِ انْفَرَجَتْ
وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ
تَيَسَّرَتْ وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى
الْأَمْوَالِ لِلنُّسُورِ انْتَشَرَتْ وَ
إِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى كُشْفِ
الْبَاسَاءِ وَالضَّرَاءِ انْكَشَفَتْ وَجَلَّ
وَجْهِكَ الْكَرِيمَ لَوُجُوهُ وَاعِزَّ
الْوُجُوهَ الَّتِي عَنَّتْ لَهُ الْوُجُوهُ
وَحَضَبَتْ لَهُ الرِّقَابُ خَشَعَتْ
لَهُ الْأَصْوَاتُ وَوَحَلَتْ لَهُ

الْقُلُوبُ مِنْ مُخَافَتِكَ وَيَقُولُكَ

الْبَنَى نَمْسِكَ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى

الْأَرْضِ إِلَّا بِأَذْنِكَ وَنَمْسِكَ

السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ أَنْ تَزُولَا

وَيَمْشِيكَ الْبَنَى دَانِ لَهَا الْعَالَمُونَ

وَيَكْلِمُكَ الْبَنَى خَلَقْتَ بِهِ السَّمَاءَ

وَالْأَرْضِ وَبِحِكْمِكَ الَّتِي صَنَعْتَ

بِهَا الْعَجَائِبِ وَخَلَقْتَ بِهَا

الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لِبِلَاوَجَعِكَ

الَّيْلِ سَكَنًا مَسْكًا وَخَلَقْتَ

بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَارًا وَجَعَلْتَ

الَّتِي هِيَ رُسُودٌ مُبْصِرَةٌ وَخَلَقْتَ
بِهَا الشَّمْسَ ضِيَاءً وَجَعَلْتَ
الشَّمْسَ وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ
جَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا وَخَلَقْتَ بِهَا
النُّجُومَ وَجَعَلْتَهَا نُجُومًا
وَبُرُوجًا وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُومًا
وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ
وَجَعَلْتَ لَهَا مَظَالِعَ وَمَجَارِي
وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكَامَ وَمَسَابِيحَ وَقَدْ
فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ
تَقْدِيرَهَا وَصَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ

تَصَوِّرُهَا وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ
أَحْصَاءً وَدُبَّرْتَهَا بِحِكْمِكَ
تَدْبِيرًا وَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا
وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَسُلْطَانِ
النَّهَارِ وَالسَّاعَةِ وَعَدَدِ السَّنَنِ
وَالْحُسَابِ وَجَعَلْتَ رُؤُوسَهَا
لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرِيءًا وَاحِدًا وَسَأَلْتُكَ
اللَّهُمَّ بِحَمْدِكَ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ
بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى
ابْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي
الْمُقَدِّسِينَ قَوْفَ إِحْسَاسِ

الْكُرُوبَيْنِ فَوْقَ عَمَائِمِ النُّورِ فَوْقَ
طَابُوتِ الشَّهَادَةِ فِي عُمُودِ
النَّارِ فِي طُورِ سَيْنَاءَ وَفِي جَبَلِ
حُورَيْشٍ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ فِي
الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ
الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنْ الشَّجَرَةِ وَفِي
الْأَرْضِ مِصْرَ بَيْتِ يَعْقُوبَ بَيْنَ
وَيْحٍ وَرَقَّتْ لِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْحَجْرُ
وَفِي الْمُنْتَحَسِرَاتِ الَّتِي صَنَعَتْ
بِهَا الْعَجَائِبُ فِي بَحْرِ سُوْفٍ وَعَقْدُ
مَاءِ الْحَيِّ فِي قَلْبِ الْقَمَرِ كَالْمَحَارِقِ

وَجَاءَ زُكْرَةُ بْنُ إِسْرَائِيلَ الْبَحْرِي
وَمَتَّ كَلِمَتَكَ حُسْنِي عَلَيْهِمْ مَبَا 283

صَبْرُهُ وَأَوْثَقَتْهُمْ مَشَارِقُ الْأَرْضِ

وَمَغَايِزُهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ

وَأَعْرِفْتَ فِرْعَوْنَ جُنُودَهُ مَرَكِبُهُ

فِي الْيَمِّ وَيَأْسَمَكَ الْعَظِيمُ الْأَعْظَمُ

الْأَعَزُّ الْأَجَلُ الْأَكْرَمُ وَمَجْدِكَ

الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لَوْ سِيَ كَلِمَتِكَ

عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَاءَ

وَلَا بُرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

مَنْ قَبْلَ فِيمَسْجِدِ الْحَيْفِ وَلَا سَمِيحِ

صَفِيكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ شَيْخٍ
وَلِيَعْقُوبَ نَبِيَّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
يُمِيشَا قَكَ وَلَا سَحَى خَلْفَكَ
وَلِيَعْقُوبَ بِشَهَادَتِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ
بِوَعْدِكَ وَلِلدَّاعِينَ بِاسْمَائِكَ
فَاجَبْتُ وَبِمَجْدِكَ الَّذِي
لِمُوسَى ابْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَلَيْهِ الزَّمَانُ وَيَا يَانُكَ الْخَوْفُ
عَلَى الْأَرْضِ مِصْرَ مَجْدِ الْغُرَّةِ وَالْفَلَا
يَا بَاتِ عَزَّتْ وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ وَ
بِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ وَبِشَانِ الْكَلِمَةِ

فِي بَيْتِ ابْنِ وَاقِفٍ لَا يُرَاهِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

التَّامَّةِ وَبِحِلَاكِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ
بِهَا عَلَى أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَأَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِرَحْمَتِكَ
الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ
وَبِاسْطِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا
الْعَالَمُونَ وَبِنُورِكَ الَّتِي الْعَالَمِينَ
الَّذِي قَدْ خَرَّ مِنْ فَرْعِهِ طَوْرُ سَيْنَاءَ
وَبِعِزَّتِكَ وَعَظَمَتِكَ وَجَلَالِكَ
وَكِبَرِيَاؤِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَبَرُوتِكَ
الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلْهَا الْأَرْضُ وَانْخَفَصَتْ
لَهَا السَّمَوَاتُ وَارْجَوْهَا الْعُصُوفُ

الْكَبِيرُ وَرَكَدْتَ لَهَا الْبَحَارُ وَالْأَنْهَارُ
وَحَضَعْتَ لَهَا الْجِبَالُ وَسَكَنْتَ
لَهَا الْأَرْضُ بِمَا كَيْهَا وَاسْتَسَلْتَ
لَهَا الْخَلَائِقُ كُلُّهَا وَخَفَقَتْ لَهَا
الرِّيحُ فِي جُرُيَافِهَا وَخَمَدَتْ لَهَا
النَّيِّرَانُ فِي أَوْطَانِهَا إِبْرَاهِيمُ
الَّذِي عُرِفَتْ لَكَ بِهَا الْغَلِيَّةُ
دَهْرَ الدُّهُورِ وَحَمِدَتْ بِهِ فِي
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ نَزِيلُكَ
كَلِمَتِهِ الصِّدْقُ سَبَقَتْ لَنَايِمُ
أَدَمَ وَخُرَيْبَتُهُ بِالرَّحْمَةِ وَاسْتَلَكَ

يَكْلِسُكَ الَّتِي عَلَيَّتْ كُلُّشُهُ وَبُورُ

وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّى بِهِ لِلْجَبَلِ

فَجَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّمُوا سِي صَعَقًا

بِحَدِّكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ

فَكَلَّمَهُ بِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ مُوسَى

ابْنُ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَطَلْعُكَ

فِي سَاعِ عِيرٍ وَظُهُورِكَ فِي جَبَلٍ

فَارَانِ بِرَبِّكَ أَيْتِ الْمُقَدَّسِينَ وَجُودِ

مَلَائِكَتِكَ الصَّافِينَ وَخُشُوعِ

الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ وَبِرِّكَ كَائِكَ

الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ

عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبَارَكْتَ لِإِسْحَاقَ
صَفِيَّكَ فِي أُمَّةٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَبَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ ابْنِ إِسْرَءِيلَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةٍ مُوسَى
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عِشْرَةِ
وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّةٍ اللَّهُمَّ وَكَمَا غَنَيْنَا
عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ وَأَمَّنَّا بِهِ وَلَمْ
نَرَوْهُ صَدَقَ مَا وَعَدَ لَا أَنْ تَصِلَ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَرَحْمَةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 مُحَمَّدٍ كَا فَضْلٍ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ
 وَرَحِمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِهِ
 أَنْتَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ
 وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ قَدِيرٌ
 يَا اللَّهُ جَاهِتْ طَلِبِ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ
 يَا بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ
 وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ
 بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ
 الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَلَا يَعْلَمُ بِأَصْلِهَا
 غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَأَفْعَلُ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ
بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ وَانْقَرِ بِي مِمَّنْ
يُؤْذِنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ مَا لَكَ
يَوْمَ الدِّينِ إِنَّكَ تَعْبُدُ وَإِنَّا نَك
تُسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ
الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ
لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّدًا مِمَّنْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خَشَةُ اللَّهِ وَتَلَابِ الْأَمْثَالِ نَضْرِبَهَا

لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي

لَا إِلَهَ هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ

السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمُ الْعَزِيزُ

الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا

يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَهُوَ

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

هفت مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بن طریق

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَسَلِّمْ بَعْدَ مَا كَانَ فِي عِلْمِ اللَّهِ

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و حاجت خود طلب نماید البته باید با وضو باشد و پیش از اقامت کند

البته مراد حاصل خواهد شد اللَّهُمَّ بَلِّغْ بِرُوحِ

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ أَلْفِ صَلَوَاتٍ

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا دَائِمَ

بِغَيْرِ فَنَاءٍ وَلَا وَاكُلْ لِمَلَاكِهِ وَبِقَائِهِ

بر کتب بعد از نماز هفت مرتبه بخواند در روز و هر روز بوی بر

دلیل

و سلامت منزل خود را آید و از مرده اند و بعد از نماز صبح بر سر آنکه

کسی سخن گوید که خواسته خیر او حضرت امام حسین باشد و چهار بار او را بپوشند و الله

288 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِذَا سَأَلْتُكَ بِكَ لِي وَ

مَعًا قَدْ عَرَشْتُكَ وَسُكَّانِ سَمَوَاتِكَ

وَأَرْضِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ

أَنْ تَسْتَجِيبَ لِقَدْ رَهَقْنِي مِنْ

أَمْرِي عُسْرًا فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَحْمِلَ

لِي مِنْ أَمْرِي بَشَرًا زَبْرًا شَدِيدًا

كَدْرَةً يَجْزِيكَ هَذَا الدُّعَاءُ بِمَا مَدَّ

كُلُّ جَبَّارٍ يَامُعِزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَحَقَّكَ
يَلْبِغُ بِكَ هُوْدِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالْمُحَمَّدِيَّ وَفَرَجِ عَيْنِي

مرتبہ برہمنیہ سیاہ بخواند و ناشتا بخورد و اللہ حفظ او

زِيَادَةُ شَوْهِدِ هَذَا الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ نَوِّرْ قَلْبِي
وَأَشْرَحْ لِي صَدْرِي وَأُظْلِمْ لِي
لِسَانِي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

شرح سورہ یس بس باین طریق ہر س بخواند

جمع برادلت و نبوی و اخروی محصل گردد و روایت میکند

از امام باطن جوهر بن محمد الصادق علیه السلام از رسول الله

على السم

صلی الله علیه و آله و سلم که هر که هفت بار سوره یسین بخواند
برکت آید بود آن سبک آید بایستد بفرمان خداوند

289

اگر کسی آب روان بخواند این سوره و بدان طهارت
کند و در کف نماز بگذارد و از هر کفنی سوره یسین بخواند
اگر عالم را آب بکشد و نور روی آب باشد آن آب بر نو
المی نرسد بفرمان خدای عزوجل اگر این سوره هفت بار
تخواند و بر باد و مد و بگوید که فلان سلطان را بخش
من بیاورد در حال بقدرت الله تعالی آن سلطان حاضر
گردد و اگر این سوره را هفت بار بخواند و بعد از آن کاغذ
پایزه با طهارت بنویسد و روی بقبله کند و با اعتقاد در
پوسته هفت نوبت دیگر بخواند آنگاه آن کاغذ را بپزد

بند و شایب باید که صفت راست نباید اگر
این سوره را بنویسد و بموم کرد و نمازی راست خود بند
و دوست و دشمن و جده خلایق مسخوری کردند اگر خواهی که
مجت کس بر بنی باید که از دو کور پنه خاک بر کبری این
سوره را یکبار بروی بخوانی و باد بر آن خاک دمی و
آن خاک را گل سازی و بدو از خانه انکس زنی
که تحت انکس بسته شود که در کث ده نکند و این
منه را باید که هر کس تعلیم کند که محبت دیگر از خواهی که
را از عشق خود و بر آن سازی چنانکه از عشق تو یکدم قرار
نیاید باید که بر چهار بار پسگردد این سوره را چهار بار بخواند
و بر آن سنگ سوره را چهار بار بخواند و بر آن سنگ

بدو آن سکرز را بجزه کند و خره بموم کند و در آتش ^{حمام} خام

هند و آتش اندک برسم و باید که شب بگذارد که برون آرد

290

و سکرز را برون کنند و نه آن کند که بملک شود و عشق

و این مجربست و اگر خواهی که درخت و دولت و عزت

بر تو باشد که در درخت نماز کند و در هر کجی یکبار

فایده یکبار سوره بس بخواند و این نماز روز سه شنبه و یا شنبه

و یا دینه بگذارد که درخت و دولت بر وی کشاید و در

این مجربست و اگر خواهی که میان دو کس دشمنی نشود و این

بر و وصله نان این سوره هفت بار بخواند و بر یک دهد

خورد که هرگز بیکدیگر نمانند و این عجبت و اگر خواهی که را

ملک کنی یا رویک خشت خام و در پیش خود دهند و یکبار

این سوره بخواند و برابر که سوره عام کند یک هزاره چوبین
بازد و این دعا را آن بخواند نه در روزی مانند هزاره کند
بعد از آن خشت را در یک حوض آب بیندازد و چون آن
خشت باطل شود دشمن ملک شود لغویان خدای عزوجل
اگر این سوره نهمست غایب است و یکبار بخواند عاید
در آن روزی حاضر شود لغویان خدای عزوجل اگر آن
سوره یکم باشد و بموم اندر کرد و بر بازوی راست
بندد عجایب باشد اگر جوابی روزی عمل کند پس از
نوشتن یکبار بخواند در حال آن غایب حاضر شود
و این عظیم دارد و اگر این سوره را در شب روزی بخواند
بار بخواند یا هفت بار بخواند چنان بود که بفرماند و بار ختم قرآن

کرده باشد و در حفظ و امان حق تعالی باشد اگر خواهند که عقد ^{الدین}

کند و برگردانیش و هفت که نه بزند و هر یک چهار بخواند و

291

در پیش در خانه خود و یا در پیش در خانه او و حق کند الله را

دشمن بسته کرد و فرمان خدای عزوجل و اگر خواهی که کسی را

مهریان خود کنی چهل و یک سکریره بگرد و چهل و یک نوبت

این سوره را بروی بخواند هر نوبت که بخواند یا در یک سکریره

ببرد و همچنین تا چهل و یک سکریره آخر شود بعد از آن ^{سکریره} رزق

را در خمره کند و سر خمره را بموم دستوار کند و در کرمای نهان

کند عجایب بیند و هم آن بود که رسوا شود و باید که زود برون

آرد اگر خواهی که کسی را مطیع خود کنی و الی بیار و ساد

هفت بار این سوره را بروی بخواند و در خانه آنکس نهند

آنکس مطیع تو کرد و در جهان شود که بی تو آرام نگیرد و بی تو

آب نتواند خوردن اگر خواهی که کس را مطیع خود کنی این سوره

را چهل و یکبار بخواند بر هفت باره رسیان و در جامه آن

کس در سجده و موم مهر کند و در خانه تاریک نهاد آن کس

مطیع تو گردد و آن محراب است اگر خواهی که مری که بندی

بیازد و کوزه خاک و بروی یکبار این سوره بخواند و آن

خاک را گل کند و در دیوار خانه آنکس نهاد یا بر درخت

پنهان کند هرگز نماند و در این نیز محراب است اگر خواهی

که خلق را در خصوصت اندازی بخوان بر تخم قمی و باد ببرد

و در وایم آن مرد را ببرد آن تخم قمی در میان مردم اندازد

آن خوب عظیم افتد و این آیه را هفت بار بخواند در حالت

انوار

انداختن اگر این آیه بخواند شاید نقد گزاسیاء

292
فِي مَسْكِهِمْ آيَةٌ جَنَّاتٍ عَنْ
يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ
وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدًا طَيِّبَةً وَرَبُّ عَفُوٌّ

اگر این سوره را هفت بار بخواند روزی بروی فراخ آید

اگر را کالای فروخته در شتم باشد و خریدار نباشد این

سوره چهل و یکبار بخواند و باد بروی دهد بارش بگوشد و

و خریدار بشکوبد بسیار شود و سود بسیار در دست آید

اگر خواهی که زنی را در لجاج خود در آری بستان تو و دوام

و این سوره بر آن باد و بخوان و باد بر آن و مدد بر بماند بر شتم

در یزد درخت سیب سفید شیرین یا امر و شیرین سازد

هر پهای خویش در زیر آن درخت بسوزد بیشک برادر
برسد و آن زن بکفاح آورد اگر خواهی که کسی را عاشق و
مستعدی خود کرد و آتی بر کمر از بهمت گردانند خاک و مفت
این سوره بر آن بخوان و در طعامی که یک شغال از آن خاک
ببنداری و بر آن کس که دل تو خواهد بدی تا بخورد و عشق
تو بپواند کرد و در محبت اگر خواهی که عقده‌ها را که
کسی ببار یک خشت در پیش خود نهاده است و یکبار این
سوره پس بخوان و پاک سخن گوید و هر بار که بخوانی پاک
خط بر روی آن خشت بکشد چون تمام شود بعد از آن خاک
که بر روی خشت گرد آمده باشد بگیرد و تمام را گل کند و بر روی
همان خشت مالد و بعد از آن خشت را بگیرد و در زیر نعل
مالد

نهند و از خانه بیرون آید و با کسی سخن نگوید و مکه و کورستان

رو و دامن تخت را در کور کشته اند از تو و میاید که محراب است اگر

293 هزار سخن و عجب تو بگویند چون نزدیک تو آید همه فراموش

کنند و خواهی که بسا تو بگویند هر که این معنی را شنید آرد کافر

کرد و اگر مردی را بسته باشد و به چکونه کشاده نشود و

چون هفت روز این سوره را بر کلاب و زعفران بخورد

و بخورد در ساعت کشته ده کرد و در هر علتی که در اندرون

رفع شود اگر کسی را دست تنگ باشد باید که در شب

آدینه بعد از نماز خمس چهل و یکبار این سوره بخواند و بعد

صلوات بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بخواند

حق تعالی روزی او فراح گرداند و اگر این سوره را بر قدری

نمان بخواند و یک و هفتاد بخورد و آن نیت که فلان
کس را از فلان کس جدا می شود و البته از یکدیگر
جدا شده اند اگر خواهی که میان دو کس دشمنی افکند
بیاور سنگ که یک من و ده سیر باشد و حمل و
یک بار این سوره را بخواند و بر آن در و آن سنگ
را برود و در نزد آن اندازد و حال میان ایشان
جدا می افتد اگر خواهی که کس را عاشق خود کنی بخوان
این سوره نیک طرز در روز یکشنبه پیش از نماز
باید و سیاه نوبت بخواند و در آتش بندازد و
بنام وی و مادر وی و بنام خود و مادر خود بخوان شود که
اگر یک ساعت ترانه بنید و بوانه کرد و دواته است

آیت نیت و ضرب لنا مثلا و نسی

خلفه قال من یحیی العظام

294 و هی رمیم قل یمحیها الذی

انشأها اول مرة و هو بکل

خلق علیمر دل و جان فلان بنت

فلان ایاک نعبد

و ایاک نستعین

و اگر همی پیش تو آید چهل و یکبار این سوره بخواند

البته این مهم وی کفایت شود و اگر ~~کس~~ این سوره

را بر غفلان و طلب بهت و یار نبوید و بخورد و دل

می قوی گردد و هر چه بشنود و هر چه بخواند بگوید و در پیش

کنند و اگر این سوره را توب در درختی بنند و آن

درخت میان باغ باشد کز آفت بر آن باغ

نرسد و در خانه این سوره باشد هیچ دیو و پری نرود

بآن خانه و صاحب خانه رساند فرمان خدا تعالی هرگز افزاید

نماند این سوره را بر عفران و مگدای توب و در موم

گیرد و آب اندازد و از آن آب بخورد و آنگاه بر آن

وی بندد و چون بشو جمع شود و فرزند پیدا شود و فرمان

خدا تعالی ان شاء الله تعالی و حده العزیز بیدار کند سوره

سبأ را صفتی دارد از جمله خواصی چند مذکور میشود و اول

هر که اهمی پیش آید مداومت نماید که مراد حاصل شود

باید که شک نیارد و با اعتقاد درست بخواند و رعایت

لحم

سو اختیار کند که برادر برسد و اگر خواهی که کس را مطلع

خود را دانی بعد از نماز فرض باید او چهل و یکبار چهل و یک

ک 29

فلفل سفید بخواند و هر یک در میان مویری نهد و هر روز

یکی بخواند و باید که بگوید خطا نکند و اگر یکبار سوره اندان

کس و نوانه و بتو ار کرد و بفرمان خداست و ارحمت

میخ این بجزاری یک انگشت و هر منجی یکبار بخواند و در

آتش باندازد تا سحر شود و انگس بتو ار کرد و والرحم

زبان کس با جماعتی بیست یکبار باره جزو چهل یکبار کنند

یکبار این سوره بخواند و در آید و آن اندازد و در میان آن

سپس بسته کرد و زبان بسته شود که هیچکس باز نتواند

کرد و بفرمان خداست و ارحمت و اگر خواهی که راحم خود

سکزی چهل و یک دانه نوشتا در چهل و یک بار
سوره یس بدان بخواند و در خانه آن کس نهان کند
در خانه تاریک باشد بخواند و در خانه آن کس محب
و فرمان بر داری کرد و فرمان خدای عزوجل و اگر
خواهی که زادوست خود کردانی بیار چهل و یک خوزه
و چهل و یک بار این سوره بخوان روی و در آتش نهند
که سوزد آن کس آرام نگردد تا پیش روی بیاید فرمان
خدای عزوجل و اگر خواهی که راعا شوق خود کردانی بیار
چهل و یک دانه سکنه سبز و بر شک یکبار این
سوره بخواند و سکهها در خمره سبز نهد و سر خمره بنوم محکم
کند و در جای گرم نهان کند عجایب باشد اگر خواهی که

۴۱ اگر خواهی که بر سر آتش خود کردانی بیار
بیار بخواند که در داخل آتش و در آتش خدای تعالی ۴۲

عقد الدار

عقد لسان کنی یار باره رسیان که دختر نایب رسته باشد

و سه بار این سوره بر آن بخواند و سه گره بزند و در خانه

296

و دشمن نهان کند زبان دشمنان بسته شود و اگر

خواهی که محکم بسته شود چهل و یکبار بخواند و گره

بزند و عجایب پیدا خواهد کرد که مار و کزوم گزیده را

به شود هفت بار بر آب خواند و بخورد مار گزیده بدید

آشفایا بدو اگر مار گزیده حاضر نباشد همان کس که خورده

باشد بدید که شفا یابد یونان خدای عزوجل و اگر کسی تواند خواند

بر پوست آهو بنویسد و با خود نگاه دارد که اگر خونی کرده باشد

بسیح کس با وی دشمنی نتواند کرد و اگر همه عالم دشمن وی

باشند بیکت این سوره کریمه صبح گزندی بوی تواند رساند

و اگر خواهی که دشمنی یک کتی بیار خاک چهار راه و این
را بر آن خوان و باد بر آن دید بنام آنکس که خواهد و در خانه
آنکس رود شنبه در ساعت پنج یا رحل نیزه از
بهدر جدا شود چنانچه هرگز هم رسد هفت باره سنگ
در روز شنبه در ساعت زهرو یا شتری هفت بار
برشک خواند و بد آنکس دهد تا بخورد و در دوستان چنان
شود که آرام بگیرد و لغزان خدای عزوجل اگر خواهی که
مطلع خود سازی یا در باره خالص چهل و یکبار کند
و یک نوبت این سوره بخواند و یک در آتش اندازد
که یک ساعت آرام بگیرد و لغزان خداستعالی اگر خواهی که
که را بر بنده از دو کور کشته خاک برگیرد و یکبار این سوره
الان

بر این بخواند و کل کند و بدیوار خانه انگس زند یا سیاو

انگس بسته شود و دیگر سیاو در دایره کرده گویند و هفت

299 بار این سوره بخواند و بر این و مدبر نیست و شش و یک

سیاه دهد تا بخورد و سکت دیگر لوی نتواند رسید دیگر سیاو خری

خوردنی و هفت بار این سوره بخواند و بر این و مدبر

اگر شاد باشد بارش بیدار است و الله تعالی

و عای روز نوروز باید خواند اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا هَذَا السَّنَةَ

جَدِيدَكَ وَأَنْتَ مَلِكٌ وَدَائِمٌ

أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيهَا

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا

وَأَسْتَكَفِيكَ مَوْنَهَا وَشُغْلَهَا إِذَا اجْتَلَا

وَالْأَكْرَمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ
الْأَبْصَارِ يَا مُدِيرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
يَا مُجَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوْلَ لَنَا
إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

از برای مریض هر شنبه تا چهل روز او را خوانده که بهتر از دست

خود برانند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَعْلَمُ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ حَسْبُنَا
اللَّهُ نَعْمَ الْوَكِيلُ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ
الْمُخَالِقِينَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

بِاللَّهِ

بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ این دعا حدیث بسیار

دارد و از برای مریض باید خواند الضیاء و عای و دیگر

298

بِحُرْمَةِ الْحُسَيْنِ وَآخِيهِ وَحَبْلِهِ

وَأَبِيهِ وَأُمِّهِ وَبَنِيهِ وَشَيْعَتِهِ وَ

مَوَالِيهِ يَجْنِي مِنَ الْغَمِّ الَّذِي أَنَا فِيهِ

در وقت خواندن بچکنی من الغم الذي

أنا فيه تحت خود را از درد دل

خود بکند رسید یا سرب رویت از

از آیه مصون صلوات الله علیه که رسول صلی الله علیه و آله

سجده تعالی غرض از فرموده است هر بنده مومنی که در

شب جمعه ده مرتبه این دعا را بخواند یا از زم کلمات صغیر و کبره

اورا و اگر فردا قیامت عذاب کنم بر و در کار او نباشم اینست دعا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِّ يَا بَاسِطَ
الْيَدَيْنِ بِالْعِطَّةِ يَا صَاحِبَ الْمَوْاهِبِ
السَّنِيَّةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
خَيْرُ الْوَرِيِّ سَيِّدِي سَيِّدِي وَاعْقِرْ لَنَا
يَا ذَا الْعُلَى فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ وَصَلِّ
اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

اجمعین از برای از ازار باید خواند پنج
وقت بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِأَشَدِّ يَدٍ لِقَوِي بِأَشَدِّ يَدٍ الْمَحَالِ

یا غفر

يَا غَرِيبًا عَنِ رَبِّكَ بِرُحْمَتِكَ
 بِغُرْبِكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ فَكُفِّ
 شَرَّ خَلْقِكَ يَا مُحْسِنُ يَا مُنْعِمُ يَا مُكْرِمُ
 يَا مُفْصِلُ يَا مُجَلِّ يَا إِلَهَ الْاَلَاءِ أَنْتَ
 سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
 فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ
 وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

مروست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله اگر

قطع کند رخت را روز یکشنبه میرسد با و غم و نامبارک

باشد و اگر قطع کند دو شنبه مبارک باشد و اگر قطع

کند در سه شنبه نوحته شود آن رخت یا بر روی رود یا

غریق شود و اگر قطع کند روز چهارشنبه چهار پانزده
نصیب او شود بی تلاش و بی محنت و اگر قطع
کند روز پنجم علم نصیب او شود و اگر قطع کند روز
جمعه عمرش دراز شود و اگر قطع کند روز شنبه رفیع
باشد مگر آن رخت بر بدن او بود مگر آنکه لغو شد
یا به بحث صدق رسول الله و هم از سر و عالم علیه السلام
منقول است که کسی که بخیر و بد روز شنبه اکل و ربا حق
نمای او پیدا شود که روز یکشنبه بخیر و برکت از او
برود و که روز دوشنبه بخیر و حافظ و کاتب و قاری
نمود و که روز سهشنبه بخیر و بیم ملامت و از دست
دو چهارشنبه بخیر و میگرد و بد خلق و که روز پنجشنبه

بگرد دور می شود از خود و داخل می شود در بدن او

شفا و کس بگرد او و جمیع عمرش زیاده شود و مال نیز ³

زیاده شود **اسناد سوره اخلاص** اگر خواهی که را

در عشق خود بقرار گردانی بکمر هفت دانه قفل سیاه

و بر هر یکی هفت مرتبه سوره مذکور را بخواند و برویم

و بعد از آن یک پیاز سفید بیاورد و میان آن

را خالی کن و قفل را در آن میان بند و در شب

آتش نهان کن آن کس دیوانه و بقرار حاضر

شود و نود و یک مرتبه هفت باره مک ³ هفت قفل

سیاه و بر هر یک هفت مرتبه سوره مذکور را بخواند

و در زیر آتش نهان کن آن کس بقرار شود

از عشق تو این عمل چنانست که اگر آتش بشود
اگر صد تنگ باشد حاضر شود و از موده است
و هیچ شک نیست نوع دیگر اگر خواهی که کسی را
از راه دور بیاوری یا بر خود میفرستی که دانی بلکه از راه
گذرانگی که تو خواهی هفت پاره یک هفت
پاره شک و بر هر یک هفت بار سوره مذکور را بخوان
و در آتش اندازند یا در شیب آتش و آن خاک
گشتن نام مطلوب و نام خرد و نام مادر خود دیوانه شود
و از صد فرسخ راه بیاید و حاضر شود و نوع دیگر باریک
پایز سرخ و خالی کن و بیار هفت دانه ~~نخل~~ سیاه
از هر دانه هفت بار سوره مذکور را بخوان و در میان پایز

دکور بند و سپار ملا حکم کن و بار سیاهان مار سیده

301

در هیچ دور آتش سوزان و در وقت سوختن سخن

لمو تا نام سوزان کس و عشق تو بقرار کرد و نوز تو

حاضر شود و از موده است و هیچ تنگ نیست و اله علم بالحق

صیغه متاع در صورتیکه زن بلفظ خود صیغه گوید و مرد

بلفظ خود گوید و هر معلوم شده باشد بفرمانی گوید

مَتَعْتُكَ نَفْسِي بِالْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ وَ

بِالْمَبْلَغِ الْمَعْلُومِ و بلافاصله گوید قَبْلْتُ لِنَفْسِي

نمی الحال

و اگر زن وکیل تعیین کند مرد خود گوید بعد از آنکه مدت

و مه تعیین شده باشد اول وکیل زن گوید مَتَعْتُكَ

نَفْسِي مِنْ كُلِّتِي بِالْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ وَ بِالْمَبْلَغِ

المعلوم في الحال مرد بلا فاصله كويد قبلت لنفسه

و اگر مردی وکیل شود بجهت نمازین یعنی خود وزن صیغه

بدین طریق از برای زن کويد متعت نفس موی کلت

من نفسی بالملکة المعلومه و بالمبلغ المعلوم

از جهت خود بلا فاصله کويد قبلت و را ایام در ماندن

و شداید بکر باید خواند الهی بحرمات الحسین و اخیه و

و حده و اسیه و امه و سینه و سبعة و صاحبه و موالیه

بخشی انا نحن فیه و اگر برای جمعی باشند و بخواند بخشی را

بختم بخواند البته مراد حاصل است از برای جانوران

گرفته در شب سه مرتبه بخواند و سه دست بردارد و یک

زند و حفظ الهی می ماند **است** اعوذ بکلمات الله

الْأَمَانَةُ إِلَهِكَ لَا يَجْأُ مِنْهُنَّ تَرْوَا فَاجْرُ

302
مِنْ شَرِّ مَا ذُرْعَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَعَوْ

مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَافِ

صَيْتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

در اوقات در مانند کیهان با بر که نوزده باب و پانزده باب

باب و پانزده کرده از پانزده پسته بالای سر بگذارد و هر وقت

از شب که بیدار شود اول آن سر جمله از آن آب بخورد و

بعد از آن از همان آب وضو کرده و در رکعت نماز کند

بهر سوره که بخواند در رکوع سبت و پنج مرتبه یا عیادت

المستغنین بگوید بعد از سر از رکوع برداشتن نیز سبت

و پنج مرتبه بگوید و در سجده اول نیز سبت و پنج مرتبه بگوید

اللهم اغني عني حرامك وإطاعتك عن موصيتك وإفضالك عمن سواك
هو الغنى الكسبي

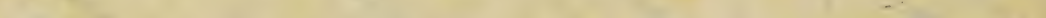
يا ذوالالطول يا ذوالالطول يا ذوالالطول
يا ذوالالطول يا ذوالالطول يا ذوالالطول

المعتمد بن بادشاه

لله الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

[illegible]

999999999



2 ال دواس اح راض ح مله

الاحكام

مروى عن الصادق عليه السلام طريقة استخراج ذات الرطاع المذكور

Богородица

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَكُونَا لَهُ شَاكِرِينَ إِلَّا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لِهَذَا إِنَّهُ لَكَنُاعْلَمُ

وہ کہہ کر حضرت محمدؐ فرمایا کہ

در این روز که در یومین است و از آنکه بجای کس از نعمه ها باشد

و در پاس هر قوه شول بفلان اسن فلان افعال معنی نام

...

خود را و خود را بنویسد و در سه رقه افکند بنویسد در

سه رقعۀ لا افعلة و بعد از آن شش رقعۀ را در زیر مصلی

بگذار و دو رکعت نماز بکن چون سلام دهد صد مرتبه

بگوید استغفر الله بر حمته خیرة فی عافیة بعد از آن دست

بشیند و بگوید اللهم خیر لی و اخر لی فی جمیع اموری

فی لیسر منک و عافیة بعد از آن دست بزند و رقعۀ هارا

مشویش کند یعنی در هم کشد و یکی یکی بیرون آورد اگر سه

افعه بی در پی بر آید خوب است و اگر سه لا افعلة بر آید بد است

و اگر مختلف بر آید همچنان بیرون آورد تا پنج رقعۀ عمل با

کند طریق نماز میتا میتا نیست چنین کند که دو

رکعت نماز هدیه میت فلان میکند ارم از برای شفا

خدا قرینة الی الله در رکعت اول بعد از حمد یک

ایم

آیه الکرسی بخواند و رکوع و سجود و دو رکعت

304

دوم بعد از حمد و انا انزلناه بخواند و قنوت بخواند به

رکوع و سجود و دو سلام و هدو صواب نماز را عبادت

قربت کند و آیه الکرسی نداند بعد از حمد و اذنه قل

هو الله احد بخواند **طریق** نماز کسوف و خسوف

و زلزله و آیات شیت چنین کند که دو رکعت نماز کسوف
با دای مختلف

یا زلزله یا غیره میگویم واجب تقرب بخدا بعد از احرام نماز

بعد از حمد هر سوره که خواهد خواند و رکوع رو تا پنج مرتبه

مرتبه پنجم سجود و دو بار برخاسته همان قسم بعد از حمد هر

سوره که خواهد خواند تا مرتبه پنجم قنوت بخواند و رکوع و

سجود و دو سلام و هدو و اگر نماز زلزله باشد بعد از حمد سوره

اواز لرله خواندن لازمست و عای سرراش چهارشنبه

سوری بقول اصح آنست که اول وضو سازد بعد از آن

غسل کند و در رکعت نماز گذارد و در هر رکعت بعد از

حمد سوره توحید بخواند و سلام دهد و صد مرتبه تسبیح

اربعه بخواند و در بروی قبله نشیند و این دعا که نوشته

میشود بخواند بعد از آن اوجار له الله والفتح بخواند و شروع

در سرراشیدن نماز و در آتمای سرراشیدن نیز این دعا

بخواند اگر در طلوع آفتاب سرراشید و امید بخواند

بیشتر خواهد بود و در برای روزی و تری دولت محرب

بود و سرراشید و در عفران و طلب تر کرده باشد

دعا اینست بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ لَا

الکافی

305
تُخْرِجُنِي إِلَى أَشْرَارِ النَّاسِ وَأَرْزُقُنِي
مَا لَا كَثِيرًا وَعُمْرًا طَوِيلًا وَبَدَنًا صَحِيحًا
لَا وَبَالَ فِيهِ بِحَقِّ تَعَوُّدِي إِلَيْكَ وَلَا بِحَقِّ
وَالزُّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَبِحَقِّ جَمِيعِ
الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ
الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرٍ
تَخْلُقُ مِنْ رَأْسِي نَوْرًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
وَزَيِّنِي بِالتَّعَوُّدِ وَحَبِّنِي عَزَّ الرَّدَى
وَأَرْزُقْنِي الْحُجَّ وَالْعُمْرَةَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بعد از نماز صبح دست برداشته بخواند و بر روی مالیده و موابط

نماید و سخت عظیم هم رسد و محبوب و لقا کرد و در هر کجا که

بِعِلْمِكَ كَعَلَمٍ مَعُونٍ بِالْحَقِّ أَرْسَلْنَاهُ وَ

بِالْحَقِّ تَزَلَّ أَرْسَلْنَاكَ الْإِزْمَاجَ كَهَيْئَةِ تَمُوسَ قَالَ اللَّهُ

خَيْرَ حَافِظٍ وَأَوْرَثَ الرَّاحِمِينَ تَخَّيَّرَ فَيَصُورُ نَوْجَةً حَيْثُ شِئْتَ

قَالَتْ اللَّهُ مُحَمَّدٌ عَلَى فَاطِمَةَ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَحُفَظُوا عَلَى

مُحَمَّدٍ عَلَى الْحَسَنِ مَهْدِي الْمَطْطُوتِ رُوحِ الْبَاتِرَاتِ الْبَاتِرَاتِ

الْبَاتِرَاتِ هَامِ أَمَامَ هَامِ أَمَامَ هَامِ أَمَامَ هَامِ أَمَامَ هَامِ

أَمَامَ هَامِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَأَوَانِ قَرَانَا سِيرَتِ

بِالْجِبَالِ أَوْ قَطَعَتْ بِالْأَرْضِ أَوْ كَلَّمَ بِالنُّورِ أَوْ بِلِئْلِ اللَّهِ

الْأَوْجُجِيَّاتِ أَمَامَ هَامِ أَمَامَ هَامِ أَمَامَ هَامِ أَمَامَ هَامِ

سَطْرُوتِ تَنُودِ هَيْتِ نَوْسِ زَرْقِ وَكَشَائِشِ كَارِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا اللَّهُ الرَّقِيبِ الرَّوْفِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يا الله الحي القيوم يا سبب الاسباب يا منفتح الابواب

افتح لي العبد الدليل فلان نام ان شخص را بنوبه ابواب

فضلك والواب رحمتك والواب رزقك و

والواب خير والواب كرامتك والواب نعمتك

والواب سعادتك والواب سلامتك والواب

عظمتك والواب رفعتك والواب برحمتك و

الواب منك والواب احسانك والواب

رضائك والواب فناءك والواب الحبه

اللهم بكفل بريق كل دابة انت اخذ بناصيتهما ان

ربي على صراط مستقيم وما افضل من اعطى وما خسر

من ادعى اللهم الى اسئلك بمجد وآله وجميع المؤمنين

والواب

والمؤمنات برحمتك يا ارحم الراحمين اما بعد که بر کاغذ روز 307

نوشت و با خود نگاه داشت این دعا را هر روز ده بار بخواند و بگوید

کارهای او نشاوه کرد و بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

تو کلت علی الله است باللہ و اعصمت باللہ و فوضت

امری الی الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بعد از نماز

صبح چهار صد مرتبه چهار طرف خود یعنی مشرق و مغرب و جنوب

و شمال هر طرف صد مرتبه یا زانی بخواند و شش شود و جهت

مهمات یکا دو از ده هزار مرتبه یک مجلس بخواند هم در آن

هفته مقصود حاصل شود و در بعضی نسخ هزار و دو صد مرتبه

نیز گفته اند آمن یحیی المضر اذا دعا

از برای کفایت مهمات و برآمدن حاجات و دفع دشمنان

این کلمه هر صد و پنجاه و پنج بار بخواند که صیغش واکر تواند کلمه

حقیق را بر وضعم کند و هر دو کلمه را دو هزار و پنجاه مرتبه بیک

مجلس بخواند مراد است بر روی بر آید ان شاء الله تعالی

جهت مال و نعمت هر که بعد از نماز عصر این نامهای بزرگوار

را صد نوبت بخواند حق سبحانه و تعالی او را چندان مال

بخشد که حساب آنرا نداند و هر روز زیاده شود اسامی

موسلم و مکرم **ایست** یا الله یا فتاح یا وهاب یا قادر

یا رزاق یا غنی یا عزیز یا ابد ارشد ان بسیار بر بنده

تاکید شده است باید هرگاه مشکلی بهر دست بقصد زریست

آدن در مقامی که بدینا مشغول نشوند و خلوت باکشد

نشیند و صد مرتبه صلوات بخواند و صد مرتبه اینه الله را

خواند

نخواند اول و آخر تا خالد و ن و باقی تا علی العظیم و آخر هم صلوات
368

سه مرتبه بخواند که البته درین خواندن وسعت بهرسد و

بعد ازین اگر همیشه مداومت باین نحو شود هرگز در ماندگی

نی باید ختم تا چهل روز است نقل من خط حکیم عبدالغفور

خاصیت اسم اول

خاصیت اسم دوم اگر خواند که دشمن را هلاک کن باید که او را

یکشنبه اندک موم گرفته این اسم را دو صد و هشت پنج بار
بر آن موم بخوانند و آن موم را صوری بپزند و در میان ^{طشت}
بگذارند یک پنج از چاروب بگیرد و این اسم دو صد و هشت
و پنج مرتبه بر آن موم که صورت ساخته و آن پنج چاروب بخوانند
در میان طشت بگذارند و پنج چاروب را نیز همان ساخته
و نصف آن پنج را نیز ساخته و بجان آن تیرا نیز ساخته
و بر نیز بکشد و نه مرتبه اسم را خواند و بصورت و مد و تیرا
برند اگر خوانند و ببرد در میان شکم او زندگیاست
گذرد که ببرد و اگر خواهد که تصدیق ببرد بر پا پر داشت او برند
و باید که این صورت واقع نیز بکوشد خود نگاه دارد
اسم دوم اینست نیل الصالو موکل این اسم

یا قاور یا اسرافیل هفت بار و هفت بار سوره

309

سکاشتر بخواند **خاصیت اسم سوم** اگر خواهد که چهار علم

حاصل کند کیمیا و صمیا و لمبیا و اسمیا بخواند تا اهل روز

ناغه نکند همه روز چهار آدمی بیایند و بگویند که ما بر این چهار

علم موسسسیم هر که را ازین چهار علم خواهی یقین نماید **اول**

اسم کیمیا تعین کرده اند و سه اسمی را بر کیمیا و غیره

تعین نموده اند و بعد از چهل روز یکی ازین اسمی را بخواند

تأمان اسم را یاد کند آن صورت آدمیان که رفته اند

بیایند و بگویند که حاجت تو چیست بگو تا قدری بر دار تو

بشم مخلص او هفت بار اول هفت بار آخر سوره

سکاشتر بخواند **خاصیت اسم هفتم** چیزی تا شباهت بیند روز

جمعه غسل کند و جامه پاک بپوشد و میان کورست

برود و در میان دو قبر کشته بنشیند و اسم مقیم را هفت

چهار بار بخواند و بر خود دعا بکند و اوستاد و روح بلا و

بازرس دست و طبع او باشد و بعد از خواندن یک

پیداشود و بصورت آفتاب و محتاب بپاید و بگوید

مقصود تو چیست مقصود را بگوید مهم کفایت رسد

عَنْ اَنْ يَذِلَّ يَأْتِيكَ اَيُّهَا نَبِيْلُ هَفْت بار او را

و هفت بار آخر سوره مکارم بخواند **خاص است**

هفت روز هر روز صد مرتبه بخواند هفتم روز یک

کس پیداشود و بصورت عورت هفتاد ساله و با او

کن که ای مرد از خدای تعالی چه بخوای در حال او از

همه نماز در احوال کند چهار مرتبه بر طرف چهار بار بخواند

و با او سخن کن بکار خود مشغول باشد بعد یک است

ان عورت رفته بصورت طعنه شده باز بگوید خواه چه خواهی

بعد از آن بگوید هر مطلب که دارد باز بگوید و بگوید که خدا بر همه چیز

اکابر است چیزی دیگر نخواهد که طلب صورت گرفته باشد

محمدی رساند و طالب مطلوب رسد **اسم نهم**

عاصم معیت یا اسرافیل یا امانیل هفت بار اول هفت

آخر میخواند و از آن زمانه بخواند نیز خواص **اسم نهم** آنچه در

پیشم پیدا شود معلوم کن این اسم را صد مرتبه بخواند بگوید

پیدا شود و هیبت ناک باید که خود را احصا کن و از روی

ترسد و دل قوی دارد و آن سخن در آید بگوید که ای مرد

هر وقت که ترا شکل پیدا شود مرا یاد کن و اسم را بخواند

آهمان وقت بیایم و هر چه دعای تو باشد حاضر کنیم اسم

اینست سُحُل طَارِصِ یا الله یا ابراهیم و سوره انا

انزلناه و راول و آخر چهارده مرتبه بخوانند **خواص اسم دهم**

اگر ده مرتبه بخواند آنچه طلسمات باشد بر وی عیان

شود و فرمان خداست **اسم اینست** یا دمه ان یا

سِر نائیل هفتاد و بار اول و آخر سوره انا انزلناه بخواند

خواص اسم یازدهم اگر خواهد که خود بخود نماز شب بیند

چنانچه هست باید که هفت روز روزه بدارد و هر چه قلیل

کند باشد احتیاز نلن یعنی آنچه از آنش بخت شود افطار

نکند بعد بخیزد و روی نشسته این اسم را با صد مرتبه بخواند

فرمان خداست یا دمه ان یا دمه ان یا دمه ان یا دمه ان

صورت پیش دست بسته ایستاده شود و قرار گیرد
تا آنکه زنده باشد از نظر او دور نشود و هر شکل و مهبی که پیش آید

این صورت عرض کن آن صورت آخرت است یا اگر فهم
علم باشد هر روز در مرتبه بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا در گرفته

باشد هر روز از اموشش نکند و اگر در غیری باشد هرگز در غایت

او قادر نشود و این اسم را نوشته در موم کرده و در وقت طاع

دور برک تنوبی به پدید و مرد در دهن گیرد تا آنکه بیرون نکند

از ران شود باز که این اسم را چهل بار بام بخواند پیش از بر

آمون آفتاب هر که او را بیند دوست دارد و در نظر مردم بابت

باشد و اگر شمشیر که در بکس با او برابر نتواند شد و از دیدن

او بگریزند و اگر خواهند که دشمن را بکشد کند روز یکشنبه وقت

بر آمدن آفتاب اندک آرد کندم بکس و بقیه سیده و شیر
انداخته چهره کنند و صورت آدمی سازد و میان طبق
شبهه عالی از انبث مذکب سنج عاروب بکس و آن همان ^{سین}
نیز همان است کند و بچکان تیر نیز سازد اگر خواهد در زود
بلاک شود بر جگر وی زنده فی الحال بکس شود و بماند
الضالقم هیلع بیلع بیلع ریلع هیلع
تمسک انید الاطار ص می قسمل طار ص
الاند هانوعش کایاء و دبعر کایاء
نید می کلیم میح الریحم الریملاعل
بر هلال دُم حل رفع سعت انزال باچه
کاعد نبوی و در دمان کاهدار و مادام که بیرون نیارد

از ازل نشود ع ۹۱ ط ط ع ۹۱ ط ط و هجته

۳۱۲

و فتح محبت هفت عدد و بنا کرده بخوانند و بدینگونه بگویند

مُطَاعِ شُورٍ لِبِسِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ إِنْ وَالْقَبْنَاءِ عَلَى

كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ^{۲۱}إِسْمَاعِيلُ

وَلِكِنَّا مَارِئِي جَالِي صَلَّاهُ وَعَمَّ نَوَالَهُ هَرَكه خواهد خواند یا با خود

دارد از نیست و خیر این باشد اول آنکه هر روز بخواند سیصد و

دویم آنکه بر دیوانه بخواند سه ^۳شود سیوم آنکه بر روده بخواند مکی شود

چهارم آنکه بر زن حامله بخواند برودی خلاص شود پنجم آنکه اگر ^۵

زن را شیر کم شده باشد این نامها را بشوید و بخورد شیرش زیاده

نخوردنش هم هر که در وقت حرب بخواند یا با خود دارد هیچ چیز نشسته ^۶

نشود هضم اندک اگر پیاده بر پای خود بنشیند و هر چند که راه رود مانند

نشود هضم هر که بر پا بزند و خطا نکند تیرا و هضم محبت

سبب از این نامه نوشته در کوزه آب اندازد و برام بنهد

تا سارکان بروی ببرد و چون روز شود چهل و یکبار سوره خلل

بر او بخواند و بروید و او آب را بخورد و از آن موضع سبب

ماله حکیم خدا تعالی او سبب رنگ بگذارد و بخوان غزل

اگر باشک و در عنوان نوشته و بنشیند و رنگ بخورد و

کوبان شود اگر بر سر مخواستند در چشم کشند کوری دور کنند

اگر بر زبان بدهد بخواند و زبان را بر پشت بندد و هر چند

بجای کند مانده نشود اگر بر تاج بدهد بخواند و با خود دارد

بجای بر او طوطی باید اگر چشم راست بدهد خوا

و با خود دارد و در دل همه کس عزیز

و محترم باشد ^{۱۵} اگر بر پخیال

بهدیه خواند و در قبیل دشمن

افست میان ایشان عداوت

افست ^{۱۶} اگر گرفت هدیه خواند حادوی بوی

کار نکند ^{۱۷} اگر بر ناخن هدیه خواند ز مالی را که فرزند خود

خود ببرد و چون مردی محاسن کند جل گیرد ^{۱۸} اگر بر پیر

خواند و لوراند و خاکستر او در آب اندازد و از آن آب بپرسد

بخورد عائق او شود ^{۱۹} چون کسی را حاجت باشد این نامه را

بنام او بخواند و بر خود و دروازی حاجت خواند البته

رها کرد ^{۲۰} اگر کسی را چیزی کم شده باشد یا بنده گرفته باشد

این اسرار به نسبت کم شده بخواند بیشک باز آید و اگر تمام بارها بخواند

و کلماتش به نیت بخورد و بخورد و بخورد و بخورد و بخورد و بخورد و بخورد و بخورد

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا خَالِقُ

يَا رَبُّ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا هُوَ يَا مَنْ هُوَ هُوَ

الْأَهُوَ يَا مَنْ يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ الْأَهُوَ

يَا مَنْ لَا يَدْرِي أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ يَا مَنْ

لَا هُوَ الْأَهُوَ يَا هُوَ وَلَا هُوَ الْأَهُوَ يَا مَنْ لَا هُوَ

كَمَا هُوَ الْأَهُوَ يَا مَنْ لَا يَدْرِي الْأَمْرُ الْأَهُوَ

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبُ الْأَهُوَ هُوَ اللَّهُ

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ

اللَّهُ

314
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَغِيبُ الْجُحُومِ
لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْهَكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ

الْقَيُّومُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مَنْ هُوَ بَاهُفٍ
وَلَا هُوَ وَلَا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ بَاهُفٍ

يُنْزِلُ الْكَافُ وَالنُّونَ إِنَّمَا إِذَا ارَادَ شَيْئًا أَنْ
يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ

كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ يَا هُوَ بَاهُفٍ هُوَ

إِلَهُ هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ يَا غَفُورُ يَا غَفُورُ

يَا غَفُورُ يَا كَرِيمُ نَاذِرُ الْفَضْلِ الْعَظِيمِ بِرَحْمَتِكَ وَلِيكَ

يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العالمين

جهت برآمدن مطلب شب جمعه و جهت برآمدن حاجات

مشروع هر روز یک مرتبه بخواند جمیع مطالب او حاصل گردد

اللهم يا لطيف اذكر كُنِي بِلُطْفِكَ الْخَفِي اَنَا

مُحْتَاجٌ ذَلِيلٌ وَأَنْتَ غَنِيٌّ عَزِيزٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا قَاهِرَ ذِ الْبُطْشِ

الشَّدِيدِ أَنْتَ الَّذِي لَا يُطَاقُ انْتِقَامُهُ

خاصیت اسم یاقا هر اسمیت واسطه محبت و دوستی

نقض و کبر و واسطه زبان بندی خواه مرد و خواه عورت

و که را دوست خود کردن و این اسم بسیار اعظم است

و ازین اسم ستاره و ملائک و هفت کوب و در

الطی

الجن والانس و حیوان همه از برکت این اسم اند

و این نوشته بر پیشانی ملک الموت پدید آید اگر خواهی که

تجربه کنی از خدا ترس و روزه بگیر و با کسی سخن نگویدی بسیار

نخواند این اسم را در دل بخواند این اسم که خدا تعالی دوست

و سعادت و راجحام دولت از برکت اسم اگر خواهی جوانی

در جای پاک و خلوت باشد هر دو انگشت در هر دو گوش

بکشد و هفتاد بار بخواند این اسم را بخواند باوزن بلند و قوی که

تمام شود بر دشمن بدید و بگوید بخواند عَقْدُ اَبْدَانُکُمْ

وَ اَنْجِلْکُمْ بِاِذْنِ اللّٰهِ تَعَالٰی و دشمن بی باشد و

خراب شود و اگر خواهی میان دو کس اصلاح نباشد بخواند

اَصْلَحْتُ بَيْنَکُمْ بِاِذْنِ اللّٰهِ تَعَالٰی و فاصلاح میشود

اگر خواهی طالمی را ملاک کنی هفت روز هر روز هفت
هزار مرتبه بخواند این اسم را در خانه خالی و صورت آن طالم
را بکشد بر مخی و برین آن صورت را سیاهی بکشد
روز آن طالم ملاک شود اگر خواهی که آن طالم به آزار باشد
نقش صورت بزردی بکشد و برین سیاهی آن طالم
را مرضی پیدا شود اگر خواهی که را دوست خود کرد و الی این
اسم را بیک وز عنوان ^{بنویسد} در ساعت سحر و در نوشتن
بخور بسوزد و دفن کند در خانه خود و این اسم بخواند هر روز
بست و بختیبه اگر حاضر باشد بدو اگر غایب باشد نزد
بدو طرف خانه او محبت عظیم پیدا شود اگر خواهی برای
زبان بندی بگوید بر کاغذ خطائی یا حریری نوشته و گوشت

بر کاغذ و در این کطایع و کطایع را در وقت کند و در زمین نمناک و شبنم

از جمع نفوس هلاک شود بحسب محبت بستاند تخم مرغ سیاه
و این طلسم را بر او نویسد و بگل گیرد و در آتش اندازد

از برای هر که خواهد آزموده است و طلب اینست

εοφ ββ ττ ρρ ιι φφ κκ λλ

٥١٨٩٠٤١٥

هات عليك سرها ا د ا د ا د ا د ا ه ه ه الساعه الساعه

الحجل العجل الوحا الوحا فلان ابن فلان عجل فلان ابن فلان

بن طلسم را برکت دست راست نویسد همیشگی و مرغوان

امره خالی نباشید چهار ملک بنامید و بگویند چه سخاوی

هر چه نخواهی بدین طلم **ایت** طوسل طوسل طلال

چماص من من صلوم و سعادت و نظام اعجاب

خاصیت اسم مهم آت است که اگر کسی چهل روز هر روز مرتبه بخواند

و حیوانی نخورد و جامعی از ارواح میمانند و هر جامعی داشته باشند

روايتند و اگر خواهند که بر جماعت دشمن بيازمايد لوحی بسازد

از رو نیم مشغال سرب و نام تخمان را بر این لوح نقش کند

و دعار ابر نقش کند و در شکم ماهی نهد و در زمین نمناک

دین بایک روزی همه دشمنان دوست شوند و عالمی

اینست یا باز فلا کل شیء کفو بنده

وَلَا إِنْ كَانَ يَوْصِفُهُ الْحَبِيبُ بِرُغْلٍ

اسپ و در آتش اندازم مطلوب مقرر کرد و مطلوب مطلوب

اینست این عقیقت را بنویس بر طایفه نقاش کن

نقش معظم **اینست**

بسم الله الرحمن الرحيم اوراد و هفت ماه ثوره از حضرت امام

محمد باقر منقولست که هر که این اسمی را در عرض یک

هفته بخواند جمیع مرادات مشرعه حاصل گردد و در هیچ

بلیه گرفتار نشود و از روز و رتبه شروع کند همین نوع روز

شنبه هزار مرتبه بخواند یارب العالمین روز یکشنبه

هزار مرتبه بخواند یا ذوالجلال و الاکرام روز دوشنبه هزار

مرتبه بخواند یا قاضی الحاجات روز سه شنبه هزار مرتبه

بخواند یا ارحم الراحمین روز چهارشنبه هزار مرتبه بخواند

لا اله الا الله الملك الحق المبين روز پنجشنبه هزار مرتبه

بخواند یا حی یا قیوم روز جمعه هزار مرتبه بخواند اللهم صل

لا اله الا الله محمد رسول الله	محمد	رسول الله	لا اله الا الله محمد رسول الله
۳۲۳	۳۱۳	۵۲	۹۲
۵۱۱	۳۲۳	۹۹	۶۶
۳۲۳	لا اله الا الله	لا اله الا الله	در سرا
۱۱۱	سج ۱	۳	سج ۱

علی محمد و آل محمد

یا جبرئیل یا میکائیل یا اسرافیل یا عزرائیل یا جبرئیل این

اسمها را بر ناخنهای دست راست بنویسد و موره و شمشیر

را در مشت گرفته رو بقبله بخواند لبسم الله الرحمن الرحیم

وَوَهَبْنَا لَهُ اسْمٰحًا وَنَعَقُوبَ كَلَّا هَذَا

وَنُوحًا هَدٰی نَارًا مِّنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ نَبِيًّا

وَاٰیُوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسٰى وَهَارُونَ

وَلَدٰلِكَ اٰتٰىكَ نَحْرٰی الْحُسَيْنِ وَنَزَلَ بِكَ وَجْهِي

عِيسٰى وَالْيَاسَ كُلُّ مَنِ الصّٰلِحِيْنَ وَاٰتٰىكَ

وَالْبَاقِي

328
وَالْيَسَّعَ وَيُؤْتِ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالِينَ

وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَأَخْوَانِهِمْ وَنَحْتَنَّا وَهُمْ

هَكَذَا يُنَادِيكُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ يَا قَوْمِ يَا قَوْمِ يَا قَوْمِ

این آیه کریمه را یک مجلس دوازده هزار مرتبه بخوانند

برای مطلب شرعیه ان شاء الله تعالی مدعا حاصل شود

آیه نیست **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ**
يَكْشِفُ

السُّوءَ

بند صحیح منقولست از برای همی یک در قید

حاکم عالم محسوس باشد و هیچ نوع خلاصی نباشد باید که این

دعای ابا و ضو هزار بار بخواند و هر مرتبه که بخواند یک خطبه است

خود بر زمین بکشد تا که هزار مرتبه تمام شود بعد از آن دست

بر خطها کشیده کار بخواند دعای **آیه نیست** اول السلام

نخواند اللهم سهل بقضائك يا وهاب رزقت

آیه علیهم السلام منقولست که هر که این دعا را در سجده شکر

سه نوبت بخواند البته هرگز محتاج نشود اللهم احفظ

لسانی من من السؤال عن غیرک کما حفظت وجهی

من السجود لغيرک منقولست که هرگاه که

شب خواب بیند خواه بدو خواه نیک صبح که بیدار شود قبل

از آنکه آن خواب بکس گوید این دعا بخواند که اگر بدیش

بخیر تبدیل گردد و بعد از آن اگر بکس گوید نقص

بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بر

وابراهيم الذي و محمد الم

من شر هذه الرؤيا و شر ما فيها

319 من خیرها و خیر ما فیها بر حمتک یا ارحم الراحمین

تسبیح اسم بآله الله بعدین طریق است که اسرافیل

یجی یا شمو طبت یا الله الالهة السرفیع

جله له ناله

در شب جمعه شروع کند یک هزار و یکصد و یازده بار بخواند و آن

حیوانات بریزد کند همچنین تا جمل شب و اگر نتواند از حرام چیز

کند این قدر مال و دنیا هر سال که نهایت مد است باشد

نیمه کس او را دوست دارند اگر راک دیوانه گرفته

باشد سر کین موش بند فی الحال زیر و واید کوروش

بوز و زخم مار گزیده مال و در زبان بهر شود و بعد بکریج کنی

آتش کند یا بشیر کا و میای گزیده را بدید بهر شود و خوب

بیدانچیر را در وقت که یک با یک قفل بند شده باشد

بر بر دو یک بر نه بعد نوزانده خاکستر و بر آبش
خود خمر کرده حب نرود نکند شسته بوقتی یکی را بر تن مطلوب

زغنجب کرده الحب تجرب و محج است بایره عدد

طالب مطلوب سودا درین عدد موکل حرف طالب

مطلوب و عدد برج ما و عدد موکل برج ما و عدد ستاره و عدد

موکل ستاره و عدد فراج و عدد موکل فراج و عدد طرف

برج و عدد روز و عدد حرف سکه کان که هر برج موز

است همه را جمع کرده یکصد و سبت طح بدید بقی را چهار

حصه نماید در برج برگذار خانه محبت تعوید در شیشه

نهد و سبت یکدانه مروارید یا سفینه و سبت یکدانه برج

سیاه و سبت یکدانه سرف زرد بر روانه سبت و یکبار

و آن

نخواند یا مقلب القلوب والالصار اعیانها

در شیشه کرده بر آن شمشیر داخل نموده زیر آتش میزدن

کنند محبت پیدا شود لکن دهن از کل بند نموده و مهر طاب

کرده دفن کرده و چهار پنج انگشت کل بالا باشد که از آتش نکند

نشود و آتش محکم همه وقت نورانی باشد **نقش رایت**

۹	۱۶	۲	۷
۶	۳	۱۳	۱۲
۱۵	۱۰	۸	۱
۴	۵	۱۱	۱۴

استاد او را ره کردن عدو و ادای قرض و شفای

بما در حصول خواج گلی و طلب بزرگی و توانگری ۳۳۳

تاریخ خواند و اگر تواند یک مجلس خواند و الا مانده تواند

فال الله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین و تهنیت مساک

باید که در وقت سحر که نام شود در میان آب روان که از

ناف بالا باشد استاده شد مرغ خود طرف آفتاب کرده از رنگ

وز عروان و طلب و سیاه در یک نفس رجه آه که از ناف باشد

دیهو کند کرده موم جابه نموده در چرم زری دوخته در ریمان موی

از دم شتر که گاهی خراشیده شده باشد دوخته بر کمر در ^{مکان}

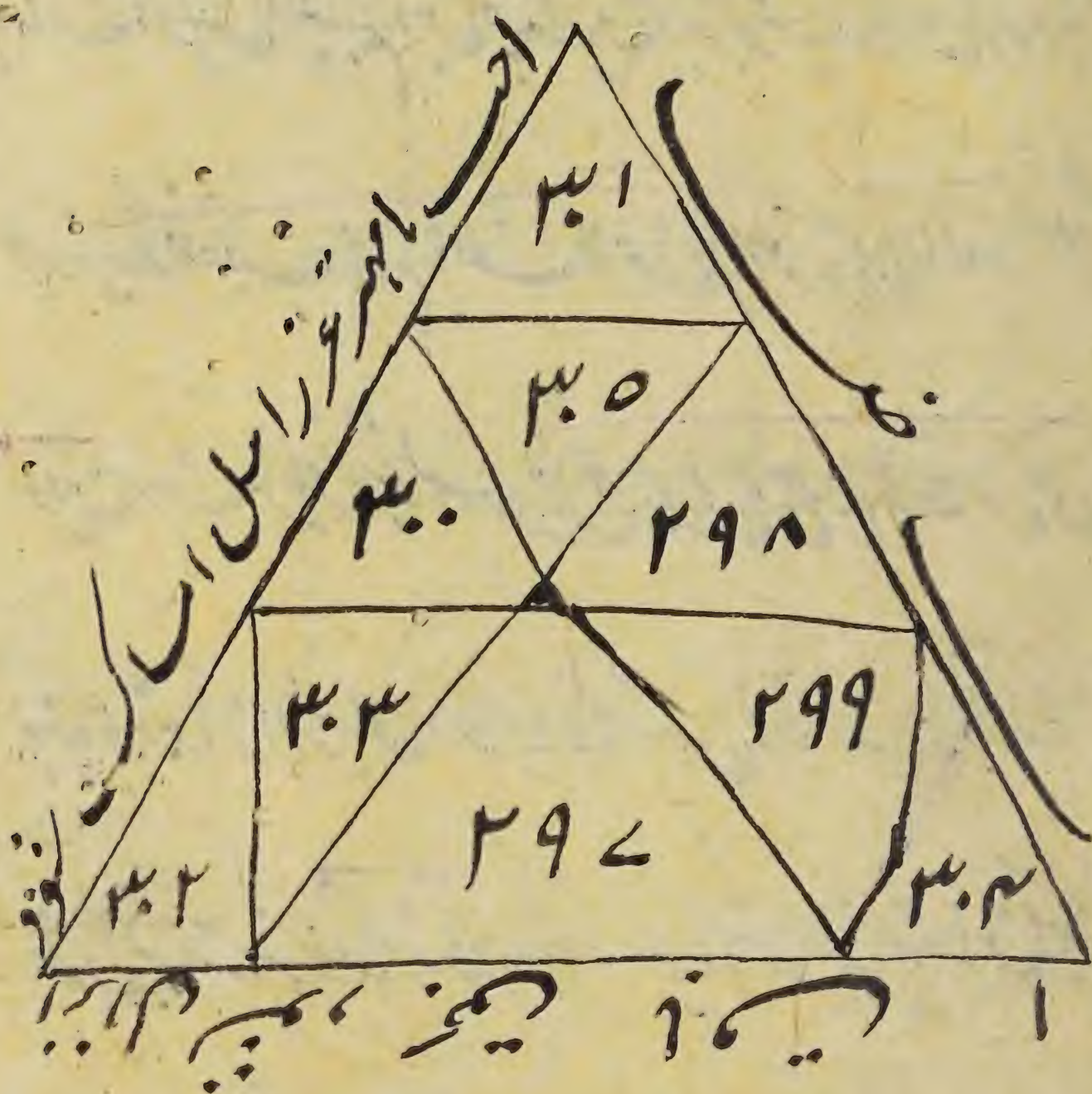
هر دو جانب بندد تا که جدا کنند از رال شود و صاحب صنوف است بلکه بازده

هزار چهار صد و نه مرتبه یا مهنر غرا یل یحیی یا قالیق بر سر

جوانی ترک کرده هر روز بخواند باشد تا صاحب تمام شود

۳۳۳

بعد و طیفه نه صد و سه بار توبه این است ۳۵۱



۲۲۵	۴۰۳	۷۵
۱۵۰	۳۰۰	۲۵۳
۵۲۸	احب یا مهربان انرا نشود	
انرا نشود بقی ما اب ص		

^{در حدیث}
قوله تعالى وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افا ان

مات اوقتل اقلعتم اين چنداين آيه نبويد ورق اهو و بان

نبويد القلب يادم بالف الاحول ولا قوة الا بالله العلي

واين حرف نيز اين نبويد سيد حج حج حج حج حج لحطاس هي

و بيا و يروا از ارميان دوا بروي شمس كه عارف داشته باشد

خون بسته شود و اگر زني باشد كه او را استحاضه باشد اين آيه را

در كه رتبه نبويد يكي بر دم من او بيا و يروا از جانب ديگري بر

جانبه او از جانب پس ديگر چنان بندد كه بر راي آن باشد

آن خون يار است بآوين الله تعالى و اگر آيه را تمام نبويد

و تمه اوست **كَلِمَةُ انْقَلَبْتُمْ عَلٰى اَعْقَابِكُمْ**

يَنْقَلِبْ عَلٰى عَقْبَيْهِ فَلْيَبْصُرْ لَلَّهِ و اسما و چهارم شده

نور

مقرب یعنی اسرافیل و جبریل و میکائیل و عزرائیل بر اطراف 322

آن بنویسد هر کس آنرا بخود دارد و مقبول القول گردد از شر جن

والنس محفوظ باشد اگر این آیه را نقش کنند بر جامی از این در

ساعت شمس از دو شنبه بوقتی که قدر در شرف و قمر از اید النور

بود هر کس این خاتم را در آنست محفوظ که در آن گفته و قیده طلسم است و آن

طه باطل گردد و مانع نکند و اگر این را بر تپه و کوه نشاند بهوش آید و اگر این خاتم را بر

زندان مهم را بخورند و زیر دامن تحفه آن مرض زایل شود و اگر این آیه را بر جامی نهد

که در سجده اند و آن کس که از نفقه اگر این آیه را بر دیوار خانه بولد مار و کرم در آن خانه نیاید

قوله السلام علیکم من بعدی انما نسئله تعالی ان یخیر طایفه منکم و طایفه قد اتمت بهم احوالهم

علیهم غایت القدر اگر کسی را هیچی معیش آید چهل روز هر روز چهل نیت این آیه را

بخواند آن مهم کفایت کند اگر بت دهنه روز هر روز نوزده بار بخواند از همه عیالها خلاص شود و اگر

برودن چهار سیه و زیاده و باد و مراد بوزن **ابیت** بوسین ستن

323 مرویت از امام محمد بن مطلق حضرت امام جعفر صادق علی

بهت طول عمر و عفت هر نماز باید خواند و اول صلوة

بر محمد و آل محمد **سنت** و بعد از آن این دعا را باید خواند دعا

اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقُ

الْأَمِينُ الْمُتَّصِدِقُ وَصَلَوَاتُكَ

عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ قَدْ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ

تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ مَا تَرَدَّدْتُ

فِي كَيْفٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَرِهْتُ دُعَى قَبْضِ

رُوحِ عَبْدِي الْمُرِيدِ الْمَوْتِ

وَأَكْرَهُ مُسَاءَتَهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَجَلْ لَوْلِيكَ

الفرج والنصر والعاقبة والمُعافاة

في الدين والدنيا والآخرة ولا

تسؤني في نفسي وأهلي وولدي

وكل من أحب مني وأحبني صلى الله

على محمد وآله الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم

شهدك الله أنه لا إله إلا هو

وأنك لا تعلم قائما

بالقسط إلا أنه لا إله إلا هو العزيز الحكيم

إن الدين عند الله الإسلام

وأنا العبد الضعيف المذنب

الْعَاصِي الْفَقِيرُ الْحَقِيرُ الْمَحْجُاجُ
أَشْهَدُ وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ
لِمُنْعَبِي وَلَا زُرْقِي وَخَالِقِي وَمُكْرَمِي
كَمَا شَهِدَ لِدَايِدِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ
الْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ مِنْ عِبَادِهِ
بِأَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ذُو النِّعَمِ
وَالْإِحْسَانِ وَالْكَرَمِ وَالْإِمْنَانِ
قَادِرٌ عَلَى عَالَمٍ آيِدِي حَمْدِهِ
مَوْجِدٌ سُرْمَدِي سَمِيعٌ بَصِيرٌ مُنِدٌ
كَارِهُ مُدْرِكٌ صَمَدِي لَسْتَحِي
هَذِهِ الصِّفَاتِ وَهُوَ عَلَى

مَا هُوَ عَلَيْهِ فِي غَيْرِ صِفَاتِهِ كَانَ
قَوِيًّا قَبْلَ وَجُودِ الْقُوَّةِ وَالْقُدْرَةِ
وَكَانَ عَلَيْهِ قَبْلَ إِيجَادِ الْعِلْمِ وَالْعِلَّةِ
لَمْ يَزَلْ سُلْطَانًا إِذْ لَا مَمْلُوكَ
وَلَا مَنَالٍ وَلَمْ يَزَلْ سُبْحَانًا عَلَى جَمِيعِ
الْأَحْوَالِ وَجُودُهُ قَبْلَ الْقَبْلِ فِي أَنْزِلِ
الْأَنْزَالِ وَبَقَاءُهُ بَعْدَ الْبَعْدِ مِنْ غَيْرِ
الْإِنْقَالِ وَلَا زَوَالٍ عَنِّي فِي الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ
مُسْتَغْنٍ فِي الظَّاهِرِ وَالْبَاطِنِ لاجِبٍ
فِي قَضِيَّتِهِ وَلَا مَبِيلَ فِي مَشِيَّتِهِ وَلَا
ظَلَمَ فِي تَقْدِيرِهِ وَلَا مَرَبَ مِنْ حُكْمِهِ

وَاللَّهُ

325
وَلَا مَلْجَأَ مِنْ سَطْوَتِهِ وَلَا مَبْجَى
مِنْ نِقْمَتِهِ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ
وَلَا يَقْوَاهُ أَحَدٌ إِذَا طَلَبَهُ أَنْزَلَ
الْعِلَلَ فِي التَّكْلِيفِ وَسَوَّى
التَّوْفِيقَ بَيْنَ الضَّعِيفِ وَالشَّرِيفِ
مَكَرَ إِذَا عَالَمَ أُمُورَ وَسَهَّلَ سَبِيلَ
اجْتِنَابِ الْمَخْطُورِ لَمْ تَكُلِفِ الظَّلَمَةَ
الْإِدْوَانَ الْوُضْعَ وَالطَّاقَةَ سُجَّانَ
مَا أَبْزَكَ كَرَمَهُ وَأَعْلَى شَأْنَهُ
سُجَّانَ مَا أَجَلَ نَيْلَهُ وَأَعْظَمَ
إِحْسَانَهُ بَعَثَ الْبَيْنَاءَ الْيُبْنَ عَدْلَهُ

وَنَصَبَ الْأَوْصِيَاءَ لِيُظْهِرُوا طَوْلَهُ
وَفَضْلَهُ وَجَعَلْنَا مِنْ أَهْلِ سَيِّدِ
الْأَنْبِيَاءِ وَخَيْرِ الْأَوْلِيَاءِ وَأَفْضَلِ
الْأَصْفِيَاءِ وَأَعْلَى الْأَنْزَكِيَّةِ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَنَّا بِهِ
وَنِمَادَعَانَا إِلَيْهِ وَبِالْقُرْآنِ الَّذِي
أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ وَبِوَصِيَّتِهِ الَّتِي
نَضَبَهُ يَوْمَ الْقَدْرِ وَأَشَارَ إِلَيْهِ
بِقَوْلِهِ هَذَا إِلَى إِلَيْهِ وَأَشْهَدُ أَنَّ
الْأَئِمَّةَ الْأَبْرَارَ وَالْخُلَفَاءَ الْأَحْيَارَ
بَعْدَ الرَّسُولِ الْمُحْتَمَرِ عَلَى قَامِعِ

الْكُفَّارُونَ بَعْدَهُ سَيِّدٌ أَوْلَادِهِ

الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ أَخُوهُ السُّبُّ

التَّابِعُ لِرِضَايَاتِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ

ثُمَّ الْعَابِدُ عَلَى * ثُمَّ الْبَاوُحِيُّ مُحَمَّدٌ

ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرٌ * ثُمَّ الْكَاسِمُ

مُوسَى * ثُمَّ الرِّضَا عَلَى * ثُمَّ النَّفِيُّ

مُحَمَّدٌ * ثُمَّ النَّفِيُّ عَلَى * ثُمَّ التَّرَكِيُّ

الْعُسْكِرِيُّ * الْحَسَنُ ثُمَّ الْخَلْفُ

الْحَجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمُحَمَّدُ الْمُرْجِيُّ

الَّذِي بَقَاءُهُ بَقِيَّتُ الدُّنْيَا وَ

بِمُيْنَتِهِ رُزِقَ الْهَرَبِيُّ وَبُوجُودِهِ

ثَبَّتَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ بِمَا هُنَّ لَكَ
أَكْرَضُ قِطَاوَعَدًا بَعْدَ مَا مِلَّتُ
ظُلُمًا وَجُورًا وَأَشْهَدُ أَنَّ قَوْلَهُمْ
حُجَّةٌ وَأَمِينًا لَهُمْ فَرِيضَةٌ وَطَاعَةٌ
مَفْرُوضَةٌ وَمَوْدَّةٌ نَاهِيَةٌ لَا تَزِمُهُ
مَقْضِيَةٌ وَالْأَقْدَامُ عَنْهُمْ مُنْجِيَةٌ
وَمُخَالَفَتُهُمْ مُرَدِّيَةٌ وَمُتَسَادِدَةٌ
أَهْلُ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ وَشُفَعَاءُ
يَوْمِ الدِّينِ وَإِمَامَةُ أَهْلِ الْأَرْضِ
عَلَى الْيَقِينِ وَأَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ
الْمَرْضِيِّينَ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْمَوْ

حَقٌّ وَالْقَبْرِ حَقٌّ وَمَسْأَلَةُ مَنْكَرٍ
 وَنَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَالْبُعْثُ حَقٌّ
 وَالنُّشُورُ حَقٌّ وَالْصِّرَاطُ حَقٌّ وَ
 الْمِيزَانُ حَقٌّ وَالْحِسَابُ حَقٌّ
 وَالنِّكَابُ حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ
 وَالنَّارُ حَقٌّ وَأَزْ السَّاعَةِ آتِيَةٌ
 لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَزَّ اللَّهُ يَبْعَثُ مَنْ فِي
 الْقُبُورِ عَلَى ذَلِكَ أَحْيٍ وَعَلَيْهِ
 أَمُوتُ وَعَلَيْهِ أُبْعَثُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ
 اللَّهُمَّ فَضْلَكَ رَجَائِي وَكَرَمَكَ
 وَرَحْمَتَكَ وَعَفْوُكَ أَمَلِي

لَا عَمَلَ لِي أَسْتَحِقُّ بِهِ الْجَنَّةَ وَلَا طَاعَةً
لِي أَسْتَوْجِبُ بِهَا الرِّضْوَانَ إِلَّا نِيَّ
أَعْتَقَدْتُ تَوْحِيدَكَ وَعَدْلَكَ
وَأَرْجَيْتُ أَحْسَانَكَ وَفَضْلَكَ
وَتَشَفَعْتُ إِلَيْكَ بِالنَّبِيِّ وَآلِهِ مِنْ
أَحَبِّكَ وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ *
وَأَرْجُو الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أُوَدُّكَ
يَقِينِي هَذَا وَيُنَاقِ دِينِي وَأَنْتَ
خَيْرُ مُسْتَوْجِبٍ وَقَدْ أَمَرْنَا بِحِفْظِ
الْوَدَائِعِ وَرَدِّهَا إِلَى صَاحِبِهَا
فَرُدِّهَا عَلَيَّ وَقَسِي حُضُورَكَ مَوْجِبِ

328
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَكُونُ
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ
أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا
وَلِيُّ اللَّهِ وَصِيْبُهُ بِاللَّهِ رَبًّا وَعَمَلِي
صَلَاةُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَبِالْإِسْلَامِ
دِينًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا * وَبِالْعَبَةِ
قَبْلَةَ * وَبِعَلِيٍّ إِمَامًا * وَبِالْحُسَيْنِ
وَالْحُسَيْنِ * وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ *
وَمُحَمَّدٍ لِبَاوَرٍ * وَجَعْفَرٍ الصَّادِقِ *
وَمُوسَى الْكَافُرِ * وَعَلِيٍّ بْنِ
مُوسَى الرِّضَا * وَمُحَمَّدٍ الْجَوَادِ *

وَعَلَى الْمَدِينَةِ وَالْحَسَنِ الْعَسْكَرِي
وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمُتَطَهِّرِينَ الْحَسَنَ
صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ هُمُ
هَذَا يَقِينٌ صَادِقٌ وَصَفَاءُ
خَاطِرُنَا بِاللَّهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
اللَّهُمَّ ارِنِي أَوْدَعْتَكَ هَذَا قَرَارُ
بِكَ وَيَا نَبِيَّ وَيَا أَمَّةَ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ وَأَنْتَ خَيْرُ مُسْتَوْدِعٍ
وَقَدْ مَرَّ بِنَا بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ وَرَدُّكَ
عَلَى الْقَبْرِ مَسْئَلَةً مُنْكَرًا وَتَكْلِيْفًا

أَمَّا فِي هَذِهِ التَّوَلَّى وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَنْبِيَاءُ كَرَّمَ اللَّهُ بِأَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *
 صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رَبِّ اجْعَلْ أَحْمَدَ سَيِّدًا مُقَدِّمًا
 مُقَرَّبًا مُقَرَّبًا * مُنْتَجِبًا وَخَاتِمًا
 ذِي شَرَفٍ مُشَرَّفًا ذِي حُظْرٍ
 مُحِطٍّ * ذِي ظَفَرٍ مُظْفَرٍ * ذِي
 كَرَمٍ مُكْرَمٍ * ذِي شَحْنَةٍ النُّجُفِ عَاطِفٍ
 بَرٍّ مِنْ عَرَفٍ * قَائِلٍ قَوْلَ لَوْ كَشَفَ
 قَائِلُ كُلِّ ظَالِمٍ حَيْدِرٍ * لُغْضَنَفِرٍ *
 صَاحِبِ حَوْضِ كَوْثَرٍ شَافِعِ

يَوْمَ مَحْشَرٍ تُرْمِيهِمْ فَاطِمَةٌ

الْحَسَنِينَ أَوْ لَا تُشْمَعْلَى ثَانِيًا

بِبَارِقٍ كَذَّابٍ صَادِقُهُمْ وَكَاطِمٍ

تُشْمَعْلَى الرِّضَا تُشْمَعْلَى الثُّقَى

تُشْمَعْلَى النَّبِيِّ بِالْحَسَنِ الْمُرْسَلِ

عَدُوِّهِ عَسْكَرُ الشَّرَفِ مَحْلُومُ طَهْ

السَّلَفِ تُشْمَعْلَى الْخَلْفِ وَآرِثِهِ

وَقَائِمِ أَنْتَ مَحْلُومُ الْبِلَاءِ أَنْتَ تُقْبَلُ

الدُّعَاءُ أَنْتَ تُرْحَمُ الْخَطَايَا الْكَرِيمِ

الْمُكَارِمِ أَنْتَ مُحْسِنُ النِّعَمِ أَنْتَ

وَاجِبُ الْكَرَمِ فَاعْفُ لَنَا لَنَا

يَا

330 يَا صَاحِبَ يُ وَرَاحِمِي از حضرت امیر المومنین

علیه السلام منقولست کہ ہر کہ از ماہر روز این ہمار ہمد را کو

خدا تعالیٰ اور اسہ خیر امت فرماید اول طبع و روح مال و محبت

سیوم با ایمان از دنیا رفتہ لی حساب

بہ بہشت رود و حمد این است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي عرفني نفسه

و لم يتركني غيبا من القلب الحمد

لله الذي جعلني من أمة محمد

صلى الله عليه وآله الحمد لله

الذي جعل رزقي في يده ولم

يَحْكُمُهُ زَرْقٌ فِي أَيْدِي النَّاسِ
أَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ سَتْرَ عَوْدٍ
وَلَمْ يَقْضَ بَيْنَ النَّاسِ
بِإِمْرِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روى عن أمير المؤمنين علي عليه السلام أنه من قرأ

بداه الدعاء في كل صباح بعد أداء الفريضة بكل حاضره

مؤمناً بالاجابة ولو كان العالم مملوئاً من البلاء والاهل

السهو وكان فاربه في نظر الخلق مكرماً معظماً والعدو

يغلب عليه ولو وجد شخصاً أن يفعل به السوء

لعبوا به ليقبل الله تعالى من فاربه الف الف حسنة ومحرم

عنه الف الف سيئة ويقيم من الواجد والطاعون وموت

الحياة

الفجاة واصل الله رزق من حيث لا يحتسب ويخرج من

331

الدين بالابحان واذا خرج عن القبر يوم القيامة خارج ملك

فوق راسه قايما مع البراق ولقعه عليه ويوصله الى الجنة وهذا

وعار على رسول الله صلى الله عليه وآله وكان يدعو به كل صباح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّكْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ

تَلْجِهٍ وَسَرَّحَ قِطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ

بَغْيَا هِبْ تَلْجِهٍ وَاتَّقِنْ صُنْعَ الْقَلْكَ

الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ بَرْجِهِ وَتَشْتَعِ

ضِيَاءُ الشَّمْسِ بِنُورِ تَاجِهِ يَا مَنْ

ذَلَّ عَلَى ذَائِهِ مِدَائِتَهُ وَتَنَزَّ عَنْ

بِحَاسَةٍ مَخْلُوقَاتِهِ وَجَلَّ عَنْ مَلَأَةٍ
مَهْ كُفِّيَانِهِ يَا مَرْنُ قَرُبُ مَرْنُ
خَوَاطِرِ الظُّنُونِ وَبَعْدَ عَنْ
مُلَاحَظَةِ الْعُيُونِ وَعَلِمُ بِمَا كَانَ
قَبْلَ أَنْ يَكُونَ يَا مَرْنُ أَمْ قَدْ فِي
فِي مَهَادَامُنْهِ وَأَمَانُهُ وَانْقِطَعَتْ
إِلَى مَا مَنَحْنِي بِهِ مِنْ مَنِيهِ وَاحِدٌ
وَكَفَّ كَفُّ السُّوءِ عَنِّي بِبَيْدِ
وَسُلْطَانِهِ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الذَّيْلِ
إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِلَّا الْيَلَّ وَالْيَاسِيَّةُ
مِنْ أَسْبَابِكَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ

وَالنَّاصِعِ الْحَسِبِ فِي ذُرْوَةِ الْكَاهِلِ
332
الْأَعْبِلِ وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى حَالِقِنَا

فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ وَعَلَى إِلَهِ الْآخِرِ الْمُصْطَفَيْنِ
الْأَبْرَارِ وَافْتَحِ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِيعَ الصَّبَاحِ
بِمِفْتَاحِ رَحْمَتِكَ وَالْفَلَاحِ وَالْبِسْمِ اللَّهُمَّ
مِنْ أَفْضَلِ خَلْقِ الْهُدَايَةِ وَالصَّلَاحِ وَأَعْمَرِ
اللَّهُمَّ لِعَظَمَتِكَ فِي شَرْبِ جَنَانِي بِنَابِعِ
الْخُسُوعِ وَاجْرِ اللَّهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ أَمَاكِي
زَقَاتِ الدُّمُوعِ وَاعْتَدِ اللَّهُمَّ نَزَقَ الْخُرْقِ
مَتْنِي بِأَزْمَةِ الْقُسُوعِ إلهي لَمْ تَتَيْدْ لِي الرِّحْمَةَ
مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ فَمَنْ السَّالِكُ بِإِلَيْكَ

١٠
فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي أَنَا نَتَك
لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنَى فَمِنْ الْمُقْبِلِ عَمَّا فِي
مِنْ كِبَرِي الْهَوَى وَإِنْ خَدَّ لَبَنِي نَصْرَكَ
عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ فَقَدْ
وَكَلَنِي خَدَّ الْأَنْتِ إِلَى حَيْثُ النُّصْبِ
وَالْحَرَمَانِ الْهَيَّ أَتَرَانِي أُنْتِكَ الْأَمْرُ حَيْثُ
الْأَمَالِ أَمْرُ عَلِقْتُ بِأَطْرَفِ حَبَالِكَ الْإِحْزَانِ
بِأَعْدَتِي ذُنُوبِي عَنْ دَارِ الْوَصَالِ فَبَسْ
الْمُطِيبَةِ الَّتِي أَمَّا كَاتِ نَفْسِي مِنْ هَوَاهُ
قَوَاهِمِ السَّوَلَاتِ كَمَا ظَنُّوا نَهَا وَمِنْهَا وَنَهَى
مُحَارَبَتَهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَمَوْلَاهَا الْهَيَّ قَرَعَتْ

بَابُ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ

333

لَا حَيًّا مِنْ فِرَاطِ أَهْوَائِي وَعَلَّقْتُ بِأَطْرَافِ

حَبَالِكَ أَنَا مِلُّ وَلَايَ فَاصْفَحِ اللَّهُمَّ عَمَّا

أَجْرَمْتُهُ مِنْ زَلَلِي وَخَطَايَايَ وَأَقْلَبْنِي

اللَّهُمَّ مِنْ صُرْعَةِ رَدَائِي فَإِنَّكَ سَيِّدِي

وَمَوْلَايَ وَمُعْتَدِي وَرَجَائِي وَأَنْتَ

غَايَةُ مَطْلُوبِي وَمُنَايَ فِي مُنْقَلَبِي

وَمَثْوَايَ إِلَهِي كَيْفَ تَطْرُدُ مَسْكِينًا

الْتَجَأَ إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هَارِبًا أَمَّ كَيْفَ

تُخَيِّبُ مُسْتَرْشِدًا اقْصِدْ إِلَى جَنَابِكَ

سَاعِدًا أَمَّ كَيْفَ تَطْرُدُ ظَلَامَنَا وَرُدِّ إِلَى

جَنَاصُكَ شَارِبًا كَلًّا وَحِيَاضُكَ مُرَّةً
فِي ضَنْكِ الْحَوْلِ وَنَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ
وَالْوُعُورِ وَأَنْتَ غَايَةُ السُّؤْلِ وَنَهَايَةُ
الْمَأْمُولِ اللَّهُمَّ هَذِهِ أَرْمَةٌ نَفْسِي عَقَلْتُهَا
رَبْعًا مَشَيْتُكَ وَهَذِهِ أَعْيَاءُ ذُنُوبِي
دَمَرَتْهَا بِرَحْمَتِكَ وَهَذِهِ أَهْوَاؤُ الْمُضِلَّةِ
وَكَلْتُهَا بِالْجَنَابِ لُطْفِكَ فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ
صَبَاحِي هَذَا نَازِلًا عَلَى بَضِيئَةِ الْهُدَى وَ
السَّلَامَةِ فِي الدُّنْيَا وَمَسَانِي جُتَّةٍ
مِنْ كَيْدِ الْعِدَى وَوَقَايَةً مِنْ مُرَدِّ يَاتِ
الْهَوَى إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ تَوْفِيقِي

الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء
وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك
الخير انك على كل شيء قدير ^{توحي} الليل
في النهار وتوحي النهار في الليل
وتخرج الحي من الميت وتخرج ^{الحي} الميت من الحي
وترزق من تشاء غير حساب لا اله الا
سبحانك اللهم وبحمدك من ذا العلم
قد مررت فلا يخافك ومن ذا العلم
ما انت فلا يهاك انت بقدرتك
الفرق وقلقت برحمتك الفلق وانزلت
بكلمك يا حي الغسق وانهرت

المياه من الصم الصبا حيد غدا وأجاءا
وانزلت من المعصرات ماء فجاءا وحبت
الشمس والقمر للبركة سرا حام من غير ان
تمارس فيما ابتدأت به لغوبا ولا عداجا
فيا من رزقنا بالغر والبقاء وفهر
عبادة بالموت والقياء واستمع بدائي
واسجد عاني وحقو بفضلك ائد
ورجائي يا خير من دعي لكشف الضر
المامول لكل عسر ويسرك انزلت حاجتي
فلا تردني من سني مواهبك خائيا لا كرم
يا كريم برحمتك يا ارحم الراحمين

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

335

از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که هر که قصد سفر

از منزل خود را دارد بیرون آمدن کند این دعا بخواند بسیار است بار آمد

و در راه از جمع نبات محفوظ بماند و دعا و عظم **منیت**

اللَّهُمَّ اسْعِدْنَا بِهَذِهِ الْحَرَكَةِ وَاجْعَلْ جُزْأَنَا

بِالْيَمْنِ وَالْبَرَكَةِ وَقُنَّا سُوءَ الْقَدَرِ وَافْعَلْنَا

مِهْمَاتِ السَّفَرِ وَقَرِّبْ لَنَا الْبُعْدَ وَالنَّاسَ

وَسَهِّلْ عَلَيْنَا السَّيْرَ وَالسُّرَى وَوَفِّقْنَا

إِلَى الْمَرَامِ حِلِّ وَأَنْزِلْنَا خَيْرَ الْمَنَازِلِ وَحَفِظْ

فُخْرَنَا وَاجْمَعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِأَحْسَنِ

أُمُورِنَا وَأَمَانِينَا سَالِمِينَ غَائِمِينَ تَائِبِينَ

۱۱
اَبْدَيْنِ اَمِينِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

شیخ طوسی و دیگران از حضرت امام زین العابدین علیه السلام

روایت کرده اند که هرگاه من این دعا را بخوانم بر و اندازم اگر

جمع بین داورمان برای ضرر من شود و علماء را ندانم دعا را از روی صاحب ^{شود} و

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْإِلَهِ لِلَّهِ

وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ

نَفْسِي وَإِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ

فَوَضَّعْتُ أَمْرِي وَإِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي

فَاَحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَدْرٍ

وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ

وَمِنْ قُدْرَتِي وَمِنْ تَحْتِي وَمِنْ

وَادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ فَإِنَّهُ

336
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

حضرت مولانا محمد علی دہلوی رحمہ اللہ نے فرمایا ہے کہ ہرگز نہیں اسید عاقلانہ در اندر روزگار

نَسْتَعِیْذُكَ يَا خَيْرَ الْخَلَائِقِ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَعْلَمُ

أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ

قَدْ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ

مِنْ سِرِّ نَفْسِي وَمِنْ سِرِّ كُلِّ دَابَّةٍ

أَنْتَ اخِذْ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

بیش از تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بخوانند

سُبْحَانَ اللَّهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ شَيْئًا وَكَأَيُّ حَبِيبٍ

أَنْ يُسَبِّحَ وَكَأَيُّ أَهْلَةٍ وَكَأَيُّ نَبِيِّ لَكُمْ

وَجْهَهُ وَعَزَّ جَلَالُهُ وَأَحْمَدُ لِلَّهِ كُلَّمَا حَمِدَ

اللَّهُ شَيْئًا وَكَأَيُّ حَبِيبٍ وَاللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ وَكَأَيُّ أَهْلَةٍ

وَكَأَيُّ نَبِيِّ لَكُمْ وَجْهَهُ وَعَزَّ جَلَالُهُ وَكَأَيُّ

إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللَّهُ شَيْئًا وَكَأَيُّ حَبِيبٍ

أَنْ يُهَلَّلَ وَكَأَيُّ أَهْلَةٍ وَكَأَيُّ نَبِيِّ لَكُمْ

وَجْهَهُ وَعَزَّ جَلَالُهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ كُلَّمَا كَبَّرَ اللَّهُ

شَيْئًا وَكَأَيُّ حَبِيبٍ اللَّهُ أَنْ يُكَبَّرَ وَكَأَيُّ أَهْلَةٍ

أَهْلَةٍ وَكَأَيُّ نَبِيِّ لَكُمْ وَجْهَهُ وَعَزَّ

جَلَالُهُ

جَلَّالَهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَاتَّحَدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا

339
اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ بِهَا عَلَى

وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ كَانَ أَوْ كُنْ

إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ عِلَالِ جَهَنَّمَ

وَحَيْرِ مَالِ أَرْجَوُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا

أَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَالِ أَحْذَرُ بِسْمِ اللَّهِ

قرب الاسناد و غیر آن از کتب معتبره روایت کرده اند

که بزرگوار حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرده اند و استیم صلوات

بر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله را بعد از هر نماز پس

نفرمائید که سلام بر آن حضرت چگونه باید کرد و حضرت

نُفَسُودَكَ خَيْرِينَ بِكَو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ

اللَّهُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ

اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ اللَّهِ اسْمُكَ أَنْتَ رَسُولُ

اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِمَنَّا وَجَاءَ هَذِهِ

فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَعَبْدُكَ حَتَّى أَتَاكَ

الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ

أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أَمْنِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ

عَلَيْهِ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ

338

عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ جَمِيدٌ

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي شَيْخٍ طُوسِيٍّ وَغَيْرُهُ لَبَّيْكُمْ مَعْتَبِرُ رُؤُوسِ

كُرُوهُ أَنْذَارُ هَزَاتِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ كَرَّمَ وَكَرَّمَ عَلِيمُ كَرَّمَ وَكَرَّمَ رُؤُوسِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَتَعْلِيمُ نَبِيِّكُمْ وَحَسْبُ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَآلِهِمْ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَلَكُوتِيِّ الْمَحْزُونِ

الطَّاهِرِ الطَّهِيرِ الْمُبَارَكِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

الْعَظِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ يَا وَهَّابَ

الْعَطَا يَا يَا مُطْلِقَ الْأَسَارِ يَا فَكَالَكَ

الرَّقَابِ مِنَ النَّارِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعِيقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا وَتَدْخُلَنِي
الْجَنَّةَ آمِنًا وَأَنْ تَجْعَلِي دُعَايَ أَوَّلَهُ صَلَاحًا
وَأَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَآخِرَهُ فَلَاحًا إِنَّكَ أَنْتَ
عَلَّامُ الْغُيُوبِ سید ابن طاووس و دیگران از سلمان

فهرست ممنوعه روایت کرده اند که گفت حضرت فاطمه

علیها السلام رطبی بمن داد که دانه نداشت و فرمود که این از دهنی

است که حق تعالی برای من در بهشت غرسل کرده بسبب کلماتی

چند که بدرم مرا تعلیم کرده است و هر باده و پسین آنها را

می خوانم سلمان گفت مرا تعلیم نما آن کلمات را ای سیده

من فرمود اگر خواهی که هرگز به تب مبتلا نشوی تا زنده باشی

بدین دعا مداومت نما سلمان رضی الله عنه گفت

که

که حضرت آن دعا را بمن تعلیم فرموده من تعلیم کردم زیاد

339

از هزار نفس از او اصل مدینه و مکه که به تب

مستلا شده بود ندادم و هم به توفیق

خداستعالی شفا یافتند به برکت این دعا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

النُّورِ بِسْمِ اللَّهِ نُورٌ عَلَى نُورٍ بِسْمِ اللَّهِ

الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي

خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَأَنْزَلَ النُّورَ

عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ مُسْطُورٍ فِي

رَقٍّ مَنْشُورٍ بِقَدْرِ مَقْدُورٍ عَلَى نَبِيِّ

مُحَمَّدٍ أَكْبَدَ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ

مَذْكُورٌ وَبِالْفَجْرِ مَشْهُودٌ وَعَلَى السَّاءِ
وَالضَّرَاءِ مَشْكُورٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ آمِينَ

امیر المومنین علیه السلام مرویت کہ روزی خیاره مروی را

نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله آوردند حضرت بجز و این

لا یزید لیمیا اثرش بر این خیاره افتاد بحدی تمام از جای حسیته

برین روان شدند و با قبیله همراه رفتند بدست مبارک میت

دفن فرموده گشتند اصحاب التماس نمودند که یا حضرت

این مروی بود فاسق که بدست العزرا بانخاب فسق و فجور

و دیگر کرد عمل صالحی نگردیده بود این مرتبه از کجا یافت

فرمود که چون دیدم اینهمه در شسته با خیاره بودند که جای با

نبودند ای بای برهنه رفتم که بسیار باجم برهنه شده اند بسیار

340
خانه این شخص برویم و تحقیق عیش از اهلش ببریم

چون خانه اش رفتند و از ریش سوال کردند گفت شوهر من

هرگز عمل صالح و ریت العزیزه و در کمال و در فسق و فجور از غیره و

کسره تهاون نموده بود و لیکن برگاه برخت خواب در می آید

بهر صورت که بود خواه است و خواه مخور و ضومی است

و دعای خوانده بخواب میرفت و این هزار و یک نشد

حضرت فرمودند که این دعا را یاد گرفته گفت بلی و خواند و احوال

فرموده حضرت نوشته چون حضرت بر حجت فرمودند خبر من

نازل شد و لفت حضرت عا اعلی سلامت میرساند و میفرماید که هر که این

دعا را در ریت العزیزه بخواند جمله کائنات بخوار و در که شرب بخواند

که کوبان را در منزل شده یعنی کسای بر او نمائند به حضرت نبی صلی الله علیه و آله

حضرت ولی صلوات الله و سلامه علیه فرمودند که یا علی هر شب این دعا را بخوان

تا بحباب به بهشت روی کنی امان من خواند هر پنجشنبه شود و هر کس که بخواند

جمع در پاهای او اوراق شجر کافور و ملائکه کتابت کنند از چهره نوشتن ثواب این دعا را خواهند داد

است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ جَمِيعِ مَا كَرِهَ اللَّهُ لِعِبَادِهِ

إِنِّي اسْتَغْفِرُكَ عَلَى مَا قَدِمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ

وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ

وَاسْتَغْفِرُكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا

341
غَيْرُكَ وَمَا يَطْلُعُ عَلَيْهَا سِوَاكَ وَلَا
يَسْعُهَا إِلَّا حِلْمُكَ وَلَا يَنْجِي مِنْهَا إِلَّا عَفْوُكَ
وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ يَمِيزٍ سَلَفَتْ مِنِّي
فَحَنَنْتُ بِهَا عِنْدَكَ وَأَنَا مُوَأْخِذٌ
وَأَسْتَغْفِرُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُجَّانُكَ
إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ وَأَسْتَغْفِرُكَ
يَا عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ مِنْ كُلِّ
سَيِّئَةٍ عَمِلْتُهَا مِنْ نَاسِ النَّهَارِ وَ
سَوَادِ اللَّيْلِ وَمَلَأَ وَخَلَاءٍ وَسِرِّ
وَعَلَانِيَةٍ وَأَنْتَ نَاطِرٌ إِلَى إِذِيرَاتِكُنَّهَا
وَأَنْتَ بِهَا مِنَ الْعُصْيَانِ نَاحِلِيمٌ

يَا رَحِيمُ يَا رِيِّمُ وَاسْتَغْفِرْكَ
يَا إِلَهَ إِلَهَ أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنْتَ كُنْتَ

مِنَ الظَّالِمِينَ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ

سُنَّةٍ مِنْ سُنَنِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ

النَّبِيِّينَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَالِهِ تَرَكْنَاهَا عَمْدًا أَوْ سَهْوًا وَجَهْلًا

أَوْ تَهَاوُنًا أَوْ قِلَّةَ مُبَالَغَةٍ بِهَا وَأَنَا

مُعَاقِبٌ بِهَا وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ

وَرِيضَةٍ وَجَبَتْ عَلَيَّ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ

وَاطْرَافِ النَّهَارِ فَتَرَكْنَاهَا عَمْدًا وَخَطًّا

أَوْ سَهْوًا أَوْ تَهَاوُنًا أَوْ قِلَّةَ مُبَالَغَةٍ

مُعَاقِبٌ

348
مُعَاقِبُهَا وَاسْتَغْفِرُكَ يَا إِلَهَ الْآلَمَاتِ
وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ سُبْحَانَكَ رَبِّ
الْعَالَمِينَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمُلْكُ أَنْتَ حَسْبُنَا
وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ عَفْرَكَ
رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ أَجْمَعِينَ بَعْدَ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ
وَبَعْدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ بِرَحْمَتِكَ
وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا حُبُّ وَتَرْضَى
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا يُبَغِّ
الْصَّلَاةُ عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَمَرْنَا
بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ

خَلَقَهُ مُحَمَّدٌ وَآلَهُ أَجْمَعِينَ وَسَلِّمْ
تَسْلِيمًا كَثِيرًا كَثِيرًا مَرُوسِيَةً كَمَا حَتَّ

بِحَضْرَتِ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بِشَدِّ نِهَاةٍ بَرْدَةٍ أَيْنَ عِلْفَةٍ

رَاوُشْتَهُ بِرَفِيقِي زَارَايَةِ طَاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَيْضًا

كَتَبْتُ بِهَوَايَا عَمِيدَةٍ كَرَشٍ مَحْتَمُومَةٍ سَافَةٍ وَرَكْلِي يَأْكُلُ كَرَفَتَهُ

وَرَجَاهُ يَأْخُذُ بِالْأَبْسَابِ بِيَارِي أَنْدَاوُكَ الْبَتَّةِ

عَرَضَ حَضْرَتِ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ

عَلَيْهِ بِزَيْدٍ وَأَنْ حَضْرَتِ خُودِ مَسْتَوْجِهِ

قَضَايَ حَاجِبَتِ أَوْ مَيَّ سَتَوْدُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كَتَبْتُ يَا مُوَلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ

مُسْتَعِينًا وَشَكَوْتُ مَا نَزَلَ بِي مُسْتَجِيرًا

343

بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ بِكَ مِنْ أَمْرِ قَدْ

هَمَّنِي وَأَشْغَلَ قَلْبِي وَأَطَالَ فِكْرِي

وَسَلَبْنِي بَعْضَ لُبِّي وَغَيْرَ خَطِيرِ نِعْمَةٍ

اللَّهُ عِنْدَ وَاسْأَلْنِي عِنْدَ تَخَيُّلِي وَ

رُودِهِ الْخَائِلِ وَتَبَرَّأْمَنِي عِنْدَ تَرَائِي

إِقْبَالِهِ إِلَى الْحَمِيمِ وَعَجَزْتُ عَنْ دِفَاعِهِ حِيلِي

وَحَاثِي فِي تَحْلِيهِ صَبْرِي وَقُوَّتِي فَلَمَّاتَ فِيهِ

إِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْئَلَةِ لِلَّهِ جَلَّ شَأْنُهُ

عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ عَنِّي عِلْمًا

بِمَكَانِكَ مِنَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلِي

التدبير ومالك الأمور وإثقالك في
المسارعة في الشفاعة اليه جل ثناؤه
في أمري متقين لا جانبته نبارك وتعالى
إياك يا عطاياي سؤل وانت يامولايني
جدد بر تحقيق ظني وتصديق أظفك
في أمري كذا او كذا يعني حاجت خود را بنوبه
وبعد از آن بنوبه فيما لا طاقة لي بحمله ولا
صبري عليه وإن كنت مستحقا وملا
ضعافه بقبيل افعالي وتفرط في
الواجبات التي على الله تعالى فأغثني
يامولايني صلاة الله عليك عند

اللَّهُفِ وَقَدِمِ الْمَسْئَلَةَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ
فِي أَمْرِي قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ وَشَمَانِهِ
الْأَعْدَاءِ فَيْلِكَ بَسَطَتِ النِّعْمَةُ عَلَى
وَأَسْأَلُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ لِي نَصِيرًا
عَزِيزًا وَفَتْحًا قَرِيبًا فِيهِ يَبْلُغُ الْأُمُالُ
وَحَيْرُ الْمَبَادِي وَخَوَانِمُ الْأَعْمَالِ وَالْأَمْوَالِ
مِنْ الْخُتَافِ كُلِّهَا فِي كُلِّ جَلِيلٍ إِنَّهُ
جَلَّ شَأْنُهُ لِمَا يَشَاءُ فَعَالٌ وَهُوَ الْحَسْبُ
وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فِي الْمُبْدَلِ وَالْمَالِ

و در وقت انداختن عریضه بکلی از بابستان آن حضرت

صلوات الله علیه که در زمان غیبت صغری بوده اند

که عثمان بن عفان پسرش محمد بن عثمان یاسین بن روح

یا علی بن محمد شمسو سل شده بگوید تا فلان بن فلان

سَلَامٌ عَلَيْكَ أَشْهَدُ أَنَّ وَقَائِكَ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ اللَّهِ

مَرْزُوقٌ وَقَدْ خَاطَبْتُكَ فِي حَيَاتِكَ

عِنْدَ اللَّهِ غَرَّوْ حَلَّ وَهَذِهِ رُفْعَتِي

وَحَاجَتِي الْإِلَامُؤْ لَنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ

فَسَلِّهَا إِلَيْهِ فَإِنَّ الثَّقَةَ الْأَمِينِ

بعد از آن عرفیه را در آب افکند که ان شاء الله تعالی

بر آورده می شود و آن حضرت خود متوجه

حواج اومی شود و چون الله تعالی و آن حضرت صبا

علیه

علیه السلام مرویست که چون خوابی برای مطلبی

حاجت بکنی تو یا نامه نویست اول با قلم می درآور و بر تو و یا نامه بنویسد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اِنَّ اللَّهَ وَعَدًا لِّصَابِرِيْنَ مَخْرُجٍ مِّمَّا

بُكَرْهُوْنَ وَالزَّرْفُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْسَبُوْنَ

جَعَلْنَا لِلَّهِ وَاَيُّكُمْ مِنْ الَّذِيْ يَخُوفُ

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْشُرُوْنَ راوی گوید

بعد از آنکه این حدیث شنیدم هرگز از برای مطلبی نامه

در قوه نوشتنم مگر آنکه با حاجت متروک گشت هه

فالتامه حضرت امیر المومنین صلوات الله وسلامه علیه

اول باید که ده مرتبه درود فرستد بعد از آن نیت کرد

انگشت بر این حروفها گذارد بر حرفی که انگشت بیاید آن حرف

گذشته و حرف پیش آنرا شمار کند تا ده عدد و حرف نهم

را بر کاغذ بنویسد و هم چنین تا آخر و حرفی که از آخر بماند آنرا

بالای آن حروفها که نوشته بنویسد تا بحرفی که انگشت

پنجم بر آن بخواند هر چه مراد باشد در نظم خواهد آمد بدان علمای حروف

ب ب ا ی ت ت ت ب ب س س

خ خ ا ر و م م ی ی ر ر ک ک ل

ف ف ط ق ا ا ش ا ل ک ی ی ل

ص ص ز ز خ ی ی ی ن ق ق ب ب و خ ب

ن م ک ی ی ن م و و و ب ب و ب ا ی ی

ت ب ا ا و و ف ا ر ر س س س ل

س ت ب س س ت ت ت ت ت ت ی ی ی ی

۷۸۷

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

والصلوات والسلام على خير خلقه محمد وآله اجمعين این نسخه است

که هر کس که خواهد حال خیر و شر خود را بداند سوره فاتحه و آیه الکرسی

یکبار بخواند و بعد ازین این آیه و عذرة و فلاح العیوب لا یعلمها

الا هو و یعلم ما فی البر والبحر و ما تسقط من ورقه الا یعلمها و لا تحب

فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین

و نیت بدل کند و اعتقاد درست و یک انگشت برین بوقش نماید

که نام پیمبران علیهم السلام و برنام هر پیمبری که انگشت نهاده باشد و حقها

بگفت بداند این نام در این اوراق ثبت است و آنچه برآمده باشد بر این

علا کند و بک نیاید که آن نموده است و شرط این است که صاحب

قال اگر خوانده باشد چشم برهم کند و انگشت خود را بر این لغزشها

بند و احوال باز داند و نام همه بران بدین طریق است که چهارست

داشته باشد و یقین درست و اعتقاد تمام بدان نیست که

است نگاه دارد و بدین عنوان است

فعل آدم	فعل شیت	فعل صالح	فعل نوح	فعل هود	فعل عواد
فعل سلیمان	فعل دُرّیا	فعل حی	فعل یونس	فعل موسی	فعل شعیب
فعل ادریس	فعل عیسی	فعل یحیی	فعل ابراهیم	فعل اسمعیل	فعل خضر
فعل ایساک	فعل یاقین	فعل یوسف	فعل یونس	فعل یعقوب	فعل یوسف

آدم علیه السلام قال الله تعالی و علم آدم السموات و الارض

قال این نیست که کرده بغایت بدین آیه بدانند که

دوست دارند و تو هر یان و شفق و خوشش جو کردی و لیکن در

۸۴۷

غایت اندیشه و مکر بودی و بسیار غم و اندوه کشیدی ز رفیق است

که شادمان شوی در روشنای در کمارت پیدا شو و بعد ازین

دوست خواهی یافت پیش از این غم و اندوه از قبل و شمنان

تو رسیده بود و مکر بودی و مدتی ازین جهت ندیده بودی

راست نیامد اما بوفتی حق سبحانه تعالی همه کارها راست شود

و ما در ویدر تو را خدا تعالی نگاه دارد و قومی که بر تو عمارتی و

تیمت بسته بود آنها مقهور شوند و خدا تعالی ترا بصیحت و سلامتی

نگاه داشت و از غم فرج داد و از مردم اکابر بسیار محبوبیت

و راحت خواهد رسید و از غایب خبر خوش شنوی و عیال

خود را نیز سلامت یابی و هر او که در مل و داری حاصل شود مال

ترا از همه سال بهتر خواهد بود و در ورششینه و چشینه بر تو مبارک
باشد و هر رادی که داری بزودی بر آید و برادر کجوانش و برادر

فصل شصت و قال الله تعالی و هو القاهر فوق عباده

و لما جاء موسى لميقاتنا و كلمه ربیه ای خداوند فال بد آن

که شخصی ترا بد گرفته بود و در ورششینه بدگویی میکند اما از روی

ظفر نیایی و قوی دست شود و کار ترا بالا گیرد و از کائنات

داز کائنات گذشته تو به کن و دل بخداست تعالی قوی دار که

ستاره راست تو از برج خمس بیرون و کار تو بر او دل

کرد و خدکس با تو دوست میکند و زبان دوست

و بدل دشمن می یابند که از خود با یک نمویی و در

خبر روز یک حکم و خصوصت کنی و ترا فرزند

دور

دولت خواهد شد که قدم او مبارک باشد و سخن مرد

348

زرک را روین که طالع از ایشان بسیار خوبست و

جهت و راحت خواهی یافت خواطر خود را محدود و زاری

رسیده بود اما بخریدنت و شانی بر اندام داری دلیل کنند

بر زندگانی در از و زیاده مال با حیرت و شادگانی بانی میباشد که

در نماز گاه بی گنهی تا مقصود رسد بکلمات اله تعالی **فصل صالح**

قال الله تعالی و نصرت الله نصره عزیزای خداوند قال

بدان و گاه باش که در کار تو خواهد بود و در کار حریفان

میگویی که آیا چگونه باشد و قومی با تو قسم میکنند و

و شمن تواند اما خدا تعالی ترا نگاه میدارد و چیزی صدمه

باید داد که ترا فرصت و نفوذ باشد و کارهای بسته کنی

و از غم آنده حلاصی یابی و برادر بسی تا در روز دیگر کنی

و پنج خم خود راه ده که مرتبه عالی خواهی یافت و خدا تعالی ترا ^{خواهد} پدید

که بسیار جمعیت و راحت یابی اما خوشی تنهائی با همه سزای

و مدار کنی تا از بلاهای این باشد و بر سینه و پاوش کم نشانی داری آن

نشان دوستی است هم در دنیا و آخرت اما بد که در آخرت پاک ملک

و جنگ و خصومت کنی تا کمینده دیگر ستاره شود در خانه آید و در

در کار تو پیدا خواهد شد چون ماه توبه بینی لطیف راست خود گمان

کنی تا بر تو مبارک باشد و مقصود که در دل داری با و بر سر بلوان

فصل نوح قال الله تعالی قلما یاد آنرا ای خداوند حالش

با و ترا که خدا تعالی از همه رنجها حلاصی داد و خود برادر رس و جفا

نمایند که اسال بسیار رنج و منفعت کشید و نصیب که در

۱۱

349 داری بزودی حاصل شود و غم مخور اما ترا سقوی در پیش

می آید و از آن سفر بسیار جمیعت و راحت مالی و خزانة تو پر

شود و بر قومی مهر کردی و فرمان ده شوی که ستاره رو بسجاست

آرد و هیچ غم مخور که عمر دراز باشد می باید که پوسته در طاعت

و خیرات خداست مالی باشد تا حرمت و دولت بیالی در برادر

و هر چند که با مردمان نیک میکنی بدی می بینی و عایب که داری

ز دولت سلامت مالی و آرزوی که در دل داری حاصل شود و

هیچ خیانت در دل تو نیست و با همه کس بکمال و همت باش

و چون ماه نو شود راضی تو خواهد رسید و در روزی بر تو گشاده

می شود و محدودان بر رخ خواهند بود و شکر خداست مالی گای آرتا بر دشمن

ظفر مالی و مقصود رسد بکمالش **قال الله تعالی فصل هوود قال الله تعالی**

و لایع العلق ای خداوند عال بدان و آگاه باش که شخ
ترا نیک خواه است و تو قوم را نصیحت میکنی و فرمان تو
نمیکند و سخن تو قبول ندارند و در میان ایشان چنان هست که
نوح علیه السلام در میان قوم خود بود و سخن او قبول نمیکردند
تا همه در بلا افتادند و لیکن بر دشمنان طوطیهای یافت و خواطر
خود و جبارت بشارت باد مرزا که عمرت دراز کرد و صحبت کل
بنورسد و بدست تو در آید و شخ بسیار با تو بدی میکنند و از تو
با و راحت میرسد و ترا غمی اندک خواهد رسید هر گز و در آخر
با که کوتا سلامت باسد و ترا سفری در پیش است و در آن
سفر راحت و صحبت یابی و آنکه بر تو دشمنی میکنند و کار ترا آگاه
و با تو دوستی میکنند از ایشان حد کن و زبانی نگو افتاده است
برای

خداستغالی عرض آن بتو خواهد داد و خواطر جمیع را در تو امید

380

هست و از حای طمع واری باید که باز خود بکس نکوی

تا سلامت باشی و لغاره نکند بر تو است قضای آن باید

که که کارت بدخواه بر آید روز شنبه و جمعه بر تو مبارک

است و مقصود مالی که بر دشمن ظفر مالی بکوانت بر آید

تغییر در کرایا قال الله تعالی اذ ما دی ربه ند خفنا ای

خداوند خدای بدان و آگاه باش که در کار شتاب کنی

از شتاب کنی عاقبت پشیمان باش اما بشارت باد

موتور اگر رحمت و دولت بتو رسد و از جهت فرزند صاحب

دولت بسیار شادمان خواهی شد و قدم افزون بر تو مبارک

باشد و در غم بر خود راه مده که بکس که پیوند عهد کرده است

نیاید اما زودی کارت برآورد خواهد رسید خواطر خود را
جمودار و پاک دل کران داری و لیکن ترا دشمنی و کینه در
دل نیست و آنچه مراد است میسر خواهد شد و مقصود خود
خواهی رسید اما شغف در اندیشه تو می باشد و قومی بر تو حسد
میرند از دست ایشان هیچ بر نمی آید و شوش بخود راه
دهد که کار تمام برآورد تو کرد و اگر غایب در سفر داری بود
باید تا خبر خوش از آمدن آن غایب بتو رسد و سادمان
شوی و امسال بر تو مبارک خواهد بود و سفری در پیش
آید اگر روی جمیت بسیار بینی روز چهارشنبه و جمعه
هر راونی که داری بخواجه که بدو عای خود رسد بگو آن

فصل بیستم قال الله تعالی یا محمدی هذا کتاب بقوه

381 خداوند قال بدان واکاه باش که بشارت باد و تر
که بر قومی بهتر خواهد بود و چنانکه همه ایشان در زمان تو باشند
و از آن بزرگی و نعمت و رحمت یابی و کثرت ثبوت
و بخت خوش بشنوی و از آن خبر شادمان و خورم خواهی شد
و چشم تو روشن شود و نور و غایت و شبنم بر تو مبارک
باشد و در وجه از جانب و خصومت بر سر که ستاره تو از
تاریکی بریشنای می آید و کارهای تو جمله بر آید و احوال
بر تو مبارک خواهد گذشت بگو ان شاء الله تعالی **فعل داود**

قال الله تعالی یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض

آی خداوند قال بدان واکاه باش که چنان مینماید که

به قومی بهتر خواهد بود که جمله خلافتی در فرمان تو باشند

دارم و اندوه خلاص نوی اما عقب تو شمع براند
میکند و ترا هر چه زبان است در دل بهالت امثال ترا
رخ رسیده بود و خداستعالی ترا نگاه داشت یکی دای تو
حادثی کرده بود اما راست نیاید و از تو بخیر و در گذشت می
باید که راز خود یک گوی اما بعد از چند روز راحت کلی
تو رسد و منت و محبت از صاحب دولت ترالیف
خواهد بود و از و راحت می خواهی یافت باید که در نماز کاملی کنی
تا بر او خورس بگوئی والله تعالی قهل سلیمان

وَلَسَلِيمَانَ الرَّحْمٰنُ عَزَّوَجَلَّ اَيُّ خَدَاوَتُهَا اَيُّ

و اماه باش خبان نماید که تو در غم فروماندی و در غم

فرزندی باش خداستعالی ازین غم بپا ند و فرزند تو

فهر

خواهد بود و نم نحر کیم بر تو عادی کرده بود و خداست
ترا از ان رخ راحی داد و از سنگ و از این ترا حرامی
رسیده است و نشان مانده است و آن نشان باش
بر درازی عمر باشد و بسیار خواهی شغفت می بینی و درازی
میکنی و در دل تو هیچ کینه نیست باید که در کار با خیر کنی و لطافت
خداست و مالی مشغول باشی قوتی از همه بستان بد و نیت
قیاس بدست تو آید و توانی که در دل تو هیچ کینه نیست
و اعتقاد تو پاک است و خدا با تو عنایت دارد و همه کس
ترا دوست دارند و صورت تو در دل همه کس شیرین است
و رایز مناسب پیدا خواهد شد که بسیار شغفت مالی و مال
حرام ترا از خود اگر یک دنیا حرام بدست تو آید عرض آن

ده و نیاز دوست بر دوزخها گرد مال حرام نکردی که بر تو بار

نیت و از غایب چشم تو روشن کرد و تو در دل

امیدی که بسته و از آن نیت و دودله منمائی باید که اندیشه

بخود راه مده که مقصود بر کج بگوش و اله تعالی **قل یا روف**

علیه السلام قل الله تعالی یا یا روف ما منعک ای خداوند

قال بدان و آگاه باش جهان بنماید که در ملک دشمن فروماند

در نیلانی که چون خواهد شد دوست هیچ خبر کن نیست

و آرام نداری غم بخور و دل تنگ باش که مراد حاصل

می نمود و زیست که یک ستاره تو بتر و یک آمده

بروشنای او عجایب با بینی و در این حدت راز باقی

است و خدا تعالی عوض آن بنویس خواهد داد و وفای

و تشویش و تفرقه راه ندی که کارت نفع و زودی بر ³⁴

آید و دولت لکاری مشغول است باک عهدی و پندی

که داری مکن که بسیار یک خواهد بود و کارت بدعا

خواهد شد و من بعد از خاک بدست گیری ز رشتود باید

که در نماز کاهلی غنی و آنچه دست دهد صدقه و بی تا از همه بلا

امین باش و برادر رس بگو آن شاء الله تعالی **تعلی موسی ع**

وَلَمَّا خَابَ مُوسَىٰ بَلِيغًا نَبِيًّا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ فَإِذَا هُوَ

قال بدين و اگاه باش که بشارت باد و ترا بدست

و راحت و سلامتی رس که بطالم تو آمده است اما بفر

مودمان بر تو حسد میرند و شجعه از نزدیک ترا دوست

و نصیحت و پند او بشنو و غم مخور که امسال بر تو مبارک خواهد بود

و شغل عمل خواهی رسید بسیار راحت یابی و غایب
بصیحت و سلامت بتو رسد اما چنان نماید که گویند

خورده کناره آن بده تا بدولت اتوده کرد و بسیار غم و

اندوه خورده و اکنون که بود از تو بخیر گذشت در شکستگی

داری آن نشان دولت است و عیاری از کس بر دل خود

داشته چون در دل تو کینه نیست همه یک بینی و پوسته

خواه های اشفته می بینی و در اموش می کنی دل تو دیر که

برادر کس بگوشت و اله تعالی **فعل شعیب** قال الله

تعالی و نصیر لا اله الا انت ای خداوند غالب بدان

و اگاه باش که چنان نماید که بپوستی خواهی کرد و چهره

و راحت بسیار خواهی یافت و مارت بدخواه خواهد شد

لا اله الا انت

354
دار چهار پان طالع نیکوست و هرنیت که داری بر او است
رسید و لیکن چند روز صبر کن که شتابی کنی که بعضی مردمان با تو
دشمنی میکنند و کار ترا سباه میکنند و بد آنچه دست خواهد داشت
دست و ده صدقه بدهی تا خدا تعالی از جمله بلاها و آفت نمانی
گرداند و از زنی فرو مانده و ترک میکنی دل خوشش دار
که مرادت حاصل شود و ترا فرزندی خواهد شد که قدم او برادر پدر
بیارک خواهد شد و از آن فرزند رحمت و محبت خواهی یافت
باید که راز خود را که نوی اما کار تو بالا گیرد و هر غمی و زحمی که
بر تو روی نموده خدا تعالی از تو بگرداند و در این موت دلبری
نمیکردی رست نباید و از این سبب سرگردانی یافتی
دل قیدار که مراد خود را که اما دشمن بسیار داری می باید که

پوسته تنویر نام خداست تعالی با خود داری تا زین بد کوین

بر تو نیست نه شود و بر دشمنان طغریابی بگوالت **قال الله تعالی**

قال الله تعالی و رفعتنا و مکاننا علیا ای خداوند تعالی بدان

و آگاه باش که ترا دولت و عزت خواهد رسید و هر مرادی که

داری برسد و بکن جای خواهی رفت شباب کن که

شخصی در کار تو بدی میکند و بغایت دل تو پاکست و از شغل

عمل بسیار فایده بخواند رسید و قوی بر تو حسدی بر نهد

و در قصد تو اندام بر تو طغریابند که ترس که همه کار تو بر او خواهد

بود و خاطر محمد را و سعی در پیش کن و اندیشه مدار که

راحت و جمعیت بیایی و اندک غم بخواند رسید و از

گذشت و صورت تو در نظر مردمان شیرین آید و در زمان

در آن

بودار تو باشند اما ندخوی و تیری و زود خشم مینوی و باز

صلح میکنی و دوستی ترا از جان و دل دوست میدار و دست

و روز ترا ادعای خیر میکنند باید که از فرمان او سر نه چپی و درین

چند روز یک کهنه کهنه که ساره تو از برج محس بیرون می آید

و در وسعت می آرد و یک سبزه رنگ به غنچه است

حاجتی که داری بعد عا حاصل شود و بگویش را الله تعالی **فصل**

ع قال الله تعالی اِنِّیْ مُتَوَفِّکَ و رَافِعُکَ اِیَّا

خداوند قال بدان و آگاه باش که قالت نهایت تربیت

و از اندوه خلاص شوی و مقصود که در این داریستی حاصل آید

عزیزت در از باشد و کار بارت بدخواه بر آید و دشمنان برود

نوشته و بر ایشان طغیانی که هر روز که ترا آید عزت و دولت

زیاده شود و باران و همشایان با تو یکدل شوند و تو یک

بخت و لغوی در پیش داری برو که شفقت و راحت و حمیت

دست و بد و خداست عالی از برکت ما و از جمیع پادشاهان و پادشاهان

دارد و کسی که زرد داری بتورسد و شاد گردی و بددلت و

سعادتی تو را می آید که نهایت مفید و مبارک است

و بدعا حاصل شود و بخت تو نیک خواهد بود و دشمنان

بطونایی و هر نسبت که در دل داری بگو که برادر است یک

ان شاء الله تعالی **فصل محمد ص** اما کان محمد یا احمدا یا

قال بدان و آگاه باش که بشارت باد ترا که فتح و نصرت

بر دشمنان خواهی یافت و بددلت و لغت بسیار

کارت و ترقیت البته مراوت حاصل شود و

۱۲

دشمن داری مقهور شوند و کف نشانی داری و لیل است

38

و موجب سعادت و دهرانی و عمرت دراز گردد و بسیار

مردمان قصد تو کرده اند و نهت با میکنند و بسته اند اما

حق تعالی ترا نگاه میدارد و شب و روز را و عار و خیر میکند

از رکت و عار او از همه افتها و بلاها امین باشد و نعمت

و جمع کلی بدست تو در آید و جاه و شمت یابی و تو مکر و غلا

همست کردی کارت نیکو شود و خدا تعالی ترا بلامست و

سعادت نگاه دارد و تو جمع و مهربان ولی صبر کن و دراز خود

با کس مکره آفتاب رو و اطلاع آورد و از رکت و خیر بسیار

خوشی یافت و از غایب خبر خوب بتو رسد و روز نشین

و پنجشنبه بر تو مبارک باشد و روز جمعه در میان جنگ

میان جنگ روی تابلاست باشد بکوانش رالده تال

فصل ابراهیم قال الله تعالى قلنا يا ابراهيم اني ابراهيم

سلاماً علی ابراهیم ای خداوند قال این نیست که کرده

بغایت خوشت و یک طالع قوت دار و در غم و اندوه و

شوی و قوی و خوش میسرند و در قصد تو میگوشتند اما خدا

تعالی بفضل خود نگاه دارد باید که در طاعت کوشش و بپوش

بام خداست تعالی با خود داری و دوستی داری تو او را میار

که پشیمان می شوی و ترا فرزند مقبول و عاقل خداست تعالی

بهد و در روزی بر تو گشاید و درین مدت چشم زخمی

است و از تو بخیر و از شر دشمن ایمن شدی و مردی و

بالا و زنی که کردی ایشان بر دو بدی تو میخواهند و

رایج کار و کز نسبت الاله شب و روز ترا تباد سازد
ومی باید که بنام خدا تعالی نباشد تا از بلاها و درمان حق

۳۸۶

تعالی باشد و ترا از شر ایشان نگاه دارد و ایشان را
اواره سازد و ترا مقصود رساند و دل بر امید بسته

و سواس باین داری باید که امین باشی که آن مراد تو
حاصل شود و روز حجه بر تو مبارک باشد و در میان جنگ
و گفتگو نروی تا سلامت باشی و بپراوری که بگو

انشاء الله تعالی **فصل رستمی** قال الله تعالی من

نباهت عظیم ای خداوند فال تراج ساز و مکرر

ترجمه کس دوست میدارند که راست عهد باشد و گناه

و رضا جری مردم باشد و برای رنجی رسیده بود اکنون

خبر نشان تو پیدا است در پشت و پهلوی نشان داری آن
نشان نیک است اما شخه کوتاه بالایی تو میکند خداستعالی

از شر او باز دارد و مراد تو حاصل شود و هیچ غم مخور و زنی ترا
از در شب دعا می کند خداستعالی از برکت دعا

آن زن نگاه دارد و در از غم شوی و میراث کلی تو رسد
و آنچه بدو بگوشت خواطر خود چهار و در این هفته با کس گفتگو

بکن و حاجی مرود شتاب شود تا آخر ماه ترا وصل خواهد شد

خداستعالی فرزندی مقبول بود که بسیار قدش مبارک

باشد و از آن جمعیت بیای و بپوسته نام خداستعالی با خود دارد

تا از جمله ملا و افت با این باشد که از خود با کس نکوی

سلطنت دولت آسوده شوی و دل خود با کس مندر که محکم

قدر و قیمت تو نمیدارد و لیکن عاقبت کار بر او خود
رسد بگو آن شاء الله تعالی **فصل خضر** ^{قال الله تعالی}

إِنَّا نَحْنُ الْكَافِرُونَ إِنَّمَا نَحْنُ الْكَافِرُونَ إِنَّمَا نَحْنُ الْكَافِرُونَ

بدست و سعادت و نعمت رسد یک کس با تو دوست

دارد و دوست نادان است و خاطر را پوسخته اشفته و کمر

میدارد و بدگوی تو میکنند ترا نخواهد از حلال جداسازد اما تو

انچه مدعا طلب کردی بیای میبینی و نه هزار از خود پاک مگوی

تا مرا دست بدخواه بر آید و با هم یکس جنگ و کله کومکن و نندی

نیزی شما تا سلامت بماند و روز غنیمت و شنبه بر تو مبارک

باشد و در برای خواطر کس غم نخوری و اگر کس از تو در مانده

باشد و در را اول سلامت باز بینی و دل بدان امید که بسته

حاصل شود و حاجت ما را کرد و در بر خود بر سر بگذاشت

الله تعالی **فصل البایس** قال الله تعالی سلام علی البایسین

ای خداوند قال بشارت با و مر ترا بدان و آگاه باش جان

نماید که طلب کاری میکند و آنچه طلب میکند تو میدو

شادمان شوی اما بسبب شجری رنجور خاطری که زبان تو را

میکند و بدل اندیشه دیگر دارد و این کار بسته تو گشت دهی

نشود و شوی بی اعتبار پیش نومی آید برو که راحت

است و نعمت بسیار بدست تو در آید و باز سلامت

از آن سفر موطن خود خواهی آید اگر نسبت به پنداری مکن

که عاقبت پشیمان میشوی و خدا تعالی ترا ج نضیب کند

وزارت حضرت پیغمبر صلیب تو شود و زنی بود

و عای خیر میکنند و در ازای عمر تو از خدا تعالی میخواهد و حرمت

359
اورا نگاه دارد و روز و شب و پنشنبه بر تو مبارک باشد

و کار که پیش گیری باستان بر آید و روز جمعه و یکشنبه در

میان جنگ و فتنه و روی تا در امان حق تعالی باشد و نندی

و تیری مکن و صبر کن که کارت خواهد شد چون ماه نو شود

خیزی بدست تو آید که از آن خبر نداشته باشی و برادر خود

بر سه بگوشت از راه تعالی **فصل بیل** قال الله تعالی لئن

بسطت الی یثرب ای خداوند فال چنان بنماید که رخ بسیار

کشیدی و در تنگی گرفتار غم بودی حضرت حق سبحانه

تعالی تر از آن رخ و تنگی و غم برمانید و بحالت دهد و موی بر تو

عید و مکر سبازند و دوستی با تو دارند هیچ کمزور که خدا تعالی

ترا بر ایشان طفر خواهد داد و ترا فرزندی خواهد بود که قدش

بسیار بر باد و رویدر مبارک باشد و بسیار نعمت و محبت

بدست آوری و آنچه بدعاست برآید و مرادت حاصل شود

و روز دوشنبه و پنجشنبه رتو مبارک باشد و همه کارت

برآید خواهد شد بگوشت را اله تعالی **فصل یوب** قال اله تعالی

ای خداوند عالم بدان که چیزی از دست تو رفته است و بسیار

پریشانی و عاقبت کار خود نمیدانی بحیل کن و صبر کن و برادر

که در دل داری بدان مدعا برسد و درین مدت پریشانی

و سرگردانی بودی و مدت مدید برآمد اکنون راحت و نفع

و سعادت بتو روی آید و بشاوان نوی و روز دوشنبه

و پنجشنبه رتو مبارک است و کارت برآید خواهد شد و

مدت دور و مقصود رسد اگر نسبت عقد و کفاح در دل دراز

360

خود را تنویش مده و مکن که عاقبت پشیمان میشوی و ستاره

مخس در طالع توست عاقبت امر بصیر این کار بر آید و آنچه

طلب کرده بتورسد و لیکن بسبب سنجی کار تو کشته ده

می شود و از رزق راحت و محبت بیایی و کجارت بمراد شود

بگوشت شادمانه تعالی **فصل نویس** قال الله تعالی و لولا انک کان

مِنَ الْمُسْجِبِینِ اِی خداوند عال در میان تارکی گرفتار شدی

شکر خداست تعالی بجایاری که از تارکی بدر آیی و از همه غم با خلاص

شدی و عاقبت از این نیت خورم کردی و ترا از صاحب دولت

و راحت خواهد رسید و شاید این شوی بمراد خود رسد اما بدانکه

مردی و زنی بر لوح میبرند و بدگوی تو میسخت اما طالع تو قوت

و از در ایشان طوفانی و شعله در لولیش و اندیشه است و تو از
شاد و خرم شوی و نور و دشت کمری و بار صبح کنی و خدا است
زافرندی خواهد داد که صاحب دولت و جاه باشد و قدش
برادر و پدر مبارک باشد و از ان فرزند بخوری و ترا شرکت نه
سازد و اگر کینه پشیمان شوی و از او بدخواه و بر سر هرگز
نم مخور که از جمله غمها خلاص شوی و مراد حاصل شود و
بشخص از غایب توبه که آرزو مند است و ویدار او بسلامت
ببینی و چشمت بیدار او روشن شود زنی و عا کوی است
و درازی عمر تو از خدا تعالی میخواهد و دعای این بر تو مستجاب
است و سبب او حال نیکو شود و کارش بالا آید و در و در شمعان
طوفانی و مراد بدخواه بر آید که او را الله تعالی **فصل**

در خواست

یعقوب قال الله تعالى ويرث من آل يعقوب ای

اعل

خداوند قال چنان میماند که بسیار غم و اندوه کشیدی و بیماری

تو در امیدواری خود برداشته اما حق تعالی بفضل و کرم خود ترا

نجات داده و در دولت بر تو کثاده کرد انبیا شکر خدا بجا

بجا آر که ترا از غمها خلاصی داد چنانچه که هشتم **یعقوب** باینجا

شد از وقت یوسف علیه السلام و در فتح و شادی بر تو

بسته و اکنون بشارت ما و من را که در روزی و خبر بر تو گشاد

گشت چنانچه چشم یعقوب بیدار یوسف روشن گشت

و همچنان روشنای در کار تو پدید آید و آفتاب روی دارد

و از این بشاد و خورم خواهی شد و بدولت و عزت خواهی

ماند بکلمات و لله تعالی **مصل یوسف** قال الله تعالی لقد کان

فی واخوته ای خداوند فال بدان واکاه بخش که
قومی مان و ملک تو نخواهد و بر توحید سیرند مالک است باد
مر ترا که طفرایی اگر چه این زمان در خطر و در این چند روز
راست و شادمانی تو رسد هیچ غم محو یک کس با تو قول
و شرط کرده و خلاف وعده و شرط میکند و تو در دل عهد اولی
دل نمدانند و آنچه در دل داری بحد عارض خواه بر آید و زار دل
خود را کس ملوی تا دولت آسوده شود و همیشه خود
ساز و دولت وزیر کی تو رسد و تفرقه و تشویش بخود
راه مده و سفری در پیش نومی آید اگر چه اندک غمی و برین
تو میرسد و لیکن در خزان سفر بسیار نعمت و جمعیت بدست
تو در آید و تا دمان شوی و زنی در بند است و کار ترا تمام
بمکمل

میکنند امام مخور خدا تعالی ترا نگاه میدارد باید که پوسته در طاعت

و خیرات باشی تا از همه بلاها و آفتها در امان حق تعالی باشی

و غایبی بصیحت و سلامت بتورسد خاطر خود را جمع دارد

و دغدغه را بخود راه مده که کارش بدعا و آسان بر آید

جزیری بتورسد که بسیارش دمان ثوی و برادر دل برسد

انشاء الله تعالی تمت تمام شد فاما نامه نصف حضرت امام جعفر صادق

بسم الله الرحمن الرحیم سوره اذا جاء نصر الله **این است**

که رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود هر که با خود دارد و بر اعدا منظر

منصور باشد و هیچ آفتی منبلا نشود و عقد انسان حاسد این

سوره اذا جاء نصر الله تعالی بنظر رحمت سوی آن بند میزند

و تاثیر آن و برای دفع بلیات با خود دارد و این باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا
اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا
اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا
اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا
اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا
اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا
اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا
اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا	اقواجا

نکست سوره اخلاص حضرت پيغمبر فرمود که با خود دار و هر حاجتی که در

باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

احکام لغاح وک که مرکب این میشود واجب است بر او

که پنج علم را بداند ^۱عقد او درست میشود ^۱اول علم لغت تا معنی

لغوی و اصطلاحی را فرق تواند کرد و دوم ^۲علم صرف بجهت آنکه

موقوف بشبهه مکه را بداند ^۳سوم علم نحو بجهت صحبت ترکیب چهارم ^۴

بان که لازم عقد است دانستن آن سنی بر عاقل لازم است

تا نمیز تواند کرد و از جمله آن شایسته بیخشم برقرعات سابل لغاح

که از دانستن آن لازم است مثل در صیغه عربی انگشت ^۵

مَوْكَلَّتِي مِنْ مَوْكَلِكِ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ

معنی اینست که لغاح کردم و کبل کشنده خود را از برادر و کمر

کشنده تو بر مهر من و در قاعده صرف انگشت ^۶واحد معلوم است

فعل ماضی از باب افعال و زوَجْتُ نیز واحد مکمل است از فعل

ماضی از باب تفعیل و این هر دو متعدی اند که فاعل و مفعول میخوانند

و هر دو موکل اسم فاعلند و من حرف جر است علی نیز حرف جر است

و صدق و علوم اسم اند با نکت و قَبِلْتُ نیز واحد مکمل است

از فعل ماضی بحسب ترکیب فعل و فاعل است و موکلینی مصافقت

است بیار مکمل و یار مکمل مضاف الیه است یعنی اضافه باوست

و هُنَّ موکلان جار و مجرور است و مصاف بر کاف خطاب

و کاف خطاب مضاف الیه و علی الصدق که جار و مجرور است

علی حرف جر است و علی الصدق جار و مجرور علی یعنی کننده

صدق بحسب دخول علی است و المعلوم نیز صدق و این را

جمله ان متعلق با نکت و قَبِلْتُ فعل و فاعل است اظنی

حار و محروست مضاف است بیا و مکلم بیا و مکلم مضاف الیه
متعلق بقولت و این نیز جمله انشا باشد و لغت از خود خبری است
کردن است و در اصطلاح انشا بابت حکم است که محروست
از زبان نکره ماضی حال و استفعال باشد یعنی تلخ الزمان است بجهت
آن جمع عقد البعینه ماضی وارد اند از جمله انکره ماضی و گذشته
باشد اگر بلفظ مستقبل میشود احوال استقبال میشود و ما
در گذشته اگر از جمله ضرب میشود احوال صدق و کذب داشته
و احوال صدق و کذب ندارد بلکه صادق است از ضرب و لا کذب
و ضرب ضرب که جمله ضرب اند احوال صدق و کذب دارند
اثبات اینجا بمعنی امر است و حکم اینجا بمعنی وقوع است و محروست
و لالت این زمان این معنی دارد که زمان معنی اینست که در هر حال
این

این اثبات حکم در زمان واقع نمی شود و اما زمان مسطور نیست

و معنی اصطلاح در صغیره عقد و نکاح آنست که شارع این لغظ را

قرار داده است بواسطه آنکه و پس و نقل و جمع متممات زوج

بر زوج حلال می شود و بعضی این مهر و سکنات و نفقه و مرأه

نقل ۲ بوجوب از زوج بر زوج نقل میکنند بوجه قبلیت را

نیز وضع کرده برای قبول الزمان با مهر زوج بر زوج بعضی تحلیل متممات

زوج بر زوج پس زوج نسبت آنچه از او نقل میکنند بوجه مشتمل

الیه است نسبت زوج با آنچه از او بوجه باو نقل میکنند مشتمل الیه است

و آنچه از او بر زوج نقل میکنند مشتمل الیه است باینکه باید دانست

که نکاح و نفقه و مهر و سکنات و مرأه در اصطلاح نکاح آن

عقد است که ایجاب و قبول است و بسبب ایجاب و قبول

ز روح ملک و طی کردن زوجه میسر و ابتدا با بنی اولاً یعنی گفته
اند بکمال بنی و طر کردن است مجاز به بنی لفظاً ایجاب و قبول
است و بعضی عکس این گفته اند و بنی حقیقت آن است
که در موضع خود مستعمل شود و باید دانست که بعضیهای عقد
در از آن جهت اخبار وضع کرده اند و شارع نقل کرده باشد
آورده بواسطه هر دو امر یکی لذت و دیگری تسلسل و کذب
تسلسل هر دو باطل پس نقل کردن بان را آمدن لازم بود
و فرق میان آن است که مدلول آن را آن نفس آن
ثبوت است یا نفس ثبوت و آن را بر سه قسم می شود و حال
از آن نیست که معارف استقبالی است با معارف حسی
معارف خضوع است اگر آن را یعنی دلالت با استقبال است
و معارف

مقارن مخصوص است پس الشاوری بن هنگام معنی سوال کردن

366
است و اگر گویند که چرا دلالت را مستغنی بوضع کردند جواب

گویم که بواسطه آنکه آخر از خبر که دلالت مبطل است فعل میکنند

و باید دانست که صغیر انما تحت و نفس سوگلی

من سوگلی و نه دو مفعولی است و این برخود واجب

است باید دانست و از مفاعیل حاصل کدام مفعول مفعول

او مطلق است و مفعول به است و مفعول ثانی یعنی کفاح

کردم نفس وکیل کشنده خود را که فلان از برای فلان

وکیل کشنده فلان را کناه باشد بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذي أجل النكاح و مذهب اليه و حرم

الزنا و المنفاح و تو عليه و صلوة على سيد المرسلين

وَحَامِ النَّبِيِّينَ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصُومِينَ

اما بعد از تحریر رساله دانست که محمدرابرادران ایمانی و دین

روحانی فقر الکلیف و تخلص نموده اند بر مکر برای وضع عقود

لکاح و انواع تعبیرات آن بروجه که غایت احتیاط که در جمع امور

مستحسن و مرغوب قدر است در این بروجه اعمل مرعی نموده

باشد چون هر فروغ نرید احتیاط را سراوار نموده احتیاط

التماس ایشان را لازم است چند کلمه در خور ادراک فهم

خویش و خیر تحریر را آوردم عَلَى اللَّهِ الْمُسْكِلَانِ وَهُوَ

الْمُسْتَعَانُ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ بیاید دانست که ظاهر اخبار و

اقوال اصحابه آنست که عقد داریم را بلفظ لکاح و تزویج هر دو

واقع میون ساخت و لیکن مشایخ ما رضوان الله علیهم هر دو

لفظ ابرامی نمودند رعایت احتیاط و ایضا باید دانست مستند

و مذکور عمل جمیع از افاضل که سعادت و خلاصت ایشان یافته
367

بودم این بود که لفظ نکاح و تزویج را هر دو معنوی ثانی معنوی

لکلمه من میباشند و کتب لغت معنوی نفیس وارد شد

و در قرآن مجید نیز نکاح در مواضع متعدده معنوی نفیس وارد شد

از آنجمله قوله تعالى اُسرید ان انکحک احدی

زوجه

بسی تزویج در بعضی ابیات معنوی نفیس وارد شد قوله تعالى

و در بعضی معنوی ساد و هو قوله تعالى زوجه

عین و لیکن این شکسته بعد از منبع در بسیاری

از اخبار و بدیم که معنوی همین وارد شده پس رعایت رعایت

احتیاط مقتضی اینست که مجمع این وجوه ابراد نماید **ایضا** در

آیاتی که سابق ذکر یافت اسم مراد مقدم است بر اسم

زن و مشهور بر عکس پس رعایت هر دو بشود ای اخط

خواهد بود و ایضا ظاهر بسیاری از اخبار و قول اکثر اصحاب

آنست که اگر عاقله بالغه رضای دختر کافی است و اگر اگر باشد

نیز رضای زن کافی است هر چند پدر وجود داشته باشد و ایضا

باید دانست که مشهور میان علما آنست که هیچ جمع عقود را قصد

واقع می باید ساخت مثلاً که بلفظ انکحت می نماید اگر مراد او

این باشد که قبل از کلام نکاح واقع است ختم و این کلام از آن

خبر می دهد آن خبر است و این کلام نکاح واقع نمی شود و اگر مراد او

این باشد که بلفظ انکحت کلام را واقع می سازم این معنی آنست

و این کلام واقع می شود و هم چنین در جمیع عقود مثلاً نیت که

میگوید

میگوید می باید که مراد این باشد که همین لفظ نیست واقع می شود

بعد از تمهید این مقدمات بداند که حالی از این نیست که با وکیل مرد با هم

وکیل زن صیغه میگوید یا مرد با زن با وکیل مرد با وکیل زن و در

هر صورت با رضا و لای را رعایت باید کرد و بانه چنانچه دل نداشت

یا اگر داشته بکره نباشد و از این مجموع هشت صورت دارد و بهم

و اینها در صورتی است که شوهر زن هر دو مانع باشند و دختر مانع بر

عکس حالی از این است بی طفل یا مانع صیغه میگوید یا با وکیل مانع

و از این پنج صورت با هشت صورت سابق سیزده صورت

حاصل میشود اول آنکه وکیل زن با وکیل مرد صیغه گوید و زن بکره

باشد و زنی حاضر داشته باشد و درین صورت وکیل زن احتیاط

بهم از جانب زن وکیل میشود و بهم از جانب پدر و جد پدری نمیکنم

که هم و محمد نام دار و زن زینب اولاد هم بد میگوید آنکست

مَوْلَاكَ مُحَمَّدًا مَوْلَاكِ زَيْنَبَ عَلِيٍّ صَدَقَ خَمْسِينَ تَوْمَانًا

مَوْصُوفًا وَكَسْبِ مَرْكُوبٍ قَبْلَتْ النِّكَاحَ لَوْ كَلَّ

مُحَمَّدٌ عَلَى الصَّدَقِ الْمَعْلُومِ

بِسْ وَكَسْبِ زَيْنَبَ مَكُوبٍ زَوْجَتْ مَوْلَاكَ

مَوْلَاكِ زَيْنَبَ بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ وَكَسْبِ مَرْكُوبٍ

قَبْلَتْ التَّزْوِجَ لَوْ كَلَّ بِسْ وَكَسْبِ زَيْنَبَ مَكُوبٍ

زَوْجَتْ مَوْلَاكَ بِمَوْلَاكِ عَلَى

مَهْرِ الْمَعْلُومِ وَكَسْبِ مَرْكُوبٍ قَبْلَتْ لَوْ كَلَّ عَلَى

مَهْرِ الْمَعْلُومِ بِسْ وَكَسْبِ زَيْنَبَ مَكُوبٍ زَوْجَتْ

مُحَمَّدًا زَيْنَبَ عَلَى الصَّدَقِ الْمَعْنِيِّ الْمَوْصُوفِ

وکیل

وَكَيْسٌ مَرْدُ بَكْوَيْدٍ قَبْلْتُ وَكَالَهُ عَنْ مَوْ كَلِي
وَكَيْسٌ زَنْ بَكْوَيْدٍ أَنْكَحْتُ نَفْسَ مَوْ كَلْتِي زَيْنَبُ وَكَالَهُ

عَنْهَا وَعَنْ أَبَيْهَا وَعَنْ جَدِّهَا مِنْ مَوْ كَلَّا

مَكِّي مَدَّ أَبَا الصَّدَاقِ

الْمَعْلُومِ وَكَيْسٌ مَرْدُ بَكْوَيْدٍ قَبْلْتُ النِّكَاحَ لِمَوْ كَلِي

بِالْوَسْطَاءِ الْمَذْكُورِ وَكَيْسٌ زَنْ بَكْوَيْدٍ زَوْجْتُ بِنْتِ

مَوْ كَلِي مِنْ مَوْ كَلَّا بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ

وَكَيْسٌ مَرْدُ بَكْوَيْدٍ قَبْلْتُ لِمَوْ كَلِي وَكَيْسٌ زَنْ بَكْوَيْدٍ

قَبْلْتُ لِمَوْ كَلَّا دِيمَ أَنْدَ مَرْدُ زَنْ خَوْصِيغَةً كَبُونَدَ

زَنْ مَلِي دَرَشْتَه بَاكِرَه بَاشَد زَنْ مِيكْوَيْدِ وَزَوْ
جُكَ

نَفْسِي عَلَى صَدَاقِ خَمْسِينَ تُوْمَانًا مَوْ صُوفَا

مرد بگوید قَبِلْتُ لِنَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ زَن

بگوید اَنكَحْتُ نَفْسِي عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ مَرْتَن بگوید

قَبِلْتُ لِنَفْسِي زَن بگوید زَوْجُكَ نَفْسِي اَصَالَهُ وَوَكَالَهُ عَنْ أَبِي وَ

المعلوم
مرد بگوید قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِنَفْسِي زَن بگوید اَنكَحْتُ نَفْسِي مِنْ

نَفْسِكَ بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ ۵۵۵۵

۵۵۵۵۵۵ مرد بگوید قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِنَفْسِي

زَن بگوید زَوْجُكَ نَفْسِي عَلَى الْمَهْرِ الْمَذْكُورِ

مرد بگوید قَبِلْتُ لِنَفْسِي زَن بگوید

.....

مرد بگوید در منصوصات احتیاط است

که زن از جانب پدر یا جد پدری وکیل شود و باین نحو واقع سازد

والله

و اگر پدر صبیغه را و شوهر کوچک پدر از جانب دختر وکیل شود و

بگوید زَوْجُكَ بَنِي زَيْنَبَ وَكَالَهُ عَنْهَا عَلَى صِدَاقٍ

تُومَانًا مَوْصُوفًا حواصی جواب مرد در همه صورت

بجواب است که مذکور شد پس پدر دختر بگوید که آنکه گوی

بَنِي زَيْنَبَ مِنْكَ وَكَالَهُ عَنْهَا وَوَلَايَةً عَلَيْهَا

بِالْمَعْرِضِ الْمَعْلُومِ بعد از جواب پدر بار بگوید

زَوْجُكَ بَنِي زَيْنَبَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمُعَيَّنِ

الْمَعْلُومِ مرد بگوید قَبِلْتُ لِنَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ

الْمَعْلُومِ سیوم آنکه وکیل زن صبیغه بگوید و ملن باکره نباشد

یا ولی ندارد شته بخوبی که در قسم اول گفتیم صبیغه را باید گفت

و و کالت پدر را از لفظ باید انداخت اگر چه صبیغه اول آن

نهم باین ختم کند ظاهر اول پس اینست وکیل زن بگوید آنکست

وَنَزَوَّجْتُ نَفْسَ مُحَمَّدٍ كَلْتِي زَيْنَبَ مِنْ مَوْلَاكَ

مُحَمَّدٍ بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ وکیل مرد بگوید قیلت

النِّكَاحَ وَالزَّوْجَ وَكَالَهُ عَنْ مَوْلَايَ مُحَمَّدٍ بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ

چهارم آنکه زن یا مرد صغیر و زن بکره نباشد و یا ولی نداشته باشد

درین صیغها پنجولست که در قسم ^۲ و درم مذکور شد الا صغیر ^۱ بیوم که

تلفظ باین نباید کرد و قسم ^۵ ^۶ ^۷ ^۸ ^۹ ^{۱۰} ^{۱۱} ^{۱۲} ^{۱۳} ^{۱۴} ^{۱۵} ^{۱۶} ^{۱۷} ^{۱۸} ^{۱۹} ^{۲۰} ^{۲۱} ^{۲۲} ^{۲۳} ^{۲۴} ^{۲۵} ^{۲۶} ^{۲۷} ^{۲۸} ^{۲۹} ^{۳۰} ^{۳۱} ^{۳۲} ^{۳۳} ^{۳۴} ^{۳۵} ^{۳۶} ^{۳۷} ^{۳۸} ^{۳۹} ^{۴۰} ^{۴۱} ^{۴۲} ^{۴۳} ^{۴۴} ^{۴۵} ^{۴۶} ^{۴۷} ^{۴۸} ^{۴۹} ^{۵۰} ^{۵۱} ^{۵۲} ^{۵۳} ^{۵۴} ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰}

اقدام مذکوره الحجاب را از قسم باید برداشت و قبول را از

قسم دیگر و اگر هر یک تفصیل موجب تطویرست ^۱ بهم آنکه

هر دو صغیر باشند و بموالیات عقد کنند ولی ایشان و ولی دختر

بگوید زَوَّجْتُ ابْنَكَ بِنْتِي وَكَالَاهُ عَلَى الْإِصْدَاقِ

المعلوم ولی بگوید قبلت لایبنتی ولایه علی

صداق المعلوم بار دیگر وخت انگشت بگوید

بار دیگر باز وخت گانبی بنتی بگوید ولی دختر پس بگوید

انگشتک و زحمتک بنتی زینب مرمن ابنتک

محمد علی الصداق اثنا عشر تومانا قضیا

صاحبقرانبا ولی بگوید قبلت النکاح والنزوح

لایبنتی و باقی صورتها از آنچه کفیم معلوم می شود مابعد که

که مرتب و حالت از طرفین میشود و عارف بفرماید باشد

که کمتر عدد و اعراب و سایر الفاظ را تلفظ تواند نمود و دیگر

لایحه خود را و قاری کرده باشد که ادای حروف از مخارج تواند

کرد و رعایت وقف و وصل در مواضع خود میکند و چون درین

زمانه در میان عجم الفاظ متبرکه که متعارف شده است مثل

محمد حسین و محمد علی ظاهرش آنست که رعایت قواعد ترکیب

در نهادن محمد علی محمد حسین نفع دال و یا دوال و

نون و اگر رعایت طور عرب نمود محمد علی کنیه دال و

یا نبین هم کنند از احتیاط و در نیت و هر یک از مرد و زن که حاضر

باشند در وقت عقد اگر وکیل عوض اسم ندانند و بگوید و یا بگویند

بتر است و باید که قبل از تمام صیغه ایجاب شروع بقول

کنند و بعد از تمام فاصله عرفی در میان واقع نشود و باید که در تمام

وکیل شدن با دو مرد عادل با جمعی از مشهود و تولیف باشند

که آن آن زن را بشناسد و بداند که اوست که حرف میگویند

نه دیگری تا در وقت شهادت تواند شهادت داد و باید که در

وقت

وقت وکیل شدن صدقه بخش تعیین مهربند که زرناده سک

است یارای دند و نک و نیم است باده وکی و باید که قبل از

شروع در صوغه خطبه شتمل بر حمد و صلوات و تحریص بر انجام و تعبد

بر رفاه بخواند و خطبه های منقول که در خطبه هست به یک رز خواند

خوب است و اگر اینها مسیر شود این دو کلمه که بخاطر رسیده است

آیه الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ لَشْرًا فَجَعَلَهُ

نَسَبًا وَمَهْرًا وَكَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا وَصَلَّى اللَّهُ

عَلَى أَشْرَفِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ

الَّذِينَ أَزَاهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ

وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا مَّا بَعْدُ فَقَالَ اللَّهُ

تَعَالَى وَقَوْلُهُ الْحَقُّ وَأَنْتَ الْحَقُّ يَا مُحَمَّدُ

وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِيمَانِكُمْ

إِنْ يَكُونُ تَوْفِقًا يُعِينُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ

وَاسِعٌ عَلِيمٌ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ نَأْكُو ثَنَا

سَلَوْتِكُمْ وَأَفَاتِي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمُ يَوْمَ الْقَاوِ

لَوِي بِالْفِسْطِ وَالصَّلَاةِ عَلَى شَرَفِ

الْمُسْلِمِينَ كَمَا مَدَى عِرْقَتِهِ

الطَّاهِرِينَ الْمُعْصُومِينَ

وَبَدَانِكُمْ صِيغَةً مُتَوَعِّينَةً بِرَبِّكُمْ شَرِطَتِ بِرُكْبَلِ

زَيْنَ كَبُودِيهِ مَتَعَتْ نَفْسُ مَوْكَلَتِي زَيْنَبَ

مِنْ مَوْكَلِكِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْإِلَهِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ

بَارِئِ شَامِ يَابِ

دِكْ

وکیل مرد بگوید قَبِلْتُ ^{کُلُّ} لَوْرِ کُلِّ اَرَوِیل زن بعد از تمهید

دست مبلغ و تعین مرد بگوید مُتَعْتُ نَفْسُ مَوْکَلَتِی

مِنْ مَوْکَلِّکَ فِي الْمَدَّةِ الْمَعْلُومَةِ

بِالْمُبْلَغِ الْمَعْلُومِ وکیل مرد بگوید قَبِلْتُ لَوْرِ کُلِّ

و اگر احتیاط موافق مدلول احادیث کثیره در حین و کالت

بگوید زن که ترا منته می دهم بشرط آنکه تو از این میراث نبری

و او از تو میراث نبرد و عده براری و طلب قسمت لیا

چنانچه در لکاح و ایامی باشد تنمائی و توقع فرزند هر یک

از او نداشته باشد در مدت فلدن بیع علان و صیغه بن

نحو بگوید زَوْجَتِی نَفْسُ مَوْکَلِّکَ بِحُکْمِ

مُتَعَّتِهِ شَهْرًا طَامِلًا سَفَاحَ عَلٰی کِتَابِ اللَّهِ

وَسَمَنَةً يَنْسِيهِ عَلَى أَرْهَ تَرْثُهُ وَلَا يَرْثُهَا وَعَلَى

أَنْ عَلَيْهَا الْعَدْلُ كَيْسَ مَرْدُودٍ قَبْلَتْ عَلَى الشُّرُوطِ

الْمَذْكُورِ تَهْتَرُ خَوَاهِدُ لَوْ دَاكِرُ طَرَفَيْنِ خَوْصِيغَةً كَيُوسِدَ

زَوْجُكَ نَفْسِي مُتَعَةً وَضَمِيرُهَا غَائِبٌ

رَاجِعُونَ سَكَلَمُ خَوَاهِدُ نَفْسِي رَسَقُونَ وَيَكْرَهُ هَرَسَتْ وَاللَّهُ

الْمَوْفُورُ لَكَ لَعْنِي عَتَقَهُ مَوْلَاهُ الْعَدْلُ الْمَذْكُورُ

مُحَمَّدُ بَاقِرُ بْنُ مُحَمَّدٍ لَعْنِي عَفَى عَنْهُمَا بِالنَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْمُتَقَدِّسِينَ فِي

سَلَامَةٍ فِي صُورَتِي كَزَنْ مَرْدُودٍ كَيْسَ خَوْصِيغَةً كَيُوسِدَ

خَوْصِيغَةً كَيُوسِدَ نَفْسِي مُتَعَةً وَضَمِيرُهَا غَائِبٌ

لِنَفْسِي بِالْمَلِكِ الْمَعْلُومِ فِي مَدَّتِ الْمَلِكِ

بَعْدَ أَنْ كَوَيْدَ قَبْلَتْ لِنَفْسِي فَلَا أَنْتَ فِي صُورَتِي كَزَنْ

لِنَفْسِي بِالْمَلِكِ الْمَعْلُومِ فِي مَدَّتِ الْمَلِكِ

زن با کسی متعه کند او را وکیل سازد از جانب خود خالی
 از اشکال نیست و احتیاط افضل آنست که کسی دیگر را ^{۳۶۸}
 وکیل سازد تا متعش صحیح باشد و در حدیث صحیح از حضرت
 امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون عرس به
 نزد تو بسیار نذبلو که پیش از آن وضو ساز و دو نوبت نماز
 و دو رکعت نماز کن و بگو که اورا نیز امر کنند که دو رکعت نماز
 کن و بگو که اورا نیز امر کنند که دو رکعت نماز بگذارد پس
 حمد الهی بگو و صلوات بر محمد و آل محمد نبوست پس
 دعا کن آن زمان را که ما خوانده ایم یا امین بگو بنزد این
دعا بخوان اللهم انزل قونی الفها وورها ورضاها
و ارضی بها و اجمع بیننا باحسن اجتماع

انسان اسلاف احسانك بحب الحلال وتكره الحرام

و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

منقولست که چون شب زفاف نزد عروس بروی

موی پیشانی بس را بکشد و در وقت قبله آورد بگوید اللهم

بإمانتك اخذتُها وبكلماتك استحللتُها

فإن قضيتُ منها ولدتُ فأجعله مبادكا

تقيا من شيعه آل محمد ولا تجعل الشيطان

فيه شركا ولا نصيبا و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول

است که دست بر بالای پیشانی بگذارد و بگوید اللهم

على كتابك تزوجتها وفي أمانتك

أخذتُها ولكلماتك استحللتُ

منقول

سجده
فَرَجَهَا فَإِنَّ قُصَيْتَ لِي فِي رَجْمِهَا شَيْئًا وَفَاجِئَةً

مُسْلِمًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْهُ شُرَكَاءَ شَيْطَانٍ

راوی پرسید که فرزند چگونه شرک شیطان می

شود و فرمود که اگر در وقت جماع کردن نام خدا بر دوش شیطان

دور میشود و اگر نام خدا نبردند و اگر خود یا در آن شخص داخل

میکند پس جماع از هر دو میباید و نطفه ملکیت گفت

که بچه جز مستوان و النسب که در کسی شیطان شرک

شده است فرمود که هر که مارا دوست میدارد شیطان

در و شرک نشده است فرمود که هر که دشمن ما بدست

شیطان در و شرک شده است و در روایت معتبره

و بکار حضرت صادق علیه السلام منقول است که این

وَعَايَ نَحْوَانُ دُرُورَ وَفَتِ زَفَافَ بَلَمَاتِ اللَّهِ اسْتَحْلَلْتُ

وَجِهَانِي أَمَانَتِ اللَّهِ أَخَذْتُهَا اللَّهُمَّ ^{رَبِّهَا} أَزْ قَصَيْتُ لِي

فِي رَحْمَتِهَا شَيْئًا فَجَعَلَهُ بَارًّا نَقِيًّا وَاحْجَلْهُ مُسْلِمًا

وَلَا تَجْعَلْ فِيهِ شُرَكَاءَ لِلشَّيْطَانِ

وَدَرْجَتِ دِكْرِ اَزْرَانِ حَضَرَتِ مَقُولِ اسْتِ كَهْ حَضَرَتِ

شَرِكِ شَدْنِ شَيْطَانِ دَرْ نَطْفَةِ آدَمِي بَيَانِ كَرُودَةِ آدَمِ

وَبِسْبَابِ عَظِيمِ شَمِ دَنْدِ رَاوِي كَفْتِ كِهْ چِهْ بَايْدِرُوكِ اِيْنِ

وَاقِعِ نَشُودِ مَوْودِ كِهْ هِرْ كَاهِ اَرَادَهْ جَمَاعِ دَرْ شَمِ بَاشِ اِيْنِ عَا

نَحْوَانِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يَدْبُرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

اللَّهُمَّ أَزْ قَصَيْتُ مَنِي فِي هَذَا السَّلَةِ خَلِيفَةً

فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شُرَكَاءَ وَلَا نَصِيبًا

وَلَا خَطَاوًا وَاجْعَلْهُ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا

396

مُصَفِّيًا مِنَ الشَّيْطَانِ وَدُجْرَةٍ جَلِيلٍ

شَاؤُكَ وَدَر حَدِيثِ دِكْرِ مَوْدِ كِه چُون خَوَاهِدِ كِه

شَیْطَانِ شَرِکِ نَشُودِ بِسْمِ اللّٰهِ دُنْیَا هِ بِرُو نَجْدِ اَز شَرِیْطَانِ

وَ اَرَحْفَزَتْ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلَیْهِ السَّلَامُ مَنَقُولَتْ کِه چُون

کِس اراده جماع کند مگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَ اَبْدِ اللّٰهُمَّ جَنِّتِیْ

الشَّیْطَانِ وَ جَنِّتِ الشَّیْطَانِ مَا زَنَزْتَنِیْ

پس اگر فرزند بوجود آید شَیْطَانِ هَر زَمَانِ

مَرَرَنْتَ بِنْدِ وَ اَرَحْفَزَتْ اِمَامِ مُحَمَّدٍ بِاَقْرَبِ مَنَقُولِ اِسْتِ کِه چُون

اراده جماع کنی اَیْنِدِ عَا نَجْوَانِ اللّٰهُمَّ اَزْ نَزَقْتَنِیْ وَلَکَ

وَأَجْعَلْهُ تَقْنَانًا كَمَا لَيْسَ فِي خَلْقِهِ زِيَارَةً

الْحَظِيرِ

تَقْنَانًا وَاحِدًا عَاوِدًا فِي حَدِيثٍ مَعْتَبَرٍ مَقُولٌ كَمَا مَرَدَدًا

جَمَاعِ كَرْدَنِ مِثَالِ طُلُوعِ صَبْحِ تَا طُلُوعِ أَقْتَابِ وَدُرُوقِ

قُرُوقِ شَنِ أَقْتَابِ تَا بِطَرْفِ شَدْنِ سَرْفِ مَنْوَبِ

وَرُوزِ كِهْ دَرَانِ بَادِ سِيَاهِ يَا بَادِ زُرُوقِ حَادِثِ شُودِ وَرُ

شَبِ يَا دَرُوزِ كِهْ دَرَانِ زُلْزَلِ حَادِثِ شُودِ وَالْمَذْكُورِ

كِهْ جَمَاعِ كُنْدِ دَرِ بِنِ أَقَاتِ پَسِ اَوْرَا فَرْزَنْدِیْ هَمْدِ

نَهْ بَمِندِ دَرِ بِنِ فَرْزَنْدِ چَرِیْ رَا كِهْ دُوسْتِ زِیْرَا كِهْ آيَاتِ غُفْبِ

اَلْهٰی رَا سَهْلِ شَمُودِهْ هَسْتِ **از حضرت امیر المومنین علیه السلام**

مَقُولِ هَسْتِ كِهْ هَر كَاهِ كِهْ رَا دُرْدِیْ دَرِ بَدَنِیْ هَمْدِ یَا

حَرَارَتِ فَرَا حَشِ غَالِبِ شُودِ پَسِ بَا زَنِیْ جَمَاعِ كُنْدِ یَا كِهْ

شود از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در حال خواب

بازن خود چای کند و فرزندیکه بهر دست منحنی خواهد بود حضرت

327 صادق علیه السلام هرگاه که بعد از چای و پیش از غسل از او چای

بیکردند وضو بیاخذد و در روایت دیگر منقول است اگر

انگشتری با او باشد که بران نام خدا نقش کرده باشند چای بکنند

از ابو سعید خدری منقولست که حضرت رسالت پناه صلی الله

علیه وآله وصیت نمود بفرستاد امیر المؤمنین صلوات الله علیه

که با علی چون عروس آری و داخل خانه شود و نقش بپوش

بکنی تا بکشند و دستهایش را و پاهاش را بشوی و آن

سراپ را از در طایفه تا آنهاى خانه بپوش چون چنین کنی ^{که خواست}

بمقادیر نوع برکت را داخل خانه تو کند و بمقادیر نوع

رحمت بر تو فرستد که بر سر عروسش فرو آید تا آنکه آن برکت

بگوش از خانه باشد و منع کنی عروس را تا هفت روز از

خودن شیر و سرکه و کشنه و سبب ترش محضت ابر المونس ع

گفت یا رسول الله صلی الله علیه و آله بچه سبب او را منع کنیم

از اینها فرمود زیرا که رحم سبب اینها سرود و عظیم میشود و فرزند

نمی آورد و حقیر که در راجه خانه افتاده باشد بهتر است از آنکه

فرزند نمی آورد فرمود که یا علی جماع مکن در اول ماه و میان ماه

و آخر ماه که دیوانگی و خرد و خط و باغ راه می باید بآین زن و فرزندش

یا علی جماع مکن بعد از پیشین که اگر فرزند بهم رسد حاصل خواهد

بود یا علی در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزند حاصل شود این

نیت که لال باشد و نگاه کند احدی بفرج زن خود و چشم پوشد

از آن

در آن حالت که نظر کردن بخرج در آن حالت باعث کوری فرزندی

میشود یا علی شہوت و خواهش زن دیگری با زن خود جماع

378 مکن که اگر فرزندی بهم رسد محنت یاد بواند باشد یا اگر ضب

با زن خود و فرارش خوابیده باشد و آن بخواند میسر نم آید

از آسمانها بیرون نازل شود و بسوزاند ایشان را با جمیع مکن

با زن خود مگر آنکه دوستی را از برای خود داشته باشد و هر دو

او و ستی را از برای خود داشته باشد هر دو خود را بسوزد

با یک مکنید دشمنی در میان شما پیدا شود آخر بجائی می کشد

یا علی را سواد با زن خود جماع مکن که از فعل خیر است اگر فرزندی

بهرند مانند حر از رخت خواب بول کند یا علی در شب

عبد و طری جماع مکن که چون فرزندی بهم رسد بسیار از او بظهور آید

یا علی در شب عید و بان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شش
انگشت خواهد بود یا علی در زیر درخت میوه دار جماع مکن اگر
فرزندی بوجود آید جلاد و کشنده مروج باشد مائوس و کمر کرده
ظلم باشد یا علی در برابر آفتاب جماع مکن اگر برده بناویری
اگر فرزندی بهم رسد همیشه در بند حالی و بر بنانی باشد تا بمیرد
یا علی در میان اذان و اقامت جماع مکن که اگر فرزندی بوجود
آید راغب باشد در خون ریختن یا علی چون زنت حامله
شود با او جماع کنی بوضو که اگر چنین کنی فرزندی که بوجود آید کور
دل و مجنون باشد یا علی در نیمه شب بان جماع مکن که اگر فرزندی بهم
رسد بیمار و یا در ظالمان و بلاء بسیار مروج آید و دست مروی شود
یا علی بر پشت بام جماع مکن اگر فرزندی بهم رسد منافق و یا

حاصل شود و در پیشانی آن کس باشد یا علی در آخر شب بان

صاحب بدعت باشد یا علی چون بسوی بروی در شب

که بیرون میروی جماع کنی اگر فرزندی بوجود آید مالش را

بناحق صرف کند و اصراف کند گمان برادر شیطان اندک 36

و اگر بسوی بروی که سه روز باشد جماع کنی که اگر فرزندی

بوجود آید مادر طالممان باشد جماع کنی یا علی در شب و در شب

که اگر فرزندی بهم رسد حافظ قرآن و راضی بقیمت خدا باشد

سعادت اسلام او را شهادت روزی شود و مالش را

از غنیمت و بهتان پاک باشد یا علی اگر جماع کنی در شب

بخشند اگر فرزندی بوجود آید شیطان نزدیک او نه شود

تا بر شود و خدا او را روزی کند سلامتی و در دنیا و دین یا علی

اگر جماع کنی در شب جمعه و فرزندی بهم خصلت و سخن گوید یا

و اگر در روز جمعه بعد از عصر جماع کنی خیرت دی بهم رسد از دانا یان
مست مشهور باشد و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از خفتن امیدت
که آن فرزند از ابدال باشد یا علی در ساعت اول شب جماع
کنی که اگر فرزندی بهم رسد این نیستی که ساحر باشد و دنیا را
بر آخرت اختیار نماید یا علی این وصیت را با منور از من
چنانکه من از جبرئیل ۱۲ آموختم و را حادیت معتبره دارد و شریف
است که سنت است که عروس در شب واقع شود طعام
در جاشت بخت شود و منقول است مکره است جماع کردن
در روز یکشنبه و آنگاه بیکر دو مکره است در شب که
در آن شب ماه بیکر دو مکره است و از دو مکره و بقیه
جماع کنند از آن حضرت پرسیدند که آیا مرد عریان جماع میتواند

کرد فرمود که نه رو بقبله و پشت بقبله جماع نکند و در شستن جماع

نکند **حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله** و سلم نهی فرمود از آنکه

کس محظوم شده باشد از آنکه غسل کند و جماع کند و فرمود که اگر فرزندی

بهم زد و یوانه باشد ملائت نکند مگر خود را حضرت رسول صلی

الله علیه و آله و سلم فرمود که بخی آن خدای که جانم و قمر بصره قدرت

اوست اگر شتی باز ن خود جماع کند و در آن شتی دیگر سیدار

باشد که ایشان را به میزد یا سخن و نفس ایشان بشنود و فرزند که

از ایشان هم رسد رسکار نباشد و زنا کار باشد **حضرت**

امام زین العابدین علیه السلام چون معاشرت بزنان میکردند

خسکاران را دور میکردند و در مارامی بسته و پرده مارامی

انداختند **حضرت صادق علیه السلام** پرسیدند که اگر کسی را

بازن خود عریان کند و باو نظر کند چون است فرمود که نه
از این بهتر می باشد حضرت رسول ص فرمود هر که در محض
بازن خود جماع کند پس اگر فرزندی بهرست متولد شود
بخور و یا پیش پس ملامت نکند مگر خود را از حضرت رسول
علی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون کسی خواهد باین
خود جماع کند بر دوش نرود و بلکه اول با او خوش طبعی
کنند و بعد از آن جماع کند **حضرت صادق** علیه السلام فرمود
که جماع مکن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که باعث این
میشود که فرزندی سقطه شود و نزدیک است که اگر فرزندی بهرست
دیوانه باشد یا صرع داشته باشد نمی بینی کسی را که صرع میکند
اکثر آنست که یا در اول ماه یا در میان یا در آخر ماه صرع باشد

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نباید مرد را که در خول

در شب چهارشنبه حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود

که هر که جماع کند باین خود در تحت الشعاع پس با خود قرار دهد ³⁴⁸

افزون فرزند از شکم پیش از آنکه تمام شود و مت تمام نشد

بسم الله الرحمن الرحيم خواص و فضیلتی نقلی عن خط من قال

لقلته بخط سید المحدثین و اسوقه المحققین حضرت نقابت

مستب میراث علیه الرحمه **الف** هر کس بعد از نماز

باید او پیش از آنکه سخن کند هزار بار بگوید او را چندان نعمت

جمع شود که حساب نتوان کرد و اگر هزار الف نویسد و با خود دارد

همین خاصیت دهد **ب** چون کسی محبوس بود هر روز

با صد بار بگوید خلاص شود و اگر نویسد و با خود دارد و همین

باغ کو مارکی

هفتاد و غد و بنویسد و وزیر سر دهند و خواب ببیند

سفر خود

دال اگر کسی خواهد که ظالمی را از مقامی آواره کند مانند

بر خیزد و قتل از آنکه سخن گوید بر بالای بام رود و در آسمان

هفتاد و بار بگوید انظالم از اینجا نقل کند و اگر هر روز هزار بار بگوید

سفر بارگی

بدولت رسد **دال** اگر کسی در خود سازد دولت

از روز و انتقال کند و اگر بنقصد مار شیرینی خواند و یک

سات سوار از در سر بسی بگذرد

و بدو چشم خدای غریب کرد و **را** اگر کسی دقت دارد

و نیاید بنقصد مار و کوشش خردی سفید بگوید آن خردی

سات سوار در کان م غلغله

رود و با سر آن دقت دارد و بنقصد و بنویسد و در کوشش

هند و در کوشش رود و در میان قلعه مانند یک بینه و

وزیر بیکر نهند و قفسه را در خواب ببیند **را** اگر کسی هر روز

و بنام مادر او و بنام خود و نام مادر او خود انکس حاضر کرد

قاف اگر کسی هر روز چهارصد بار بگوید و هر سنی که خواهد ^{چهار روز}

از راه او کرد و او را خواهد که خواب کسی را نبندد و دولت

عده بر کاغذی بنویسد و در زیر سنگ گران کند البته نمود

کاف اگر کسی خواهد که از چشم خلق مایه بد نشود در

وقت حاجت بخشد یا بگوید حاجتش روا کرد و اگر ^{سازد}

صنوعش نفیاش کند از چشم زخم امین کرد و **لام** اگر کسی

نزد کسی چیزی دارد و بدست نمی آید بمقتدا یا بگوید یا طلب ^{سازد}

بدست آید و اگر بر یک زر لولید و در جوی آب روان

در زیر سنگ کند در نظر خلق غم نرزد شیرین کرد و **میم** اگر

کسی در وقت نماز حجه صد بار بگوید حضرت پیغمبر صلی الله

علیه و آله و سلم را در خواب بیند و اگر بر کسی نوبت دیا

خود دارد و هر جا نوری که او را کند و در و کند و اگر هر روز صد ^{۵۸۱}

و نگاه نابر خواند زبان خلق از او بسته کرد و **نون** اگر کسی

بعد از نماز با دعا و هزار بار بگوید هشت روزی او کرد و **واو**

اگر کسی خواهد که روزی بروی کشاده کرد و هر روز هزار بار

بخواند روزی حلال یابد **ها** اگر کسی که از شر شیطان

امین کرد و هر روز بعد از نماز با دعا و هزار بار بگوید و در

هر نوبت لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بگوید **لا**

اگر بر ساق پای نوبت نیرود کرد و **یا** در نوشتن حاجت

آن شهوی واقع شده از کتاب افاده نعمت الخواص

نامهای چهارده معصوم در یک بیت من

لا تضر يوم يرونها لم يلبسوا الا عشية او

ضحيتها اخرج بسهولة بسعة بحق محمد وعلى

فاطمه والحسن والحسين وعلى وجعفر وموسى وعلى

محمد وعلى والحسن ومحمد المهدي صلوات الله وسلامه

عليه وعليهم اجمعين در ران به بند و هرگاه طفل

بر اید زود واکند و الا نه غالب که اگر دیر می ماند

بوده مایه می آید و السلام **مناجات منقبت**

الهی عذر آن بختی که بستد فخر زمین و زمین

بحق تو ای داور و خاک بدان چار و ده ماه مصوم پاک

بنور محمد چراغ رسل سروران سرو باغ سبل

بکلمه روضه انما بسر خرامنده ملافتا

علی

علی ولی شیر و دروکار :: سپه دار دین شاه و لول ^{سوار}

امامی که لی باو مهر او :: نیکو که از لحد سرخرو

380
بختون خست که حیرالت :: که خست مجبان او را روست

بحق شهیدان خون کفن :: کل یاب رضوان حسین

نخل حسن افتخار من :: که غلغش حسن بود و مش حسن

نخن حسین انکه در بلا :: بغیر و ده بروی بلا بر بلا

بسجاوہ زیت العابدین :: بیاور شناسای علم الیقین

محمد که همنام پیوست :: که تعلین او عرش را زیور است

به جعفر کل روضه اصطفی :: که افزود از صبح صادق صفا

موسی کلیم و حالات او :: بقریب علم و مقالات او

بقدر علی ابن موسی رضا :: شهید خراسان ظلم و جفا

چو در شکستای لحد جا بکنم :: در آن وحشت آباد ما و اکرم
ویران دم تو را لطف یاری می :: و زان مختم رسکاری می
چو منکر نظر سوی عالم کنند :: ز حال گذشته سوال کنند
در اندم بیاورم ده آن بختین :: نبی و علی و حسین حسن
و کرمادری مشه المومنین :: پناه بزرگان دنیا و دین
در اندم بدان پنج فرق رحل :: نبی و علی و دو سبط قبول
الهی الهی خطا کرده ام :: تو بر مالکیر آنچه ما کرده ام
کنه کارم غدر خواهم تویی :: چه حاجت پیرش کو اهرم تویی
کنه کار بیچاره این حسام :: بلطف تو دار و امید کام
مرا مایه کس کران داده :: بشهر غریبی و رستاده
کنم سود و سرمایه باز آورم :: که تا دولت هر دو عالم برم

کنون ایدم کس پراخته :: همه بود و سرمایه در پراخته

بخشای برین که بخارام :: گرفتار نفس تمکارام

بخشای حرم تو پوشیده دار :: که هم حرم بخش وافر کار

کرم کن کمال تباہ ایدم :: بدرگاه تو رو سیاه ایدم

که زور آورد و کرواری می :: که کمر و چو رستگاری می

نگویم بر کی و طایم بخش :: فروماند کی و گناهیم بخش

نفرم خرم گناهیم بگیر :: غنی را سرم بود بر فقر

ای مرا و مرا انجام کار :: ز سگان و در سگ خان کار

ز کس ظالم بده نوشته :: که کرم ز خلق جهان نوشته

حلاوت ده از روق طاعت مرا :: غنی کن ز کس قناعت مرا

ای ای ای الهی الهی :: روز قیامت کن عفو گناه

اگر دعوتم رد کنی در قبول :: من دوست دوامان آل رسول

سپردم تو بمانه خویش را :: تو دانی حساب کم و بیش را

چنان سازم ابل بقیام را :: که نبود تمنای دنیا مرا

بنار ان درود هر اران سلام :: ز ما بر محمد علیه السلام

الهی اگر کسی این خط نوشت :: عفو کن گناهش عطا کن بخش

تمت تمام شد بیاض سرکار دولت مدار فیض امار

نواب ستطاب معالی القاب عالی جناب

نواب علیمردان خان بهادر دام اقباله و اجلاله

نخط احقر العباد و قمر ما و من بنده جو کمین کوی

خط عربی تبارخ یازدهم شوال الحکم ۱۲۱۵

هجری نبویه صورت ترقیم یافت هوا مستوان

برای الحب برای بپاکی دشمن در قبر کند

یا در گذرگاه و حق کند

۵	۲	۸
۹	۷	۴
۱	۶	۳

۲	۷	۶
۹	۵	۱
۴	۳	۸

این نقش را از عروج ماه بر کف دست یا بر قرطاس

یا بر لوح پنج و یا هفت بار هر روز نوشته باشد
این است

بسم الله الرحمن الرحیم بحی جبرائیل و میکائیل
و اسرافیل و عزرائیل و جی عیسی و موسی بنی

لا اله الا الله محمد رسول الله تا ویرت

لا فتا الا عیال لا صیف الا ذوالفقار هم یلم

عنی فیم لایر جون این آیت را بر شکم

یا بر نبات بخواند مطلوب را بخوراند لبس
الله الرحمن الرحیم یا کیم یا عی یا هم لا یرجون
نوع دیگر برای دفع درد که از فرج عورت فو
د آب برود و هیچ وجه نماند ای تا و نیز نوشته
در کمر عورت بندد ازین رنج خلاص یابد از
سوده رست نیست یقلبهم آفان مات
اَوْ قَتِلْ اَنْقَلَبْتُمْ عَلٰی عَقَابِلِكُمْ وَ نَعْدِکُمْ رُزْءُی
مانندون شکم عورت نوشته یکی در کمر عورت بندد و یکا
بخوراند و بنام شید و جهان شیرینی بخش کند نیست
بسم الله الرحمن الرحیم اللَّهُمَّ احْفَظْ بَیَّحِیْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
و بَیَّحِیْ اَیَّاکُ نَعْبُدُ و اَیَّاکُ نَسْتَعِیْنُ یا حِیُّ یا قَیُّوْمُ

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ بِحُرْمَتِ اِيْنِ عَرَسِيَّتِ

رَبَّانِيْ فَلَا تَنِيْ شَخْصًا وَكُلَّ شَيْءٍ مِّنْ مَّوَالِيْ اَتَمَّتْ اَلزَّهْرَةَ

398

صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَسَلَامِ عَلَيْهِا وَوَعْدِكَ بِهَرَكَةِ اِيْنِ اَهْلِكَ

بِرَكُوْزِهِ بِنُوَيْدِ وَاسِيْبِ زَدِهِ رَا بُوْرَانْدِ اَسِيْبِ دِيُوْدِ

بِرِيْ دَفْعِ شُوْدِ لُوْزِ اَشْرَاقِ قُوِيْ وَوَعْدِكَ بِهَرَكَةِ اِيْنِ نَقْلِ

نُوشْتِ وَدَخَانِ نِكَاهِ دَرِ دَرْدَانِ اَللّٰهُمَّ دَرِ دَخَانِ اَفْتِ رِزْقِ

4	2	4
7	6	8
5	10	3

نُوشْتِ اِيْنِ اَكْتِ

وَوَعْدِكَ سُوْرَةِ الْكُوْثِرِ بِهَفْتِ دَفْعِ بِرِشْرِفِ زَرْدِ فَوَائِدِ

بِرِشْرِفِ بَرَنْدِ شُوْدِ وَوَعْدِكَ اَكْرَافِ اِيْنِ كِهْ زَنَارِ اَوْرَاقِيَّتِ

خُوْدِ كُنِيْ اِيْنِ تَاوِيْرِ اَنُوشْتِ زِيْرِ دَرْدَانِ اَوْدِ نِكَاهِ دَاوِشْتِ بَارِزِ

دو حکایت کند زن بی اختیار کرد و بکلام در آید تا ویزا است

لا الا اعلان نوعدیکر اگر خواهد که زبان کی را ببندد

این ظلم را بنویسد و در زیر نیک کران بنهد تا زبانش بسته شود

است

۵۴۴	۱۵۳
۴۴	۴۴

 نوعدیکر اگر خواهد که در

محبت خود کی را بفرار کند باید که این ظلم را بنویسد

بر زبان کند و پیش کر به سیاه اندازد تا او بخورد و مقهور شود

شده تو باید بکن ماه نو باشد روز شتری است طلسم کن

حاکم اک طم لالا نوعدیکر که خواهد که را بر خود

فریفته و عاشق گرداند هفت صد بار مع فوسه و بر سر

خونده مطلوب را بخوراند از موده و عرب است و یا برد

خود به بندد نوعدیکر برای تب و لرزه اگر که راتب

هر روز بیاید و هیچ نوع دفعه شود این دعا بنویسد و در کلونید

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله فی بسم الله کافی بسم الله الرحمن الرحیم

الوافی یا من الله برو بازنا الله و رسولک بر حقک یا ارحم

الرحمین نعوذ بک از عورت را حمل می افزاده باشد

391

باید که این دعا بنویسد بر زنان میبده و خوردن دهد اگر حمل

نماند فردا قیامت چهل او در دامن باشد دعا آنست

قوس ص قوس سلام بحق کل قرآن ط نعوذ بک جهت محبت

این آیه را بر خیز خور دینی یا بر مندل یا بر عطر یا بر نان

بیت یکبار بنام طالب و مطلوب بخواند و او را

بدید دینوریه او شود و ما در میان خواندن سخن نگوید

آیه آنست و ض الناس من شیخ و من ادونا الله

أَنذَرُكُمْ بِمَوْتِكُمْ كَيْفَ رَأَيْتُمُ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا اسْتَضَاءُوا

حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ سِرُّ الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ

أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَإِنَّ اللَّهَ خَدِيدُ الْعَذَابِ

نوع دیگر این نقش را برای قوه باه و ساه نوشته در

بند و تازمانیکه در پیش باشد منزل شود و سب

کند نقش را الوقت از زال شود مجرب است

۸	۳	۱ ع	۷	۲	۲
۲	۱۲	۱۲	۳۲	۲۲	۱۲
۶	۴	۸۲	۳۲	۱۴	۲۲
۶	۱۳		۱۱۵	۱۲	۵۰
۶	۷		۱۱۵	۱۶۶	۳

نوع دیگر این نقش را از قلم طالو نویسد امر بسیار شود

۷	۹	۳۸۵	۵۶۹
۳۸۲	۲۸	۶۶	۸۸
۶۲	۲۸	۱۸	۲۸
۲۶	۲۵	۸۵	۸۸

نوع دیگر برای محبت آزموده و مجرب است باید که نام خود

و نام محبوب خود بر هفت بار چنان کند مری به هفت

اسم را اولیة سک سرینم را بخواند و اگر زن محبوب

سک مالدینم را بخواند تا که سک مرده نشود محبت برود

392

و مجرب است (غده) (مرحی) (ادوم) (غده)

(داسکر) (دس) (الهی) نوع دیگر فلان بن فلان

علا بعض فلان بن فلان این طلسم را بنویسد بر کاغذ

و بخواند در میان دو کس عداوت کنی بخواند اگر

زن باشد طلاق اگر کثیر باشد بخواند است

لا اوج الا و عری می سوم ۷۴

نسخه آتش قوهل
مرج بیاہ
رکیور
هائ هائ هائ

زیره سفید برکت تمبول این همه ادویه را
۲۵ عدد ماه
کوفته برکت تمبول را حل نموده شش گوی به بند در تمل

بخورد اگر ملاکی نباشد در جغرات بوقت صبح بخورد

نوع دیگر برای سوزاک بهون پهلای را گرفته در

آب بیندازد بوقت صبح این را شش نموده قدری

سند یا تباسه بیندازد و بخورد سوزاک مطلق نماند

نوع دیگر ادویه لذت بیارد خون خروس سفید یعنی

مرغ همراه شهد بخوشاند بر قضیب طلا نماید چنان لذت

شود که هر دو بهوش شوند نوع دیگر نسخ قوه باه و

امساک افیون مصری چند سدر دار حنی طمی
۱۰ توله ۱۵ ماه ۱۵ ماه

سالب مصری کل بالونه زعفران سیتکاروی
۱۵ ماه ۱۵ ماه یک توله ۱۵ ماه

خلط

فل فل زنجبیل بی ریه دو انه فل فل کندر چند دار
سه ماهه ۱۷ ماهه ۱۷ ماهه ۱۷ ماهه

نقدی این همه ادویه را کوفته پیچته بعرق کیوژا نم داده
تور

کولی بای نقد رکنار ضحاک بسته ورق نقره سجده نگاه دارد

از یک حب تا دو حب شام بخورد نوعدیکر نه دجهت
393

اساک و قوه باه از نموده است از بیاضی حکیم جواهر
سه ماهه

بکند بهج بند اول جواهر را ساییده نگاه دارد
سه ماهه

دیکر ادویه کوفته پیچته سرمه ساز نموده در باره دریای

پیچتن نموده نمونه بر مذکور در شهد خالص انداخته

بوجب یکن که کولی بندد برابر خود کسری زیاده کولی

بسته نگاه دارد و پیش از جماع چهار کپش کولی بخورد

بعد جماع کند به شیر حاصل شود و قوه بماند نسخ دیگر جهت

سید نمودن مینی ازیت سالب مهر
مقاقل مهر
۶ ماهه
اوله

لوزیران بهمن سرخ قودری زرد تخم هلیون
۶ ماهه ۶ ماهه ۶ ماهه ۶ ماهه
بنات هم که کوفته بخیه هفوف نموده خوراک بدهند
۳. لوله

بایریش یا یئر سبز لاچار کی یئر کاوهر قدر هم خرم شود
وقت صبح بخورد از ترش و بادی پرهیز نماید و عدس

نسخه رتوبه باه زردی بیضه سرخ عرق پاز نیم پاو
عدد

عرق ادرك كنج سفيد سوسا سیاه
نیم پاو نیم پاو نیم پاو
اسکند ناکوری قدری جوز و جوتیری و دار چینی
نیم پاو نیم پاو
نیم پاستار قوام نموده ادویه نار اخلوت کرده

مچون سازد قدر دو توله وقت چهار همراه بکشد

کاو بخورد نسخه جهت خشک نمودن اب فرج عورت

وفا

و خنک و تنک سحر کلی انار بهشکری چون

شکر خور پوست اندر جو ۲۰ ۱۲ ۲۰
بارجه باریک این همه اودیه ۲۰

۱۲
و گوب نموده در میان سه انار آب خوش نماید و

۳۹۹

که نیم اسرار آب باقی ماند از آتش خود آرد سرد کرد

بارجه مذکور در روز یک سازند و بخور نماید

خوش کند و سرد نماید بارجه را باز رنگ نماید غرض

تا آب باقی ماند همین طور خوش داده سرد کرده بارجه

رنگ سازد وقتی که آب آخر شود بارجه را خشک کرده

نگاه دارد چهار انگشت آن را گرفته در میان شترنج

نهند بعد دو گری از فرج بیرون آورده مجامعت نماید

خوب خوش و ایدند اگر زن حاجت کند تا از بارجه چهار

انگشت

ذکر را دخیل کرده باز کنند از بارچه مذکور صاف کرده
در مجامعت گرم باشد بسیار خوش شود نوعدیکر منزل ^{نشین} ^{کنند}

بخورت کافور جودانه ^{یک} چور ^{هر دور} اساییده در
^{سهریه} ^{هرینه}
بشیر نر حل کند که سرمه شود آنوقت کار دو کپری ^{مشته}

به صفی سوراخ قضیب طلا کند بعد مشغول شود زن

انزال کند نوعدیکر برای سیلابی منی ^{سوند}
^{۲ دلم}

مصری ^{۲ درم} هر دور ایجا کرده مقدر بادام بخورد و

برنج ساپی بی نمک خورده باشد دفع شود نوعدیکر
نخم زنند این ساید از آب بر ذر طلا کنند و از

دست و پایی خود بمالد اساک خوب شود نوعدیکر

به بل بهشت کشای در بارچه صفت کرده و آب او و ورق ^{او}

گرفته اورا بر برگ بان طلا کرد و هر ذکر بخواند
تا هفته ذکر دراز کرد و سخت شود نو عیدیکر چشم آید

آورده ز پیران زن دو دگند که مرده از شکم

عورت بیرون آید نو عیدیکر اگر کعبه دما جو یا

بزن بدهد و بخوراند چه مرده از شکم بیرون آید

است نو عیدیکر کوکله و بخور هر دو را میاید بر

طلا کند تا هفته سخت شود و طبع هر که عورت

نو عیدیکر علاج ناسور بیارد موسی عورت اورا

مانند سرمه اندیکه آب اندازد و ساییده بر

ناسور بندد بکم الهی و صحت شود نو عیدیکر برای

جاری که هیچ نوع بنزد این دوا بخورد صحت یابد

سوف بران شوند بران پوست
یک درم یک درم یک درم
کمرشده همه را سائیده بخورد شکم روان
یک درم
بند شود مجرب است نوع دیگر بر این تون

باه و امساک بیره پوئی جوز بویه هر دو
ادرم ادرم
را با مسک حل کرده برین طلا کند سنجی و

امساک آرد نسخه دینی انشفس طوطیا
توله

سرب باریک طوطیا کرده سرب که از کرده
کنیم توله

قدری قدری فخلوط کعبه بردارد یک رسته بخورد

نوع دیگر دسوفی اشک شکر عرقه
توله ۲ توله ۳

طوطیا خام هلیله زنگ اندر جو مایین جوز دکان

چهار یک کنگیا باریک نموده وزن که مخلوط یک خن
۶ ما ۶ ما ۶ ما
۶ ما

